

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# مناسک جامع حج

حضرت آئیة اللہ العظمیٰ صافی کلایکانی رحمۃ اللہ علیہ

مرکز تنظیم و نشر آثار  
حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته

---

- نام کتاب: مناسک جامع حج
- مؤلف: حضرت آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی مدظله الوارف
- چاپ اول: رمضان المبارک ۱۴۴۰ / بهار ۱۳۹۸
- چاپ دوم: ذی قعدہ ۱۴۴۲ / بهار ۱۴۰۰
- شمارگان: ۳۰۰۰
- بها: ۲۵۰/۰۰۰ تومان
- سایت الکترونیک: [www.saafi.net](http://www.saafi.net)
- پست الکترونیک: [saafi@saafi.net](mailto:saafi@saafi.net)
- آدرس پستی: قم / انقلاب ۶ / پلاک ۱۸۱
- تلفن: ۳۷۷۵۵۵۴۳ (۰۲۵)

## فهرست مطالب

سخن ناشر .....	۱۵
فصل اول واجبات و محرمات حج .....	۱۷
اقسام حج .....	۱۹
شرایط وجوب حجة الاسلام .....	۲۰
اول: بلوغ .....	۲۰
دوم: حریت (برده نبودن) .....	۲۲
سوم: عقل .....	۲۳
چهارم: استطاعت .....	۲۳
استطاعت مالی: .....	۲۳
حج بذلی .....	۳۳
استطاعت بدنی .....	۳۹
استطاعت از حیث زمان .....	۳۹
استطاعت طریقی .....	۴۰
حج واجب به نذر، عهد و یمین .....	۵۲
احکام نیابت .....	۵۹
وصیت به حج .....	۶۸

۶.....مناسک جامع حج

حج مستحبی ..... ۷۲

عمره مفرده ..... ۷۴

اقسام حج ..... ۷۶

کیفیت اجمالی حج افراد ..... ۷۷

کیفیت حج قران ..... ۷۸

تبدیل حج تمتع به حج افراد ..... ۷۸

کیفیت عمره تمتع ..... ۸۰

خلاصه عمره تمتع ..... ۸۰

میقات (مکان احرام) ..... ۸۰

احرام (اولین عمل واجب از اعمال عمره تمتع) ..... ۸۵

احکام متفرقه احرام ..... ۹۱

احرام برای دخول حرم یا مکه ..... ۹۲

محرمات احرام یا تروک احرام ..... ۹۲

محرمات مشترک بین مرد و زن ..... ۹۳

اولین فعل از محرمات احرام: التذاذ جنسی و شهوانی ..... ۹۳

دومین فعل از محرمات احرام: استمناء ..... ۹۶

سومین فعل از محرمات احرام: عقد ازدواج ..... ۹۶

چهارمین فعل از محرمات احرام: شاهد بر عقد ازدواج ..... ۹۷

پنجمین فعل از محرمات احرام: نگاه کردن در آینه ..... ۹۸

ششمین فعل از محرمات احرام: استعمال عطریات ..... ۹۸

فهرست مطالب .....	۷
هفتمین فعل از محرمات احرام: پوشیدن انگشتر و زیورآلات.....	۱۰۰
هشتمین فعل از محرمات احرام: سر مه کشیدن .....	۱۰۰
نهمین فعل از محرمات احرام: روغن مالیدن.....	۱۰۱
دهمین فعل از محرمات احرام: گرفتن ناخن .....	۱۰۱
یازدهمین فعل از محرمات احرام: ازاله مو (از بین بردن مو).....	۱۰۲
دوازدهمین فعل از محرمات احرام: خارج نمودن خون از بدن و کشیدن دندان	
همراه با بیرون آمدن خون.....	۱۰۴
سیزدهمین فعل از محرمات احرام: فسوق .....	۱۰۴
چهاردهمین فعل از محرمات احرام: جدال .....	۱۰۴
پانزدهمین فعل از محرمات احرام: کشتن حشرات.....	۱۰۵
شانزدهمین فعل از محرمات احرام: صید (شکار کردن).....	۱۰۶
هفدهمین فعل از محرمات احرام: پوشیدن سلاح.....	۱۰۸
محرمات مردها: .....	۱۰۸
هجدهمین فعل از محرمات احرام: پوشیدن لباس دوخته.....	۱۰۸
نوزدهمین فعل از محرمات احرام: پوشاندن سر .....	۱۰۹
بیستمین فعل از محرمات احرام: پوشاندن روی پا .....	۱۱۰
بیست و یکمین فعل از محرمات احرام: زیر سایه بان قرار گرفتن .....	۱۱۱
محرمات زن ها .....	۱۱۳
بیست و دومین فعل از محرمات احرام: پوشاندن صورت توسط زن.....	۱۱۳
بیست و سومین فعل از محرمات احرام: پوشیدن دستکش .....	۱۱۴

۸.....مناسک جامع حج

- ۱۱۴ ..... احکام عمومی در رابطه با کفارات
- ۱۱۶..... فعل‌های حرام در محدوده حرم
- ۱۱۶ ..... اولین فعل: شکار کردن
- ۱۱۷ ..... دومین فعل: کندن یا بریدن گیاه و درخت
- ۱۱۷ ..... سومین فعل: آوردن خاک و ریگ
- ۱۱۸ ..... طواف (دومین عمل واجب از اعمال عمره تمتع)
- ۱۱۹..... امور معتبر در طواف
- ۱۱۹ ..... اول: نیت
- ۱۲۰ ..... دوم: طهارت از حدث اکبر و اصغر
- ۱۲۵ ..... سوم؛ طهارت بدن و لباس
- ۱۲۶ ..... چهارم: ختنه مرد
- ۱۲۷ ..... پنجم: پوشاندن عورت
- ۱۲۷ ..... ششم: مباح و غصبی نبودن لباس
- ۱۲۸ ..... هفتم: شروع طواف از حجرالاسود و ختم به آن
- ۱۲۸ ..... هشتم: قرار گرفتن کعبه در سمت چپ
- ۱۲۹ ..... نهم: طواف کردن، خارج از حجر اسماعیل عليه السلام
- ۱۳۰ ..... دهم: خارج بودن تمام اعضای بدن از کعبه
- ۱۳۰ ..... یازدهم: واقع شدن طواف بین کعبه و مقام ابراهیم عليه السلام
- ۱۳۲ ..... دوازدهم: هفت دور بودن طواف
- ۱۳۴ ..... سیزدهم: موالات در طواف



فهرست مطالب .....	۹
چهاردهم: عدم قران بین دو طواف.....	۱۳۵
پانزدهم: انجام طواف با اختیار .....	۱۳۶
شک در مورد طواف.....	۱۳۷
مسائل متفرقه در مورد طواف.....	۱۳۹
طواف مستحبی .....	۱۴۰
نماز طواف (سومین عمل واجب از اعمال عمره تمتع).....	۱۴۲
سعی (چهارمین عمل واجب از اعمال عمره تمتع).....	۱۴۵
زمان انجام سعی .....	۱۴۶
امور معتبر در سعی .....	۱۴۷
اول: نیت.....	۱۴۷
دوم: شروع سعی از صفا .....	۱۴۷
سوم: ختم سعی به مروه.....	۱۴۷
چهارم: هفت دور کامل .....	۱۴۷
پنجم: انجام سعی در مسعی.....	۱۴۸
ششم: استقبال به طرف صفا و مروه هنگام حرکت .....	۱۴۹
هفتم: مباح بودن لباس.....	۱۴۹
هشتم: وقوع سعی پس از نماز طواف.....	۱۴۹
نهم: انجام سعی با اختیار.....	۱۵۰
احکام متفرقه در سعی .....	۱۵۰
تقصیر (پنجمین عمل واجب از اعمال عمره تمتع).....	۱۵۲

۱۰.....مناسک جامع حج

احکام بین عمره تمتع و حج تمتع..... ۱۵۴

حج تمتع از سیزده فعل واجب تشکیل شده است:..... ۱۵۶

اولین فعل واجب در حج تمتع: احرام..... ۱۵۶

دومین فعل واجب در حج تمتع: وقوف در عرفات..... ۱۵۸

سومین فعل واجب از حج تمتع: وقوف در مشعرالحرام..... ۱۶۰

چهارمین فعل واجب از حج تمتع: رمی جمره عقبه..... ۱۶۴

زمان رمی جمره عقبه..... ۱۶۷

نیابت در رمی..... ۱۶۸

مسائل متفرقه رمی جمره عقبه..... ۱۶۹

پنجمین فعل واجب از حج تمتع: ذبح قربانی..... ۱۷۰

سن قربانی..... ۱۷۱

سالم بودن و بیمار نبودن قربانی..... ۱۷۲

صحیح و کامل بودن حیوان..... ۱۷۲

زمان قربانی..... ۱۷۴

مکان قربانی..... ۱۷۴

مصرف گوشت قربانی..... ۱۷۵

نیابت در ذبح قربانی..... ۱۷۶

احکام متفرقه قربانی..... ۱۷۷

روزه به جای قربانی..... ۱۷۸

ششمین فعل واجب از حج تمتع: تقصیر یا حلق..... ۱۸۱

فهرست مطالب ..... ۱۱

زمان حلق یا تقصیر ..... ۱۸۲

مکان حلق یا تقصیر ..... ۱۸۳

احکام متفرقه حلق یا تقصیر ..... ۱۸۴

هفتم، هشتم و نهمین، افعال واجب حج: طواف، نماز طواف، سعی ..... ۱۸۵

دهم و یازدهمین افعال واجب حج: طواف نساء و نماز آن ..... ۱۸۷

تقدیم اعمال مکه (طواف، سعی، طواف نساء) بر وقوف به عرفات ..... ۱۸۹

دوازدهمین فعل واجب از اعمال حج تمتع: بیتوته در منا ..... ۱۹۰

سیزدهمین فعل واجب در حج تمتع: رمی جمرات سه گانه ..... ۱۹۳

زمان رمی ..... ۱۹۶

احکام متفرقه رمی ..... ۱۹۷

کوچ از منا ..... ۱۹۹

احکام مصدود و محصور ..... ۱۹۹

مصدود ..... ۱۹۹

محصور ..... ۲۰۲

**فصل دوم مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۰۵**

مستحبات سفر ..... ۲۰۷

مستحبات احرام ..... ۲۰۹

مکروهات احرام ..... ۲۱۳

لیک‌های مستحب ..... ۲۱۴

مستحبات ورود به حرم ..... ۲۱۵

۱۲..... مناسک جامع حج

- ۲۱۷..... مستحبات ورود به مکه معظمه
- ۲۱۸..... مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام
- ۲۲۴..... مستحبات طواف
- ۲۲۹..... مکروهات طواف
- ۲۳۰..... مستحبات نماز طواف
- ۲۳۱..... مستحبات سعی
- ۲۳۸..... مستحبات احرام حج
- ۲۴۱..... مکروهات احرام حج
- ۲۴۱..... مستحبات عرفات
- ۲۵۰..... مستحبات وقوف در مشعرالحرام
- ۲۵۴..... مستحبات در جمع آوری سنگریزه‌ها
- ۲۵۴..... مستحبات رمی جمرات
- ۲۵۶..... مستحبات قربانی
- ۲۵۷..... مستحبات حلق و تقصیر
- ۲۵۸..... مستحبات اعمال مکه مکرمه
- ۲۵۹..... مستحبات منا
- ۲۶۰..... مستحبات و اعمال مسجد خیف
- ۲۶۱..... مستحبات بازگشت به مکه
- ۲۶۱..... مستحباب ورود به کعبه شریفه
- ۲۶۶..... استحباب نوشیدن آب زمزم

۱۳.....	فهرست مطالب
۲۶۷.....	مستحبات مکه مکرمه
۲۷۴.....	مستحبات وداع و خداحافظی با کعبه
۲۷۹.....	کتاب نامه



## سخن ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه وأشرف بريته محمد وآله الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضین ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى قیام یوم الدین. قال الله تعالی: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَنِّي وَعَنْ عَالَمِينَ﴾<sup>۱</sup>.

حج بیت الله الحرام، در بین واجبات و فرایض دین اسلام دارای موقعیت خاص و جایگاه ویژه است. حکمت‌ها و منافع تربیتی، اجتماعی و سیاسی آن بسیار است. حج، مدرسه عالی و دانشگاهی است که در کلاس‌هایش بخش‌های مهمی از معارف قرآن کریم و عقاید و هدایت‌های اسلام، ضمن عمل به ارکان و دستورات آن آموخته می‌شود. اسلام حقیقی، که تسلیم محض در برابر احکام و اطاعت خالص از خداوند متعال است در عمل به برنامه‌های آن ظاهر می‌گردد. همه مواقف و مشاعر آن سازنده و موجب رشد فکر و پرواز روح به عوالم غیرمتناهی و درس و جهاد با نفس و سیر در فضاهای رحمانی و ملکوتی است.

حج، مشتمل بر عبادات و وظایف مهم دینی است مثل نماز و دعا، انفاق و خضوع و خشوع در درگاه الهی، خویشن‌داری و صبر و بازداری از مشتیهات، آشنایی با مسلمانان و مسائل اجتماعی و سیاسی جهان اسلام و اعلاهی کلمه اسلام و ظهور

---

۱. آل عمران، ۹۷.

## ۱۶.....مناسک جامع حج

نفوذ دعوت حضرت خاتم الانبیا ﷺ در شرق و غرب و دورترین نقاط و حضور در یک اجتماع میلیونی از نمایندگان مردم سراسر جهان و امور بسیار دیگر، همه در حج مندرج است. خلاصه فضائل این فریضه بزرگ بسیار بوده و ثواب‌هایی که برای یکایک آن اعمال مقرر است بی‌شمار می‌باشد. باید کسانی که به حج مشرف می‌شوند درک تشریف انجام این مراسم نورانی و حضور در این اجتماع پرفیض را توفیقی بزرگ شمرده و خودسازی و استفاده‌های معنوی در هر کدام از مواقف آن را نصب‌العین خود قرار داده و خصوصاً برای تعجیل فرج حضرت صاحب‌الامر - ارواح العالمین له الفداء - در همه آن مشاهد مقدسه دعا و ندبه کنند.

کتاب حاضر **مناسک جامع حج**، مجموعه‌ای از فتاوا و استفتائاتی است در مسائل حج، که مرجع عالیقدر، زعیم و پیشوای بزرگ شیعیان جهان آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی - مدظله‌الشریف - به آن پاسخ داده‌اند، و به همت جمعی از فضلا با نوشتاری تازه تدوین و آماده طبع شده است. در خاتمه از زحمات فاضل ارجمند جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدعبدالمجید عسکری - دامت تأییداته - تشکر می‌نماییم.

مرکز تنظیم و نشر آثار

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی



# فصل اول

## واجبات و محرمات حج





## اقسام حج

حج بر دو قسم است: واجب و مستحب، حج واجب نیز بر سه قسم است:  
اول: حجة الاسلام، و آن حجی است که بر شخص واجد شرایط استطاعت، یک بار در طول عمر واجب می‌شود.

دوم: حجی که با نذر، عهد و قسم واجب می‌شود.

سوم: حجی که با اجیر شدن واجب می‌شود.

در غیر موارد مذکور حج، مستحب است.

۱. احوط این است که حج بر هر مکلف که قدرت بر آن دارد واجب کفایی است به نحوی که مکه نباید خالی از حجاج باشد و در این وجوب، استطاعت شرط نیست.

۲. وجوب حج بعد از تحقق شرایط، فوری است و تأخیر انداختن آن از سال اول حصول استطاعت حرام است و اگر در سال اول ترک شود در سال دوم نیز وجوب آن فوری است و ترک آن در سال دوم نیز حرام است به همین منوال نسبت به سال‌های بعد.

۳. بر مستطیع واجب است به تهیه مقدمات حج در سال استطاعت مبادرت ورزد.

۴. در صورت وجود کاروان‌های متعدد برای سفر حج، حاجی مختار است که

با هر یک از کاروان‌ها که مورد اطمینان است مسافرت کند.

۵. اگر کاروانی برای سفر حج وجود دارد و شک شود که کاروان دیگری نیز

## ۲۰.....مناسک جامع حج

به مقصد حج حرکت می‌کند یا خیر، واجب است با کاروان موجود سفر کند مگر اینکه به شکل‌گیری کاروان دیگر اطمینان پیدا کند.

۶. در صورتی که مکلف با کاروان اول به حج نرفت و اتفاقاً نتوانست با کاروان دیگری به حج برود، اگر برای او معلوم باشد که در صورت حرکت با کاروان اول حج را درک می‌کرد، در این صورت حج بر او مستقر شده و باید آن را حتی در صورت عدم بقای شرایط استطاعت، به‌جا آورد هرچند چنین شخصی به‌خاطر تأخیر گنهکار نیست، مشروط به اینکه اطمینان داشته با کاروان دیگر، به اعمال حج می‌رسید.

### شرایط وجوب حجة الاسلام

بلوغ، عقل، حریت (آزاد بودن)، مستطیع بودن (شامل استطاعت مالی، بدنی، طریقی، زمانی).

### اول: بلوغ

اولین شرط وجوب حجة الاسلام بلوغ است.

۷. حج بر کودک - اگرچه ممیز باشد - واجب نیست و اگر حج را با تمام شرایط به‌جز بلوغ انجام داد کفایت از حجة الاسلام او نمی‌کند هرچند حج او صحیح است.

۸. بر کودک ممیز مستحب است حج را به‌جا آورد اگرچه کفایت از حجة الاسلام او نمی‌کند و در صحیح بودن حج او اذن ولی لازم نیست، هرچند در مواردی که لازم است در اموالش تصرف نماید (تصرفی که متوقف بر اذن ولی است) اذن، لازم است.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۲۱

۹. اذن پدر و مادر در حج مکلف بالغ، شرط نیست و در این حکم بین حج واجب و مستحب فرقی وجود ندارد.
۱۰. اگر پدر یا مادر فرزند، او را از حج مستحب به نحوی منع کنند که مخالفت با نهی ایشان موجب عاق والدین شود، حج او باطل می‌باشد اما حج واجب در فرض مذکور صحیح است.
۱۱. بر پدر و مادر جایز نیست فرزند را از حج واجب نهی کنند و در صورت نهی، اثری بر آن نهی بار نمی‌شود.
۱۲. مُحرم کردن کودک غیر ممیز بر ولیّ مستحب است و در مُحرم کردن دیوانه، اشکال است، بلی اگر ولیّ مجنون او را رجاء - یعنی به امید مطلوبیت و رسیدن به ثواب - مُحرم نماید اشکالی در آن نیست.
۱۳. کیفیت مُحرم کردن کودک این است که پس از پوشانیدن دو لباس احرام به تن کودک، نیت کند که این کودک را مُحرم به احرام عمره، حج و... نمودم و هر عملی از اعمال عمره یا حج را که کودک توان دارد، باید خودش به‌جا آورد و در صورت عدم توانایی کودک، ولیّ از طرف او به‌جا آورد. بدیهی است در هنگام طواف، کودک باید طهارت خود را حفظ کند و اگر نمی‌تواند، ولیّ از طرف او به‌جا آورد و احتیاط آن است که ولیّ، در حد ممکن بین طواف و نماز خود و تطهیر کودک - با وضو گرفتن یا وضو دادن کودک - و واداشتن او به طواف و نماز آن، جمع نماید.
۱۴. ولیّ می‌تواند کودک را مُحرم نماید، اگرچه خودش مُحلّ (غیر مُحرم) باشد.
۱۵. قدر متیقن از ولیّ، که می‌تواند کودک غیر ممیز را مُحرم نماید، ولیّ شرعی است که پدر، جدّ پدری، وصیّ آن دو، و حاکم شرع، و امین او، و وکیل هریک از

## ۲۲.....مناسک جامع حج

اینهاست، و صدق ولیّ در غیر موارد مذکور مثل عمو، دایی، و برادر اگر چه تکفل کودک را بر عهده گیرند، مشکل است. بلی درباره مُحرم کردن کودک توسط مادر، به خاطر وجود نصّ خاص، اشکالی نیست.

۱۶. درباره‌ی کودک ممیّز، در مواردی که اذن ولیّ معتبر است اذن غیر ولیّ شرعی کفایت نمی‌کند.

۱۷. مخارج زایده سفر کودک بر عهده ولیّ اوست، مگر آنکه حفظ او متوقّف بر سفر باشد، و یا آنکه آن سفر به مصلحت او بوده، و حج، موجب مخارج زایدی بر مخارج سایر سفرها نباشد.

۱۸. قربانی و همین‌طور کفّاره صید کودک بر عهده ولیّ اوست، و وجوب سایر کفّارات به احتیاط واجب، بر ولیّ می‌باشد.

۱۹. اگر کودکی قبل از بلوغ مُحرم شود و وقوف مشعر را پس از بلوغ درک کند، اقوی آن است که در صورت بقای استطاعت، حج را اعاده نماید.

۲۰. اگر کسی به اعتقاد اینکه بالغ یا مستطیع نیست، حج استحبابی به جا آورد، کفایت حج انجام شده از حجة الاسلام، محلّ اشکال و تأمل است و باید حج را احتیاطاً اعاده نماید، بلی اگر نیت کرد که حجی را که بر عهده اوست انجام دهد، و فکر می‌کرده حج استحبابی است، ظاهراً از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

### **دوم: حرّیت (برده نبودن)**

دومین شرط وجوب حجة الاسلام حرّیت است، یعنی آزاد بودن و اینکه بنده و ملک شخص دیگر نباشد.

### سوم: عقل

سومین شرط وجوب حجة الاسلام عاقل بودن است یعنی دیوانه نباشد.

### چهارم: استطاعت

چهارمین شرط وجوب حجة الاسلام استطاعت شرعی است که مشتمل بر این موارد است: استطاعت مالی، استطاعت بدنی (صحّت و قوّت بدن)، استطاعت طریقی (امنیت و باز بودن راه)، استطاعت از جهت وقت (زمان کافی برای سفر و انجام اعمال حج و عمره را داشته باشد).

### استطاعت مالی:

۲۱. وجود استطاعت عقلی، به تنهایی برای وجوب حج کافی نیست، بلکه استطاعت شرعی نیز لازم است.

۲۲. اگر حج را با اینکه تمام شرایط استطاعت را دارد، ترک کند، حج بر او مستقر می شود و واجب است آن را هر چند با سختی بعداً به جا آورد.

۲۳. در استطاعت مالی دارا بودن زاد و راحله شرط است؛ و مراد از زاد، مواد غذایی و آشامیدنی و تمام آنچه مسافر برای رفع حوایج خود در حین سفر به آنها نیاز دارد، می باشد و لوازم مذکور باید مناسب حال او باشد. و مراد از راحله، وسیله نقلیه مناسب حال مکلف، برای پیمودن مسیر است.

۲۴. در استطاعت مالی شرط است که حاجی، توانایی تهیه قربانی را داشته باشد و قدرت بر روزه گرفتن که بدل از قربانی می باشد، کافی نیست.

۲۵. وجود عین لوازم مورد نیاز در مسافرت (زاد) همراه مکلف، لازم نیست

## ۲۴.....مناسک جامع حج

بلکه اگر وجوه نقدی یا غیر آن را نیز داشته باشد که بتواند زاد سفر را با آن تهیه کند، کفایت می‌کند؛ در مورد راحله نیز همین‌طور است.

۲۶. حج بر کسی که زاد و راحله را قبل از سفر حج ندارد، اما توانایی تحصیل آنها را هرچند در هنگام پیمودن طریق داشته باشد، واجب نمی‌باشد.

۲۷. استطاعت از مکان فعلی مکلف شرط است نه از محل اقامت یا وطن او، پس اگر ایرانی سفری به عراق داشته باشد و از آنجا استطاعت مالی برای او حاصل شود، حج بر او واجب است هرچند از شهر و محل اقامت خود مستطیع محسوب نشود.

۲۸. داشتن وسیله سفر در وجوب حجة الاسلام شرط است، خواه مکلف به وسیله نقلیه‌ای برای پیمودن راه - مثل ماشین، هواپیما و کشتی - احتیاج داشته باشد یا احتیاج نداشته باشد.

۲۹. در شرط لزوم وجود وسیله نقلیه برای پیمودن راه، فرقی بین کسی که دور از مکه یا نزدیک به آن است نمی‌باشد.

۳۰. داشتن راحله برای رفتن به عرفات و برگشتن از آن، بنابر احتیاط واجب شرط نیست پس کسی که می‌تواند بدون مشقت پیاده به عرفات برود و برگردد، لازم نیست راحله داشته باشد.

۳۱. مقصود از داشتن وسیله نقلیه، توانایی بر تهیه آن می‌باشد، پس اگر کسی به صورت پیاده مسیر را بپیماید با اینکه توانایی تهیه وسیله نقلیه را دارد مستطیع می‌باشد، مثلاً مکلف برای ثواب بیشتر با اینکه می‌تواند وسیله نقلیه تهیه کند، پیاده مسیر را بپیماید.

۳۲. اگر سفر حج متوقف بر تهیه وسیله نقلیه با قیمتی بیش از حد متعارف باشد، هرچند که تفاوت قیمت بسیار زیاد است، تهیه وسیله بر مکلف واجب است



## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۲۵

مگر آنکه تفاوت قیمت به حدی باشد که موجب مشقت شدید گردد و یا ضرر بر مکلف شمرده شود که در این صورت، مستطیع نمی‌باشد.

۳۳. در وجوب حج، همان گونه که داشتن مخارج رفتن به حج و ایامی که در سفر مشغول به اعمال حج است، و هزینه اجرت کسانی که او را برای طواف و سعی واجب در صورت نیاز حمل می‌کنند شرط است، همچنین داشتن هزینه بازگشت به وطن عرفی (جایی که در آن زندگی می‌کند) شرط می‌باشد، مگر آنکه قصد بازگشت به آن مکان را نداشته باشد، بلی اگر می‌خواهد به شهر دیگری برود، که مخارجش با بازگشت به وطن یکسان است، و یا در صورت بیشتر بودن مضطرّ به رفتن به آن محل است، آن مبلغ نیز از مخارج سفر محسوب می‌شود.

۳۴. وجود زاد و راحله بیش از آنچه برای اداره زندگی نیاز دارد، در استطاعت شرط است؛ مثلاً با فروش منزل مسکونی اگرچه موجب مشقت نگردد استطاعت حاصل نمی‌شود و یا با فروش اثاث منزل که مطابق شأن اوست استطاعت حاصل نمی‌شود. بلی فروش وسایل زاید بر مقدار شأن برای تهیه مخارج حج لازم است.

۳۵. اگر مکلف اثاث خانه و امثال آن را فروخت و هزینه حج را تحصیل کرد در صورتی که زندگی کردن با خانه اجاره‌ای یا زندگی بدون اثاث فروخته شده موجب مشقت شدید نشود و مطابق شأن او باشد حج بر او واجب می‌شود و در این فرض جایز نیست برای از بین بردن استطاعت خانه دیگری خریداری نماید.

۳۶. اگر مکلف خانه را با قصد تبدیل آن، بفروشد جایز است خانه دیگری بخرد، هرچند خانه ارزان‌تر یا استیجاری مناسب شأن او باشد، از بین بردن استطاعت حاصله از فروش خانه، مانعی ندارد.

## ۲۶.....مناسک جامع حج

۳۷. اگر خانه موقوفه‌ای در اختیار شخصی باشد، به شکلی که احتمال خارج شدن منزل از دست او داده نشود و در نتیجه از خانه ملکی بی‌نیاز باشد، بر این فرد واجب است خانه ملکی‌ای که دارد را بفروشد و در راه حج مصرف نماید.

۳۸. اگر وسایل مورد احتیاج فردی از جهت قیمت بیش از شأن او باشد و توانایی تبدیل آن به قیمت کمتر بدون مشقت ممکن است، باید آن لوازم را تبدیل و مازاد را صرف مخارج حج نماید و کسی که خانه‌ای برای سکونت ندارد اما خانه استیجاری مطابق شأن اوست و حرجی نمی‌باشد در صورت داشتن مخارج حج مستطیع می‌باشد.

۳۹. اگر کسی خانه‌ای داشته باشد که در صورت فروش آن، کفایت مخارج حج را می‌کند، حتی اگر خانه‌ای اجاره‌ای در شأن او باشد و حرجی محسوب نگردد، فروش خانه بر او لازم نیست و مستطیع محسوب نمی‌شود.

۴۰. شخصی که هزینه حج را دارد اما نیاز به ازدواج دارد به شکلی که ترک ازدواج برای او مشقت‌آور است، حج بر او واجب نمی‌باشد و باید دارایی خود را در امر ازدواج مصرف کند.

۴۱. کسی که به همسر خود که نفقه‌اش بر عهده اوست، احتیاج ندارد، لازم نیست همسر را برای صرف نفقه او در امر حج طلاق دهد و چنین شخصی مستطیع محسوب نمی‌شود.

۴۲. شخصی که تمام مخارج حج یا مقداری از آن را ندارد اما به مقدار آن مخارج از کسی طلبکار است و زمان وصول طلب نیز فرا رسیده، مستطیع می‌باشد و بر او واجب است که طلب خود را و لو با اجبار یا استعانت از حاکم شرع وصول کرده و به حج برود.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۲۷

۴۳. اگر وقت دین، نرسیده است اما بدهکار قبل از رسیدن وقت وصول دین، بدون مطالبه طلبکار، پیشنهاد پرداخت دین را مطرح کند، طلبکار مستطیع می‌شود و واجب است با گرفتن دین آن را در امر حج مصرف کند.

۴۴. اگر دریافت دینی که وقت آن نرسیده متوقف بر درخواست از بدهکار و پیگیری از جانب طلبکار باشد، طلبکار مستطیع محسوب نمی‌شود.

۴۵. اگر بدهکاری که وقت طلب او رسیده از پرداخت دین، ناتوان است یا شخصی است که در پرداخت دین کوتاهی و ممانعت می‌کند و امکان اجبار او بر پرداخت نیز وجود ندارد و یا شخصی است که اصل دین را انکار می‌کند و طلبکار نیز نمی‌تواند دین را اثبات کند، در این صورت طلبکار مستطیع نبوده و حج بر او واجب نیست.

۴۶. بر فرزند جایز نیست بدون اجازه پدر از مال پدر حج به‌جا آورد و بر پدر نیز واجب نمی‌باشد مخارج حج را به فرزند بذل کند؛ همین‌طور پدر نمی‌تواند برای حج خود از اموال فرزند بدون رضایت او استفاده کند و بر فرزند نیز واجب نیست مخارج حج را به پدر بذل کند.

۴۷. کسی که مخارج حج را ندارد اگرچه بتواند با قرض گرفتن و ادای آن به راحتی، به حج برود، مستطیع نمی‌باشد و حج بر او واجب نیست.

۴۸. در صورتی که مکلف مالک اموالی است که نمی‌تواند با آن به حج برود - به‌خاطر اینکه مال در دسترس نیست یا به‌خاطر فقدان خریدار مال - در این فرض بر او لازم نیست مخارج حج را از دیگری قرض کند و مستطیع نمی‌باشد و اگر چنین شخصی مبلغی را قرض گرفت، در صورتی که به‌خاطر اموالی که دارد، ادای قرض به سهولت ممکن باشد حج بر او واجب است.

۴۹. اگر مکلف طلبی دارد که وافی به مقدار مخارج حج است، اما وقت گرفتن طلب نرسیده است و مدیون نیز حاضر نیست دین را قبل از وقت پرداخت کند و یا مکلف طلبی دارد که وقت وصول آن رسیده اما مدیون از پرداخت آن خودداری می‌کند و طلبکار توانایی گرفتن دین را ندارد، بر طلبکار لازم نیست با قرض گرفتن مخارج حج را تأمین کند. بلی در صورت قرض گرفتن و توان ادای قرض به راحتی، طلبکار مستطیع بوده و حج بر او واجب است.

۵۰. اگر دارایی مدیون به مقداری است که برای مخارج حج کفایت می‌کند و وقت دین او نیز فرا نرسیده است و مدیون اطمینان دارد هنگام رسیدن وقت ادای دین به راحتی می‌تواند دین را پرداخت کند چنین مکلفی مستطیع است و حج بر او واجب است.

۵۱. شخصی که مدیون است و دارای مالی است که به مقدار مخارج حج می‌باشد ولی جوابگوی دین او نیست، اگر وقت ادای دین رسیده، چنین شخصی مستطیع نیست و حج بر او واجب نمی‌باشد.

۵۲. اگر حج از قبل بر مدیون مستقر شده باشد، باید بین انجام حج و ادای دین جمع کند، هرچند با تحمل مشقت باشد اما اگر تنها توان انجام یکی را دارد در انتخاب هر یک مخیر است.

۵۳. شخصی که دینی قبل از به دست آوردن مال مورد نیاز برای انجام حج، بر عهده دارد، دین او مانع از استطاعت است؛ همچنین اگر پس از به دست آوردن مالی که به اندازه مخارج حج است، به طور غیر اختیاری مدیون گردد؛ مثلاً مالی را بدون تقصیر تلف کند، حتی اگر قبل از اتمام اعمال حج باشد، این فرد مستطیع

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۲۹

نمی‌باشد، مانند اینکه مکلف قبل از اتمام اعمال حج، بدون تقصیر خسارتی بر شخصی وارد کند که در این صورت مستطیع نمی‌باشد.

۵۴. در صورتی که وجوه شرعی به کالای مشخصی تعلق گرفته باشد، ادای وجوه از مال مذکور واجب و برانجام حج - هرچند مستقر شده باشد - مقدم است. ۵۵. اگر خمس، زکات یا مظالم عباد به ذمه باشد، مانند سایر دیون، مانع از استطاعت مکلف است. حال اگر مکلف بتواند دین را پرداخت کند و بر استطاعت باقی بماند، حج بر او واجب است.

۵۶. اگر با حاکم شرع بر تأخیر انداختن پرداخت دیون شرعی مصالحه نماید، این دیون شرعی مانع استطاعت مالی نمی‌شود.

۵۷. دینی مانع از استطاعت می‌باشد که اگر انسان دارایی خود را برای حج صرف کند، نمی‌تواند آن دین را به راحتی ادا کند.

۵۸. اگر زمان ادای دین به مقداری طولانی باشد که مدیون مطمئن باشد با رسیدن وقت ادای دین به راحتی می‌تواند آن دین را پرداخت کند، چنین دینی مانع وجوب حج نمی‌شود.

۵۹. اگر بدهکار اطمینان دارد که در صورت عدم توانایی در ادای دین، طلبکار طلب خود را می‌بخشد، در این صورت دین، مانع از استطاعت نیست؛ همچنین اگر بنای طلبکار بر مسامحه در گرفتن دین باشد - مانند مسامحه برخی خانم‌ها نسبت به اخذ مهریه - که این‌گونه دین، مانع از استطاعت نیست.

۶۰. اگر مکلف شک کند آیا مالی به اندازه حج دارد یا خیر، بنابر احتیاط واجب باید نسبت به آن احتمال تحقیق کند و در صورت آشکار نشدن حال، مستطیع نمی‌باشد.

۳۰.....مناسک جامع حج

۶۱. اگر مکلف مالی دارد و مقدار آن را نمی‌داند و شک کند که آیا آن مال برای مخارج حج کفایت می‌کند یا خیر، بنابر احتیاط واجب باید درباره آن تحقیق و تفحص کند.

۶۲. اگر مکلف مالی دارد و مقدار آن را نیز می‌داند اما نمی‌داند برای انجام حج کافی است یا خیر، بنابر احتیاط واجب باید تحقیق و بررسی کند.

۶۳. اگر هزینه رفت و برگشت حج را داشته باشد و به مقدار رجوع به کفایت، مالی داشته باشد که فعلاً غایب شده و در دسترس نیست و در مقدار آن شک کند، به احتیاط واجب اگر ممکن است، نسبت به آن فحوص نماید و با عدم امکان فحوص و جوب حج، محل تأمل و اشکال است.

۶۴. اگر مالی به مقدار برگشتن دارد اما احتمال دهد این مال هنگام بازگشت تلف شود، چنین احتمالی به استطاعت ضرری نمی‌زند.

۶۵. اگر در سالی که مالی به اندازه مخارج حج دارد (استطاعت مالی) استطاعت طریقی نداشته باشد، جایز است در آن مال تصرف نماید و از استطاعت خارج شود، همچنین است اگر شک داشته باشد که در همان سال برای او استطاعت طریقی حاصل می‌شود یا خیر.

۶۶. اگر شخصی در اوایل خروج کاروان‌ها، استطاعت طریقی ندارد اما یقین دارد تا آخرین لحظه، استطاعت طریقی برای او حاصل می‌شود، بر او جایز نیست با تصرف در مال حج، خود را از استطاعت مالی خارج کند؛ و اگر مکلف مالی به اندازه مخارج حج دارد، اما توانایی تصرف در آن را (حتی به کمک واسطه) ندارد، چنین شخصی مستطیع نمی‌باشد.

### فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۳۱

۶۷. اگر استطاعت مالی در زمان خروج حجاج و کاروان‌های حج حاصل شد مکلف نمی‌تواند در آن مال تصرف کند؛ و به احتیاط واجب اگر در اول سال نیز استطاعت مالی حاصل شود، مکلف حق ندارد خود را از استطاعت خارج کند.

۶۸. اگر کسی که استطاعت مالی دارد و سایر شرایط حج نیز برای او حاصل است، در حفظ مال کوتاهی کند و مال تلف گردد، حج بر او مستقر می‌شود و باید آن را هرچند با مشقت انجام دهد.

۶۹. اگر مکلف استطاعت مالی دارد اما جاهل به آن است و یا به وجوب حج توجه ندارد، حج بر او واجب است؛ پس اگر بعد از اتمام زمان مورد نیاز برای حج، متوجه شد - در صورتی که بقیه شرایط حج وجود داشته - حج بر او مستقر می‌شود هرچند در سال بعد مال از بین برود.

۷۰. اگر مکلف، به استطاعت خود علم داشته باشد و سپس از آن غافل شود یا با وجود استطاعت گمان کند مستطیع نیست و نیت حج مستحبی بنماید، حج او مجزی از حجة الاسلام نمی‌باشد؛ بلی اگر این‌طور نیت کند که حجی را که بر عهده دارم انجام می‌دهم، هرچند گمان کند حج مستحبی بر عهده اوست، حج انجام شده، کفایت از حجة الاسلام می‌نماید.

۷۱. اگر ملکیت مکلف نسبت به زاد و راحله متزلزل (قابل از بین رفتن) باشد - مانند آنجا که شخصی مال را با شرط خیار به او تملیک کند - چنین شخصی مستطیع نمی‌باشد مگر اینکه مطمئن شود که معامله فسخ نمی‌گردد؛ بلی در صورتی که طرف مقابل، معامله را فسخ نمود، معلوم می‌شود مکلف از اول مستطیع نبوده است.

۷۲. اگر مکلف مالی را با عقد هبه از غیر ذی‌رحم مالک شد، مستطیع نمی‌باشد

## ۳۲.....مناسک جامع حج

و واجب نیست مال را برای لازم شدن هبه (و مستطیع کردن خود) تبدیل به مال دیگر نماید.

۷۳. بقای استطاعت مستطیع تا آخر اعمال، لازم می‌باشد؛ پس اگر قبل از اتمام اعمال حج مال او تلف شود معلوم می‌شود استطاعت نداشته است.

۷۴. اگر به‌طور غیر اختیاری دینی بر عهده مستطیع بیاید (مثل اینکه مال غیر را از روی خطا تلف کند) این دین بر استطاعت مقدم بوده و مانع از آن است.

۷۵. اگر بعد از اتمام عمل حج، مخارج برگشت به وطن یا آنچه برای گذران زندگی پس از رجوع نیاز دارد، تلف شود حج انجام شده مجزی است و کفایت از حجة الاسلام می‌کند. همچنین اگر در اثنای اعمال حج، مخارج مذکور تلف شود ولی مخارج اتمام اعمال واجب حج را داشته باشد حج او صحیح و مجزی از حجة الاسلام است.

۷۶. در حصول استطاعت، مالک بودن اموال مورد نیاز حج، لازم نیست بلکه جواز تصرف در اموال، به نحوی که برای انجام حج کفایت کند، مجزی است. پس اگر شخصی وصیت کند فردی بعد از مرگش با اموال او به حج برود، حج بر آن فرد واجب می‌شود هرچند مالک آن اموال نشده است.

۷۷. اگر مالک با وصیت، مالی را به شخصی تملیک کند به این شرط که با آن مال به حج برود قبول وصیت لازم نیست، زیرا از مصادیق تحصیل استطاعتی می‌باشد که بر مکلف لازم نیست.

۷۸. اگر قبل از حصول استطاعت نذر کرده باشد که هر سال در روز عرفه به زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام مشرف شود و پس از آن نذر مستطیع گردد،



## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۳۳

حج بر او واجب است و با حصول استطاعت روشن می‌شود موضوع نذر محقق نشده است.

۷۹. اگر مکلف نذر کند مقداری از اموالش را در کار خیر صرف کند جایز نیست در سال حصول استطاعت آن اموال را صرف مورد نذر کرده و خود را از استطاعت خارج کند.

۸۰. واجب فوری‌ای که اهمیّت آن از حج کمتر است، حتی اگر قبل از حصول استطاعت بر عهده مکلف بیاید مانع از وجوب حج نمی‌شود.

۸۱. اگر واجب فوری بر عهده مکلف باشد که با انجام آن نمی‌تواند حج را ادا کند، باید واجب اهمّ را مقدم کند، پس واجب فوری‌ای که نسبت به حج اهمیّت کمتری دارد و نمی‌توان آن را از سال استطاعت به تأخیر انداخت، مانع از استطاعت نیست و باید ترک شود.

### حج بذلی

۸۲. اگر به شخصی که مخارج حج را ندارد گفته شود: (مخارج حج و مخارج عیال تو در زمان سفر حج را بر عهده می‌گیرم) حج بر او واجب است و کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

۸۳. اگر به شخصی که مخارج حج را ندارد گفته شود: (با این مال مشخص حج به جا بیاور) اگر مال برای رفت و برگشت و مخارج عیال او هنگام سفر حج کفایت کند، حج بر او لازم و مجزی از حجة الاسلام است.

۸۴. در وجوب حج بذلی فرقی نمی‌کند بخشیدن مال بر اعطاکننده واجب باشد (مثل اینکه نذر کرده یا قسم خورده باشد) یا واجب نباشد.

۳۴.....مناسک جامع حج

۸۵. اگر بذل و بخشش مخارج حج، همراه با هتک حیثیت باشد، قبول آن واجب نیست.

۸۶. وجوب حج بذلی مشروط به این است که گیرنده مال مطمئن باشد اعطاکننده از بخشش خود رجوع نمی‌کند.

۸۷. اگر مکلف قسمتی از مخارج حج را دارد و شخص دیگر حاضر باشد مقدار باقی مانده را به او بذل کند، حج بر مکلف واجب است.

۸۸. اگر شخصی حاضر شود به مکلفی که توانایی تهیه مخارج عیال خود را ندارد و رفتن به سفر حج نیز تغییری در وضع او ایجاد نمی‌کند، مخارج حج را اعطا کند (بدون اینکه مخارج عیال او را بدهد) حج بر این مکلف واجب است و از حجة الاسلام او نیز کفایت می‌کند.

۸۹. مکلفی که توانایی تهیه مخارج زندگی خود را ندارد، در صورت بخشیدن مخارج حج، مستطیع می‌شود (استطاعت بذلی) و رجوع به کفایت در استطاعت او شرط نیست پس در فرض مذکور لازم نیست مکلف بعد از بازگشتن، مخارج گذران زندگی را داشته باشد.

۹۰. در صورتی که وقت دین مکلف رسیده باشد و طلبکار نیز دین خود را مطالبه می‌کند، اگر مکلف بتواند دین خود را با انجام ندادن سفر حج و کسب و کار بپردازد، اگرچه به او مخارج حج را بذل کنند، مستطیع نمی‌گردد.

۹۱. اگر شخصی مالی که به اندازه مخارج حج است به دیگری هبه کند (بیخشد) و شرط کند با آن حج به جا آورد و یا او را مخیر به حج یا عمل دیگر مثل زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نماید، قبول هبه و صرف آن در حج واجب است.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۳۵

۹۲. اگر مالی که به اندازه مخارج حج است هبه شود و هبه‌کننده، مصرف مال را در امر حج به شکل تعیینی یا تخییری شرط نکند، قبول هبه بر مکلف واجب نیست.
۹۳. اگر مالی به صورت وقف یا نذر یا وصیت برای حج در نظر گرفته شود و متولی یا وصی یا ناظر، شخصی را برای انجام حج مشخص کنند، قبول مال و صرف آن در انجام حج واجب است.
۹۴. اگر شخصی خمس یا زکات مال خود را به فقیر بدهد به شرط آنکه با آن مبالغ حج به‌جا آورد، وجوب حج و صحت شرط، محل اشکال است.
۹۵. اگر شخصی سهم (سبیل الله) زکات خود را به فردی برای انجام حج بدهد، بر گیرنده زکات لازم است حج به‌جا آورد و جایز نیست مال را در مصارف غیر حج خرج کند.
۹۶. بر باذل (بخشنده مال) جایز است قبل از محرم شدن مکلف، از بخشش و بذل خود برگردد و مخارج حج را نپردازد، اما بعد از دخول در احرام بنا بر احتیاط واجب، رجوع جایز نیست.
۹۷. در صورت باقی بودن عین مال، باذل (اعطاکننده مال) می‌تواند حتی بعد از محرم شدن گیرنده مال (مبذول‌له) آن مال را پس بگیرد، مشروط بر اینکه مبذول‌له از ارحام او نباشد. بلی در صورتی که مال را پس گرفت، بنا بر احتیاط واجب باید مخارج حج گیرنده مال (مبذول‌له) را بپردازد.
۹۸. اگر باذل (اعطاکننده مال) در میانه راه از بذل خود رجوع کند، بر او واجب است مخارج بازگشت به وطن را به گیرنده مال (مبذول‌له) بپردازد.
۹۹. اگر بذل مال به یکی از چند نفر صورت گیرد (مثل اینکه بگوید مخارج

## ۳۶..... مناسک جامع حج

حج یکی از شما چند نفر را می‌پردازم)، قبول بر همه آنها واجب کفایی است، و اگر از قبول اجتناب کردند، حج بر همه آنها مستقر می‌شود، و با انجام آن توسط یک نفر، وجوب از بقیه ساقط است.

۱۰۰. در صورتی که مخارج حج مکلف بر عهده باذل (بخشنده مال) باشد اگر مکلف توانایی قربانی دارد، پول قربانی بر عهده باذل است؛ اما اگر مکلف توانایی قربانی نداشت، باید به وظیفه ناتوان که روزه گرفتن است عمل کند، و بر باذل لازم نیست پول قربانی را بپردازد، بلی باذل می‌تواند تبرعی قربانی را بر عهده بگیرد.

۱۰۱. اگر مبذول‌له (گیرنده بذل و بخشش) به صورت عمدی کاری کند که کفاره برعهده‌اش بیاید، پرداخت کفاره به عهده خود اوست؛ اما در مواردی از جهل، اضطرار و فراموشی، که مانع از کفاره نمی‌باشد، اگر گیرنده مال، توانایی پرداخت کفاره را دارد، باذل باید کفاره را چون جزء مخارج حج است بپردازد و در صورت عدم توانایی مکلف به پرداخت کفاره، بر باذل پرداخت کردن کفاره لازم نیست. حال اگر خواست به‌طور مجانی کفاره را بر عهده بگیرد، ذمه مکلف با پرداخت او فارغ می‌شود. و در صورتی که باذل (بخشنده مال) کفاره را بر عهده نگرفت مکلف باید به وظیفه غیر متمکن از پرداخت کفاره عمل کند.

۱۰۲. حجة الاسلام با بذل (بخشیدن مال به مکلف) واجب می‌شود و در این حکم فرقی بین حج تمتع، قران یا افراد وجود ندارد. اما کسی که حجة الاسلام خود را به‌جا آورده، اگر مخارج حج به او بذل شود، حج دوباره بر او واجب نمی‌شود. بلی کسی که حج بر او مستقر است یا با نذر واجب شده، در صورتی که به‌خاطر مشقت انجام حج برایش ممکن نباشد، قبول بذل واجب می‌باشد.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۳۷

۱۰۳. اگر مال بخشیده شده در میانه راه تلف شود، وجوب حجة الاسلام از مکلف ساقط می‌شود؛ مگر آنکه از مکان تلف شدن مال، استطاعت شرعی داشته باشد.
۱۰۴. اگر قبل از احرام، معلوم شود که مال بذل شده برای انجام حج کفایت نمی‌کند بر باذل (بخشنده مال) لازم نیست باقی مانده مورد نیاز را ببخشد؛ اما اگر بعد از احرام، عدم کفایت مال آشکار شود، بنابر احتیاط واجب بر باذل (بخشنده مال) لازم است باقی مانده را پردازد، مگر اینکه باذل، از همان ابتدا مقدار مشخصی را معین کرده باشد.
۱۰۵. اگر شخصی به مکلف بگوید: (من خارج حج را قرض کن، پرداخت آن بر عهده من) یا بگوید: (برای من مالی را قرض کن و با آن حج به جا بیاور) قبول این پیشنهادها بر مکلف لازم نیست. بلی اگر مکلف پذیرفت و قرض کرد، در صورت دوم چون مدیون و بدهکار پیشنهادکننده است، حج بر مکلف واجب می‌شود؛ اما در صورت اول چون مدیون و بدهکار خود مکلف است، اگر اطمینان دارد که پیشنهادکننده قرض را می‌پردازد، حج بر او واجب می‌شود.
۱۰۶. اگر بعد از انجام حج معلوم شود مال بخشیده شده (مبذول) غصبی بوده، حج انجام شده کفایت از حجة الاسلام می‌کند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که به آن حج اکتفا نشود.
۱۰۷. اگر کسی برای انجام خدمات سفر حج اجیر شود، و پول اجیر شدنش کفایت از سفر حج نماید، حج بر او واجب می‌شود.
۱۰۸. شخص مستطیع می‌تواند برای خدمات سفر حج، یا برای نفس حرکت در مسیر، اجیر شود. اما اگر برای حج بلدی اجیر شده باشد، دیگر نمی‌تواند برای پیمودن مسیر، دوباره اجیر شده و مبلغی دریافت کند.

## ۳۸.....مناسک جامع حج

۱۰۹. غیر مستطیع می‌تواند برای انجام حج، از طرف شخص دیگر اجیر شود، حال اگر غیر مستطیع با اجرت به دست آمده از اجیر شدن، مستطیع شد، اگر حج نیابی، مقید به همان سال استطاعتش باشد، باید در آن سال، حج نیابی را به‌جا آورد و در سال بعد، اگر استطاعتش باقی بود، برای خود نیز حج به‌جا بیاورد. اما اگر حج نیابی مقید به همان سال استطاعت نباشد، در این صورت باید حج خود را در سال اول، مقدم بر حج نیابی به‌جا آورد.

۱۱۰. انجام حج نیابی، کفایت از حج واجب شخص نایب نمی‌کند و در این حکم فرقی ندارد حج نیابی با اجیر شدن یا به صورت مجانی انجام شود.

۱۱۱. در استطاعت مالی علاوه بر دارا بودن مخارج رفت و برگشت حج، داشتن مخارج عیال در زمان حج نیز لازم است و مراد از عیال، شخصی است که مخارج او از طرف شارع یا عرف بر عهده مکلف باشد، مثل برادر و خواهر صغیر و امثال ایشان.

۱۱۲. در استطاعت رجوع به کفایت شرط است و مراد از رجوع به کفایت توانایی اداره زندگی به آسانی پس از برگشتن از حج است؛ مثل اینکه شغل تجارت، زراعت، یا حرفه‌ای دیگر داشته باشد و یا از منافع ملکی بهرمنند باشد؛ و به‌طور کلی اگر توانایی اداره زندگی خود را داشته باشد، اگرچه بالفعل دارایی‌ای ندارد، در این فرض رجوع به کفایت حاصل است.

۱۱۳. اگر کسی علاوه بر مخارج حج، دارای مالی است که زندگی او و عیالش را برای مدت قابل توجه تأمین می‌نماید حج بر او واجب است و لازم نیست که مال مذکور برای مخارج تمام عمر او کفایت کند.

۱۱۴. کسی که مخارج زندگی او از طریق وجوه شرعیه اداره می‌شود، شرط

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۳۹

رجوع به کفایت را دارد، همین‌طور است فقیری که زندگی او از طریق گرفتن وجوه تبرعی و صدقات تأمین می‌شود.

۱۱۵. کسی که با مسافرت حج، هیچ‌گونه تغییری در اداره زندگی‌اش بعد از رجوع حاصل نمی‌شود، و انجام دادن یا ترک حج تأثیری در زندگی او ندارد، در صورتی که مخارج حج را داشته باشد مستطیع می‌باشد.

۱۱۶. شخصی که مستطیع می‌باشد واجب نیست مخارج متعارف حج را از مال خود بپردازد، بلکه می‌تواند با مخارجی که دیگری می‌پردازد نیز به حج برود.

۱۱۷. اگر مکلف با سخت‌گیری مالی بر خود، در مخارج حج صرفه‌جویی نماید، در صورتی که مستطیع باشد این عملش ضرری به حج نمی‌زند.

۱۱۸. اگر با وجود دارا بودن مخارج حج، با مال غصبی مخارج حمل و نقل، خوراک و مسکن خود را بپردازد، ضرری به حجة‌الاسلام او نمی‌زند.

### استطاعت بدنی

۱۱۹. در وجوب حجة‌الاسلام استطاعت بدنی شرط است. پس اگر به‌خاطر ناتوانی جسمی و بیماری مسافرت حج برای او مشقت زیاد داشته باشد استطاعت بدنی محقق نشده است؛ اما بنا بر احتیاط واجب با وجود استطاعت مالی باید نایب بگیرد.

### استطاعت از حیث زمان

۱۲۰. در وجوب حج، استطاعت از جهت زمان شرط است. پس اگر شخصی زمان کافی برای انجام تمامی اعمال حج را ندارد، حج بر او واجب نیست. همچنین اگر زمان کافی وجود دارد، اما انجام حج در این زمان با مشقت شدید همراه است،

#### ۴۰..... مناسک جامع حج

در این صورت نیز حج بر مکلف واجب نیست. بلی اگر استطاعت او تا سال بعد باقی بماند، حج بر او واجب می‌شود.

### استطاعت طریقی

۱۲۱. در وجوب حجة الاسلام، استطاعت طریقی شرط است. پس اگر مانعی از رسیدن به میقات یا حرم یا عرفات و مشعر وجود داشته باشد حج بر او واجب نیست، همچنین اگر در حین سفر بر جان، مال یا آبروی خود ایمن نیست، استطاعت طریقی حاصل نشده است.

۱۲۲. اگر راه‌های متعددی برای رفتن به حج وجود داشته باشد، و تنها یکی از آنها امن است، واجب است حج را از همان راه امن هرچند دورتر باشد، به‌جا آورد.

۱۲۳. اگر رفتن به حج باعث تلف شدن مال قابل توجهی می‌شود یا لازمه رفتن به حج، ترک واجب اهمّ یا ارتکاب فعل حرامی است که ترک آن حرام از انجام حج مهم‌تر است، در این موارد، حج واجب نیست.

۱۲۴. اگر مکلف یقین دارد که تمامی شرایط حجة الاسلام را داراست و موانع وجوب آن نیز مفقود است، باید حج را به‌جا آورد؛ حال اگر بعد از انجام حج برای او آشکار شود که بالغ نبوده یا استطاعت مالی نداشته، حج او کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.

۱۲۵. اگر برای مکلف آشکار شود، حجی که انجام داده همراه با مشقت زیادی که غیر قابل تحمل است انجام شده، این حج به جهت اینکه در واقع مستطیع نبوده است، کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.



## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۴۱

۱۲۶. اگر به اعتقاد فقدان بعضی از شرایط حج یا اعتقاد وجود برخی از موانع آن، حج را ترک کند، سپس معلوم شود در اعتقاد خود اشتباه کرده است، وجوب حج بر او مستقر می‌شود و واجب است بعداً ولو با سختی حج را به‌جا آورد.

۱۲۷. اگر اعتقاد به وجود ضرری دارد که مجوز ترک کردن حج است، یا خوف از آن را دارد، لازم نیست حج را به‌جا آورد. حال اگر اشتباه بودن اعتقادش آشکار شد و استطاعت او نیز باقی بود، حج بر او واجب است و در غیر این صورت، حج واجب نمی‌باشد.

۱۲۸. اگر شخصی با وجود ایمن نبودن راه، به حج برود، اگر مسیر حج بعد از میقات برای او امن بوده، حجة‌الاسلام او صحیح است. اما در صورتی که مسیر، بعد از میقات امن نباشد، هرچند در مقداری از این مسیر امنیت وجود نداشته باشد، به نحوی که اقدام بر آن جایز نباشد، حج او کفایت از حجة‌الاسلام نمی‌کند.

۱۲۹. اگر در مسیر مانعی باشد که رفع کردن آن مانع، نیازمند خرج کردن مالی باشد، در صورتی که قدرت بر رفع مانع دارد، بر طرف نمودن آن واجب است و این هزینه جزو مخارج حج او است، بلی در صورتی که هزینه کردن مال برای رفع مانع، از نظر عرف ضرر قابل توجهی باشد، مخارج رفع مانع، جزو حج نمی‌باشد؛ حال اگر با وجود قابل توجه بودن ضرر مالی، اقدام به رفع مانع کرد و استطاعت او نیز باقی بود، حج او صحیح و مجزی از حجة‌الاسلام است.

۱۳۰. اگر در مسیر حج، مانعی حاصل شود که جز با جنگیدن برطرف نمی‌شود، رفع آن مانع حتی اگر قطع به پیروزی داشته باشد لازم نیست.

۱۳۱. اگر مسیر حج منحصر به راهی باشد که پیمودن آن منجر به ترک نماز

#### ۴۲.....مناسک جامع حج

واجب می‌شود، بنابر اقوی حج واجب نیست؛ اما اگر مکلف حج را به‌جا آورد، حج او از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

۱۳۲. اگر لازمه حج، خوردن یا آشامیدن نجس یا امثال آن باشد، مانع از وجوب حج نیست.

۱۳۳. در صورتی که حج متوقف بر استفاده از وسیله نقلیه غصبی باشد، حج بر مکلف واجب نیست؛ حال اگر مکلف معصیت کرده و تا رسیدن به میقات از وسیله نقلیه غصبی استفاده کرد، در صورتی حج همچنان بر او واجب می‌باشد که توانایی انجام حج از میقات را تا پایان اعمال، بدون ارتکاب غصب داشته باشد.

۱۳۴. اگر حج بر مکلف مستقر باشد و در همان حال، خمس، زکات یا سایر حقوق واجبه بر عهده او باشد، اگر توانایی پرداخت آنها و انجام سفر حج را با هم ندارد انجام حج بر او جایز نیست و در صورت انجام حج با معصیت و ترک پرداخت حقوق شرعی، حج او صحیح و کافی است.

۱۳۵. مکلف زنده در صورت تمکن، باید حج واجبی را که بر عهده دارد، خود انجام دهد؛ پس حج شخص دیگر از طرف او کفایت نمی‌کند.

۱۳۶. شخصی که حج بر او مستقر شده و به‌خاطر بیماری‌ای که امیدی به بهبودی آن ندارد، یا مانعی از حج که امید به برطرف شدن آن ندارد، یا پیری یا مشقت زیاد، خود نمی‌تواند به حج برود، باید برای انجام حج نایب بگیرد.

۱۳۷. کسی که استطاعت مالی دارد اما خود توانایی انجام حج را ندارد، حتی اگر امید به حصول توانایی در آینده را داشته باشد، به احتیاط واجب باید نایب بگیرد.

۱۳۸. برای کسی که به‌خاطر عذر، نایب گرفته است و این عذر تا زمان مرگ

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۴۳

ادامه داشته، حج نیابی کافی است؛ اما اگر عذر او بعد از انجام حج توسط نایب برطرف شد و امید برطرف شدن عذر نیز نداشته است، حج نیابی کافی است؛ اما اگر امید به برطرف شدن عذر داشته، به احتیاط واجب باید بعد از رفع عذر، خودش حج را به جا آورد.

۱۳۹. اگر در بین راه و قبل از احرام، عذر مکلفی که نایب گرفته است برطرف شود، بنا بر اقوی اجاره باطل و حج نایب کافی نیست حتی اگر خود مکلف نیز نتواند در آن سال حج را به جا آورد.

۱۴۰. مکلفی که به خاطر فاسد کردن حج، لازم است حج را اعاده کند، در صورتی که نمی تواند به خاطر عذر، خودش حج را به جا آورد، باید نایب بگیرد و احکام نیابت که در حج مستقر و حجة الاسلام گذشت، درباره او جاری است.

۱۴۱. در فرض عدم وجود نایب یا گران بودن اجرت او - به شکلی که مکلف توانایی پرداخت آن را نداشته باشد یا پرداخت اجرت ظلم به او محسوب می شود - نایب گرفتن بر چنین مکلفی واجب نیست و باید حج، بعد از مرگ برای او قضا شود.

۱۴۲. نیابت مجانی یا نیابت از میقات - هر چند مکلف توانایی نایب گرفتن از شهر خود را دارد - کافی است، اما احتیاط مستحب آن است که نیابت از شهر مکلف بوده و تبرعی نباشد.

۱۴۳. کسی که بعد از احرام و داخل شدن حرم بمیرد، احرام او از هر گونه حجی، کفایت می کند چه حجة الاسلام یا غیر آن و لازم نیست حج، از طرف او قضا شود.

۱۴۴. اگر کسی بعد از احرام و قبل از دخول حرم بمیرد و یا بعد از دخول حرم

#### ۴۴.....مناسک جامع حج

و قبل از احرام بمیرد (مثل اینکه فراموش کند یا جاهل به لزوم احرام از میقات باشد) باید حجی که بر او مستقر شده است بعد از مردن، برای او قضا شود.

۱۴۵. در صورتی که مکلف محرم شود و وارد حرم شده باشد، و پس از خروج از حرم یا مُحَلِّ شدن (مثل اینکه عمره تمتع را به جا آورده باشد) بمیرد، این عمل او مجزی از حجة الاسلام است؛ و در این مسئله فرقی نمی‌کند حج او تمتع، افراد یا قران باشد یا اینکه حج را از طرف خود یا برای دیگری به صورت استیجاری انجام دهد؛ بلکه این حکم شامل حج نذری، حجی که به خاطر فاسد کردن حج قبلی واجب شده و عمره مفرده نیز می‌شود.

۱۴۶. اگر مکلف در میانه یا بعد از عمره تمتع بمیرد، عمل او مجزی از حج تمتع می‌باشد؛ اما در حج افراد و قران چون عمره و حج جدای از یکدیگرند، مرگ در میانه یا بعد از یکی از آنها مجزی از دیگری نمی‌باشد.

۱۴۷. در صورت استطاعت، حج بر کافر نیز واجب است اما تا زمانی که کافر است، حج او صحیح نمی‌باشد و اگر در حالت کفر بمیرد، حج از طرف او قضا نمی‌شود.

۱۴۸. اگر کافر مستطیع، مسلمان شود و استطاعتش باقی باشد، بنابر احتیاط واجب انجام حج بر او لازم است و اگر بعد از زوال استطاعت مسلمان شود، بنابر احتیاط واجب، حج بر او مستقر گردیده است.

۱۴۹. اگر کافر مُحَرَّم شد و سپس مسلمان گردید، احرام او کفایت نمی‌کند حتی اگر وقوف به عرفات و مشعر را در حال اسلام درک کند، پس اگر می‌تواند واجب است به میقات برگردد و در صورت عدم امکان به مقداری که می‌تواند به سمت میقات برود و در صورت عدم امکان، از همان مکان محرم شود.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۴۵

۱۵۰. حج بر کافر مرتدی که مستطیع است، واجب می‌باشد خواه استطاعت، قبل از ارتداد حاصل شود یا بعد از ارتداد، حال اگر حج را با حال ارتداد به‌جا آورد، حج او صحیح نمی‌باشد و در صورتی که در حال ارتداد بمیرد، حج از طرف او قضا نمی‌شود و اگر توبه نمود، چه مرتد ملی باشد چه فطری، واجب است حج را به‌جا آورد، خواه استطاعت او باقی باشد یا نباشد.
۱۵۱. اگر مرتد در حال ارتداد مُحْرَم شود، و سپس مسلمان گردد، واجب است احرام خود را اعاده کند.
۱۵۲. اگر مکلف حج را به‌جا آورد، سپس مرتد شد، در صورتی که توبه کند، اعاده حج بر او واجب نیست؛ زیرا حیط اعمال مختص به موردی است که شخص کافر شود و در حال کفر بمیرد.
۱۵۳. اگر مکلف در حال اسلام محرم شود، بعد مرتد و کافر شده و سپس توبه کند، در این صورت تجدید احرام بعد از توبه لازم نیست.
۱۵۴. اگر کسی که امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام را قبول ندارد، حج به‌جا آورد و بعد مستبصر شود، اعاده حج بر او لازم نیست؛ به شرط اینکه بنابر مذهب خود حج را صحیح به‌جا آورده باشد هر چند حج او در مذهب ما، صحیح شمرده نشود.
۱۵۵. اذن شوهر برای انجام حجة الاسلام همسر لازم نیست و شوهر نمی‌تواند او را از انجام حج منع کند. همچنین اگر شوهر به همسرش در نذر برای انجام حج اذن دهد، دیگر اذن گرفتن از او برای انجام حج لازم نیست.
۱۵۶. در انجام حج مستحبی، اذن شوهر لازم است، همین‌طور اذن شوهر برای انتخاب کاروانی که زودتر از کاروان‌های دیگر حرکت می‌کند لازم است، و شوهر می‌تواند زن را از رفتن تا حرکت آخرین کاروان، منع کند.

۴۶.....مناسک جامع حج

۱۵۷. زنی که از شوهر خود به طلاق رجعی جدا شده، در زمان عده، همانند زوجه می‌باشد و در مواردی که اذن از شوهر لازم است، اذن گرفتن بر او نیز لازم است.
۱۵۸. زنی که به عقد موقت ازدواج کرده در صورتی که لازمه انجام حج، تفویض حق شوهر باشد، در مواردی که اذن شوهر برای انجام حج در عقد دائم لازم است، بر او نیز اذن گرفتن لازم می‌باشد.
۱۵۹. بر زنی که از جهت خود و آبرویش ایمن است، همراهی محرم شرط نیست، مجرد باشد یا متأهل و در صورتی که ایمن نیست، باید محرمی را با خود همراه کند، هرچند با پرداخت اجرت و اگر نمی‌تواند مستطیع نیست.
۱۶۰. در مواردی که بر زن، همراه داشتن محرم شرط است، اگر تحصیل محرم متوقف بر ازدواج باشد، با توجه به حصول استطاعت، باید ازدواج کند.
۱۶۱. اگر زن در صورت عدم امنیّت، بدون همراهی محرم حج را به‌جا آورد، حج او صحیح است، خواه امنیّت، قبل از شروع در اعمال حاصل شود یا حاصل نشود.
۱۶۲. اگر مکلف با وجود استطاعت، حج را به‌جا نیاورد، حج بر او مستقر می‌شود و واجب است به هر شکل ممکن آن را به‌جا آورد و در صورت انجام ندادن حج در زمان حیات، واجب است حج از ترکه او قضا شود و اگر کسی مجانی حج را برای او انجام دهد، صحیح و مکفی است.
۱۶۳. در صورتی حج بر عهده شخصی مستقر می‌شود که اگر به حج می‌رفت، تا زمان بازگشت به وطن، استطاعت مالی، بدنی و طریقی او باقی می‌ماند، اما شرط عاقل بودن، تا پایان اعمال، برای وجوب حج کافی است و لازم نیست تا زمان رجوع به وطن، عاقل باشد؛ پس اگر به حج رفت و هنگام رجوع عقل او زایل شد با انجام ندادن آن، حج بر عهده او مستقر می‌شود.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۴۷

۱۶۴. مخارج حجة الاسلام که بر عهده میت است، از اصل ترکه او پرداخت می‌شود، البته در صورتی که وصیت نکرده باشد از ثلث ترکه، پرداخت شود؛ و در صورت وصیت مذکور، واجب است مخارج از ثلث، پرداخت شود و اگر ثلث ترکه کافی به مقدار مخارج حج نباشد، بقیه آن از اصل ترکه پرداخت می‌شود؛ این حکم در حج نذری نیز جاری است.

۱۶۵. اگر علاوه بر حجة الاسلام، دین، خمس، یا زکاتی بر عهده میت باشد و ترکه او برای ادای تمامی آنها کافی نباشد، اگر مالی که خمس و زکات به آن تعلق گرفته موجود باشد، پرداخت خمس و زکات مقدم‌اند و جایز نیست مال در غیر آن دو خرج شود؛ اما اگر خمس و زکات به ذمه میت تعلق گرفته است، حج بر سایر دیون - حتی اگر دین مردم باشد - مقدم است.

۱۶۶. اگر میتی که حج بر عهده او آمده، مالی دارد که از او به‌جا مانده و برای انجام تمام اعمال حج کفایت نمی‌کند، انجام بعض اعمال مانند سعی و طواف از طرف او واجب نیست و باید مال را صرف سایر دیون او نمود؛ اما اگر حجبی که بر عهده اوست مانند حج قران یا افراد باشد و این مال برای عمره کافی نیست و تنها برای حج آن دو کفایت می‌کند، باید با آن مال، حج را بدون عمره برای میت به‌جا آورد.

۱۶۷. اگر ترکه میت فقط به مقدار مخارج حج یا فقط عمره می‌باشد، اگر حج واجبی که بر عهده میت است حج قران یا افراد باشد، آن مال برای انجام حج یا عمره صرف می‌شود. اما اگر حج واجب، حج تمتع باشد، قضا نمودن حج، از طرف میت ساقط می‌شود.

۱۶۸. بنا بر احتیاط واجب، بر ورثه جایز نیست، قبل از اجیر گرفتن برای حج یا پرداخت مقدار اجرت به ولیّ میت، در ترکه میت تصرف نمایند.
۱۶۹. اگر بعضی از ورثه به وجوب حج بر میت، اقرار کنند و بعضی انکار کنند، بر اقرارکننده واجب است مقدار سهم خود از ترکه را بعد از توزیع، برای حج میت قرار دهد. پس اگر سهم او برای انجام حج میت هرچند از میقات کفایت نمود، باید حج انجام شود؛ اما در صورتی که سهم او کافی نبود، اگر شخصی مقدار ناقص را پرداخت کند، بر او واجب است سهم خود را برای حج واگذار کند.
۱۷۰. اگر ترکه میت کمتر از مخارج حج - هرچند از میقات - باشد، در صورتی که میت دین دیگر ندارد مال، به ورثه می‌رسد.
۱۷۱. در صورتی که احتمال معقول، مبنی بر اینکه ترکه در آینده برای مخارج حج کافی خواهد بود یا شخصی به‌طور مجانی کمبود آن را جبران می‌کند وجود داشته باشد، واجب است ترکه حفظ شود و در آن تصرف نکنند.
۱۷۲. اگر شخصی حج را به‌طور مجانی از طرف میت انجام دهد، مخارج حج به ورثه منتقل می‌شود، خواه میت مخارج حج را مشخص کرده باشد، خواه نکرده باشد.
۱۷۳. استیجار حج برای میت، از میقات کافی است، پس مخارج بیشتر از حج میقاتی، از سهم صغار ورثه محاسبه نمی‌شود و اخذ رضایت ورثه کبیر نیز لازم است.
۱۷۴. اگر میت وصیت نمود از شهر خودش برای او اجیر گرفته شود، عمل به وصیت، واجب است و مخارج زاید بر حج میقاتی از ثلث ترکه محاسبه می‌شود.
۱۷۵. اگر میت در وصیت خود به حج، بلدی یا میقاتی بودن آن را تعیین نکرد، اگر قریبه‌ای بر حج بلدی نباشد، انجام حج میقاتی کفایت می‌کند.



## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۴۹

۱۷۶. اگر اجیر گرفتن برای حج میقاتی ممکن نباشد، باید استیجار در صورت امکان از نزدیکترین مکان به میقات، انجام شود؛ و در این صورت تمام اجرت از اصل ترکه پرداخت می شود.

۱۷۷. اگر میت به حج بلدی وصیت نمود، اما از میقات برای او اجیر گرفته شود و یا شخصی از میقات به طور مجانی برای او حج را به جا آورد، یا مال، تنها به مقدار حج میقاتی باشد، با انجام حج میقاتی ذمه میت فارغ شده و وجوب حج بلدی ساقط می شود.

۱۷۸. اگر میت به حج بلدی وصیت کند، ظاهر این است که مرادش شهری است که در آن وفات کرده و اگر مکان دیگری را تعیین کند، حج از همان مکان متعین است.

۱۷۹. اجیر گرفتن از نزدیکترین میقات نسبت به حرم، در حج استیجاری کفایت می کند، اما واجب نیست و می توان از دورترین میقات به حرم، شخصی را اجیر نمود؛ لکن اجرت زاید بر اجرت نزدیکترین میقات، از سهم ورثه صغیر و از مقدار ثلث حساب نمی شود در صورتی که وصیتی نسبت به آن نکرده باشد و نسبت به ورثه کبیر، اخذ رضایت آنها شرط است، حال اگر وصیت به ثلث نمود و مصرف آن را مشخص نکرد، می توان مقدار زاید را از ثلث محاسبه نمود.

۱۸۰. اگر ترکه میت برای حج از میقات کافی نیست، اما می توان شخصی را از مکه با احرام اضطراری یا أدنی الحِلّ اجیر نمود، استیجار لازم است؛ و به احتیاط واجب، اگر ممکن است باید کسی را که میقات او أدنی الحِلّ است اجیر نمود.

۵۰.....مناسک جامع حج

۱۸۱. اگر امر دایر شود بین اینکه کسی را از میقات اضطراری یا از بلد اجیر کنند، باید از بلد اجیر نمایند و تمام اجرت حج از اصل ترکه محاسبه می‌شود.
۱۸۲. همان‌طور که حج از میقات برای میت کفایت می‌کند، همچنین بر معذوری که به‌خاطر عذر، باید نایب بگیرد نیز جایز است نیابت را از میقات انجام دهد.
۱۸۳. واجب است برای میت در همان سال وفات، اجیر بگیرند، مخصوصاً اگر ترک حج به‌خاطر کوتاهی میت باشد؛ حال اگر استیجار فقط از شهر میت ممکن باشد، اجیر گرفتن از همانجا واجب است و جایز نیست حج را برای نیابت از میقات، به سال بعد موکول کنند. همین‌طور اگر در سال وفات، نیابت تنها به بیش از مقدار اجرة‌المثل ممکن باشد، باید نایب گرفته شود و تأخیر انداختن حج به سال بعد به‌خاطر رعایت حال ورثه، جایز نیست.
۱۸۴. اگر وصی یا وارث در استیجار کوتاهی کند و ترکه به جهت کوتاهی ایشان تلف شود، ضامن حج نیابی خواهند بود.
۱۸۵. اگر مرجع تقلید میت و نایب، در لزوم حج نیابی از میقات یا بلد اختلاف کنند و میت نیز در وصیت، هیچ کدام را تعیین نکرده باشد، در این صورت فتوای مرجع تقلید شخص متصدی نایب گرفتن ملاک است و در صورتی که متصدی متعدّد باشد و فتوای مرجع تقلید آنها مختلف باشد، لازم است به حاکم شرع رجوع شود.
۱۸۶. اگر در اصل و جوب حج، بین مرجع تقلید میت و وارث اختلاف باشد یا فتوای مرجع تقلید میت، معلوم نباشد، در این دو صورت ملاک، فتوای مرجع تقلید وارث می‌باشد.
۱۸۷. در صورتی که امکان استیجار افراد متعدّد وجود دارد، باید فردی که

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۵۱

اجرت کمتر می‌گیرد انتخاب شود، مگر اینکه ورثه کبیر، به غیر آن راضی باشند و در صورت وجود ورثه صغیر، مقدار اضافی، از سهم آنها محاسبه نمی‌شود.

۱۸۸. اگر استطاعت میت مشکوک باشد، قضا نمودن حج از طرف او واجب نیست.

۱۸۹. ذمه میت به مجرد اجیر گرفتن، فارغ نمی‌شود؛ بلکه انجام حج توسط اجیر،

در فارغ شدن ذمه او شرط است. پس اگر معلوم شود اجیر، حج را انجام نداده و نمی‌توان اجرت را از او پس گرفت، باید بار دیگر از ترکه میت اجیر گرفته شود.

۱۹۰. اگر وصی یا وارث به خاطر غفلت از لزوم استیجار میقاتی، نایب را از بلد

میت بگیرند، مقدار اضافه بر اجرت را برای ورثه کبیر - در صورتی که رضایت نداشته باشند - و ورثه صغیر ضامن هستند.

۱۹۱. اگر حجی بر عهده میت باشد و مالی که کافی به مخارج آن باشد، ندارد،

بر ورثه واجب نیست حج را از طرف او به‌جا آورند.

۱۹۲. کسی که حج بر عهده او مستقر شده و توان انجام آن را دارد، نمی‌تواند قبل

از اینکه حج خود را به‌جا آورد، برای دیگری حج تبرعی یا استیجاری انجام دهد.

۱۹۳. کسی که حج بر او مستقر شده است و توان انجام آن را دارد، جایز نیست

حج استیجاری به‌جا آورد، حال اگر مخالفت کرده و حج استیجاری را به‌جا آورد، صحت آن مشکل است؛ خواه بداند حج بر او مستقر بوده، یا نداند.

۱۹۴. کسی که حج بر او مستقر شده و نمی‌تواند آن را به‌جا آورد، جایز است

برای دیگری اجیر شده و حج او را به‌جا آورد؛ اما اگر بعد از اجیر شدن، توانایی

انجام حج برای خود را پیدا کرد، اجاره باطل است؛ مگر اینکه توان انجام حج برای

خود را از عقد اجاره به دست آورده باشد.

۵۲.....مناسک جامع حج

۱۹۵. اگر مستطیع به جای حجة الاسلام حج مستحبی به جا آورد، در صحت آن اشکال است مگر آنکه به وجوب حجة الاسلام جاهل باشد.

### حج واجب به نذر، عهد و یمین

۱۹۶. کسی که حج با نذر، قسم و عهد بر او واجب شده و وجوب آنها نیز فوری است، جایز نیست برای دیگری حج به جا آورد؛ و اگر با عصیان و ترک واجب فوری، برای دیگری حج به جا آورد، بعید نیست که حج او صحیح بوده و از حج غیر کفایت کند.

۱۹۷. در حج واجب به نذر، عهد و یمین، شرط بلوغ، عقل، قصد و اختیار باید حاصل باشد، پس نذر، عهد و یمین از کودک، دیوانه، غافل، مست و مکره منعقد نمی شود؛ اما نذر و غیر آن از کافری که اعتقاد به وجود خداوند دارد، منعقد می شود اگرچه ادای آن در حالت کفر صحیح نمی باشد و به خاطر ترک آن معاقب و کفاره نیز لازم می شود.

۱۹۸. منعقد شدن قسم از زوجه، مشروط به اذن شوهر، و از فرزند، مشروط به اذن پدر می باشد و جلب رضایت، بعد از قسم خوردن، بنا بر احتیاط، کفایت نمی کند و فرقی ندارد فعلی که برای آن قسم خورده با حق شوهر یا پدر منافات داشته باشد یا خیر؛ و بعید نیست نذر زوجه به یمین او ملحق گردد، ولی بنا بر اقوی نذر فرزند ملحق به یمین او نمی شود.

۱۹۹. اگر پدر کافر باشد، اذن او برای قسم خوردن فرزند شرط نیست.

۲۰۰. در فرزند، فرقی بین پسر و دختر وجود ندارد و در مواردی که اذن پدر لازم است، اذن مادر نیز لازم است.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۵۳

۲۰۱. اگر زنی به انجام فعلی قبل از ازدواج قسم خورده باشد، واجب است به آن عمل کند حتی اگر منافی استمتاع شوهر باشد، و شوهر نمی‌تواند او را منع کند.
۲۰۲. اگر نذر قبل از ازدواج زن با نذر شوهر، منافات داشته باشد، نذر زوجه مقدم است و شوهر نمی‌تواند او را از عمل به نذر باز دارد.
۲۰۳. اگر شخصی نذر کند حج را از مکان خاصی به‌جا آورد - مثل نجف اشرف - در صورتی که انجام حج از آن مکان برایش خصوصیت داشته باشد، باید حج را از همان مکان به‌جا آورد و از مکان دیگر، کفایت نمی‌کند؛ و در صورتی که نذر مقید به زمان خاصی بوده و آن زمان گذشته باشد باید به‌خاطر حث نذر (شکستن نذر) کفاره نیز بپردازد.
۲۰۴. اگر شخصی نذر کند حج به‌جا آورد و زمان مشخصی برای آن تعیین نکند، لازم است در انجام آن مبادرت ورزد و در صورت تأخیر و فرا رسیدن مرگ قبل از به‌جا آوردن حج، معصیت نموده و باید از طرف او حج به‌جا آورده شود و مخارج حج و کفاره ترک آن، از اصل مال میت پرداخت می‌شود.
۲۰۵. اگر شخصی نذر خود را مقید به زمان مخصوصی نماید، جایز نیست با تمکن، آن را از وقت مخصوص به تأخیر بیندازد و در صورت تأخیر انداختن، معصیت کرده و باید حج را قضا کرده و کفاره آن را نیز بپردازد.
۲۰۶. اگر شخصی نذر کند حج به‌جا آورد، چه در ضمن نذر، سال آن را معین کند و چه معین نکند، اگر توانایی انجام حج تا زمان مرگ برای او حاصل نشود، معلوم می‌شود نذر او منعقد نشده و قضا و کفاره بر او واجب نیست.
۲۰۷. اگر شخصی نذر کند که در صورت تحقق امر مشخصی، حج به‌جا می‌آورد

#### ۵۴.....مناسک جامع حج

- مثل شفا یافتن بیمار - در صورتی که آن امر، پس از مرگ نذرکننده تحقق یابد، لازم نیست دیگران، حج را از طرف او قضا کنند.

۲۰۸. اگر شخصی نذر به انجام حج کرد و وجوب آن به خاطر توانایی انجام حج، بر او مستقر شد اما بعد از استقرار حج، از انجام آن معذور گردید، واجب است برای انجام حج، نایب بگیرد و در صورت مرگ نذرکننده، قبل از نایب گرفتن، قضا نمودن حج، از طرف او واجب است.

۲۰۹. اگر شخصی نذر کند در صورت تمکن، حج را خودش انجام دهد و در غیر آن، دیگری را به عنوان نایب به حج بفرستد، نایب گرفتن بعد از مرگ نذرکننده واجب است؛ خواه در زمان حیات، خودش توانایی انجام حج، یا نایب گرفتن را داشته باشد یا نداشته باشد.

۲۱۰. اگر شخصی نذر کند دیگری را به حج بفرستد و با وجود تمکن از انجام نذر، با آن مخالفت کرد، بر او واجب است علاوه بر قضا، کفاره نیز بپردازد؛ و بعد از مرگ نیز باید قضا و کفاره از اصل ترکه او پرداخت شود؛

۲۱۱. اگر شخصی نذر کند در صورت حصول امری، دیگری را به حج بفرستد، در صورت حصول آن امر قبل از مرگ نذرکننده، بر او واجب است به نذر خود عمل کند و در صورت ترک نذر، باید از طرف او، مخارج قضا و کفاره را از اصل ترکه بپردازند.

۲۱۲. اگر مستطیعی که حجة الاسلام بر عهده اوست، نذر کند که حجة الاسلام را به جا آورد، نذر او صحیح است و در صورت ترک نذر تا زمان مرگ، واجب است قضا و کفاره، از ترکه او پرداخت شود و در صورتی که نذر کند، حج را در

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۵۵

اولین سال حصول استطاعت به‌جا آورد، اگر از آن سال تأخیر کرد، پرداخت کفاره بر او واجب است.

۲۱۳. اگر مستطیع نذر کند که حجة الاسلام خود را در سالی غیر از سال حصول استطاعت به‌جا آورد، به نحوی که لازمه آن، تأخیر در واجب فوری باشد، این نذر صحیح نیست.

۲۱۴. اگر غیر مستطیع نذر کند حجة الاسلام را به‌جا آورد، تحصیل استطاعت بر او واجب است، مگر اینکه نذر او مشروط به حصول استطاعت باشد.

۲۱۵. در حج نذری، استطاعت شرعی به نحوی که در حجة الاسلام شرط است، لازم نیست بلکه توانایی عقلی کفایت می‌کند.

۲۱۶. اگر مستطیع در سال حصول استطاعت، حجی غیر از حجة الاسلام نذر کند، نذر او منعقد نمی‌شود؛ حتی اگر بعد از نذر، استطاعت از بین برود. اما در سه صورت نذر او صحیح است: در صورتی که نداند مستطیع است یا نداند، حجی غیر از حجة الاسلام در سال استطاعت صحیح نیست، یا نذر او مشروط به زوال استطاعت باشد.

۲۱۷. اگر غیر مستطیع نذر کرد، حجی به‌جا آورد، سپس مستطیع شد، در صورتی که نذر او مطلق باشد و به زمان خاصی مقید نشده باشد، نذر او صحیح است و حجة الاسلام، با توجه به حصول استطاعت مقدم است؛ همچنین اگر نذر مقید به سال معینی باشد که غیر سال حصول استطاعت است، نذر او صحیح می‌باشد. اما اگر نذر مقید به سال حصول استطاعت باشد، حجة الاسلام بر او واجب است و نذر منعقد نمی‌شود و در صورتی که نذر او موسع بوده و مقید به زمان

## ۵۶.....مناسک جامع حج

خاصی نباشد، با توجه به حصول استطاعت، اگر موفق به انجام حجة الاسلام در سال اول نشود، باید حج نذری و حجة الاسلام را در سال‌های آینده، با مقدم داشتن حجة الاسلام به‌جا آورد حتی اگر حج نذری مقید به انجام فوری باشد.

۲۱۸. اگر مکلف نذر کند، حجی به‌جا آورد و نوع آن را تعیین نکند، حجة الاسلام از حج نذری کفایت می‌کند و بنا بر احتیاط، انجام حج نذری از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند. اما اگر نذر کند، حجی غیر از حجة الاسلام به‌جا آورد، با حصول استطاعت، باید ابتدا، حجة الاسلام و سپس حج نذری را به‌جا آورد.

۲۱۹. اگر غیر مستطیع نذر کند، حج را مشروط به حصول امری - مثل شفای فرزند - به‌جا آورد و قبل از حصول آن امر، مستطیع شود، در صورتی که نذر او به سالی که استطاعت در آن حاصل شده مقید باشد، باید حجة الاسلام را به‌جا آورد و نذر او صحیح نیست اما در فرض مقید نکردن به این قید، باید حج نذری را با حصول شرط، بعد از حجة الاسلام به‌جا آورد.

۲۲۰. کسی که حجة الاسلام و حج نذری بر عهده دارد و توانایی انجام هر دو را ندارد، باید حجة الاسلام را به‌جا آورد؛ همچنین اگر حجة الاسلام همراه حج نذری بر عهده می‌تبی باشد که ترکه او برای انجام دو حج کافی نیست، باید حجة الاسلام را از طرف او به‌جا آورند و در صورت کافی بودن ترکه میت، واجب است در حد امکان با اجیر کردن دو نفر، هر دو حج را فوراً در همان سال به‌جا آورند.

۲۲۱. کسی که حج با نذر بر او واجب شده و زمان آن محدود نیست، جایز است، حج مستحبی را قبل از آن به‌جا آورد.

۲۲۲. اگر شخصی به صورت تخییری، نذر کند - یا خودش حج به‌جا آورد یا



## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۵۷

دیگری را به حج بفرستد - نذر او صحیح و واجب است یکی از دو عمل را مخیراً به جا آورد. و در صورت توانایی مکلف بر انجام نذر و خودداری از انجام آن تا زمان مرگ، باید شخصی را برای انجام حج اجیر کنند، که حج را از طرف نذرکننده، به جا آورد یا شخصی را به حج بفرستند که حج را برای خود به جا آورد؛ و اگر از انجام یکی از آن دو عاجز شود، دیگری بر او متعین است. و در صورتی که آنچه متعین شده را نیز تا زمان مرگ انجام نداد، واجب است یکی از آن دو را به صورت تخییر از طرف او به جا آورند و اگر در زمان نذر توانایی انجام یکی از دو امر تخییری را داشته باشد، نذر فقط در طرف مقذور منعقد می شود و نسبت به طرف غیر مقذور منعقد نمی شود.

۲۲۳. اگر شخصی نذر کند که - یا حج به جا آورد یا به زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام مشرف شود - نذر منعقد می شود و یکی از آن دو عمل به نحو تخییری بر او واجب است؛ حال اگر با فرض تمکن بمیرد، قضا، از اصل ترکه او واجب است و به احتیاط واجب، وصی باید آن عمل را که از حیث اجرت کمتر است انتخاب کند، مگر اینکه میت، امر تعیین را در اختیار وصی گذاشته باشد که در این صورت بعید نیست که وصی بتواند فعلی که از حیث اجرت بیشتر است، انتخاب کند و مخارج را از اصل ترکه پردازد.

۲۲۴. اگر بدانیم حجی بر عهده میت است اما ندانیم، حجة الاسلام می باشد یا حج نذری، واجب است از طرف میت حجی انجام شود اما پرداخت کفاره واجب نیست.

۲۲۵. اگر بدانیم حجی بر عهده میت است اما ندانیم حج با نذر بر او واجب شده یا با قسم، علاوه بر قضا، پرداخت کفاره نیز لازم است و بعید نیست که بتوان در پرداخت کفاره به اطعام ده مسکین اکتفا کرد.

۲۲۶. اگر شخصی نذر کند که حج واجب یا مستحب را پیاده به جا آورد، نذر او صحیح است. همچنین اگر نذر کند حجی را که مقید به پیاده روی است، با پای برهنه به جا آورد؛ اما اگر نذر کند حجی که بر او واجب یا مستحب است، به صورت سواره به جا آورد (چون سواره بودن امر راجحی نیست)، نذر به آن منعقد نمی شود، بلی اگر نذر کند حج را، مقید به سواره بودن به جا آورد، نذر او صحیح است.

۲۲۷. حجی که مقید به پیاده روی می باشد، در صورتی صحیح است که مضر نباشد به طوری که انجام آن مرجوح شود اما اگر این نذر موجب مشقت شدید باشد، صحیح است و منعقد می شود.

۲۲۸. کسی که نذر کرده حج را پیاده به جا آورد، در صورت اختیار، نمی تواند از مسیر دریایی استفاده کند مگر اینکه مسیر، منحصر به آن طریق دریایی باشد و در این فرض، باید باقی مسیر را پیاده بپیماید و جایز نیست سواره برود و اگر مجبور شود مدت کوتاهی برای عبور از مسیر آبی از وسیله ای استفاده کند، به احتیاط واجب باید در طول مسیر، در حال قیام باشد.

۲۲۹. کسی که نذر کرده حج را پیاده به جا آورد، اما با نذر مخالفت کرده و آن را سواره انجام دهد، اگر حج مقید به پیاده روی را، نذر کرده و آن را مقید به سال معین نکرده باشد، حج او صحیح است و پرداخت کفاره لازم نیست، اما واجب است، به خاطر عدم وفای به نذر، حج را دوباره مطابق با نذر به جا آورد اما اگر نذر مقید به سال مشخصی باشد، در صورت مخالفت، علاوه بر وجوب قضا، پرداخت کفاره نیز بر عهده می آید.

۲۳۰. اگر شخصی پیاده روی در حج معینی را نذر کند و از آن تخلف کند،

پرداخت كفاره واجب است و بنابر احتیاط واجب باید حج را در حال پیاده به جا آورد.

۲۳۱. اگر نذر کند حج را پیاده به جا آورد و بعد از اینکه توانایی پیاده روی را داشته عاجز شده و نتواند پیاده برود، نذر او صحیح، و واجب است حج را سواره به جا آورد و باید به هر مقداری که می تواند مسیر را پیاده بپیماند و اگر نذر او مقید به سال مشخصی نبود، احتیاط واجب آن است که بعد از رفع عذر، حج را به صورت پیاده اعاده کند، به شرط اینکه عاجز، هنگام به جا آوردن حج اول از برطرف شدن عذرش مأیوس نباشد.

### احکام نیابت

۲۳۲. نایب به کسی گویند که عملی را برای شخص دیگر به جا آورد؛ و به کسی که آن عمل برای او آورده می شود منوب عنه گفته می شود.

۲۳۳. نایب شدن در حج از طرف میت، در حج واجب و مستحب صحیح است. و از طرف فرد زنده، حج مستحبی، مطلقاً قابل نیابت است اما نسبت به حج واجب، تنها در بعضی موارد خاص، نیابت جایز است، که بعداً بیان می شود.

شرایط نایب شش امر است:

۱. بلوغ، بنابر احتیاط واجب

۲. عقل

۳. ایمان

۴. آشنایی با افعال حج

۵. اینکه حج واجبی بر عهده نایب نباشد

۶۰.....مناسک جامع حج

۶. معذور از انجام اعمال اختیاری عمره و حج نباشد.
۲۳۴. نیابت کودک، اگرچه ممیز باشد، در حج واجب، صحیح نیست؛ اما در حج مستحب، بعید نیست نیابت کودک ممیز صحیح باشد.
۲۳۵. نیابت مجنون هر چند آذواری، در صورتی که حج او در زمان جنون باشد، صحیح نیست؛ اما نیابت سفیه صحیح است.
۲۳۶. نیابت غیر مؤمن صحیح نیست، هر چند مسلمانی باشد که معتقد به وجوب حج بوده و قصد قربت نیز از او صادر شود.
۲۳۷. عدالت در صحت نیابت، شرط نیست پس اگر فاسقی حج نیابی را به جا آورد حج او صحیح است.
۲۳۸. اگر شک کنیم که فاسق حج را به جا آورده یا خیر، اکتفا به نیابت جایز نیست و به احتیاط واجب نمی توان به گفته او مبنی بر انجام حج - در صورتی که اطمینان آور نباشد - اکتفا کرد اما اگر معلوم است حج را به جا آورده و در صحت عمل او شک شود، حج صحیح است.
۲۳۹. در نیابت لازم نیست نایب در ابتدای انجام حج، به تمام احکام آن عالم باشد، بلکه اگر هنگام انجام هر عملی به کمک دیگری از کیفیت و احکام آن، آگاه شود کافی است، اما در صحت اجاره برای جلوگیری از غرری شدن آن، شناخت اجیر نسبت به افعال حج و احکام آن شرط است.
۲۴۰. مستطیع و نذرکننده ای که می داند حج بر او واجب شده، نمی تواند از طرف شخص دیگر نایب شود و بنا بر احتیاط واجب در مورد جاهل یا غافل به وجوب حج نیز به حج نیابی او اکتفا نمی شود.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۶۱

۲۴۱. در منوب‌عنه اسلام شرط است، پس نیابت از طرف کافر، صحیح نیست لذا بر وارثِ مسلمان او واجب نیست که برای او نایب بگیرد.
۲۴۲. نایب گرفتن از طرف کودک ممیز جایز است؛ همچنین می‌توان از طرف مجنونی که به مقدار زمان به‌جا آوردن حج سالم است، حج انجام داد و اگر حج در زمان سلامت مجنون بر عهده او آمده باشد، واجب است از طرف او به‌جا آورده شود.
۲۴۳. مماثلت در نیابت شرط نیست؛ پس نایب شدن مرد از طرف زن و بالعکس جایز است؛ و حتی بعید نیست نیابت مرد از طرف زن افضل باشد.
۲۴۴. نیابت در حج واجب، مشروط به این است که منوب‌عنه مرده باشد یا اگر زنده است، توانایی انجام آن را نداشته باشد. پس نیابت، از انسان زنده‌ای که می‌تواند خودش حج را به‌جا آورد، صحیح نیست و در این حکم بین نیابت مجانی و استیجاری فرقی نیست؛ به خلاف حج مستحبی که در آن، نیابت از طرف شخص زنده متمکن نیز صحیح است.
۲۴۵. نیابت ضروره (شخصی که اولین سفر حج را به‌جا می‌آورد) که مستطیع نیست - زن باشد یا مرد - صحیح است و بعید نیست که نیابت زن ضروره از طرف مرد، مکروه نباشد.
۲۴۶. در نیابت علاوه بر تعیین منوب‌عنه، نایب باید قصد کند فعلی را که بر عهده منوب‌عنه است به‌جا می‌آورد، خواه حج واجب باشد یا مستحب.
۲۴۷. در تعیین منوب‌عنه ذکر نام او لازم نیست بلکه تعیین به هر شکل باشد و لو به صورت اجمال و در ذهن، کفایت می‌کند اگرچه مستحب است نام او را هنگام شروع در هر یک از اعمال به زبان بیاورد.

## ۶۲.....مناسک جامع حج

۲۴۸. همان‌طور که نیابت به صورت مجانی و با اجاره صحیح است، نیابت با عقد جعله نیز صحیح می‌باشد؛ به این نحو که گفته شود: هر کس عمل حج را به‌جا آورد این مبلغ، به او داده می‌شود.

۲۴۹. بنابر احتیاط واجب، نمی‌توان شخصی را که در انجام بعضی اعمال اختیاری معذور است، اجیر کرد؛ همچنین نمی‌توان به عمل او هرچند مجانی باشد اکتفا کرد.

۲۵۰. اگر پس از احرام و در ضمن اعمال، عذری برای نایب پیش آمد که نتواند اعمال اختیاری را به‌جا آورد، ضرری به نیابت وارد نمی‌شود.

۲۵۱. معذور نبودن نایب در حج واجبی که بر عهده منوب‌عنه است، شرط می‌باشد. اما برای حج استحبابی یا عمره استحبابی لازم نیست نایب قبل از احرام غیرمعذور باشد، پس نیابت معذور صحیح می‌باشد.

۲۵۲. اگر نایب بعد از احرام و دخول حرم بمیرد (ولو اینکه این اتفاق در خارج حرم باشد عمل او مجزی از حج منوب‌عنه می‌باشد) پس اگر بدون احرام، داخل حرم بمیرد یا بعد از احرام در خارج حرم بمیرد، عمل او مجزی از حج منوب‌عنه نمی‌باشد و در این مسئله فرقی بین حجة الاسلام و سایر حج‌ها نیست و همین‌طور فرقی بین نیابت مجانی و با اجاره وجود ندارد.

۲۵۳. اگر اجیر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد، مستحق تمام اجرت است و در این مسئله فرقی نمی‌کند که اجیر را برای فراق ذمه میت اجیر کرده باشند یا برای انجام تمام اعمال؛ ولی اگر قبل از احرام یا قبل از دخول حرم بمیرد و عقد او مرکب از پیمودن مسیر تا مکه و انجام مناسک مخصوصه باشد، اجیر مستحق

## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۶۳

مقدار اجرتی است که در مقابل اعمال انجام شده قرار می‌گیرد، اما وقتی اجاره برای مجموع اعمال و پیمودن راه باشد با توجه به اینکه مجموع آن در خارج محقق نشده، اجیر هیچ حقی نسبت به اجرت ندارد.

۲۵۴. اگر اجیر قبل از داخل شدن حرم یا قبل از احرام بمیرد، در صورتی که مباشرت او در انجام عمل قید شده باشد، با مرگ او عقد اجاره منفسخ می‌شود. اما اگر مباشرت اجیر شرط نشده باشد (به شکلی که اجیر اختیار داشته باشد شخصی دیگر را از طرف منوب‌عنه به حج بفرستد) واجب است از ترکه اجیر برای منوب‌عنه، حج به‌جا آورند.

۲۵۵. در اجاره باید نوع حج - تمتع یا قران یا افراد - مشخص شود و جایز نیست اجیر از آن عدول کند مگر آنکه مستأجر راضی باشد بلکه بنا بر احتیاط واجب اذن او لازم است و این در صورتی است که منوب‌عنه مخیر در انجام هر کدام از انواع حج باشد.

۲۵۶. اگر آنچه که به عهده منوب‌عنه می‌باشد، حج معینی است در این صورت رضایت و اذن مستأجر مبنی بر تبدیل آن حج، موجب نمی‌شود ذمه منوب‌عنه فارغ شود، اما اجیر به‌خاطر اینکه حق مستأجر را ادا کرده است، بعید نیست مستحق اجرة المسمی باشد.

۲۵۷. اگر اجیر بدون جلب رضایت مستأجر حج دیگری، غیر از حج تعیین شده در عقد اجاره را برای منوب‌عنه به‌جا آورد و عدول از آن برای فراغ ذمه منوب‌عنه کفایت کند، در فرضی که در اجاره مقید شده باشد که حج مشخصی به‌جا آورد، با عدول از آن، اگرچه ذمه منوب‌عنه فارغ می‌گردد اما اجیر استحقاق

#### ۶۴.....مناسک جامع حج

اجرت را ندارد. اما در صورتی که تعیین آن حج، به نحو شرط ضمن عقد باشد، اجیر مستحق اجرةالمسمى است بر فرض اینکه مستأجر، عقد را به خاطر تخلف شرط، فسخ نکند؛ اما در صورت فسخ، اجیر استحقاق اجرةالمثل را دارد.

۲۵۸. در عقد اجاره تعیین مسیر لازم نیست؛ اما اگر مسیری تعیین شد، پیمودن آن مسیر بر اجیر لازم است و جایز نیست از آن عدول نماید مگر اینکه مستأجر اجازه دهد، ولی اگر بدون اجازه، مسیر دیگری انتخاب کرد، حج صحیح و ذمه منوب عنه فارغ می‌گردد مشروط بر اینکه منوب عنه نذر نکرده باشد که حج را از آن طریق مشخص به جا آورد.

۲۵۹. اگر اجیر حج شخصی را در سال معین بر عهده بگیرد، نمی‌تواند در آن سال برای شخص دیگر اجیر شود و اجاره دوم او باطل است و در این مسئله فرقی ندارد اجاره را در ذمه قبول کند یا اینکه حجی که در خارج به جا می‌آورد، برای منوب عنه باشد و یا اجیر تمامی منافع خود را بدون مشخص کردن عمل حج، در ایام حج به مستأجر واگذار کند.

۲۶۰. اگر شخصی خود را برای دیگری اجیر قرار دهد و وکیلش همزمان، او را اجیر فرد دیگری قرار دهد در صورتی که هر دو مباشرت را در عقد شرط کرده باشند، هر دو اجاره باطل است.

۲۶۱. اگر شخصی خود را برای سال معینی اجاره دهد، تقدیم یا تأخیر انجام حج از آن سال معین جایز نیست مگر با اذن و رضایت مستأجر.

۲۶۲. اگر انجام حج در سال معین به صورت شرط در ضمن عقد قرار داده شود، در صورت تخلف، مستأجر خیار فسخ دارد.



## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۶۵

۲۶۳. اگر در عقد اجاره، سال معینی برای انجام حج مشخص شود و اجیر از آن سال تخلف نماید اما در سال دیگر، حج را به جا آورد، ذمه منوب عنه، فارغ می شود و در صورتی که مستأجر حج را مقید به آن سال نموده باشد، اجیر هیچ حقی نسبت به آن اجرت ندارد اما اگر سال مخصوص را به نحو شرط، در ضمن اجاره قرار دهد، در فرض عدم فسخ، اجیر، استحقاق اجرة المسمی و در فرض فسخ، استحقاق اجرة المثل را دارد.

۲۶۴. اگر اجیر مصدود یا محصور گردد حکم او حکم کسی است که حج را برای خود به جا می آورد و باید به وظایف مصدود و محصور - که در آینده می آید - عمل کند و اگر عقد مقید به آن سال باشد، اجاره منفسخ می شود و اگر مقید به آن سال نباشد حج بر ذمه اوست و در صورتی که قید سال مشخص به صورت شرط ضمن عقد اخذ شود، مستأجر خیار تخلف شرط دارد.

۲۶۵. اگر نایب عملی را که موجب کفاره می شود مرتکب گردد، باید کفاره را از مال خود بپردازد.

۲۶۶. اگر در عقد اجاره سال خاصی برای انجام حج تعیین نشود، تعجیل در انجام آن لازم است و به احتیاط واجب باید فوری انجام شود و در صورت ترک، در سال آینده و به همین نحو سال های بعد؛ مگر اینکه مستأجر به تأخیر رضایت داشته باشد.

۲۶۷. اگر با اجرتی که برای اجیر مشخص شده نتوان حج را به جا آورد، بر مستأجر واجب نیست نقصان مالی را جبران کند، همان طور که در فرض زیادی اجرت بر اجیر لازم نیست مقدار زاید را به مستأجر برگرداند.

## ۶۶.....مناسک جامع حج

۲۶۸. اگر اجیر حج خود را قبل از مشعر با جماع کردن فاسد کند، بر او واجب است حج را تمام کند و در سال بعد دوباره به جا آورد همین طور بر او واجب است در سال دوم نیز حج را از طرف منوب عنه با قصد نیابت و به عنوان اعاده حج اول به جا آورد و اجاره او صحیح و استحقاق اجرة المسمی را دارد ولی در صورتی که مجانی از طرف شخص دیگر حج را به جا آورد با اینکه لازم است از طرف او حج را دوباره به جا آورد، استحقاق اجرت ندارد.

۲۶۹. اجیر با انعقاد عقد اجاره، مالک اجرت می شود و اگر عینی خارجی است که برای آن منافی قابل تصور است - مثل اینکه اجرت گوسفند مشخصی قرار داده شود - آن منافع ملک اجیر می باشد.

۲۷۰. اگر شرط نشده باشد اجرت، قبل از عمل به اجیر پرداخت شود، واجب نیست آن را قبل از انجام حج، به اجیر تسلیم نمایند؛ پس اگر بدون وصیت میت یا وکالت از جانب مالک، قبل از عمل، اجرت را تسلیم کنند، در صورت عمل نکردن به عقد اجاره، مستأجر ضامن می باشد و همچنین مستأجر نمی تواند بدون وصیت یا وکالت، شرط تعجیل اجرت را در اجاره قرار دهد.

۲۷۱. اگر مقدم داشتن اجرت انجام عمل در حج متعارف است، اجیر می تواند قبل از عمل، با اینکه شرط نکرده که اجرت قبل از عمل پرداخت گردد، مطالبه اجرت کند.

۲۷۲. اگر در عقد اجاره شرط شده باشد شخص اجیر، عمل را به جا آورد، جایز نیست اجیر انجام حج را به دیگری واگذار کند مگر با رضایت و اذن مستأجر.

۲۷۳. کسی که بر او لازم است حج تمتع به جا آورد، در ابتدا نمی تواند شخصی

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۶۷

را که به خاطر ضیق وقت باید حج افراد را به جا آورد، اجیر کند. اما اگر کسی در وسعت وقت، شخصی را اجیر نماید و بعد از نیت حج تمتع به خاطر عذر، وقت بر او تنگ شود و نتواند عمره تمتع را به جا آورد، بر او لازم است به حج افراد عدول نموده و عمل او کفایت از حج منوب عنه نموده و استحقاق اجرت دارد.

۲۷۴. اگر منوب عنه زنده باشد اما معذور بوده و توانایی جسمی انجام حج را نداشته باشد، با اینکه لازم است حج واجب او به صورت نیابت آورده شود، در عین حال شخصی می تواند حج مستحب را از طرف او به صورت مجانی قبل از انجام حج واجب، به جا آورد و در صورتی که حج واجبی بر عهده منوب عنه باشد و توانایی جسمی انجام آن را نیز دارد جایز است مجانی یا با اجاره برای او، حج مستحبی به جا آورده شود و لازم نیست بعد از انجام حج واجب توسط خودش، آورده شود.

۲۷۵. یک نایب نمی تواند حج های واجب متعددی را در ضمن یک حج، از طرف افراد متعدد به جا آورد اما حج های مستحب متعددی را می توان از طرف افراد متعدد در ضمن یک حج به جا آورد همچنان که می توان ثواب یک حج را به افراد متعدد هدیه نمود.

۲۷۶. جایز است افراد متعددی را در سال واحد از طرف یک نفر - زنده باشد یا مرده، حج او مجانی باشد یا با اجاره - به حج بفرستند و نسبت به حج واجب، اگر وجوبها از نظر نوع متفاوت باشند - مثل حج نذری و حجة الاسلام - با تعیین وظیفه هر یک از نایب ها، نیابت همه صحیح است.

۲۷۷. می توان دو نفر را برای انجام حجة الاسلام از طرف یک نفر، در سال واحد، اجیر نمود و باید هر کدام از آنها از طرف میت قصد حج واجب بنماید.

## وصیت به حج

۲۷۸. اگر شخصی به حجة الاسلام و حج نذری وصیت کند، مخارج آن از اصل ترکه او خارج می‌شود؛ مگر اینکه تصریح کند از ثلث محاسبه شود، و در این صورت اگر ثلث ترکه کافی نبود، نقصان آن از اصل ترکه محاسبه می‌شود. اما حجبی را که به خاطر فاسد کردن حج واجب قبلی باید به‌جا آورده شود (حج افسادی) از ثلث محاسبه شده و اگر ثلث کافی نبود به احتیاط واجب ورثه بالغ و کبیر باید نقصان را از سهم خود جبران کنند اما حج مستحب تنها از ثلث محاسبه می‌شود.

۲۷۹. اگر شخصی وصیت به حج کرد و معلوم نیست حج او واجب است یا مستحب، در صورتی که معلوم باشد قبلاً حج واجبی بر عهده او آمده و شک در انجام آن داشته باشیم، وصیت، بر حج واجب حمل می‌شود و مخارج آن از اصل ترکه پرداخت می‌شود؛ در غیر صورت مذکور و در غیر مواردی که ظاهر در وجوب است، حکم به عدم وجوب حج شده و مخارج آن از ثلث پرداخت می‌شود.

۲۸۰. اگر وصیت شود، شخصی را برای حج بلدی اجیر کنند، در صورتی که آن حج واجب باشد، باید مخارج بیش حرکت از میقات را از ثلث پرداخت کنند؛ اما وقتی آن حج مستحب باشد، باید تمامی مخارج آن از ثلث پرداخت شود.

۲۸۱. اگر در وصیت، مقدار اجرت مشخص نشده باشد، باید به اجرةالمثل اکتفا شود و بنابر اقوی، لازم نیست کسی که کمتر از اجرةالمثل را مطالبه می‌کند اجیر نمود؛ پس اگر شخصی پیشنهاد دهد که حج را از طرف میت به‌طور مجانی انجام می‌دهد، لازم نیست آن را قبول کرده و اجاره ترک شود.

۲۸۲. اگر شخصی حج را از طرف میت به‌طور مجانی به‌جا آورد، جایز نیست وصی

## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۶۹

بعد از عمل او، شخص دیگری را برای انجام آن حج اجیر کند حتی اگر در صحت آن تشکیک نماید؛ اما در صورتی که مال، برای انجام هر گونه عمل خیری وصیت شده باشد، وصی می‌تواند بار دیگر شخصی را برای انجام حج از طرف او اجیر نماید.

۲۸۳. اگر هیچ کس حاضر نباشد با اجرةالمثل، حج را به‌جا آورد، واجب است با اجرتی بیشتر برای میت حج به‌جا آورده شود و جایز نیست حج را به سال بعد موکول کنند حتی اگر بدانند در سال بعد شخصی با اجرةالمثل، حج را به‌جا می‌آورد.

۲۸۴. اگر مقدار اجرت، در حج واجب، توسط میت مشخص شده باشد، در صورتی که آن مقدار بیش از اجرةالمثل نباشد، از اصل ترکه پرداخت می‌شود و اگر بیشتر باشد، مقدار اضافی از ثلث، پرداخت می‌شود، اما در حج مستحب، تمامی اجرت مشخص شده از ثلث پرداخت می‌شود.

۲۸۵. اگر شخصی به تعداد معینی از حج مستحبی، وصیت کند، تا وقتی مخارج انجام آنها از ثلث فراتر نرفته، واجب است به آن وصیت عمل شود. و در صورتی که دانسته شود وصیت به بیش از یک حج تعلق گرفته، اما تعداد آن مشخص نباشد، باید به تعدادی که از ثلث مال کفایت می‌کند، حج به‌جا آورده شود. و اگر میت وصیت کند ثلث مال او برای حج کنار گذاشته شود، باید به هر مقدار که ممکن است، با آن ثلث، حج به‌جا آورند.

۲۸۶. اگر شخصی به انجام حج در سال‌های متعدد وصیت کند و برای هر سال، مبلغی معین قرار دهد، و آن مقدار مال، برای حج هر سال کافی نباشد، باید مجموع مال را برای انجام حج در تعداد سال‌هایی که ممکن است، خرج کنند؛ و اگر مقدار باقی مانده از آن مال برای انجام حج دیگر کافی نبود، باید در امور خیر مصرف شود.

۷۰.....مناسک جامع حج

۲۸۷. اگر وصیت کند شخص معینی برای انجام حج واجب فرستاده شود، لازم است او را به مقدار اجرةالمثل اجیر نموده و مبلغ را از اصل ترکه پرداخت کنند. و اگر آن شخص اجرتی بیش از اجرةالمثل طلب کند، مقدار بیشتر، از ثلث پرداخت می شود. و در صورتی که ثلث مال کافی نباشد، وصیت باطل است و شخص دیگر جایگزین او می شود.

۲۸۸. اگر برای حج مستحبی، شخص خاصی، معین شده باشد، اگر ثلث مال برای پرداخت اجرت او کفایت کند باید او را اجیر کنند و اگر کفایت نکند باید شخص دیگری را از ثلث مال اجیر کنند به شرط آنکه وصیت مقید به خصوص آن فرد نباشد والا تصرف در مازاد وابسته به اجازه ورثه می باشد که اگر اجازه ندهد عمل به وصیت لازم نیست.

۲۸۹. اگر مقدار خاصی برای اجرت در وصیت تعیین شود که هیچ کس حاضر نیست با آن مقدار حج را، حتی از میقات به جا آورد، اگر امیدی به پیدا شدن اجیر نباشد، عمل به وصیت لازم نیست و آن مال در کارهای خیر مصرف می شود؛ مگر اینکه وصیت مقید به انجام حج شده باشد که در این صورت با عدم امکان انجام حج، مال به ورثه منتقل می شود.

۲۹۰. اگر شخصی وصیت کند که پابرهنه یا پیاده از طرف او حج به جا آورده شود، وصیت صحیح است و در حج واجب، مقدار اضافی ای که برای سختی انجام حج گرفته می شود، از ثلث محاسبه می گردد.

۲۹۱. اگر کسی نذر کند در زمان زنده بودن، حج را پیاده به جا آورد و با توانایی انجام آن، حج را به جا نیاورد تا اینکه بمیرد، واجب است حج را به همان شکل از طرف او به جا آورند.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۷۱

۲۹۲. اگر شخصی وصیت به چند حج کند و اقرار کند آنها بر او واجب است، مخارج آنها از اصل ترکه پرداخت می‌شود مگر اینکه اقرار او در حال بیماریِ متهی به مرگ و همراه با اتهام صورت گیرد که در این صورت فقط به مقدار ثلث مالش برای او حج به‌جا می‌آورند.

۲۹۳. اگر وصی بعد از جدا کردن و گرفتن مقدار اجرت حج، از ترکه میت، بمیرد و شک شود که آیا با آن مبلغ اجیری گرفته است یا نه، واجب است که از باقی مانده ترکه میت - برای حج واجب - و از ثلث - برای حج مستحبی - اجیر گرفته شود، و نمی‌توان به ظاهر حال وصی اکتفا نمود. و همین‌طور حکم به ضمان وصی مشکل است. اما اگر عین مالی که از ترکه برای اجاره اخذ شده است وجود داشته باشد، باید برگردانده شده و با آن برای میت حجی به‌جا آورده شود، حتی اگر احتمال دهند وصی، از مال خود - بدل عین مال میت - اجیری برای او گرفته باشد.

۲۹۴. اگر وصی اجرت را گرفته و در دست او بدون کوتاهی تلف شود، حتی اگر احتمال تقصیر در مورد او داده شود، ضامن نیست و واجب است از باقی ترکه، برای میت حج را به‌جا آورند و اگر ترکه بین ورثه تقسیم شده باشد، از آنها پس گرفته می‌شود.

۲۹۵. اگر اجیر بعد از گرفتن اجرت، بمیرد و ترکه‌ای که بتوان با اخذ آن دیگری حج را به‌جا آورد، نداشته باشد لازم است بار دیگر از ترکه میت برای او حج به‌جا آورند.

۲۹۶. طواف عمل مستحب و مستغلی می‌باشد، و نیابت در آن از طرف میت و شخص زنده‌ای که غایب است (در مکه حضور ندارد) و همین‌طور از کسی که معذور می‌باشد جایز است. اما نیابت از طرف شخصی که در مکه حاضر است و توانایی انجام طواف را دارد جایز نیست.

## ۷۲.....مناسک جامع حج

۲۹۷. در صورتی که مال شخصی، نزد دیگری باشد و صاحب مال، در حالی که حج واجبی بر عهده او است، بمیرد، اگر فردی که مال نزد اوست بداند یا ظن معتبر داشته باشد که ورثه، این مال را در راه حج میت مصرف نمی‌کنند، واجب است با اذن حاکم شرع، خود یا شخص دیگری را با آن مال برای انجام حج، اجیر کند، چه آن حج با عقد اجاره بر میت، واجب شده باشد یا غیر آن و فرقی بین حج و باقی دیون میت مثل خمس، زکات، کفارات و دیون مردم نمی‌باشد همین‌طور فرقی نمی‌کند این مال به چه شکلی در اختیار آن فرد قرار گرفته باشد، مثلاً با ودیعه، عاریه یا حتی به صورت غصب؛ و اگر مال را به ورثه برگرداند و آنها حج را به‌جا نیاورند او ضامن می‌باشد و در صورتی که علم یا ظن معتبر نداشته باشد باید مال را به وصی یا ورثه میت برگرداند.

۲۹۸. نایب می‌تواند بعد از انجام اعمال منوب‌عنه برای خود و دیگران طواف مستحبی یا عمره مفرده به‌جا آورد و به احتیاط واجب، نایبی که قبلاً حجی برای خود به‌جا نیاورده و وظیفه او حج افراد یا قران می‌باشد چون استطاعت پیدا کرده باید برای خود عمره مفرده به‌جا آورد.

۲۹۹. اگر به کسی مالی بدهند تا با آن اجیری برای حج بگیرد، می‌تواند خودش با آن مال حج به‌جا آورد؛ مگر اینکه بداند اراده پرداخت‌کننده مال به غیر او تعلق گرفته است.

### حج مستحبی

۳۰۰. کسی که حج بر او واجب نشده مستحب است هر تعداد که می‌تواند حج به‌جا آورد. همچنین برای کسی که حجة الاسلام خود را به‌جا آورده است. و



## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۷۳

مستحب است هر سال آن را به جا آورد و ترک آن برای پنج سال پشت سر هم، مکروه است.

۳۰۱. برای کسی که بعد از اعمال حج قصد خروج از مکه را دارد مستحب است نیت بازگشت برای انجام حج بنماید و مکروه است نیت کند دیگر برای حج برنگردد.

۳۰۲. انجام حج مجانی از طرف نزدیکان و غیر ایشان و از طرف حضرات معصومین علیهم السلام حتی امام زمان علیه السلام مستحب است.

۳۰۳. نیت اهدای ثواب حج، قبل از اتمام حج صحیح است، همان طور که اهدای ثواب آن بعد از اتمام حج صحیح می باشد.

۳۰۴. مستحب است کسی را که مستطیع نیست به حج بفرستند، همچنین جایز است از سهم سبیل الله مال زکات برای انجام حج، به او پردازند.

۳۰۵. جایز است از سهم فقیر به مقداری که برای او استطاعت حاصل شود، مال زکات پرداخت نمود.

۳۰۶. انجام حج از صدقه دادن مخارج آن افضل است.

۳۰۷. جایز نیست با مال حرام حج به جا آورند؛ بلکه اگر لباس در هنگام طواف و سعی یا محل وقوف در عرفات و مشعر غصبی باشد، حج نیز باطل است.

۳۰۸. در صورتی که حج واجب بر عهده شخصی باشد، جایز نیست حج مستحبی به جا آورد و اگر عصیان نمود و با سرپیچی از دستور، حج مستحبی به جا آورد، صحیح بودن آن محل اشکال است، پس احتیاط نباید ترک شود.

۳۰۹. کسی که مالی برای انجام حج ندارد، مستحب است برای دیگری اجیر شده و حج را برای او به جا آورد.

#### ۷۴.....مناسک جامع حج

۳۱۰. طواف نساء یکی از واجبات عمره مفرده می‌باشد بر خلاف عمره تمتع که طواف نساء در آن واجب نمی‌باشد و رجاء می‌توان به‌جا آورد.

۳۱۱. در صورت محرم شدن به نیت حج مستحبی، اتمام آن واجب می‌باشد و نمی‌توان آن را ناقص رها کرد.

#### عمره مفرده

۳۱۲. عمره بر دو قسم است: واجب و مستحب، و با استطاعت شرعی بر کسی که بالغ، عاقل و حرّ است تنها یک‌بار در طول عمر واجب می‌شود و مانند حج، وجوب آن فوری است.

۳۱۳. استطاعت برای انجام عمره مفرده، بر کسی که وظیفه‌اش حج افراد و قران است کافی می‌باشد و استطاعت برای انجام حج، لازم نیست اما برای کسی که وظیفه او حج تمتع می‌باشد علاوه بر لزوم استطاعت برای انجام عمره، استطاعت برای انجام حج نیز شرط می‌باشد.

۳۱۴. عمره، با نذر، قسم، عهد و شرط ضمن عقد و هر عقد لازم دیگر، مثل اجاره، مصالحه و همین‌طور با افساد عمره‌ای که به‌جا آورده، واجب می‌شود.

۳۱۵. تکرار عمره مفرده مانند تکرار حج مستحب است و فاصله یک ماه بین دو عمره شرط نیست بلکه در هر ماه قمری می‌توان یک عمره انجام داد مثلاً یک عمره در آخر ماه رجب و دیگری در اول ماه شعبان.

۳۱۶. عمره مفرده واجب را می‌توان قبل یا بعد از حج افراد به‌جا آورد.

۳۱۷. اگر شخصی عمره تمتع را برای خود به‌جا می‌آورد، در صورتی که می‌خواهد عمره مفرده را نیز در همان ماه برای خودش به‌جا آورد، باید عمره مفرده

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۷۵

را به قصد رجاء به‌جا آورد، همچنین اگر عمره تمتع و مفرده را برای شخص دیگر به‌جا می‌آورد، باید عمره مفرده را به قصد رجاء به‌جا بیاورد.

۳۱۸. انجام دو عمره، یکی برای خود و یکی برای شخص دیگر و یا دو عمره برای دو نفر غیر از خود در یک ماه جایز است.

۳۱۹. انجام یک عمره مفرده استحبابی به نیت خود و به نیابت تبرّعی دیگران اشکال ندارد.

۳۲۰. تبدیل عمره مفرده‌ای که در ماه‌های حج انجام شده به عمره تمتع جایز است مگر آنکه عمره مفرده بر او واجب باشد.

۳۲۱. در صورتی که حج تمتع، تبدیل به حج افراد شود باید پس از پایان اعمال حج، عمره مفرده به‌جا آورد و در این مطلب فرقی بین حج واجب و مستحبی نیست.

۳۲۲. انجام عمره مفرده قبل از انجام دادن طواف نساء حج یا عمره مفرده قبلی صحیح است ولی باید برای هر کدام طواف نساء مستقلاً انجام دهد.

۳۲۳. انجام دادن عمره مفرده، بین عمره تمتع و حج تمتع و همچنین انجام دادن آن در ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم، سیزدهم ذی‌حجه) جایز نیست.

۳۲۴. اگر مُحرم با همسرش از روی علم و عمد در احرام عمره مفرده قبل از سعی، نزدیکی کند، عمره او باطل و کفاره او یک شتر است؛ و واجب است در مکه بماند و قضای آن را در ماه بعد به‌جا آورد؛ و بنابر احتیاط، مستحب است عمره باطل‌شده را تکمیل نماید.

۳۲۵. اگر مُحرم با همسرش از روی علم و عمد در احرام عمره مفرده بعد از سعی نزدیکی کند، عمره او صحیح است.

## ۷۶.....مناسک جامع حج

۳۲۶. در صورت مُحرم شدن برای عمره مفرده مستحبی، اتمام آن واجب می‌باشد و نمی‌تواند آن را ناقص رها کند.

۳۲۷. طواف نساء در عمره مفرده واجب است درحالی‌که در عمره تمتع، واجب نیست.

۳۲۸. عمره تمتع فقط در ماه‌های حج که عبارتند از: ماه شوال، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه واقع می‌شود درحالی‌که عمره مفرده در تمامی ماه‌ها صحیح است اگرچه افضل ماه رجب است.

۳۲۹. اگر کسی تقصیر در عمره مفرده را ترک نمود، هر جا که می‌تواند باید به‌جا آورد ولی باید طواف نساء و نماز آن را اعاده کند و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.  
۳۳۰. خروج از احرام در عمره تمتع، فقط با تقصیر صورت می‌گیرد، درحالی‌که مردها در عمره مفرده مخیر بین تقصیر و تراشیدن سر با تیغ می‌باشند.

۳۳۱. محل احرام برای عمره مفرده آذنی الحِلّ می‌باشد، اگرچه در صورت عبور از میقات‌های پنج‌گانه بدون احرام، اگر معذور نبوده، مرتکب معصیت شده است.  
۳۳۲. خروج از مکه یا محدوده حرم در بین انجام اعمال عمره مفرده جایز است.

## اقسام حج

حج بر سه قسم است: حج تمتع، حج قرآن، حج افراد؛ و جوب حج در این سه قسم ناظر به شخصی است که مستطیع بوده و حجة الاسلام خود را به‌جا می‌آورد، اما نسبت به حج مستحبی یا حج نذری و یا حج با وصیت در صورتی که نوع حج مقید نشده باشد، مکلف مخیر به انجام هر کدام از آنها می‌باشد هرچند حج تمتع افضل است.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۷۷

۳۳۳. بر هر مکلف مستطیعی که وطنش از مکه شانزده فرسخ فاصله داشته باشد، حج تمتع واجب است و حج قران و افراد کفایت از حجة الاسلام او نمی‌کند.

۳۳۴. اگر مکلف دارای دو وطن است که یکی داخل در محدوده (در فاصله کمتر از شانزده فرسخ از مکه) و دیگری خارج از محدوده باشد، وظیفه او عمل بر طبق وطنی است که بیشتر اوقات در آن اقامت دارد و در صورتی که به طور مساوی در هر دو وطن اقامت می‌کند، مخیر است یکی از سه حج مذکور را به جا آورد، هر چند استطاعت او در یکی از دو وطن حاصل شده باشد.

۳۳۵. کسی که وظیفه اصلی او حج تمتع می‌باشد اگر به مدت دو سال در مکه سکنی گزیند، در صورت استطاعت حکم اهل مکه را دارد.

### کیفیت اجمالی حج افراد

۳۳۶. حج افراد در بیشتر اعمال همانند حج تمتع می‌باشد ولی در چند مورد با هم فرق دارند:

۱. مکان احرام در حج تمتع مکه می‌باشد ولی در حج افراد میقات‌های پنج‌گانه و منزل برای شخصی که منزل او به مکه نزدیک‌تر از میقات است.
۲. در حج تمتع باید عمره، مقدم بر حج و در ماه‌های حج واقع شود، ولی در حج افراد، تقدم عمره مفرده بر حج و لزوم وقوع آن در ماه‌های حج، شرط نیست.
۳. قربانی در روز عید قربان، برای حج افراد مستحب است در حالی که در حج تمتع واجب می‌باشد.
۴. تقدم طواف و سعی در حج افراد بدون عذر بر وقوف عرفات و مشعر و اعمال منی، جایز است در حالی که در حج تمتع این گونه نیست.

۳۳۷. اگر شخصی برای خودش نیت حج افراد استحبابی نموده، می‌تواند بعد از احرام، نیت خود را به عمره تمتع برگرداند و اعمال عمره را انجام داده و سپس حج تمتع را نیز به‌جا آورد؛ اما نمی‌تواند نیت حج افراد استحبابی خود را پس از احرام، به عمره مفرده برگرداند تا اینکه برای شخص دیگر نایب شده و حج تمتع به‌جا آورد.

### کیفیت حج قران

حج قران همانند حج افراد است و فقط از دو جهت با آن تفاوت دارد، یکی اینکه در هنگام احرام، حاجی قربانی را همراه خود می‌آورد، درحالی‌که در حج افراد همراه آوردن قربانی واجب نیست؛ دیگر اینکه حاجی می‌تواند همزمان با نیت حج قران، به‌جای تلبیه، تقلید یا اشعار نماید، به این صورت که اگر قربانی او شتر است، حاجی نعلین خود را به گردن او آویزان کند (تقلید) یا اینکه کوهان شتر را از سمت راست شکافته و صورت او را خون‌آلود نماید (اشعار) و اگر قربانی گاو یا گوسفند باشد می‌تواند به‌جای تلبیه، تقلید کند و اشعار جایز نیست اگرچه مستحب است تلبیه نیز گفته شود.

### تبدیل حج تمتع به حج افراد

۳۳۸. کسی که وظیفه او انجام حج تمتع است، در صورتی که قبل از احرام برای عمره تمتع، بداند که به‌خاطر تنگی وقت، نمی‌تواند اعمال عمره را تا آخر وقت به‌جا آورد، انجام حج افراد برای او کفایت از حج تمتع نمی‌کند، چه در تأخیر احرام معذور باشد یا نباشد. ولی در معذور، به‌خاطر عدم استطاعت از جهت زمان،

## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۷۹

حج بر عهده او مستقر نمی‌شود، اما غیر معذور علاوه بر اینکه مرتکب معصیت شده است، حج نیز بر عهده او مستقر شده و باید در سال آینده چه با استطاعت و چه بدون آن، حج را به‌جا آورد و می‌تواند به نیت وظیفه فعلیه (عمره تمتع یا حج افراد مستحب) محرم شده و در صورتی که در مکه وقت کافی برای اعمال عمره تمتع باشد، آن را به‌جا آورده و از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

۳۳۹. کسی که وظیفه او انجام حج تمتع است، در صورتی که پس از احرام برای عمره تمتع، نتواند به‌خاطر تنگی وقت، اعمال عمره را تا آخر وقت انجام دهد، اگر در تأخیر انجام اعمال عمره، معذور بوده است، با همان احرام، حج افراد را به‌جا آورده و پس از ایام تشریق، عمره مفرده را نیز انجام داده و از حج تمتع او کفایت می‌کند. اما اگر معذور نبوده است و از روی عمد انجام اعمال عمره را تأخیر انداخته، احتیاط آن است که حج افراد را به‌جا آورده و پس از آن نیز عمره مفرده به‌جا آورد اما این حج کفایت از حج تمتع او نمی‌کند.

۳۴۰. زنی که وظیفه او حج تمتع است و قبل یا هنگام احرام عمره تمتع حائض است و می‌داند که نمی‌تواند تا آخر وقت عمره تمتع، طواف و نماز آن را با طهارت به‌جا آورد و همین‌طور زنی که در هنگام احرام پاک است ولی می‌داند قبل از انجام اعمال عمره، حائض می‌شود باید برای حج افراد، محرم شود و پس از انجام حج افراد، عمره مفرده به‌جا آورد و این عمل، از حج تمتع او کفایت می‌کند. و در صورتی که در وقت پاک شود و بتواند اعمال خود را در وقت به‌جا آورد، اعمال عمره تمتع را با قصد عمره به‌جا آورده و حج تمتع را پس از آن به‌جا می‌آورد؛ و بهتر است به نیت وظیفه فعلیه (عمره تمتع یا حج افراد) محرم شود خصوصاً در

## ۸۰..... مناسک جامع حج

صورتی که در زمان احرام پاک است اما در به جا آوردن عمره تمتع با طهارت شک و تردید دارد.

۳۴۱. زنی که وظیفه او حج تمتع بوده و در میقات، تبدیل به حج افراد شده است، در صورتی که برای عمره تمتع مُحرم شود، احرام او باطل است و باید به میقات برگردد و برای حج افراد مُحرم شود.

### کیفیت عمره تمتع

حج تمتع متشکل از عمل عمره تمتع و حج می باشد که باید هر دو در یک سال به جا آورده شود و عمره تمتع، مقدم بر حج می باشد.

### خلاصه عمره تمتع

۱. احرام (که باید در یکی از میقات های پنج گانه صورت گیرد)
۲. طواف کعبه
۳. دو رکعت نماز طواف
۴. سعی بین صفا و مروه
۵. تقصیر

### میقات (مکان احرام)

پیامبر اکرم ﷺ پنج مکان را برای حاجی مشخص کرده اند که در آنجا باید مُحرم شود و این مکان ها از تمامی جهات شمالی، جنوبی، شرقی، غربی مکه بر آن احاطه دارد، این محل را که در آن احرام بستن واجب است (میقات) گویند و هر کس باید در آن میقاتی که در مسیر راه او به مکه است، مُحرم شود که به شرح زیر می باشد:



## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۸۱

**اول:** (ذوالحلیفه) یا (آبار علی) که مسجد شجره در آن واقع شده است؛ و آن میقات اهل مدینه و کسانی است که از راه مدینه منوره به مکه مشرف می‌شوند، مثل بسیاری از حاجیان ایران و بهتر بلکه احوط آن است که در داخل مسجد مُحرم شوند و جُنُب و حائض در حال عبور از داخل مسجد محرم شوند.

**دوم:** (جُحْفَه) و آن میقات اهل جحفه و نواحی آن، و میقات مردم مصر و شام و شهرهای مغرب و اروپا می‌باشد، و هم‌اکنون بعضی ایرانیان نیز از آنجا مُحرم می‌شوند.

**سوم:** (وادی عقیق) و آن میقات اهل نجد و عراق و کسانی است که از آن طریق به حج می‌روند، و افضل آن است که از اول آن، که مسلخ است - اگر به‌طور یقین معلوم شود - محرم گردند، والا وقتی که یقین کردند به وادی عقیق رسیده‌اند پیش از رسیدن به ذات عرق محرم شوند.

**چهارم:** (قرن المنازل) و آن میقات اهل طائف و نواحی آن و کسانی است که از آن طریق به مکه مشرف می‌شوند.

**پنجم:** (یللم) و آن میقات اهل یمن و کسانی است که از آن طریق به حج مشرف می‌شوند.

۳۴۲. منظور از «آدنی الحِلِّ» نزدیک‌ترین مکان خارج از حرم، به محدوده حرم می‌باشد که با توجه به اینکه در بعضی از موارد (که به تفصیل بیان می‌شود) احرام از خارج حرم کفایت می‌کند و لازم نیست از میقات باشد، پس مُحرم می‌تواند برای سهولت در کار از آدنی الحِلِّ مُحرم گردد.

۳۴۳. ذوالحلیفه دورترین میقات از مکه مکرمه می‌باشد و جایز نیست کسی که از مدینه به مکه می‌رود از آن بدون احرام بگذرد.

## ۸۲.....مناسک جامع حج

۳۴۴. بر کسی که از مدینه به مکه می‌رود جایز نیست احرام را تا میقات جحفه به تأخیر بیندازد، مگر به خاطر ضرورت مثل بیماری، ضعف و... .
۳۴۵. اگر مسیری را انتخاب کند که از میقات ذوالحلیفه و محاذات آن عبور نکند، جایز است احرام را تا جحفه و یا غیر از آن به تأخیر بیندازد.
۳۴۶. منظور از محاذات این است که اگر انسان مقابل مکه بایستد، میقات در سمت راست یا چپ او واقع شده و فاصله زیادی با آن نداشته باشد.
۳۴۷. کسی که از راه زمینی به جدّه مسافرت می‌کند و قصد او این است که به مکه برود، نباید بدون احرام از میقات ذوالحلیفه عبور کند.
۳۴۸. کسی که تصمیم دارد از مدینه به جدّه برود و نمی‌داند از آنجا به مکه می‌رود یا خیر، واجب نیست که از ذوالحلیفه محرم شود و در صورتی که در جدّه تصمیم گرفت که به مکه برود، احتیاط واجب است که به میقات اهل جدّه برود و از آنجا محرم شود.
۳۴۹. احتیاط واجب آن است که حاجی در میقات‌های دیگر غیر از ذوالحلیفه راهی را که از میقات نمی‌گذرد انتخاب نکرده و به محاذات آن اکتفا ننماید و نسبت به ذوالحلیفه اگر کسی یک ماه در مدینه اقامت کرد و قصد حج داشت می‌تواند به محاذات ذوالحلیفه برای احرام اکتفا نماید؛ در غیر این صورت به احتیاط واجب به محاذات آن اکتفا نشود.
۳۵۰. جنب، حائض و نفساء جایز است در حال عبور (به شکلی که از یک درب مسجد وارد و از درب دیگر خارج شوند) نیت کرده و تلبیه را می‌گویند و اگر امکان احرام در این حالت نباشد، واجب است خارج مسجد محرم گردند.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۸۳

۳۵۱. اگر مسجد در قسمت بانوان یک درب داشته باشد، خانم‌های معذور باید در خارج مسجد مُحرم شوند.

۳۵۲. احرام در قسمت‌های توسعه یافته مسجد شجره، مانند قسمت قدیمی مسجد مستحب است.

۳۵۳. جُنُب، حائِض، نَفَساء اگر در حالت توقف در مسجد مُحرم شوند و قصد قربت از آنها متمشّی شود، احرام آنها صحیح است و لکن به خاطر توقّف در مسجد، مرتکب گناه شده‌اند.

۳۵۴. مستحاضه متوسطه و کثیره، اگر به وظیفه شرعی خود عمل کرده‌اند اما امکان غسل برای دخول در مسجد شجره را ندارند، در بیرون مسجد مُحرم شوند.

۳۵۵. کسانی که با هواپیما به جدّه می‌روند، جایز نیست با نذر از جدّه مُحرم شوند، بلکه باید به جحفه رفته و از آنجا مُحرم شوند.

۳۵۶. کسی که منزلش از مواقیت پنج‌گانه به مکه نزدیک‌تر است، میقات او منزلش می‌باشد.

۳۵۷. قبل از میقات، می‌توان با نذر مُحرم شد و خانم‌هایی که همسر دارند صحّت نذر آنها متوقّف بر اذن شوهر می‌باشد، چه شوهر همراه آنها باشد چه نباشد.

۳۵۸. زنی که احرام عمره تمتّع حجة الاسلام برای وی در میقات متعذر است، باید قبل از میقات برای عمره حجة الاسلام با نذر حتی بدون اذن شوهر مُحرم گردد.

۳۵۹. کسی که احرام عمره تمتّع را در میقات به خاطر جهل به وجوب احرام از میقات یا فراموشی یا جهل به محلّ میقات ترک کند:

۱. واجب است اگر امکان دارد به میقات برگردد و در آنجا مُحرم شود. حتی

#### ۸۴.....مناسک جامع حج

اگر بعد از آن، میقات دیگری است بنا بر احتیاط واجب باید به میقات قبلی برگردد و از آنجا مُحرم گردد.

۲. اگر امکان برگشت به میقات قبلی نیست باید از میقاتی که در مسیر او قرار دارد، مُحرم شود.

۳. اگر میقاتی در مسیر او قرار ندارد، باید به مقداری که می تواند به طرف میقات اصلی برگردد و در آنجا مُحرم شود و اگر نمی تواند از همانجا مُحرم شود.

۴. اگر داخل حرم فهمید، باید به میقات اصلی بروید و اگر نمی تواند، به هر میقات که امکان دارد مراجعه نموده و در غیر این صورت تا جایی که می تواند به طرف میقات اصلی حرکت کند و اگر این نیز ممکن نباشد باید از حرم خارج شده و از آنجا مُحرم گردد.

۳۶۰. اگر شخصی بدون عذر، احرام عمره تمتع را در میقات ترک کند، باید به میقات اصلی برگردد و از آنجا مُحرم شود - حتی اگر بعد از میقات اصلی میقاتی دیگر باشد - و اگر نمی تواند از میقات اصلی مُحرم گردد، باید به میقات دیگر رفته و مُحرم شود و اگر آن نیز ممکن نیست احرام و عمره تمتع و حج او باطل می باشد و احتیاط مستحبی است که از ادنی الحِلِّ مُحرم شده و حج را به جا آورده و در سال آینده آن را قضا نماید و این در صورتی است که حج بر او واجب باشد.

۳۶۱. لزوم رجوع به میقات برای احرام، مخصوص عمره تمتع می باشد اما در عمره مفرده، ادنی الحِلِّ کفایت می کند، اگرچه ترک عمدی احرام در میقات، حرام می باشد.

۳۶۲. کسی که قبل از میقات، بدون نذر شرعی مُحرم شده جایز نیست بدون

احرام از میقات عبور کند و حکم او، حکم ترک کننده احرام است.

۳۶۳. صورت نذر برای مُحرم شدن این گونه است:

یا بگوید: «لله عليّ إن أبقاني الله تعالى إلى مدّة ساعة مثلاً أن احرم من المكان الفلاني»؛  
از برای خدا بر من است که اگر خدای متعال تا ساعت فلان من را زنده نگه داشت  
از فلان مکان مُحرم شوم؛ پس وقتی که ساعت معین رسید واجب است از آن مکان  
مُحرم شود.

و یا بگوید: «لله عليّ أن احرم من المدينة مثلاً»؛ از برای خدا بر من است که مثلاً  
از مدینه مُحرم شوم، و سپس مُحرم شود.

### احرام (اولین عمل واجب از اعمال عمره تمتع)

شامل پوشیدن دو لباس احرام، نیت و تلبیه می باشد.

اولین واجب از واجبات احرام: پوشیدن دو لباس احرام

۳۶۴. پوشیدن دو لباس احرام، بعد از بیرون آوردن لباس هایی است که پوشیدن  
آن بر مُحرم حرام است.

۳۶۵. لباس احرام برای مردان، دو جامه است یکی مانند لنگ به کمر بسته  
می شود و دیگری رداء است که به شانه انداخته می شود.

۳۶۶. لنگ باید فاصله بین دو زانو تا ناف را بپوشاند و رداء نیز حداقل دو شانه  
را بپوشاند.

۳۶۷. جنس لباس احرام نباید به شکلی باشد که پوست بدن دیده شود.

۳۶۸. لباس احرام باید شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد، یعنی باید پاک و  
حلال باشد و از اجزای مردار یا حیوانی که خوردن آن حرام است تهیه  
نشده باشد و از طلا و ابریشم نباشد.

## ۸۶.....مناسک جامع حج

۳۶۹. کسی که عمداً در لباس غصبی محرم شود - مثلاً خمس آن را نپرداخته باشد - احرامش صحیح است اگرچه مرتکب گناه شده است.
۳۷۰. بنا بر احتیاط واجب دو لباس احرام، نباید از پوست حیوانات باشد، حتی از حیوانی که خوردن گوشت آن حلال است.
۳۷۱. بنا بر احتیاط واجب زن‌ها در حال احرام باید از لباسِ طلاکاری شده و حریر (ابریشم) اجتناب کنند.
۳۷۲. قبل از نیت احرام، باید در میقات لباس احرام را بپوشد و هنگام پوشیدن، نیت کند که پوشیدن این دو لباس برای عمره حج تمتع است به‌خاطر اطاعت از فرمان خداوند.
۳۷۳. احتیاط مستحب است که در هنگام بیرون آوردن لباسِ دوخته، قصد قربت و اطاعت امر الهی نماید.
۳۷۴. اگر عمداً لباس احرام پوشیده نشود یا لباس دوخته شده از بدن بیرون آورده نشود، صحت احرام مورد اشکال است و بنا بر احتیاط باید لباس را بیرون آورد و محرم شود تا قطع به صحت احرام پیدا کند.
۳۷۵. بر مُحرم لازم است دو جامه احرام را قبل از نیت احرام و تلبیه بپوشد.
۳۷۶. احتیاط مستحب است زن‌ها دو جامه احرام را در وقت مُحرم شدن بپوشند.
۳۷۷. بنا بر احتیاط واجب، رداء نباید به گردن گره زده شود؛ بلکه نباید در هیچ ناحیه دیگر از بدن نیز گره زده شود.
۳۷۸. سنجاق کردن و گره زدن حوله احرام و گذاشتن دو طرف حوله لای هم به شکلی که حوله به صورت یقه پیراهن درآید، جایز نیست و همین‌طور نباید

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۸۷

پارچه احرام را چاک زده و مانند پیراهن بپوشند. اما قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام، برای آنکه آن را سنگین کرده و رداء را حفظ نماید، مانعی ندارد.

۳۷۹. واجب نیست حاجی در تمامی مدّت احرام، دو لباس را بر تن داشته باشد؛ بلکه می‌تواند آنها را از تن بیرون آورد یا تبدیل به دو لباس دیگر کند.

۳۸۰. پوشیدن بیشتر از دو لباس احرام، اگر شرایط لباس احرام را داشته باشد، جایز است مثل اینکه دو لنگ یا دو رداء بپوشد و فرقی نمی‌کند پوشیدن بیش از دو لباس در اول احرام باشد یا در وسط آن.

۳۸۱. استفاده از قطعات پارچه برای گذاشتن بین دو پا اگر دوخته نباشد، اشکال ندارد.

۳۸۲. بنابر احتیاط واجب به یک جامه بلند که مقداری از آن رداء و مقداری دیگر لنگ است، اکتفا نشود بلکه باید لباس احرام دو قطعه باشد.

۳۸۳. اگر بعد از مُحرم شدن عمداً پیراهن بپوشد، باید پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد و یا به گونه‌ای لباس را از بالا بیرون آورد که سر پوشیده نشود.

۳۸۴. اگر مُحرم مضطرباً به پوشیدن قبا یا پیراهن شد، باید قبا را پایین و بالا کرده و به دوش بیندازد و بنابر احتیاط واجب، لباس را پشت و رو هم بکند و پیراهن را فقط به دوش انداخته و دست را از آستین قبا و پیراهن بیرون نیاورد. و اگر مضطرباً به پوشیدن و درآوردن دست از آستین است، می‌تواند بپوشد ولی باید برای آن کفّاره بدهد.

۳۸۵. احتیاط مستحب آن است که دو لباس احرام، منسوج و بافتنی باشند، مثل حوله حمام و مانند نمد مالیده نشده.

## ۸۸.....مناسک جامع حج

۳۸۶. احتیاط مستحب آن است که اگر لباس احرام، نجس شد، تبدیل یا تطهیر شود.

### دومین واجب از واجبات احرام: نیت

۳۸۷. نیت عبارت است از قصد انجام دادن اعمال عمره تمتع، برای اطاعت امر و فرمان خداوند تعالی و باید عمره تمتع را - که به عنوان جزئی از حج تمتع می باشد و حج تمتع خود شامل عمره تمتع و حج می باشد - به جا آورد، پس باید یک تصور اجمالی از عمره و حج داشته باشد تا عمره را هنگام نیت از حج تمییز دهد.

۳۸۸. واجب است مُحرم در نیت ملتزم و متعهد به ترک همه محرّمات احرام، به خاطر خداوند نیز گردد.

۳۸۹. مستحب است در هنگام احرام نیت را به زبان بیاورد.

۳۹۰. اگر شخصی حج نذری انجام می دهد، باید قصد وفای نذر کند و اگر موارد نذر در ذمه وی متعدّد بود، مثل اینکه یک نذر برای انجام حجة الاسلام و یک نذر برای انجام حج تمتع باشد، باید در نیت، آن را مشخص کند؛ و در صورتی که حج نذری متعدّد بوده اما نوع آن یکی باشد، مثل اینکه دو حج تمتع با نذر واجب شده باشد، تعیین لازم نیست؛ یعنی وقتی یک حج تمتع انجام داد، یکی از دو حج واجب انجام شده و حج دیگر باقی می ماند.

۳۹۱. عمره و حج و اجزای آنها از عبادات است و باید با نیت خالص، برای اطاعت خداوند به جا آورده شود. پس اگر با ریا قصد نماید، احرام او منعقد نشده و باطل است.

۳۹۲. اگر به واسطه ندانستن مسئله یا غفلت، به جای نیت عمره تمتع، حج تمتع



## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۸۹

را قصد کند، پس اگر منظورش این است که همین عملی را که همه به جای می آورند او به جا می آورد، ظاهراً عمل او صحیح است و عمره تمتع می باشد و بهتر آن است که نیت را تجدید کند.

۳۹۳. اگر به واسطه ندانستن مسئله یا غفلت، به جای عمره تمتع، حج تمتع را قصد کند و منظورش این است که اعمال حج را به جا آورد، مثلاً به عرفات رفته و وقوف کند، احرام او باطل است.

### سوّمین واجب از واجبات احرام: تلبیه

۳۹۴. تلبیه واجب که با آن احرام منعقد می شود، عبارت است از: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» و بنابر احتیاط واجب این عبارت نیز به آن اضافه شود: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» و بنابر احتیاط مستحب بعدش گفته شود: «لَبَّيْكَ».

و افضل آن است که بعد از عبارت بالا گفته شود: «لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَاً إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارِ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِئِ وَالْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَيَفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَمَرْغُوباً إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ (الْخَلْقِ) لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافِ الْكَرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ لَبَّيْكَ».

۳۹۵. مستحب است که به لَبَّيْكَ‌های بالا این عبارت نیز اضافه گردد: «لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحُجَّةٍ أَوْ عَمْرَةٍ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ وَهَذِهِ عَمْرَةٌ مَتَعَةٌ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا وَبِلَاغِهَا عَلَيْكَ».

۳۹۶. واجب است تلبیه به عربی فصیح تلفظ شود، پس تلفظ غلط با تمکن از تصحیح، کفایت نمی کند.

۹۰.....مناسک جامع حج

۳۹۷. در صورت عدم توانایی بر قرائت صحیح تلبیه، واجب است با کمک فردی دیگر که به او تلقین می‌کند، به صورت صحیح تلبیه را انجام دهد.

۳۹۸. اگر شخصی برای تلقین وجود ندارد، احتیاط واجب این است که محرم به هر شکلی که می‌تواند تلبیه را بگوید و ترجمه آن را نیز تلفظ کند و شخصی به نیابت از وی بعد از اینکه تلبیه خود را گفت، برای او تلبیه بگوید.

۳۹۹. شخصی که لال است، باید با انگشتان خود و حرکت دادن زبان، به تلبیه اشاره نماید.

۴۰۰. اگر در میقات، تلبیه گفتن فراموش شد، و مکلف بعد از خروج از میقات - حتی در داخل حرم متذکر شد - اگر ممکن است باید به میقات برگردد و تلبیه را بگوید و اگر توانایی ندارد به هر مقداری که ممکن است به طرف میقات بر می‌گردد و اگر آن نیز ممکن نیست، در همان مکان که تلبیه را متذکر شده است، تلبیه می‌گوید.

۴۰۱. در صورت فراموش کردن تلبیه، اگر محرمات احرام را مرتکب شود کفاره‌ای به عهده‌اش نمی‌آید.

۴۰۲. اگر بعد از گفتن تلبیه شک کند که با قرائت صحیح آورده شده یا نه، بنا می‌گذارد که صحیح ادا شده است.

۴۰۳. اگر شک کند که تلبیه گفته است یا نه، واجب است تلبیه بگوید.

۴۰۴. اگر شک کند که بعضی از محرماتی که انجام داده، قبل از تلبیه بوده یا بعد از تلبیه، کفاره بر او واجب نیست.

۴۰۵. اگر احرام عمره را فراموش کند و بعد از اتمام همه اعمال، متذکر شد، در صورت عدم امکان جبران آن، عمره او صحیح است.

۴۰۶. اگر از روی فراموشی یا جهل به مسئله تلبیه را غلط بگویند، صحّت عمل او بعید نیست.

۴۰۷. تکرار تلبیه برای احرام عمره تمتّع تا مشاهده خانه‌های مکه مستحب است و پس از آن تلبیه را قطع کند.

### احکام متفرقه احرام

۴۰۸. طهارت از حدث اکبر و اصغر در حال احرام شرط نیست، پس احرام جنب، حائض، نفساء و بی‌وضو صحیح است.

۴۰۹. ختنه بودن مردها در صحّت احرام شرط نیست.

۴۱۰. در دو صورت احرام قبل از میقات صحیح است:

۱. اینکه نذر کند قبل از میقات در مکانی مشخص مُحرم شود.

۲. اینکه برسد اگر احرام را تا میقات به تأخیر بیندازد، عمره مفرده در ماه رجب را درک نخواهد کرد، در این صورت نیز می‌تواند قبل از میقات مُحرم شده و این عمره، عمره رجبیه او حساب می‌گردد و احتیاط مستحب است که هنگام رسیدن به میقات، تلبیه را مجدداً بگوید.

۴۱۱. اگر کسی در میقات مُحرم شد، می‌تواند به جهت خلاف مکه برود و از هر راهی دیگر به مکه مشرف شود.

۴۱۲. اگر احرام را فراموش کند و بعد از اتمام اعمال عمره، متذکر شود یا احرام را به‌خاطر ندانستن مسئله ترک کند و یا احرام را در جایی غیر از میقات - به‌تصور آنکه میقات است - به‌جا آورد و همانند این عذرها و پس از انجام اعمال متوجه گردد، عمره او صحیح می‌باشد.

## احرام برای دخول حرم یا مکه

۴۱۳. بر کسی که می‌خواهد داخل مکه یا حرم شود، واجب است با احرام وارد شده و برای احرام نیز باید نیت انجام حج یا عمره داشته باشد. اما کسی که به مکه رفت و آمد می‌کند، یا در همان ماه که عمره را به‌جا آورده از مکه خارج شده و دو مرتبه وارد می‌شود، برای او احرام مجدد واجب نیست، و خروج از مکه یا حرم در بین انجام اعمال عمره یا حج جایز است و برای ورود مجدد، احرام لازم نیست.

۴۱۴. در دو صورت ورود به حرم بدون احرام جایز است:

۱. مکلف به‌خاطر شغلش زیاد به حرم داخل و خارج می‌شود.
۲. در همان ماه قمری که مُحرم شده است، از حرم خارج شده و دوباره داخل حرم گردد، و اگر ماه قمری جدید وارد شده اما سی روز از احرام قبلی نگذشته، بنابر احتیاط واجب با احرام داخل مکه شود.

۴۱۵. کسی که می‌خواهد فقط وارد مناطقی از مکه که خارج از حرم است بشود، به احتیاط واجب باید مُحرم شده و داخل آن مناطق شود.

۴۱۶. کسی که ساکن مناطقی از مکه که خارج از حرم است، می‌باشد، در صورتی که به مناطق داخل حرم، رفت و آمد زیادی ندارد، باید برای داخل شدن به حرم، مُحرم شود.

## محرمات احرام یا تروک احرام

محرمات احرام بیست و سه فعل است که با احرام، انجام دادن آنها بر شخص، حرام می‌گردد؛ اگرچه برخی از این افعال در غیر حال احرام نیز حرام می‌باشد اما در حال احرام، انجام دادن آنها دارای احکام مخصوصی است که به مرور مطرح می‌شود.

محرمات احرام بر سه قسم است: برخی بر مردها حرام می‌باشد، برخی بر زنها و تعدادی نیز بین زنها و مردها مشترک است.

## محرمات مشترک بین مرد و زن

### اولین فعل از محرمات احرام: التذاذ جنسی و شهوانی

۴۱۷. بر مُحرم زن باشد یا مرد، نزدیکی، بوسیدن، لمس کردن، در آغوش گرفتن، نگاه کردن با شهوت، حرام است و در حرمت این امور فرقی بین همسر و غیر او، اجنبی یا مُحارم وجود ندارد؛ اگرچه التذاذ جنسی از غیر همسر در همه حالات، حرام می‌باشد، اما در حالت احرام از حرمت شدیدتری برخوردار بوده و در بعضی حالات احکام خاصی به دنبال دارد.

۴۱۸. اگر حاجی در احرام عمره تمتع قبل یا در هنگام سعی صفا و مروه از روی علم و عمد با همسرش نزدیکی کند:

۱. در صورتی که وقت کافی دارد، به احتیاط واجب باید عمره را تمام کند و دوباره از میقات به احرام عمره تمتع، محرم شود و آن را به اتمام رساند.
  ۲. اگر وقت کافی برای اتمام عمره تمتع ندارد ولی وقت کافی برای انجام دوباره آن را دارد، باید عمره تمتع را قطع نموده و دومرتبه از میقات محرم شود.
  ۳. اگر برای اعاده عمره وقت ندارد، عمره‌ای که در حال انجام آن است تمام نموده و سپس برای حج افراد محرم شده و بعد از آن، عمره مفرده به‌جا می‌آورد و در سال آینده حج خود را بنا بر احتیاط، قضا می‌کند.
- در تمام صور مذکور، کفّاره آن به صورت تخخیر یک شتر یا گاو یا گوسفند می‌باشد.

#### ۹۴.....مناسک جامع حج

۴۱۹. اگر حاجی در احرام عمره تمتع بعد از سعی صفا و مروه با همسر خود نزدیکی کند عمره او صحیح بوده اما باید یک شتر یا گاو یا گوسفند به عنوان کفاره قربانی کرده و در انتخاب مخیر است.

۴۲۰. اگر آمیزش از روی علم و عمد با همسرش در احرام عمره مفرده صورت گیرد اگر قبل از سعی این عمل صورت گیرد، موجب بطلان عمره است و یک شتر کفاره دارد و واجب است در مکه بماند و قضای آن را در ماه بعد به جا آورد؛ و احتیاط مستحب آن است که آن را تمام نموده و در ماه جدید آن را قضا کند.

۴۲۱. اگر آمیزش با همسر از روی علم و عمد، بعد از احرام حج انجام شود، در صورتی که قبل از وقوف مشعر باشد:

۱. حج او باطل است و واجب است آن را تکمیل نموده و در سال بعد قضا نماید.

۲. واجب است یک شتر به عنوان کفاره بدهد.

۳. باید بین زوج و زوجه جدایی باشد یا شخص سومی نزد آنها باشد تا اعمال حج تمام شود و این حکم در رابطه با ایشان در سال بعد که حج به جا می‌آورند نیز جاری است و وقتی به آن محل می‌رسند، باید از هم جدا شوند.

۴۲۲. اگر آمیزش با همسر بعد از وقوف مشعر و قبل از اتمام شوط (دور) چهارم طواف نساء باشد، حج او صحیح است و باید یک شتر به عنوان کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند یک گاو، و اگر آن نیز مقدور نیست، یک گوسفند کفاره بدهد و بعد از شوط چهارم طواف نساء، کفاره‌ای بر عهده حاجی قرار نمی‌گیرد.

۴۲۳. در مواردی که به خاطر نزدیکی با همسر، کفاره به عهده مکلف می‌آید فرقی بین زوج و زوجه نیست. مگر اینکه زوجه از روی اکراه مجبور به نزدیکی شود که حج و عمره او صحیح است اما کفاره او بر عهده زوج است.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۹۵

۴۲۴. اگر شخصی پس از خروج از احرام، با همسرش که مُحرم است با اجبار نزدیکی کند، ضرری به حج یا عمره زن وارد نمی‌شود ولی کفّاره آن بر عهده مرد است.
۴۲۵. زوج اگر در حالتی که مُحرم نیست با اجبار، از زن محرم خود، لذت جنسی غیر از نزدیکی ببرد، چیزی بر عهده او نمی‌باشد.
۴۲۶. در احکامی که برای نزدیکی با همسر مطرح شد فرقی ندارد نزدیکی از قُبُل (جلو) باشد یا از دُبُر (پشت)؛ اما در موارد نزدیکی با غیر همسر به صورت زنا و یا لواط با مردان، احکام مذکور جاری نمی‌شود.
۴۲۷. اگر مُحرم به صورت عمدی و از روی شهوت زن خود را نگاه کند یا لمس کرده و یا با او ملاعبه کند و منی از او خارج شود، کفّاره او یک شتر است؛ اما اگر بدون شهوت منی از او خارج شود کفّاره‌ای به عهده او نیست.
۴۲۸. اگر مُحرم همسر خود را ببوسد بر او واجب است یک شتر کفّاره بدهد و فرقی بین صورت شهوت و غیر شهوت وجود ندارد.
۴۲۹. اگر مُحرم عمداً به غیر زن خود نگاه کند و منی از او خارج شود، اگر ثروتمند است باید یک شتر کفّاره بدهد، و اگر وضع مالی او متوسط است گاو، و اگر نمی‌تواند باید یک گوسفند کفّاره بدهد.
۴۳۰. اگر مُحرم، زنی را از روی شهوت ببوسد کفّاره آن یک شتر است و اگر بدون شهوت ببوسد نیز بنابر احتیاط واجب کفّاره آن یک شتر است.
۴۳۱. اگر زوج از احرام خارج شده باشد و زنش را که مُحرم است به اجبار ببوسد کفّاره‌ای بر هیچ‌کدام نیست.
۴۳۲. زوج و زوجه در حالت احرام نباید به همدیگر اجازه التذاذ جنسی بدهند حتی اگر طرف مقابل مُحرم نباشد.

## ۹۶.....مناسک جامع حج

۴۳۳. ارتباط متعارف زوج و زوجه و یا بقیه محارم با یکدیگر مانند صحبت کردن، نگاه کردن و... در حالت احرام جایز است.

۴۳۴. تمامی احکامی که در رابطه با کفّاره یا بطلان عمل و اعاده در صورت ارتکاب انواع مختلف التذاذ جنسی بیان شد، در صورتی است که شخص عمل را عامدانه انجام دهد و از حکم آن اطلاع داشته باشد.

### دومین فعل از محرّمات احرام: استمناء

۴۳۵. استمناء که طلب خروج منی است، بر مُحرم، حرام است، با هر وسیله‌ای باشد با دست باشد یا غیر آن با ملاحظه باشد یا غیر آن، فرقی نمی‌کند.

۴۳۶. اگر مُحرم استمناء کرد و منی بیرون آید کفّاره آن یک شتر می‌باشد.

۴۳۷. اگر استمناء از طریق بازی با آلت انجام شود و منی هم بیرون آید و همین‌طور بنا بر احتیاط به هر شکل دیگری که صورت گیرد، اگر قبل از وقوف به مشعر باشد، باید حج را در سال بعد اعاده کند.

### سومین فعل از محرّمات احرام: عقد ازدواج

۴۳۸. جاری کردن عقد ازدواج توسط مُحرم، حرام و باطل است؛ فرقی ندارد برای خود که مُحرم است عقد جاری کند یا برای شخص دیگر؛ چه مُحرم آن شخص باشد چه نباشد.

۴۳۹. اگر شخصی که مُحرم نیست با وکالت برای مُحرم عقد نکاح را بخواند حتی اگر وکالت، قبل از احرام باشد، این عقد حرام و باطل می‌باشد.

۴۴۰. در حرمت عقد ازدواج فرقی بین ازدواج موقت و دائم نیست و حتی اگر



## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۹۷

عقد ازدواج به صورت فضولی باشد عقد باطل است هر چند اجازه عقد بعد از خروج از احرام داده شود.

۴۴۱. خواستگاری مُحرم نیز به احتیاط واجب باید ترک شود اگر چه قصد او این باشد که بعد از احرام، عقد نکاح خوانده شود.

۴۴۲. رجوع در طلاقِ رجعی در حالت احرام جایز است همان طور که طلاق دادن زوجه در حال احرام اشکال ندارد.

۴۴۳. اگر مُحرم بداند که در حال احرام ازدواج حرام می باشد و با دیگری ازدواج کند، آن فرد بر او حرام ابد می گردد، چه آمیزش صورت گرفته باشد چه نگرفته باشد.

۴۴۴. اگر مُحرم نداند عقد ازدواج در هنگام احرام حرام است، اگر چه عقد باطل می باشد لیکن موجب حرمت ابدی نمی شود و فرقی بین صورت آمیزش و غیر آن نیست. ولی احتیاط مستحب است که با آن زن ازدواج نکند خصوصاً اگر آمیزش صورت گرفته باشد.

۴۴۵. اگر عاقدی عقد را برای مُحرم بخواند و عمل آمیزش در احرام صورت گیرد در صورتی که هر کدام مطلع از مسئله حرمت عقد باشند، باید یک شتر کفاره بدهند، حتی اگر عاقد یا طرف عقد، مُحرم نباشند.

۴۴۶. مُحرم می تواند شخصی را برای انشای عقد بعد از خروج از احرام، وکیل قرار دهد.

### چهارمین فعل از محرمات احرام: شاهد بر عقد ازدواج

۴۴۷. شاهد شدن برای عقد ازدواج حرام است، حتی اگر عقد برای غیر مُحرم واقع گردد و فرقی بین زن و مرد نیست.

۴۴۸. شهادت دادن برای عقد نیز حرام است و مُحْرَم نمی‌تواند در حالت احرام شهادت دهد حتی اگر هنگام شاهد بودن، در حالت احرام نبوده باشد و فرقی بین زن و مرد نیست.

۴۴۹. شاهد شدن و شهادت دادن مُحْرَم، موجب کفّاره نمی‌شود.

### **پنجمین فعل از محرّمات احرام: نگاه کردن در آینه**

۴۵۰. نگاه کردن در آینه بر زن و مرد مُحْرَم حرام است و فرقی نمی‌کند که به قصد تزیین نگاه کرده باشد یا به غیر آن.

۴۵۱. با نگاه به آینه کفّاره‌ای بر عهده مُحْرَم نمی‌آید.

۴۵۲. مستحب است اگر در آینه نگاه کرد، تلبیه خود را تجدید کند.

۴۵۳. برای رانندگی و هر مورد دیگر که ضروری باشد، می‌توان به آینه نگاه کرد.

۴۵۴. نگاه کردن در آب صاف که عکس در آن پیدا است، جایز است.

۴۵۵. پوشیدن عینک - اگر زینت نباشد - جایز است.

۴۵۶. احتیاط واجب خودداری کردن از نگاه عمدی به اشیای صیقلی است مثل بعضی از فلزات.

۴۵۷. نگاه در دوربین عکاسی و مانند آن اشکالی ندارد.

### **ششمین فعل از محرّمات احرام: استعمال عطریات**

۴۵۸. مُحْرَم، زن باشد یا مرد، باید از استفاده کردن هر گونه عطر، خودداری نماید، از قبیل مشک، عود، عنبر، کافور، زعفران و هر گونه عطر دیگری که باشد.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۹۹

۴۵۹. هر گونه استفاده عطریات حرام است، مثل ریختن آن در غذا و آب آشامیدنی یا استفاده در لباس، بدن و... .
۴۶۰. بنا بر احتیاط واجب کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند می‌باشد.
۴۶۱. اگر مجبور به استفاده از عطر یا خوردنی‌های خوشبو شد واجب است که بینی خود را بگیرد.
۴۶۲. اگر مقداری از عطر بر لباس یا بدن ریخته شود، باید به سرعت اقدام به برطرف کردن آن کند.
۴۶۳. بنا بر احتیاط واجب از خوردن نعنا و سبزی‌های خوشبو اجتناب شود.
۴۶۴. استفاده از هر چیزی که طعم غذا را خوب می‌کند - اگر بوی خوش نداشته باشد - اشکال ندارد.
۴۶۵. اجتناب از میوه‌های خوشبو مانند (سیب) و (به) لازم نیست ولی بنا بر احتیاط واجب، باید بوییدن آنها ترک شود.
۴۶۶. بنا بر احتیاط واجب از تمامی گل‌ها اجتناب شود.
۴۶۷. گرفتن بینی به خاطر بوی بد استشمام شده حرام است، اما می‌توان از آن دوری نمود.
۴۶۸. خرید و فروش عطریات، اشکالی ندارد لکن امتحان کردن و بو کردن آن حرام است.
۴۶۹. اجتناب از خلوق (عطرهایی که برای معطر کردن کعبه استفاده می‌شود) لازم نیست اگرچه در این زمان احتیاط مستحب در ترک آن است.
۴۷۰. اگر بوی خوش را در یک وقت استعمال کرد، یک کفاره کفایت می‌کند

۱۰۰.....مناسک جامع حج

و اگر در اوقات متعدّد استعمال کرد، احتیاط واجب تعلق کفّاره برای هر استعمال می‌باشد و اگر بعد از استعمال، کفّاره داد و بار دیگر استعمال کرد واجب است دو مرتبه کفّاره دهد.

### هفتمین فعل از محرمات احرام: پوشیدن انگشتر و زیورآلات

۴۷۱. پوشیدن انگشتر برای تزئین، بر مرد و زن مُحرم حرام است، اما پوشیدن انگشتر به خاطر استحباب آن جایز است.

۴۷۲. انگشتر به دست کردن و پوشیدن هر زیورآلاتی کفّاره ندارد.

۴۷۳. ملاک برای تشخیص اینکه انگشتر برای استحباب است یا تزئین به نیت مُحرم می‌باشد.

۴۷۴. بر زن حرام است که از زیورآلات برای زینت استفاده کند؛ مگر زیورآلاتی که قبل از احرام عادت به استفاده از آنها داشته است، اما باید از آشکار کردن آنها پیش همسر و محارم دیگر مگر در صورت ضرورت خودداری نماید.

۴۷۵. پوشیدن لباس‌هایی که زینت‌کاری شده است بر زن‌های مُحرم حرام است.

۴۷۶. حنا بستن به قصد تزئین بنا بر احتیاط واجب بر مُحرم حرام است.

۴۷۷. اگر مُحرم قبل از احرام، حنا ببندد و قصد او این باشد که در زمان احرام اثر آن برای زینت باقی بماند، بنا بر احتیاط واجب باید از آن خودداری کند.

۴۷۸. استفاده از شانه برای موی سر و ریش، در صورتی که باعث کندن مو نشود اشکال ندارد.

### هشتمین فعل از محرمات احرام: سر مه کشیدن

۴۷۹. استعمال سر مه سیاه‌رنگ که در آن زینت باشد هر چند قصد زینت نکند،

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۰۱

حرام است و احتیاط واجب این است که از هر گونه سرمه که برای زینت باشد، اجتناب شود.

۴۸۰. حرام بودن سرمه کشیدن مختص به زن نیست و مرد مُحرم را نیز شامل می‌شود؛ اما در صورتی که احتیاج به سرمه کشیدن باشد، حرمتی ندارد.

### نهمین فعل از محرمات احرام: روغن مالیدن

۴۸۱. بر مُحرم چه زن باشد چه مرد، روغن مالیدن به بدن حرام است و فرقی نمی‌کند که چه نوع روغنی باشد، همچنین فرقی نمی‌کند که دارای بوی خوش باشد یا نباشد.

۴۸۲. روغن مالیدن در حال ضرورت، جایز می‌باشد.

۴۸۳. اگر در روغن، بوی خوش نباشد، در مالیدن آن کفاره‌ای نیست.

۴۸۴. در حال اضطرار و ناچاری استفاده از روغن جایز است و در این حال چنانچه روغن، بوی خوش دارد باید به‌خاطر آن یک گوسفند کفاره دهد.

۴۸۵. روغنی که قبل از احرام به بدن مالیده شده است، لازم نیست جهت احرام از بدن زایل شود بلی اگر دارای بوی خوش است باید به‌خاطر بوی خوش آن، از بدن زایل گردد.

۴۸۶. خوردن روغن، اگر در آن بوی خوش نباشد اشکالی ندارد.

### دهمین فعل از محرمات احرام: گرفتن ناخن

۴۸۷. گرفتن ناخن بر مرد و زن محرم حرام است، به هر مقدار و اندازه‌ای باشد،

ناخن دست باشد یا پا؛ به هر وسیله‌ای باشد، ناخن‌گیر، قیچی، چاقو.

۱۰۲.....مناسک جامع حج

۴۸۸. گرفتن ناخن غیر مُحرَم توسط مُحرَم جایز است.

۴۸۹. گرفتن ناخن در صورت ضرورت و در صورتی که باعث آزار و اذیت

باشد جایز است.

۴۹۰. کفّاره گرفتن یک ناخن، یک مدّ طعام است ولی کفّاره گرفتن ناخن‌های

دو دست و دو پا اگر در یک مجلس و همزمان انجام گیرد یک گوسفند می‌باشد.

اما اگر در چند مجلس باشد و همزمان صورت نگیرد، کفّاره آن دو گوسفند می‌باشد

و کفّاره گرفتن ناخن‌های دو دست و گرفتن ناخن‌های دو پا به صورت جدا و در

دو مجلس جداگانه، یک گوسفند برای دو دست و یک گوسفند برای دو پا می‌باشد.

۴۹۱. اگر کسی به مُحرَم بگوید که گرفتن ناخن جایز است، و مُحرَم به گفته او

ناخن را گرفت و خون آمد، بنابر احتیاط واجب، بر عهده شخص گوینده است که

یک گوسفند کفّاره دهد، و این که شخص گوینده مُحرَم باشد یا نباشد و مجتهد

باشد یا نباشد فرقی ایجاد نمی‌کند.

۴۹۲. جایز نیست ناخنی که قسمتی از آن کنده شده است، گرفته شود و اگر

موجب آزار است می‌توان بقیه آن را گرفت لکن باید یک مدّ طعام کفّاره دهد.

۴۹۳. گرفتن ناخن انگشت اضافی و یا دست اضافی به احتیاط واجب، باید

ترک گردد.

### **یازدهمین فعل از محرّمات احرام: ازاله مو (از بین بردن مو)**

۴۹۴. ازاله مو بر مُحرَم حرام است، حتی ازاله موی شخص دیگر توسط مُحرَم،

حرام است حتی اگر آن شخص مُحرَم نباشد.

۴۹۵. ازاله موی شخص دیگر اگرچه حرام است لکن کفّاره‌ای به آن تعلق نمی‌گیرد.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۰۳

۴۹۶. کندن و سوزاندن مو، حکم ازاله مو را دارد و بر مُحرم حرام می‌باشد.

۴۹۷. در حرمت ازاله مو، فرقی در مقدار مو و محل رویش آن نمی‌کند؛ به هر مقدار و هر جای بدن باشد، حرام است.

۴۹۸. خاراندن بدن و شانه کردن مو، اشکالی ندارد لکن مشروط به اینکه در کنده نشدن مو احتیاط کافی بنماید.

۴۹۹. موهایی که در هنگام وضو و غسل کنده می‌شود، اشکالی ندارد - به شرط اینکه قصد کندن آن نداشته باشد و دست کشیدن به آنها به حدّ متعارف باشد - بلی اگر خارج از حدّ متعارف باشد احتیاط واجب است که دو مشت طعام کفّاره بدهد. ۵۰۰. جایز است به خاطر ضرورت - مثل مویی که چشمش را اذیت می‌کند یا موجب دردسر است یا به خاطر کثرت شپش و... - مو را زایل نموده لکن کفّاره نیز واجب است.

۵۰۱. اگر از روی ضرورت موی سر را در حالت احرام بتراند یا موی زیر بغل را ازاله کند، حتی اگر یک فعل باشد، باید کفّاره بدهد و بین یک گوسفند یا سه روز روزه و یا اطعام مساکین مخیر می‌باشد که به احتیاط واجب دوازده مُد به شش مسکین بدهد و اگر بدون ضرورت انجام دهد بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

۵۰۲. اگر بر اثر دست کشیدن از سر و صورت و یا بدن، مویی جدا شود، کفّاره آن بنا بر احتیاط واجب صدقه دادن به مشتی از طعام (مثل گندم یا جو) یا قاووت است و اگر در حال وضو و غسل و یا موارد ضروری دیگر موی بریزد، چیزی بر او نیست مگر آنکه بیش از حدّ متعارف برای رساندن آب به پوست دست کشیده باشد که در این صورت بنا بر احتیاط واجب باید دو کف طعام فدیّه بدهد.

## دوازدهمین فعل از محرمات احرام: خارج نمودن خون از بدن و کشیدن دندان همراه با بیرون آمدن خون

بیرون آوردن خون از بدن مرد و زن محرم حرام می‌باشد به هر شکلی باشد با حجامت، زدن رگ، فصد، مسواک کردن و خاراندن، به شکلی که معمولاً خون بیرون آید، و به هر مقداری که باشد.

۵۰۳. بیرون آوردن خون از شخص دیگر - مُحرم باشد یا غیر مُحرم - بر محرم حرام نیست.

۵۰۴. تزریق آمپول اگر باعث بیرون آمدن خون نشود، اشکالی ندارد.

۵۰۵. بیرون آوردن خون در صورت ضرورت و ناچارگی جایز است.

۵۰۶. کفّاره بیرون آوردن خون از بدن به احتیاط مستحب، یک گوسفند می‌باشد.

۵۰۷. کشیدن دندان در صورتی که همراه با بیرون آمدن خون باشد، حرام است مگر در صورت ضرورت؛ و کشیدن دندان شخص دیگر حرام نیست و مستحب است احتیاطاً در صورتی که خون بیاید یک گوسفند کفّاره دهد.

## سیزدهمین فعل از محرمات احرام: فسوق

۵۰۸. فسوق عبارت است از دروغ گفتن، فحش دادن، فخرفروشی، اظهار فضیلت برای خود و نفی فضیلت از دیگران، اثبات صفات پست برای دیگران و نفی آن از خود، استعمال الفاظ زشت و ناپسند.

۵۰۹. فسوق بر مرد و زن مُحرم حرام است ولی در آن کفّاره نیست.

## چهاردهمین فعل از محرمات احرام: جدال

۵۱۰. جدال عبارت است از گفتن لا والله (نه، به خدا قسم)، بلی والله (بله، به



## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۰۵

خدا قسم) در مقام اثبات یا نفی چیزی، و در حرمت آن بر مُحرم فرق نمی‌کند که قسم راست باشد یا دروغ.

۵۱۱. اگر در جدال راستگو باشد، برای دو بار، کفّاره‌ای نیست ولی در مرتبه سوم باید یک گوسفند کفّاره بدهد؛ و اگر در جدال دروغگو باشد، به احتیاط واجب برای یک بار قسم دروغ، یک گوسفند، و برای دو بار، یک گاو و برای سه بار دروغ گفتن، باید یک شتر کفّاره بدهد.

۵۱۲. کلمه «لا» و «بلی» یا مرادف آنها مثل «نه» و «آری» در فارسی، در جدال نقشی ندارد.

۵۱۳. قسم، فقط باید به لفظ «الله» یا مرادف آن - مثل خدا - باشد و قسم به غیر خدا، جدال حرام نمی‌باشد.

۵۱۴. احتیاط واجب، الحاق بقیه اسماء الله مثل «رحمن»، «رحیم» به «الله» می‌باشد.

۵۱۵. در مقام ضرورت، برای اثبات حق یا باطل، قسم خوردن به اسم جلاله و غیر آن جایز است و همچنین برای اظهار مودّت و دوستی و اکرام مؤمن نیز جایز است.

### پانزدهمین فعل از محرمات احرام: کشتن حشرات

۵۱۶. کشتن حشره‌ای که در بدن مُحرم ساکن می‌شود - مثل شپش - حرام است و در حرمت آن فرق نمی‌کند مستقیماً آن را بکشد یا با دواء یا اینکه آن را از بدن دور اندازد تا در معرض کشته شدن قرار گیرد.

۵۱۷. نقل حشره از محلی به محل دیگر تا در معرض سقوط قرار گیرد، در صورتی که محل اول برای آن حشره مناسب‌تر باشد، بنابر احتیاط واجب حرام است.

۱۰۶.....مناسک جامع حج

۵۱۸. حشره‌ای که در بدن مُحرّم ساکن نمی‌شود مثل کنه، انتقال آن از بدن انسان و کشتنش جایز است، اما انتقال آن از بدن شتر، جایز نیست.
۵۱۹. کشتن پشه، کک و سایر حشرات به‌خاطر حفاظت از بدن، جایز است و اجتناب از آن مخصوصاً در حرم احتیاط مستحب می‌باشد.
۵۲۰. در کشتن این حشرات کفّاره‌ای نیست و در حرمت آن فرقی بین زن و مرد نمی‌باشد.

### شانزدهمین فعل از محرّمات احرام: صید (شکار کردن)

۵۲۱. شکار کردن حیوان صحرائی بر مرد و زن مُحرّم، حرام است مگر اینکه حیوان درنده‌ای باشد که از آن بترسد، یا از پرندگان درنده باشد که کبوترهای حرم را اذیت کند، پس در این دو صورت می‌توان آن را برای حفظ خود یا کبوترِ حرم، شکار نمود.
۵۲۲. در کفّاره شکار کردن، احکام بسیاری وجود دارد که باید برای اطلاع از آنها به کتب مبسوط فقهی مراجعه شود.
۵۲۳. در حرمت شکار فرقی نیست که حیوان، حرام‌گوشت باشد یا حلال‌گوشت، پرنده باشد یا غیر آن.
۵۲۴. شکار ملخ حرام است، مگر در صورتی که نتوان از آن تحرّز و اجتناب کرد مانند روزهایی که ملخ‌ها به مکه هجوم می‌آورند که نمی‌توان در هنگام راه رفتن با دقّت کافی از لگد کردن آنها اجتناب نمود.
۵۲۵. کفّاره کشتن هر ملخ یک عدد خرما و یا یک مشت طعام مثل گندم و مانند آن است و اگر تعداد ملخ‌های کشته شده زیاد باشد، یک گوسفند کفّاره دارد؛

## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۰۷

مگر اینکه مُحرم ناچار باشد به خاطر کثرت ملخها از روی آنها برود که در این صورت اشکال ندارد.

۵۲۶. در حرمت شکار بر مُحرم فرقی نمی‌کند که صید داخل حرم باشد یا خارج از حرم.

۵۲۷. همان‌طور که شکار، حرام می‌باشد، ذبیح، خوردن گوشت شکار، نگه داشتن حیوان برای شکار یا ذبیح، کمک کردن به شکارچی حتی با اشاره و راهنمایی نیز حرام است و واجب است حیوان را در صورت زنده بودن، رها کند.

۵۲۸. خوردن تخم پرنده‌ای که شکارش حرام است همانند گوشت آن حرام می‌باشد و جوجه نیز حکم مادرش را دارد.

۵۲۹. صید حیوان دریایی که در آب زندگی می‌کند و در دریا تخم و جوجه می‌گذارد، اگرچه در رودخانه‌های کوچک باشد، جایز است.

۵۳۰. صید و ذبیح حیوان اهلی که با انسان زندگی می‌کند، اگرچه اتفاقاً وحشی شود، حلال می‌باشد.

۵۳۱. اگر در مورد حیوانی شک شود که صحرائی است یا دریایی، شکار آن حرام نمی‌باشد.

۵۳۲. اگر مُحرم، حیوان را شکار کند یا حیوان صید شده را ذبیح کند، این حیوان میته می‌باشد و گوشت آن بر مُحرم و غیر مُحرم، حرام می‌باشد؛ حتی نمی‌توان در پوست آن نماز خواند.

۵۳۳. اگر شخصی به همراه خود صیدی را آورده باشد، وقتی مُحرم شود، آن حیوان از ملک او خارج شده و واجب است آن را رها کند.

۱۰۸.....مناسک جامع حج

۵۳۴. شکار حیوانات صحرائی در صورتی که حیوان در حرم باشد حتی بر کسی که مُحرم نیست، حرام می‌باشد.
۵۳۵. اگر پرنده‌ای که نزد مُحرم است پَر در نیاورده یا پَر او را چیده‌اند، واجب است آن را حفظ کند تا پَر درآورد و آن را رها کند، بلکه بعید نیست که حفظ بچه صید، مثل بچه آهو، تا بزرگ شدن آن واجب باشد و سپس آن را رها کند.
۵۳۶. کشتن عقرب، مار، موش، حدأة (زغن) و کلاغ در حرم و غیر حرم جایز است.
۵۳۷. اگر از روی خطا و یا به‌خاطر جهل به حکم شرعی، شکاری توسط مُحرم صورت گیرد، همانند صورت علم و عمد، کفّاره واجب است.

### **هفدهمین فعل از محرّمات احرام: پوشیدن سلاح**

۵۳۸. پوشیدن اسلحه و بر تن کردن آن بر مُحرم - چه زن باشد چه مرد - حرام است همانند شمشیر، نیزه، خنجر، تفنگ.
۵۳۹. بنا بر احتیاط واجب باید از حمل سلاحی که آشکار است خودداری شود، اگرچه بر تن نکند.
۵۴۰. پوشیدن سلاح کفّاره‌ای ندارد.

### **محرّمات مردها:**

### **هجدهمین فعل از محرّمات احرام: پوشیدن لباس دوخته**

۵۴۱. پوشیدن لباس دوخته فقط بر مرد مُحرم، حرام می‌باشد.
۵۴۲. کفّاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۰۹

۵۴۳. پوشیدن لباسی که بوسیله مالیده شدن تهیه می شود که به صورت لباس های متعارف می باشد، حرام است.

۵۴۴. پوشیدن لباس در صورت ضرورت جایز است لکن باید کفّاره داده شود.

۵۴۵. بر مُحرم جایز است اشیای زیر را بپوشد اگرچه دوخته باشد:

۱. همیان و کمر بند که برای حفظ پول به کمر می بندند.

۲. فتق بند.

۳. کفشی که تمام روی پا را نپوشاند.

۵۴۶. برای پوشیدن جنسِ لباسِ دوخته، یک کفّاره کفایت می کند، پس پوشیدن

چند قسم لباسِ دوخته، موجب کفّاره متعدّد نمی شود.

۵۴۷. برای پوشیدن لباس دوخته در احرام عمره، یک کفّاره و در احرام حج نیز

یک کفّاره کافی است.

۵۴۸. خوابیدن زیر پتویی که دور آن دوخته شده است و لحاف اگر طوری به

خود نپیچند که مثل لباس شود، اشکال ندارد ولی در حال نشستن و ایستادن نباید

از آنها استفاده شود.

۵۴۹. احتیاط واجب در حمل قمقمه آبی که در محفظه دوخته نگهداری می شود

آن است که به دوش انداخته نشود، اما به دست گرفتن آن مانعی ندارد.

۵۵۰. بر زن های مُحرم جایز است از هر گونه لباس دوخته شده استفاده کنند.

### نوزدهمین فعل از محرمات احرام: پوشاندن سر

۵۵۱. پوشاندن سر، فقط بر مرد مُحرم، حرام است و مراد از سر، محل رویش

موی سر و دو گوش می باشد.

## ۱۱۰.....مناسک جامع حج

۵۵۲. در حرمت پوشاندن سر، فرقی نمی‌کند از چه پوششی استفاده شود، حتی استفاده از گل ضُماد، فرو بردن سر در آب و هر مایعی دیگر، حرام است و احتیاط واجب آن است که از گذاشتن اشیای مختلف بر سر برای حمل کردن آنها نیز خودداری شود.

۵۵۳. پوشاندن قسمتی از سر، مانند تمام سر، حرام می‌باشد.

۵۵۴. پوشاندن سر، با دست جایز است و همچنین جایز است که سر را بر بالشت گذاشته و بخوابد؛ همچنین جایز است زیر دوش آب قرار گیرد.

۵۵۵. خشک کردن سر با حوله، در صورتی که موجب پوشاندن سر نشود مانعی ندارد مثل حرکت دادن آن بر روی سر.

۵۵۶. پوشاندن سر با دسته عینک یا گوشی موبایل یا بند مشک آب یا بند ساک مانعی ندارد.

۵۵۷. قرار دادن دستمالی را که برای سردرد به سر بسته می‌شود، اشکالی ندارد و لکن کفّاره دارد.

۵۵۸. پوشاندن صورت بر مردها جایز است و صورت جزء سر نیست.

۵۵۹. کفّاره پوشاندن سر، یک گوسفند می‌باشد و بنابر احتیاط واجب کفّاره پوشاندن بعضی سر هم یک گوسفند می‌باشد.

۵۶۰. احتیاط آن است که اگر بیش از یک بار سر را بپوشاند، برای هر بار جداگانه کفّاره بدهد خصوصاً اگر بدون عذر انجام می‌شود و مخصوصاً اگر مجلس آن نیز متعدد شود.

## بیستمین فعل از محرمات احرام: پوشاندن روی پا

۵۶۱. پوشیدن چیزی که تمام روی پا را می‌پوشاند بر مرد مُحرم، حرام است.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۱۱

۵۶۲. در پوشیدن آنچه روی پا را می پوشانند، کفّاره نیست.
۵۶۳. در صورتی که مُحرم مضطرب به پوشیدن کفش باشد، پوشیدن آن جایز است لکن بنا بر احتیاط واجب باید روی آن را شکاف دهد و روی پا را آشکار سازد.
۵۶۴. زن مُحرم می تواند از هر گونه شیئی که تمام روی پایش را می پوشاند - مثل جوراب و کفش - استفاده نماید.
۵۶۵. مرد مُحرم می تواند روی پای خود را، با حوله یا در هنگام خواب با پتو و یا هنگام نشستن با قرار دادن پا در زیر بدن خود بپوشاند.
۵۶۶. احتیاط واجب آن است که از پوشیدن چیزی که قسمتی از روی پا را می پوشاند خودداری شود ولی بند نعلین اشکالی ندارد.

### **بیست و یکمین فعل از محرمات احرام: زیر سایه بان قرار گرفتن**

۵۶۷. قرار گرفتن زیر سایه بان در روز، در حال حرکت - همانند ماشین مسقف و چتر - بر مرد مُحرم حرام است و فرقی بین سواره و پیاده نیست اما بر زن ها و پسر بچه ها جایز است.
۵۶۸. کفّاره استظلال چه با عذر و ضرورت و چه در حالت اختیار، یک گوسفند می باشد.
۵۶۹. راه رفتن زیر سایه بان در صورتی که بالای سر نباشد، جایز است و اگر بر دو طرف محرم و شانه های او سایه بیفتد اشکالی ندارد اگرچه احتیاط مستحب اجتناب از هر گونه سایه بان می باشد.
۵۷۰. اگر دیوار ماشین، مورّب باشد به طوری که عرفاً صدق کند که از بالای

## ۱۱۲.....مناسک جامع حج

سر مُحرم استظلال شده، جایز نیست و اگر از پهلو بر سر مُحرم سایه بیفتد، جواز آن خالی از قوّت نیست و لکن احتیاط مستحب در ترک است.

۵۷۱. حرمت استظلال، مخصوص حال حرکت است و در موقع منزل کردن و یا پیاده شدن برای بعضی حوایج، استظلال جایز است.

۵۷۲. مراد از منزل که استظلال در آن اشکال ندارد، محل نزول است، در مقابل حالت پیمودن راه و طریق، پس در شهر مکه و منا و عرفات و قهوه‌خانه‌های بین راه و امثال آن استظلال برای مُحرم بعد از منزل کردن تا قبل از کوچ کردن، مانعی ندارد هرچند در حال آمد و رفت برای حوایج باشد.

۵۷۳. در هنگام پیمودن مسیر، قبل از منزل نمودن، عبور از تونل‌ها و از زیر پل‌ها، در صورتی که راه دیگر وجود دارد و اختیار در دست خود شخص است، جایز نیست و باید از راه دیگر برود، اما اگر اختیار امر در دست او نیست، اشکالی ندارد. ۵۷۴. در شهر مکه حتی مناطق جدید آن تا وقتی که به سمت عرفات یا منا حرکت نکرده، و یا در عرفات و منا که جهت انجام اعمال، منزل نموده است، حرکت از درون تونل‌ها و سایه‌بان‌ها اشکالی ندارد.

۵۷۵. با ورود به شهر و منطقه‌ای که به‌عنوان منزل انتخاب شده است، اگرچه هنوز به محلّ استراحت نرسیده، زیر سایه‌بان حرکت کردن اشکالی ندارد، پس به محض ورود مکه، زیر سایه‌بان رفتن اشکالی ندارد اگرچه هنوز به هتل محل اقامت نرسیده باشد.

۵۷۶. استظلال در شب صدق نمی‌کند و بین‌الطلوعین نیز ملحق به شب است.

۵۷۷. در روز ابری، استظلال اشکال دارد و ملحق به شب نمی‌شود.



## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۱۳

۵۷۸. استظلال به خاطر عذر و ضرورت - مثل شدت گرما یا سرما و بیماری - جایز است لکن باید کفاره دهد.

۵۷۹. اگر در هر احرامی چند بار استظلال نماید - مثلاً در احرام عمره چند بار زیر سایبان برود - کفاره آن یک گوسفند می‌باشد.

### محرمات زنها

#### بیست و دومین فعل از محرمات احرام: پوشاندن صورت توسط زن

۵۸۰. پوشاندن صورت توسط زن مُحرم با نقاب و همانند آن به صورتی که به پوست صورت بچسبد، حرام است و پوشاندن آن با چیزهای غیر متعارف مثل گل، پوشال و... نیز حرام است.

۵۸۱. در پوشاندن صورت، واجب است یک گوسفند کفاره بدهد.

۵۸۲. پوشاندن قسمتی از صورت، حکم تمام صورت را دارد و حرام است.

۵۸۳. پوشاندن صورت در هنگام خوابیدن، نیز حرام است، اما اگر صورت را در هنگام خواب بر بالشت و همانند آن بگذارد حرام نیست.

۵۸۴. پوشاندن صورت با پوشیه و امثال آن به شکلی که به صورت نچسبد و از آن فاصله داشته باشد، جایز است.

۵۸۵. زیر چانه جزء صورت حساب نمی‌شود و لکن پوشاندن آن به شکلی که تا زیر لب‌ها را بپوشاند، اشکال دارد.

۵۸۶. برای رو گرفتن از نامحرم، زن جایز است مقداری از چادر یا چیز دیگری را که به سر انداخته، تا مقابل چانه، پایین بیندازد لکن احتیاط واجب این است که

پارچه را به دست یا چیزی دیگر از صورت دور نگه دارد که مثل نقاب نشود و در غیر این صورت کفّاره - که یک گوسفند می‌باشد - بر او لازم است.

۵۸۷. پوشاندن مقداری از صورت، در هنگام نماز برای یقین پیدا کردن به اینکه مقدار واجب پوشش در نماز رعایت شده است، جایز است، لکن واجب است سریع بعد از نماز آن مقدار را باز کند.

۵۸۸. خشک نمودن صورت با حوله به شکلی که تمامی صورت پوشیده نشود، جایز است.

### **بیست و سومین فعل از محرمات احرام: پوشیدن دستکش**

۵۸۹. استفاده از قفازین، حرام است (قفازین، نوعی دستکش بوده که زن‌های عرب برای حفظ از سرما، در آن پنبه می‌گذاشتند و به دست می‌کردند).

۵۹۰. بنا بر احتیاط واجب، زن‌های مُحرم باید از هر گونه دستکش اجتناب کنند و در صورت استعمال کفّاره‌ای بر عهده آنها نمی‌آید.

### **احکام عمومی در رابطه با کفّارات**

۵۹۱. بر کسی که فراموش کرده یا غفلت نموده و یا جاهل است به اینکه انجام فعلی معین بر مُحرم حرام است، حتی اگر در یادگیری کوتاهی کرده باشد کفّاره تعلق نمی‌گیرد و از این مسئله چند مورد استثنا می‌شود:

۱. در صورتی که مقداری از سعی را فراموش کند و به این تصور که از احرام خارج شده، با زن خود نزدیکی نماید، یا ناخن خود را کوتاه کند، که به احتیاط واجب باید یک گاو به عنوان کفّاره ذبح نماید.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۱۵

۲. اگر در عمره تمتع، به جای تقصیر، تمامی سر را بتراشد، باید یک گوسفند کفاره بدهد و بنابر احتیاط واجب، اگر از روی غفلت و فراموشی یا جهل و شک در حکم، سر را بتراشد، کفاره، به او تعلق می‌گیرد.
۳. در صورتی که بعد از تقصیر و خروج از احرام عمره تمتع، سر را بتراشد بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند حتی در صورت جهل، فراموشی و غفلت، به عنوان کفاره بپردازد.
۴. شکار کردن مطلقاً چه از روی غفلت یا فراموشی و یا جهل به حکم باشد.
۵۹۲. در صورت تمکن، کفارات صید را اگر صید در احرام عمره واقع شده باشد، باید در مکه و در صورتی که در احرام حج واقع شده باشد در منا ذبح یا نحر کند و فدیها را بپردازد و بنابر احتیاط واجب بقیه کفارات نیز به همین نحو است؛ و در صورت عدم تمکن یا عدم وجود فقیر باید کفاره را در شهر خود بپردازد.
۵۹۳. شرایط حیوانی که برای قربانی کردن در حج لازم است رعایت شود، در حیوانی که برای کفاره انتخاب می‌شود، معتبر نیست.
۵۹۴. اگر مُحرم، چند نوع مختلف از محرمات را که کفاره دارد، انجام دهد مثلاً از عطر و لباس دوخته استفاده کند، باید برای هر کدام کفاره جدا بدهد.
۵۹۵. در هر موردی که کفاره آن، گوسفند است می‌تواند به جای آن بز قربانی کند.
۵۹۶. با تکرار افعال حرامی که کفاره به آن تعلق گرفته، کفاره نیز تکرار می‌شود مگر زیر سایبان حرکت کردن.
۵۹۷. اگر فعلی که کفاره به آن تعلق می‌گیرد، را هم در احرام عمره، مرتکب شود و هم در احرام حج، باید برای هر یک، جداگانه کفاره بدهد.

## ۱۱۶.....مناسک جامع حج

۵۹۸. گوشت حیوانی که برای کفاره ذبح شده، جایز است با طبخ و پختن، به فقیر داده شود.

۵۹۹. در صورتی که قیمت حیوانی که به جهت کفاره معین شده است، به حدی زیاد باشد که تحمل آن سخت باشد، می‌تواند در شهر خود آن را ادا کند.

۶۰۰. در صورتی که بدون عذر، کفاره را در محل مقرر ادا نکند، اگرچه گنهکار است لکن ادای آن در مکان دیگر کفایت می‌کند.

۶۰۱. کفاره را می‌توان با تأخیر ادا نمود و لکن نباید تأخیر به اندازه‌ای باشد که لازمه‌اش سبک شمردن امر واجب باشد.

۶۰۲. به مجنون کفاره‌ای تعلق نمی‌گیرد، اما در کودک غیرممیزی که ولی او را، مُحرم کرده است کفاره صید او بر عهده ولی بوده و به احتیاط واجب باقی کفارات نیز بر عهده اوست و در کودک ممیز احتیاط واجب این است که ولی، کفاره را بپردازد بدون آنکه نیت کند از طرف خودش می‌باشد یا کودک.

۶۰۳. گوشت کفاره باید به فقیر صدقه داده شود و کسی که کفاره بر عهده اوست، نمی‌تواند از آن بخورد.

## فعل‌های حرام در محدوده حرم

### اولین فعل: شکار کردن

۶۰۴. شکار کردن بر مُحرم حرام است و فرقی بین محدوده حرم و خارج از آن نمی‌باشد اما بر مُحلّ (کسی که مُحرم نیست) شکار فقط در محدوده حرم، حرام است و کفارات شکار کردن، به او نیز تعلق می‌گیرد.

### دومین فعل: کندن یا بریدن گیاه و درخت

۶۰۵. کندن یا بریدن گیاه و درختی که در حرم روییده، بر هر شخصی حرام است مُحرم باشد یا غیر مُحرم، مرد باشد یا زن.
۶۰۶. کندن یا بریدن درختان و گیاهانی که توسط خود انسان کشت شده باشد، یا اینکه در ملک خود فرد روییده باشد، اشکال ندارد.
۶۰۷. اگر گیاهی پس از وارد شدن یک شخص در محل اقامت و منزلش روییده شده باشد، قطع آن جایز است.
۶۰۸. چراندن شتر در علف‌های روییده شده در حرم، جایز است، اما جمع کردن علف، برای شتر جایز نیست.
۶۰۹. کندن گیاه (ازخر) که گیاه معروفی است، جایز است همچنین کندن یا قطع کردن نخل و درخت میوه، اشکال ندارد.
۶۱۰. کفّاره کندن یک درخت بزرگ یک گاو و یک درخت کوچک یک گوسفند است، در صورتی که قیمت درخت بیش از قیمت گاو و گوسفند نباشد؛ در غیر این صورت باید مابه‌التفاوت آن را فدیّه بدهد.
۶۱۱. اگر بعضی از یک درخت را قطع کند، باید به قیمت آن کفّاره داده شود.
۶۱۲. در قطع کردن علف‌های حرم کفّاره‌ای جز استغفار نیست و در صورتی که در اثر راه رفتن به شکل متعارف گیاه قطع شود، حرامی مرتکب نشده است.

### سومین فعل: آوردن خاک و ریگ

۶۱۳. بنابر احتیاط واجب باید از آوردن خاک و ریگ حرم به خارج آن خودداری شود و اگر آورده شد، در صورت تمکّن، باید به حرم برگردانده شود.

### طواف (دومین عمل واجب از اعمال عمره تمتع)

۶۱۴. محرم، برای عمره تمتع باید پس از ورود به مکه، طواف انجام دهد و آن

عبارت است از هفت بار چرخیدن دور کعبه که به هر دور، «شوط» می‌گویند.

۶۱۵. پایان وقت انجام طواف عمره تمتع، آن زمانی است که پس از انجام طواف

عمره تمتع، و اعمال بعدی آن، و مُحرم شدن برای حج، شخص آنقدر فرصت داشته

باشد که بتواند خود را به عرفات رسانده و قبل از غروب شرعی نهم ذی‌حجه، در

آنجا به مقدار کوتاهی توقف نماید (به مقدار وقوف رکنی از وقوف اختیاری).

۶۱۶. اگر کسی طواف عمره تمتع را از روی عمد و اختیار ترک کند، به شکلی

که نتواند تا آخر وقت آن را به‌جا آورد، چه عالم به حکم باشد یا جاهل و شک در

حکم داشته باشد، عمره تمتع او باطل است و حج تمتع او تبدیل به افراد می‌گردد

و باید پس از انجام اعمال حج افراد، عمره مفرده به‌جا آورد؛ و بنابر اقوی در سال

بعد، حج خود را قضا نماید.

۶۱۷. اگر بعضی از دوره‌های طواف را از روی عمد و اختیار ترک کند، یا طواف

را به شکل صحیح به‌جا نیاورد، چه حکم را بداند یا نداند، باید در وقت مقرر،

طواف و اعمال بعد از آن را به صورت صحیح اعاده نماید؛ و در غیر این صورت

حکم مسئله قبل را دارد.

۶۱۸. کسی که از روی غفلت طواف را به‌جا نیاورده است، اگر در مکه متذکر

شد، حتی اگر بعد از انجام حج و پایان ماه «ذی‌حجه» متذکر گردد واجب است

فوراً طواف عمره تمتع و نماز آن را به‌جا آورده و سعی را نیز اعاده نماید، اما اگر

بعد از خروج از مکه متذکر شد چه به محل اقامتش رسیده باشد و چه نرسیده

## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۱۹

باشد، اگر مشقّت شدیدی نیست باید به مکه برگردد و طواف و نماز را به جا آورده و سعی را نیز اعاده نماید و اگر برای او مشقّت شدیدی دارد باید نایب بگیرد تا طواف و نماز و سعی را برای او هر چند در سال آینده به جا آورد.

۶۱۹. کسی که از روی غفلت، طواف را صحیح به جا نیاورده - مثل اینکه داخل در حجر اسماعیل علیه السلام شده یا بدون طهارت طواف کرده است - بعید نیست حکم کسی را داشته باشد که اصل طواف را به خاطر غفلت ترک کرده است.

۶۲۰. شخص غافل که برای انجام طواف به مکه مراجعت می کند، اگر در همان ماهی که مُحرم شده به مکه برگشت، احتیاج به احرام جدید ندارد؛ اما اگر در ماه بعد برای اعمال، مراجعه کند به احتیاط واجب به عمره مفرده مُحرم می شود و اگر پس از سی روز مراجعت کرد، واجب است به عمره مفرده مُحرم شود و با همان احرام عمره، ابتدا اعمال طواف و نماز و سعی را انجام دهد و سپس اعمال عمره مفرده را به جا آورد.

۶۲۱. اگر کسی طواف عمره یا حج را از روی جهل به مسئله به جا نیاورد و به محل خود بازگردد، باید یک شتر قربانی نماید.

۶۲۲. کسی که طواف را از روی غفلت ترک نموده، چه طواف حج باشد چه عمره و چه طواف نساء، و پس از مراجعت ملتفت شد، اگر با زن آمیزش نماید، بنا بر احتیاط واجب، باید قربانی بدهد و بنا بر احتیاط واجب آن قربانی باید شتر باشد.

## امور معتبر در طواف

### اول: نیت

۶۲۳. در نیت علاوه بر تصور اجمالی طواف - که همان هفت دور گردیدن به

## ۱۲۰.....مناسک جامع حج

دور کعبه می‌باشد - باید نوع طواف را نیز در نیت، تعیین کند - مثلاً طواف واجب است یا مستحب، طواف حج است یا عمره یا طواف نساء - همین‌طور باید آن را فقط برای اطاعت و امتثال فرمان خدا به‌جا آورد و اگر آن را برای شخص دیگر به‌صورت نیابت به‌جا می‌آورد، آن شخص را به‌طور اجمالی یا تفصیلی معین کند.

۶۲۴. اگر در انجام دادن طواف، ریا کرده یعنی برای نشان دادن و به رخ کشیدن به دیگری عمل را انجام دهد، طواف و هر عمل عبادی دیگر او باطل می‌باشد.

۶۲۵. ریا بعد از عمل، باعث بطلان عمل نمی‌شود.

۶۲۶. اگر در عملی که برای خدا به‌جا می‌آورد، رضایت دیگری را دخالت دهد و آن عمل خالص برای خدا نباشد، عمل باطل است.

۶۲۷. لازم نیست نیت، مقارن با شروع از حجرالأسود باشد بلکه می‌تواند قبل از رسیدن به آن نیت طواف از حجرالأسود نماید.

## دوم: طهارت از حدث اکبر و اصغر

حدث اکبر مثل جنابت، حیض، نفاس، مسّ میّت و حدث اصغر مثل خوابیدن و خروج مدفوع، ادرار و ... .

۶۲۸. طواف واجب با حدث اکبر یا اصغر باطل است و فرقی بین صورت عمد، غفلت، جهل به حکم و نسیان حکم نیست.

۶۲۹. معذور که توانایی طهارت با آب را ندارد باید تیمّم کند و اگر محدث به حدث اکبر است و حدث وی جنابت می‌باشد، باید برای آن تیمّم بدل از غسل جنابت نماید، اما اگر حدث اکبر غیر از جنابت باشد مثلاً حیض باشد، باید وضو نیز بگیرد و در صورتی که از وضو گرفتن نیز معذور است، باید تیمّم بدل از وضو



## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۲۱

نیز انجام دهد. و احتیاط مستحب آن است که جُنُبِ مَتَمِّمٌ بعد از اینکه طواف را به جا آورد، شخصی را نایب گرفته تا برای او طواف را به جا آورد.

۶۳۰. شخصی که تیمم کرده، در صورتی که امید دارد در وقت، توان وضو گرفتن یا غسل کردن برای او حاصل می‌شود، به احتیاط واجب باید، صبر کند تا وقت تنگ شود و یا ناامید گردد.

۶۳۱. مسلوس و مبطون به احتیاط واجب باید برای طواف نایب بگیرند و خودشان نیز طواف نمایند، به این شکل که وضو بگیرند و چهار شوط طواف را به جا آورند و بعد، تجدید وضو کنند و سه شوط دیگر آن را انجام دهند و در ضمن باید از انتشار و سرایت نجاست جلوگیری نمایند.

۶۳۲. اگر پس از تیمم بدل از غسل، حدث اصغر عارض شد، فقط تیمم بدل از وضو را به جا می‌آورد و تیمم دیگری بدل از غسل لازم نیست.

۶۳۳. اگر وضو داشته یا از حدث اکبر پاک بوده، بعد شک کند که حدث، عارض شده است، باید بنا را بر وضو و طهارت از حدث اکبر بگذارد.

۶۳۴. اگر مُحدث به حدث اکبر یا حدث اصغر بوده، بعد شک کند که غسل یا وضو به جا آورده است یا خیر، باید وضو یا غسل را به جا آورد.

۶۳۵. در مواردی که شک در طهارت دارد و حکم به صحّت وضو و غسل شده است، بهتر است دو مرتبه وضو یا غسل را به جا آورد، چون ممکن است بعد از انجام طواف، علم پیدا کند که طهارت نداشته و اعمال او با مشکل مواجه گردد.

۶۳۶. طهارت از حدث اکبر و اصغر برای کودک ممیز، در طواف لازم است و در مورد کودک غیر ممیز در صورت امکان، او را وضو دهند و لباس و بدن او را تطهیر کنند.

## ۱۲۲.....مناسک جامع حج

۶۳۷. بنا بر احتیاط واجب، هیچ غسل واجب یا مستحبی غیر از غسل جنابت، کفایت از غسل واجب دیگر را نمی‌کند.

۶۳۸. بنا بر اقوی از میان غسل‌های واجب و مستحب، تنها غسل جنابت کفایت از وضو می‌کند و غسل‌های دیگر بنا بر احتیاط واجب، کفایت نمی‌کند.

۶۳۹. اگر در حین انجام طواف، حدث اکبر یا اصغر از او سرزند:

۱. اگر قبل از رسیدن به آخر شوط چهارم، محدث شود، پس از طهارت، طواف را از سر بگیرد.

۲. اگر بعد از اتمام شوط چهارم، حدث عارض شد، پس از تحصیل طهارت از همان جا که محدث شده و طواف را رها کرده، ادامه دهد و تمام نماید. و بنا بر احتیاط مستحب در فاصله سه و نیم شوط تا آخر دور چهارم طواف را تکمیل و پس از نماز دومرتبه طواف و نماز را اعاده کند.

۶۴۰. اگر بعد از تمام شدن طواف، شک کند که آن را با طهارت از حدث اصغر یا اکبر انجام داده یا نه، طواف او صحیح است، لکن برای اعمال بعد باید تحصیل طهارت کند.

۶۴۱. اگر در اثنای طواف شک کند، وضو داشته یا نه، در صورتی که یقین دارد که قبلاً وضو داشته و فعلاً شک در حدث کرده، بنا بر طهارت بگذارد و اگر یقین به حدث داشته و شک کند بعد از آن وضو گرفته یا نه باید وضو بگیرد و طواف را از سر بگیرد و در این مسئله فرقی نمی‌کند که در کدام دور از طواف شک کند.

۶۴۲. اگر در اثنای طواف شک کند که غسل از جنابت یا حیض یا نفاس نموده

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۲۲

یا نه، باید فوراً از مسجدالحرام بیرون رفته و پس از تحصیل طهارت، طواف را از سر بگیرد، و در این مسئله فرقی نمی‌کند که در کدام دور از طواف شک کند. ۶۴۳. در مواردی که با شک در طهارت، حکم به صحت طواف شده، بهتر آن است که پس از خواندن نماز طواف، دوباره با طهارت یقینی، طواف دیگری همراه با نماز طواف، انجام دهد.

۶۴۴. زنی که در بین طواف حائض می‌شود چند صورت دارد:

۱. اگر قبل از رسیدن به آخر شوط چهارم حائض شود باید به سرعت از مسجدالحرام خارج شود و در صورتی که قبل از تنگ شدن وقت، پاک نشود احرام عمره تمتع او تبدیل به حج افراد شده و پس از انجام اعمال حج افراد، عمره مفرده به جا می‌آورد و این عمل کفایت از حج تمتعی که به جا آورده است را می‌کند.
۲. اگر بعد از اتمام شوط چهارم حائض شود و تا تنگ شدن وقت، پاک نشود، سعی و تقصیر را به جا آورده و مُحرم به احرام حج تمتع شده و قبل از انجام طواف حج، ابتدا مقدار نقصان طواف عمره تمتع و نماز را به جا آورده و سپس اعمال حج را انجام می‌دهد. و بنابر احتیاط مستحب بعد از تکمیل طواف و نماز آن، دوباره طواف و نماز عمره را به جا آورد. و بنابر احتیاط مستحب اگر بعد از به جا آوردن سه و نیم شوط و قبل از اتمام شوط چهارم حائض شد، پس از طهارت به این شکل، اعمال خود را به نیت رجاء به پایان برساند که سعی و تقصیر را انجام دهد و رجاء مُحرم به احرام حج تمتع شود و اعمال حج را به قصد ما فی الذمه از تمتع و افراد به جا آورد و قبل از انجام طواف حج، ابتدا مقدار نقصان طواف و نماز آن و سپس طواف و نماز عمره تمتع را رجاء اعاده کند و سپس طواف حج را به جا آورد و پس از سعی و طواف نساء، یک عمره مفرده رجاء به جا آورد.

## ۱۲۴.....مناسک جامع حج

۳. اگر بعد از اتمام طواف و قبل از نماز طواف حائض شود، سعی و تقصیر را به جا آورده و پس از طهارت، آن را به جا می آورد و اعاده اعمال بعدی لازم نیست.
۶۴۵. تأخیر انداختن عادت ماهیانه در زنان به وسیله خوردن قرص و غیره جهت انجام اعمال، لازم نیست.
۶۴۶. زنی که با خوردن قرص عادت ماهیانه خود را به تأخیر انداخته اگر مبتلا به لک بینی شد، در صورتی که تا سه روز متوالی داخل مجرا، آلوده به خون بود، این خون حیض است و اگر به این شکل نبود استحاضه می باشد.
۶۴۷. زنی که در غیر ایام عادت ماهیانه لک دیده و تا زمانی که وقت عادت وی می باشد مجرا آلوده بوده است محکوم به حیض می باشد و اگر آلوده نباشد مستحاضه است.
۶۴۸. بعد از تحقق حیض تا ده روز هر گونه لک بینی، حکم حیض را دارد و بیشتر از آن استحاضه است.
۶۴۹. لک بینی زن ها در خارج از ایام عادت، استحاضه می باشد.
۶۵۰. بنابر احتیاط واجب مستحاضه بدون به جا آوردن غسل هایی که بر او واجب است نمی تواند وارد مسجدالحرام شود.
۶۵۱. زنی که در اثنای طواف، مستحاضه قلیله شود، اگر قبل از رسیدن به آخر شوط چهارم باشد، پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس، باید طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از تمام شدن دور چهارم باشد، پس از تطهیر و وضو باید طواف را تمام کند و اگر ما بین سه و نیم شوط و چهار شوط باشد به احتیاط مستحب، پس از تطهیر و وضو، طواف را تمام کرده و نماز آن را می خواند و سپس طواف و نماز را اعاده می کند.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۲۵

۶۵۲. مستحاضه کثیره اگر بعد از غسل، برای نماز یومیّه، خون نبیند، برای طواف، لازم نیست غسل کند و اگر خون ببیند، بنا بر احتیاط واجب برای هر یک از طواف و نماز طواف آن یک غسل مستقل به همراه وضو به جا آورده و اگر فاصله زمانی بین غسل و طواف زیاد شود، مثل اینکه نتواند در نزدیکی مسجدالحرام غسل کند، باید به احتیاط واجب قبل از طواف و نماز آن تیمّم بدل از غسل به همراه وضو به جا آورد.

### سوم؛ طهارت بدن و لباس

۶۵۳. در طواف، طهارت بدن و لباس از هر نجاستی لازم است و بنا بر احتیاط واجب، باید حتی از نجاستی که در هنگام نماز اجتناب از آن لازم نیست، در طواف اجتناب نماید، مثل خون کمتر از درهم و خون قروح و جروح.

۶۵۴. اگر اجتناب از خون قروح و جروح مشقّت داشته باشد، باید هم خودش طواف را به جا آورد و هم احتیاطاً نایب بگیرد.

۶۵۵. نجاست لباسی که نمی‌توان با آن عورت را پوشاند - همانند جوراب - به طواف ضرری نمی‌رساند.

۶۵۶. اشیای متنجّس که در حالت طواف همراه مُحرّم می‌باشد - مثل عینک، موبایل و... - به طواف ضرری نمی‌رساند.

۶۵۷. طهارت باید در لباس و بدن صبیّ غیر ممیّز رعایت شود و در صورت شک در عارض شدن نجاست، تفحص لازم نیست.

۶۵۸. اگر بعد از طواف، معلوم شد که لباس یا بدن مکلف در هنگام طواف نجس بوده است، طواف او صحیح است.

۶۵۹. اگر در اثنای طواف متوجه شود از قبل، بدن و لباس او نجس بوده و یا متوجه شود که همان لحظه نجاستی بر لباس یا بدنش عارض شده، چنانچه ممکن است در اثنای طواف، بدون انجام عملی منافعی با طواف، نجاست را برطرف کند - مثلاً لباس نجس را در بیاورد - در این صورت باید ازاله نجاست کرده و طواف را تمام نماید و چنانچه متمکن از ازاله نجاست در اثنای طواف نیست:

۱. اگر به آخر شوط چهارم نرسیده، پس از ازاله نجاست، طواف را از سر بگیرد.
  ۲. اگر پس از اتمام شوط چهارم این حالت برای او حاصل شد، بعد از آنکه لباس و بدن را بیرون از طواف تطهیر کرد، طوافش را تکمیل نماید.
- و بنابر احتیاط مستحب در صورت عارض شدن این حالت بین سه و نیم شوط و چهار شوط بعد از تطهیر، طواف را تمام کرده و نماز طواف بخواند و دوباره طواف و نماز آن را به جا آورد.
۶۶۰. اگر فراموش کرد که بدن یا لباسش نجس است و بعد از طواف یا در اثنای آن متذکر شد، باید طوافش را دوباره به جا آورد.

### چهارم: ختنه مرد

۶۶۱. ختنه برای مردان و همچنین پسران نابالغ، شرط صحّت طواف است، بنابراین اگر ولی، بچه ختنه نشده را مُحرم کند و طواف دهد، ازدواج برای او جایز نیست، مگر پس از ختنان، و باید در صورت تمکن خودش و در صورت عدم تمکن، نایبش، طواف‌هایی را که بر عهده اوست، با نمازهایش انجام دهد و احتیاطاً بعد از قضای طواف و نماز طواف، سعی و تقصیر را نیز به جا آورد.

۶۶۲. اگر بچه، ختنه شده به دنیا آید، طواف او صحیح است.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۲۷

۶۶۳. اگر ختنه برای مردی ضرر و مشقت دارد، لازم است حج را در سال استطاعت، به جا آورد لکن احتیاط این است که طواف خود را به جا آورده و نایب نیز بگیرد، لکن نماز طواف را باید خودش به جا آورد.

### پنجم: پوشاندن عورت

۶۶۴. پوشاندن عورت به مقداری که در نماز واجب است، در طواف نیز لازم است، حتی اگر ناظری وجود نداشته باشد که او را ببیند، پس طواف در حالت عریان، باطل است.

۶۶۵. پوشش زن در طواف، همانند نماز نیست و بنا بر احتیاط واجب، در طواف، فقط صورت و دو کف دست استثنا شده است و لازم است تمامی کف و روی پا نیز پوشانده شود.

۶۶۶. نمایان شدن قسمتی از بدن زن‌ها به خاطر غفلت و جهل در هنگام طواف، ضرری به آن نمی‌رساند.

### ششم: مباح و غصبی نبودن لباس

۶۶۷. اگر مُحرم در لباس غصبی طواف نماید، طواف او باطل است.

۶۶۸. اگر جامه احرام، کفش و لباس‌های دیگر شخص طواف‌کننده غصبی باشد، طواف او باطل است.

۶۶۹. بنا بر احتیاط واجب باید از حمل اشیای غصبی در هنگام طواف خودداری شود.

۶۷۰. اگر از روی غفلت، فراموشی و جهل، لباس یا محمول غصبی داشته باشد،

طواف او صحیح است.

### هفتم: شروع طواف از حجرالاسود و ختم به آن

۶۷۱. واجب است حاجی، طواف را در هر دور، از حجرالأسود شروع کند و به آن ختم نماید و چون تحقق این امر، به طور دقیق سخت بلکه متعذر است، باید قبل از رسیدن به حجرالأسود نیت کند که ابتدای طواف در هر دور از مقابل اولین جزء حجرالأسود باشد و انتهای آن، همان موضعی باشد که در واقع انتهای دور است، و باید این نیت در ذهن باشد تا وقتی که در مقابل حجر قرار گیرد و با همین نیت هفت دور را انجام دهد.

۶۷۲. شروع به طواف باید از جزء اول حجرالأسود باشد پس اگر طواف را قبل از حجرالأسود - مثلاً از رکن یمانی - یا بعد از آن - مثلاً از مقابل درب کعبه - شروع نماید، تمامی طواف او باطل می‌باشد حتی اگر از روی غفلت یا جهل انجام شده باشد.

۶۷۳. اگر دورهای طواف را از «حجرالأسود» شروع و به قسمتی دیگر از بیت مثل رکن یمانی تمام نماید، طواف او اشکال دارد و باید اعاده نماید.

### هشتم: قرار گرفتن کعبه در سمت چپ

۶۷۴. در هنگام طواف، کعبه باید عرفاً در سمت چپ طواف‌کننده قرار گیرد.

۶۷۵. لازم نیست به شکل دقیق کعبه در سمت چپ واقع شود، بلکه همین قدر که از نگاه عرف در سمت چپ باشد، کفایت می‌کند، پس انحراف به مقدار کم ضرری به طواف نمی‌زند.

۶۷۶. اگر به واسطه مزاحمت طواف‌کنندگان، مقداری از دورزدن به شکل متعارف نباشد - مثل اینکه کعبه سمت راست یا روبروی طواف‌کننده یا پشت او



## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۲۹

واقع شود - آن مقدار از طواف، صحیح نیست و باید پس از تدارک، بقیه طواف را به جا آورد و در این مسئله فرقی بین عمد، سهو و اضطرار نیست.

۶۷۷. با توجه به کفایت عرفی واقع شدن کعبه در سمت چپ، لازم نیست هنگام رسیدن به ارکان بیت یا حجر اسماعیل علیه السلام دقت‌های غیر عرفی را برای قرار دادن بیت در سمت چپ مرتکب شود و کاری کرد که شانه چپ به طرف بیت باشد و از آن منحرف نگردد.

۶۷۸. چرخاندن سر در هنگام طواف، ضرری به طواف نمی‌زند.

۶۷۹. حرکت صورت به راست و چپ، در حال طواف اشکال ندارد و نگاه به پشت سر در هنگام طواف اگر موجب انحراف شانه چپ از کعبه شود، جایز نیست، اما در حال توقف و حرکت نکردن برگرداندن تمام بدن به عقب جایز است.

### نهم: طواف کردن، خارج از حجر اسماعیل علیه السلام

۶۸۰. لازم است طواف، خارج از حجر اسماعیل علیه السلام واقع شود، پس اگر از داخل حجر طواف نمود، آن شوط از طواف باطل می‌شود و باید همان شوط را اعاده کند و طواف را تکمیل کند و پس از تکمیل طواف و نماز آن، احتیاطاً طواف و نماز طواف را اعاده نماید.

۶۸۱. اگر از روی عمد از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کند، حکم کسی را دارد که از روی عمد طواف را ترک نموده است، و اگر از روی فراموشی یا سهو این عمل را انجام دهد، حکم کسی را دارد که طواف را از روی فراموشی و سهو ترک کرده است.

۱۳۰.....مناسک جامع حج

۶۸۲. احتیاط واجب آن است که دیوار حجر اسماعیل علیه السلام را لمس نکند و دست را روی آن نگذارد و از روی آن حرکت نکند و اگر جزئی از طواف را بر روی دیوار به جا آورد، همان قسمت را اعاده کند.

### دهم: خارج بودن تمام اعضای بدن از کعبه

۶۸۳. تمام اجزای بدن باید از بیت و آنچه که ملحق به بیت است، خارج باشد، پس طواف کردن داخل بیت، صحیح نیست و همچنین حرکت کردن بر روی شاذروان کعبه صحیح نیست؛ بلکه احتیاط واجب آن است که در حال طواف دیوار بیت را مسح نکند.

۶۸۴. اگر جزئی از طواف را داخل بیت یا روی شاذروان به جا آورد، همان جزء را باید تدارک کند و تمام دور باطل نمی شود.

### یازدهم: واقع شدن طواف بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام

۶۸۵. احتیاط واجب است آن است که وقتی که ازدحام جمعیت نیست، طواف، بین بیت و مقام ابراهیم علیه السلام واقع شود، پس طواف کردن در این حالت بعد از مقام ابراهیم علیه السلام صحیح نیست.

۶۸۶. فاصله کعبه تا مقام ابراهیم علیه السلام تقریباً بیست و شش و نیم ذراع می باشد، حدوداً سیزده متر، و باید در غیر حال ازدحام در این فاصله طواف صورت گیرد.

۶۸۷. حدّ مشخص شده برای طواف، در قسمت حجر اسماعیل علیه السلام از دیوار حجر محاسبه می شود، پس در محدوده ای به فاصله بیست و شش و نیم ذراع (سیزده متر) از حجر اسماعیل علیه السلام طواف صحیح است.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۳۱

۶۸۸. در صورت عدم توانایی از طواف در محدوده مشخص شده به خاطر کثرت جمعیت، طواف از پشت مقام و بیشتر از محدوده مشخص شده، به شرط اتصال عرفی طواف کننده به جمعیت طواف کننده‌ها صحیح می‌باشد.
۶۸۹. اگر شخصی در حالت عادی که ازدحام جمعیت نیست، خارج از محدوده طواف کند، طوافش باطل و باید آن را اعاده نماید.
۶۹۰. اگر در حال عادی، قسمتی از یک شوط را خارج از محدوده به جا آورد، باید همان قسمت را در محدوده اعاده کند.
۶۹۱. برخوردن زن‌های نامحرم با مردها، در غیر حال ازدحام مجوز انجام دادن طواف در خارج از محدوده نمی‌باشد.
۶۹۲. اگر در قسمتی از محدوده، طواف در داخل آن مشقت دارد، جایز است همان مقدار را خارج از محدوده به جا آورده و بقیه شوط را باید در داخل محدوده انجام دهد.
۶۹۳. اگر به خاطر مانعی موقت - مثل شستشوی محدوده - مکلف نتواند داخل محدوده طواف نماید، باید صبر نموده و در داخل محدوده، طواف را به پایان رساند.
۶۹۴. طواف در طبقه دوم اگر هم سطح یا بالاتر از دیوار کعبه است، صحیح نیست و در صورت تعدر از طواف در همکف باید، نایب بگیرد تا طواف و نماز طواف را در همکف به جا بیاورد.
۶۹۵. تأخیر انداختن طواف، برای کاسته شدن از ازدحام جمعیت و انجام آن در محدوده، لازم نیست و می‌تواند به انجام طواف، مبادرت نموده و هر جا که مشقت حاصل شد، در خارج از محدوده، آن قسمت از طواف را به جا آورد.

### دوازدهم: هفت دور بودن طواف

۶۹۶. طواف کننده باید طواف را هفت دور به جا آورد پس اگر از روی علم و عمد قصد کند کمتر یا بیشتر از هفت دور طواف کند، طواف او باطل است حتی اگر در مقام عمل، به هفت دور اکتفا کند.

۶۹۷. اگر در بین طواف از روی علم و عمد، قصد کند یک دور یا بیشتر را جزء هفت شوط طواف قرار دهد، از آنجایی که چنین قصد نموده، طواف او باطل و باید با قصد صحیح - در صورت عدم فوت موالات - طواف اول را تکمیل کند.

۶۹۸. اگر در آخر طواف بدون فوت وقت موالات، قصد کند که یک شوط یا بیشتر را جزء طواف قبل قرار دهد، باید به احتیاط واجب نماز طواف را به جا آورده و سپس طواف و نماز آن را اعاده کند.

۶۹۹. اگر پس از اتمام طواف، به خاطر خروج جمعیت طواف کنندگان، مقداری دور کعبه بچرخد، در صورتی که مقدار زیادی را جزء طواف قرار ندهد، به طواف او ضرری نمی‌رساند.

۷۰۰. اگر طواف کننده از روی غفلت یا جهل به مسئله، بیش از هفت شوط یا کمتر از آن را قصد کند اما در مقام عمل هفت شوط به جا آورد، طواف او صحیح است.

۷۰۱. اگر طواف کننده قصد هشت دور را داشته باشد، لکن بر این قصد باشد که هفت دور آن، برای طواف باشد و یک دور، برای تبرک و یا هدفی دیگر باشد، طواف او صحیح است.

۷۰۲. اگر طواف کننده از ابتدا قصد کند هفت دور را برای طواف واجب به جا آورد و یک دور پس از آن به عنوان یک شوط مستحب به جا آورد، چون خیال می‌کرده یک دور نیز استحباب دارد، طواف او صحیح است.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۳۳

۷۰۳. اگر از اول، نیت هفت شوط را داشته باشد و پس از اتمام طواف، نیت کند که یک دور به عنوان مستحب به جا آورد، طوافش که مشتمل بر هفت دور است، صحیح است.

۷۰۴. اگر سهواً کمتر از یک دور، به طواف اضافه کرده باشد، واجب است آن را قطع نماید و طواف او صحیح است، و اگر مقدار سهوی، یک دور کامل یا بیشتر شود، احتیاط مستحب آن است که به قصد استحباب آن را تا هفت شوط تکمیل نماید و سپس قبل از سعی، نماز طواف واجب را بخواند و بعد از سعی نماز طواف مستحب را به جا آورد.

۷۰۵. اگر به قصد هفت دور، مشغول طواف گردد و از روی علم و عمد، طواف را ناقص گذاشته و رها کند، باید قبل از فوت موالات آن را تمام کند و در غیر این صورت طوافش باطل است.

۷۰۶. اگر مکلف به قصد هفت دور مشغول طواف شد، لکن به خاطر سهو و غفلت، طواف را ناقص گذاشت؛ اگر چهار دور تمام شده باشد لازم است طواف را تمام کند، اگرچه موالات فوت شده باشد. اما اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد - در صورت فوت موالات - باید طواف را از اول اعاده نماید. و مستحب است احتیاطاً از فاصله بین سه و نیم شوط و آخر شوط چهارم، طواف را تکمیل و پس از نماز، آن را با نماز اعاده کند.

۷۰۷. اگر شخصی طواف را به نیت هفت دور شروع کرده لکن در حال طواف، متعذر شده - مثلاً بیهوش شود و چند ساعت بعد به هوش آید - اگر بعد از شوط چهارم بوده طواف را با طهارت تمام کند و اگر قبل از اتمام شوط چهارم بوده،

طواف را اعاده نماید و مستحب است احتیاطاً در فاصله بین سه و نیم شوط و آخر شوط چهارم، طواف را تکمیل و پس از نماز، آن را با نماز اعاده کند.

### سیزدهم: موالات در طواف

۷۰۸. مقصود از موالات این است که، دورهای طواف، به شکلی پیوسته و پشت سر هم آورده شود که از نظر متعارف مردم، یک عمل به حساب آید؛ پس اگر بین دورهای طواف فاصله زیاد واقع شود، یا طواف کننده مشغول انجام کاری شود که به پیوستگی طواف خلل وارد نماید، طواف باطل می‌باشد.

۷۰۹. حفظ موالات در تمامی دورهای طواف واجب، لازم است و کسی که آن را ترک کند، مرتکب گناه شده است. و از این حکم، سه مورد استثنا شده است که عبارتند از: ترک طواف و قطع آن به خاطر رفع نیاز و حاجت، برای نماز جماعت و به خاطر بیماری که ادامه طواف با وجود آن میسر و راحت نباشد.

۷۱۰. موالات بنابر اقوی در چهار شوط اول طواف، شرط بوده و معتبر است ولی در شوط‌های پنجم و ششم و هفتم معتبر نیست و فرقی بین ترک موالات در موارد مجاز و غیر مجاز و عمد و غفلت نیست در نتیجه:

۱. اگر پس از اتمام شوط چهارم، طواف، قطع شده و موالات به هم خورده باشد، باید طواف کننده، طواف خود را تکمیل کند.

۲. اگر قبل از اتمام دور چهارم، طواف قطع شده و موالات به هم خورده باشد، باید طواف را از اول به جا آورد.

و اگر پس از انجام سه شوط و نصف و قبل از اتمام شوط چهارم، طواف قطع

## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۳۵

شده و موالات به هم خورده باشد، مستحب است احتیاطاً پس از تکمیل طواف و خواندن نماز طواف، طواف و نماز طواف، اعاده شود.

۷۱۱. ترک طواف و قطع آن به مقداری که موالات به هم نخورد، جایز است پس می‌توان طواف را برای زمان کوتاهی قطع نمود و یا برای استراحت، از محل طواف خارج شد.

۷۱۲. در صورتی که تطهیر لباس و بدن یا رفع حاجت و نیاز در هنگام طواف بدون به هم خوردن موالات امکان داشته باشد، جایز نیست موالات را به هم بزند. اما در صورت وقوع حدث اصغر و اکبر حتی اگر بتواند با حفظ موالات، وضو یا غسل نماید باید به حکم خود در مسئله ۶۳۹ عمل نماید.

۷۱۳. اگر طواف‌کننده، قبل از اتمام دور چهارم، طواف خود را قطع نموده و بدون فاصله و بدون از بین بردن موالات، طواف را از اول شروع کند، طواف او باطل است؛ بلی اگر موالات به هم خورد، طواف او صحیح است اما اگر پس از اتمام شوط چهارم، طواف خود را قطع کند، حتی با از بین رفتن موالات، نمی‌تواند طواف جدید را شروع کند؛ بلکه باید طواف قبلی را تکمیل کند و بنابر احتیاط مستحبی، پس از تکمیل طواف قبلی و نماز آن، دومرتبه طواف و نماز را اعاده کند.

۷۱۴. جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از استراحت از همانجا طواف را تکمیل کند؛ ولی نباید آنقدر توقف کند که موالات عرفیه به هم بخورد.

### چهاردهم: عدم قران بین دو طواف

۷۱۵. باید بین طواف واجب و هر طواف دیگری - واجب باشد یا مستحب -

## ۱۳۶.....مناسک جامع حج

با نماز طواف فاصله انداخت و در صورتی که فاصله صورت نگیرد علاوه بر معصیت، طواف واجب نیز باطل است.

۷۱۶. در بطلان طواف واجب به خاطر قران، فرقی بین علم و جهل یا غفلت نمی باشد.

۷۱۷. اگر به قصد انجام یک طواف کامل، یک دور، کمتر یا بیشتر بعد از طواف واجب به جا آورد، این از مصادیق قران است که موجب بطلان طواف می باشد؛ اگرچه هفت دور کامل را به جا نیاورده باشد.

۷۱۸. اگر در مقام احتیاط و اعاده طواف، با نخواندن نماز طواف، طواف را احتیاطاً اعاده نماید، ضرری به طواف وارد نشده است، و باید برای هر دو طواف، نماز جداگانه به جا آورد و این از موارد قران نمی باشد.

### پانزدهم: انجام طواف با اختیار

۷۱۹. انجام طواف باید با اختیار شخص انجام گیرد، پس اگر اختیار او سلب گردد، آن مقدار که به صورت قهری حرکت کرده، باید اعاده شود.

۷۲۰. حرکت شخص با فشار جمعیت، ضرری به طواف نمی زند؛ اگرچه موجب سرعت یا کندی حرکت شود.

۷۲۱. حرکت با وسیله نقلیه، در صورتی که حرکت آن در اختیار شخص باشد، اشکالی ندارد.

۷۲۲. کسی که معذور است و نمی تواند با اختیار حتی با کمک وسیله یا شخص دیگر طواف خود را به جا آورد، باید افراد دیگر او را به شکلی که پاهایش به زمین کشیده شود، طواف دهند و اگر این نیز ممکن نشد، باید او را با وسیله دیگر یا با بر دوش گرفتن، طواف دهند. در غیر این صورت معذور، باید برای طواف، نایب بگیرد.



## شک در مورد طواف

۷۲۳. طواف کننده باید به عدد دورها اطمینان داشته باشد و شک در تعداد دورها در بعضی مواقع موجب بطلان طواف می شود و ظن به تعداد دورها نیز مانند شک در آنها می باشد.
۷۲۴. پس از فارغ شدن از طواف، به شک در تعداد دورها، اعتنایی نمی شود و طواف صحیح است.
۷۲۵. در پایان دور، به شک بین هفت و هشت دور، یا هفت دور و بیشتر، اعتنا نمی شود، مثلاً در هنگام رسیدن به حجرالأسود، شک شود که آیا این دور که به جا آورده شده، هفتمین دور بوده یا هشتمین دور و یا بیشتر.
۷۲۶. شک در تعداد دورها در غیر دو صورت که ذکر شد، مبطل طواف می باشد، مثل اینکه در اول یا وسط و یا قبل از رسیدن به آخر دور، شک کند که دور هفتم است یا بیشتر، یا اینکه در هر قسمتی از دور شک کند که دور اول است یا دوم یا دور دوم است یا سوم و ... .
۷۲۷. شخصی که به محدوده طواف آگاهی نداشته و بعد از طواف شک می کند که در محدوده طواف بوده یا نه، اگر از اول در محدوده بوده و در خارج شدن از آن شک دارد، طوافش صحیح است و اگر نمی داند از اول که شروع به طواف نموده در محدوده بوده یا نه، طواف او صحیح نیست.
۷۲۸. کسی که در هنگام طواف، در تعداد دورهای انجام شده، شک کند، به این شکل که اصلاً نمی داند چند دور طواف انجام داده، طوافش باطل است.
۷۲۹. به شک در صحّت دورها، به این نحو که مثلاً دور، خارج حجر

## ۱۳۸.....مناسک جامع حج

اسماعیل علیه السلام واقع شده یا داخل آن، بعد از فراغ از طواف، اعتنا نمی‌شود و طواف صحیح می‌باشد.

۷۳۰. اگر در بین طواف، در صحّتِ قطعه قبلی دوری که انجام داده، شک کند یا در صحّت تمام دور قبلی، شک کند، اگر مسئله را می‌دانسته و قصد انجام عمل را به‌طور صحیح داشته و غافل نبوده، طواف صحیح است ولی اگر غافل بوده است باید نسبت به تدارک آن قسمت مشکوک، اقدام نماید.

۷۳۱. اگر طواف را در حال شک ادامه دهد و سپس، یقین به صحّت پیدا کند، طواف او صحیح است؛ بر خلاف نماز که ادامه نماز با حالت شک و تردید، محل اشکال است و بنا بر احتیاط واجب، چنین نمازی باید اعاده شود.

۷۳۲. اعتماد به شخصی دیگر در عدد شوطها صحیح است، در صورتی که اطمینان به عدد پیدا کند.

۷۳۳. در مواردی که به‌خاطر شک، حکم به بطلان طواف می‌شود، اگر شخصی به‌خاطر شک، طواف را رها کرد و طواف جدیدی را شروع کرد و در بین طواف جدید، یقین به تعداد دور در طواف قبلی پیدا کرد، اگر از ناحیه ترک موالات، مشکلی ایجاد نشده باشد، احتیاط واجب آن است که طواف جدید را رها کند و طواف قبلی را تکمیل نماید و پس از نماز طواف، طواف و نماز طواف را به‌طور کامل اعاده نماید.

۷۳۴. کسی که در هنگام طواف شک می‌کند که آیا طواف را به نیت منوب‌عنه آغاز کرده یا خیر، در این صورت طواف را به نیت منوب‌عنه اتمام کند و پس از نماز طواف، مجدداً طواف و نماز را اعاده نماید.

### مسائل متفرقه در مورد طواف

۷۳۵. کسی که وظیفه‌اش اتمام و اعاده طواف است، اگر در طواف دوم که به‌عنوان اعاده می‌آورد، دومرتبه کاری انجام دهد که موجب اتمام و اعاده است، باید طواف دوم را تمام و یک طواف دیگر به‌عنوان اعاده به‌جا آورد.

۷۳۶. کسی که معذور از غسل یا وضو می‌باشد اگر امید به برطرف شدن عذر دارد، باید تا آخرین وقتی که برای عمره تمتع یا حج می‌باشد صبر کند و اگر امید ندارد، تیمم، جایگزین وضو یا غسل می‌شود و در غیر جنابت علاوه بر تیمم بدل از غسل، در صورت تمکن باید وضو نیز بگیرد و در صورت عدم تمکن از آن، به‌جای وضو نیز تیمم نماید و بنا بر احتیاط مستحب، جنبی که تیمم نموده، باید پس از آنکه خودش طواف کرد، نایب نیز بگیرد.

۷۳۷. در طواف کردن، مکلف به هر نحوی که حرکت کند، صحیح است، مثلاً آهسته راه رفتن، دویدن، تند راه رفتن، سواره یا پیاده، فرقی نمی‌کند و بهتر است که به‌طور میانه، راه برود.

۷۳۸. کسی که بعد از تقصیر متوجه شد که وضوی او در طواف باطل بوده، باید پس از وضو، طواف، نماز، سعی و تقصیر را اعاده کند.

۷۳۹. در مواردی که وظیفه، اتمام طواف و اعاده آن است، انجام یک طواف به قصد اعم از تمام یا اتمام، به‌دلیل تردید در نیت، صحیح نمی‌باشد.

۷۴۰. در مواردی که باید قسمتی از طواف که صحیح نبوده تدارک و جبران شود، نمی‌توان تا زمانی که آن قسمت تدارک نشده، بقیه طواف را به‌جا آورد، پس جبران قسمت فوت‌شده، در آخر طواف صحیح نمی‌باشد.

## ۱۴۰.....مناسک جامع حج

۷۴۱. احتیاط واجب آن است که اگر کسی که می‌خواهد طواف، نماز و سعی شخص دیگر را به صورت نیابت به‌جا آورد، بعد از ادای سعی خود و قبل از تقصیر و خروج از احرام، آن را انجام دهد.

۷۴۲. انسان می‌تواند همراه با طواف دادن بیمار یا طفل، برای خود نیز طواف به‌جا آورد.

۷۴۳. خوردن و آشامیدن در هنگام طواف، جایز است.

۷۴۴. کسی که به نیابت از دیگری محرم شده است، جایز نیست قبل از طواف عمره منوب‌عنه، برای خودش طواف مستحبی انجام دهد.

۷۴۵. طواف دادن کودک و سعی وی در حال خواب، اشکال ندارد.

۷۴۶. شخص بیمار را که طواف می‌دهند باید شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است، به‌جا آورند.

۷۴۷. شخصی که کودک را در بغل گرفته و طواف می‌دهد، بنابر احتیاط، باید دقت کند که شانه چپ کودک به طرف کعبه باشد.

۷۴۸. اگر شخصی از روی علم و عمد در هنگام طواف با بدن شخص دیگر تماس گرفته و لذت برد، گرچه موجب معصیت شدید و در بعضی مراحل موجب کفاره است، لکن مضرّ به طواف نیست.

### طواف مستحبی

موارد زیر در طواف مستحبی شرط نیست اما باقی اموری که در طواف واجب

شرط است در طواف مستحبی نیز معتبر است:

۱. موالات در طواف مستحبی شرط نیست.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۴۱

۲. قرآن در طواف مستحبی جایز است؛ پس می‌توان دو طواف هفت شوطی مستحب را پشت سر هم بدون فاصله انداختن با نماز طواف به‌جا آورد.

۳. طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست ولی کسی که محدث به حدث اکبر است مثل جنابت و حیض و... جایز نیست وارد مسجدالحرام شود، ولی اگر در حالت غفلت، طواف مستحبی را به‌جا آورد، طواف او صحیح است. ۷۴۹. در طواف مستحبی، ترک نماز طواف جایز است، اگرچه اولی بلکه احوط ترک نکردن است.

۷۵۰. نماز طواف مستحبی را می‌توان در هر جایی به‌جا آورد؛ اگرچه احتیاط مستحب این است که در مسجدالحرام به‌جا آورده شود.

۷۵۱. قطع طواف مستحبی بدون عذر جایز است.

۷۵۲. اگر شخصی در تعداد دورهای طواف مستحبی شک کند، باید بنا را بر کمتر گذارد و طواف خود را کامل کند؛ و لازم نیست از ابتدا، طواف را آغاز کند. ۷۵۳. طواف مستحبی را می‌توان قبل از انجام مناسک حج و عمره، بعد از احرام به‌جا آورد اما احتیاطاً ترک شود.

۷۵۴. استحباب یک شوط، ثابت نیست، پس نمی‌توان یک شوط را برای یک نفر و سایر شوطها را برای افراد دیگر به‌جا آورد. ولی می‌توان یک طواف مستحب را که مجموع هفت شوط است، برای خود و چند نفر به‌جا آورد.

۷۵۵. انجام طواف مستحبی، برای افرادی که در مکه اقامت دارند، صحیح نیست مگر اینکه معذور از انجام طواف باشند.

۷۵۶. انجام طواف مستحبی از جانب ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup> و انبیای عظام<sup>علیهم‌السلام</sup>، مستحب

## ۱۴۲..... مناسک جامع حج

است و نیابت از جانب امام زمان علیه السلام نیز جایز است؛ چون حضور ایشان هنگام انجام طواف مستحبی توسط نایب در مکه، احراز نمی‌شود و آنچه از روایات استفاده می‌شود، حضور ایشان در موسم حج است.

### نماز طواف (سومین عمل واجب از اعمال عمره تمتع)

۷۵۷. واجب است بعد از طواف عمره، دو رکعت نماز به نیت نماز طواف بخواند و این دو رکعت مثل نماز صبح می‌باشد؛ ولی اذان و اقامه برای آن مشروع نیست.
۷۵۸. مکلف می‌تواند نماز طواف را آهسته یا بلند بخواند.
۷۵۹. تمامی شرایط و واجبات نمازهای یومیّه، باید در نماز طواف رعایت گردد ولی اذان و اقامه برای آن مشروع نیست.
۷۶۰. نماز خواندن زن و مرد کنار یکدیگر یا جلوتر ایستادن زن از مرد در حال نماز، صحیح است ولی در کمتر از ده ذراع، مکروه می‌باشد.
۷۶۱. به احتیاط واجب باید نماز طواف را بدون فاصله عرفی بعد از طواف به‌جا آورد و اگر نماز طواف را قبل از طواف به‌جا آورده باشد، باید آن را بعد از طواف اعاده نماید.
۷۶۲. اگر با فاصله زیاد نماز طواف را بعد از طواف به‌جا آورد و موالات عرفی را با طواف رعایت نکند، طواف او باطل نمی‌شود؛ اگرچه معصیت کرده است.
۷۶۳. باید نماز طواف، پشت مقام ابراهیم علیه السلام و در نزدیکی آن، به شکلی که گفته شود نزد مقام است، خوانده شود و به احتیاط واجب، باید مقام ابراهیم علیه السلام را جلوی روی، قرار داد و در صورت تعدّر:
۱. در یکی از دو طرف مقام، در نزدیکی آن به‌جا می‌آورد.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۴۲

۲. اگر فرض (۱) ممکن نشد، می‌توان نماز را با فاصله بیشتر از مقام، با رعایت الأقرب فالأقرب، پشت آن به‌جا آورد.
۷۶۴. اگر نماز طواف را فراموش کرده و یا به‌خاطر ندانستن مسئله اشتباه به‌جا آورد:
۱. اگر زمان انجام سعی متوجه شده، باید سعی را قطع و پس از به‌جا آوردن نماز، سعی را از جایی که قطع کرده ادامه دهد.
۲. اگر در مکه متوجه شد، باید نماز را با شرایطش در مسجدالحرام به‌جا آورد.
۳. اگر پس از خروج از مکه متوجه شد، بنابر احتیاط واجب، در صورت عدم مشقت به مکه مراجعت نموده، نماز را با شرایط به‌جا آورد؛ و اگر مشقت داشت، آن را در هر جا که می‌تواند به‌جا آورد و احتیاط مستحب آن است که در حرم به‌جا آورد و شخصی را نیز نایب بگیرد تا در پشت مقام ابراهیم علیه السلام از طرف او نماز بخواند؛ و در صورت اعاده، اعمال بعدی لازم نیست.
۷۶۵. اگر قبل از مرگ نتوانست نماز طواف را به‌جا آورد، بر ولی او واجب است که پس از مرگ، نماز طواف را از طرف او به‌جا آورد.
۷۶۶. کسی که از روی علم و عمد نماز طواف را ترک کند، اعمال بعدی او باطل است و باید همراه نماز، اعاده شود.
۷۶۷. کسی که نماز را فراموش کرده یا اشتباه به‌جا آورده است، باید پس از مرگ، ولی او نماز را از طرفش به‌جا آورد.
۷۶۸. کسی که به عدم صحت قرائت نماز خودش، توجه دارد یا باید قبل از اینکه وقت طواف تنگ شود، اقدام به تصحیح قرائت نموده و یا شخصی را انتخاب کند که نماز را به صورت صحیح به او تلقین نماید. و اگر یکی از این دو کار برای

#### ۱۴۴.....مناسک جامع حج

او ممکن نشد، به احتیاط واجب لازم است خودش نماز را به هر شکل که می‌تواند به‌جا آورد و همچنین به یکی از مؤمنین که دارای شرایط امام جماعت است و نماز طواف خود را می‌خواند، اقتدا کرده و نماز طواف را بخواند و اگر چنین شخصی نیز پیدا نشد، نماز طواف را با فردی که نماز یومیّه خود را می‌خواند با نیت رجاء و امید به صحّت، به جماعت بخواند و احتیاط مستحب آن است که شخصی را نیز به‌عنوان نایب، برای انجام نماز طواف برگزیند.

۷۶۹. کسی که نماز طواف را در پشت مقام به‌جا نیاورده، باید آن را دومرتبه به‌طور صحیح به‌جا آورده و اعاده اعمال بعدی بر او لازم نیست.

۷۷۰. کسی که نماز طواف را به شکل صحیح یاد نگرفته است و به‌طور باطل به‌جا آورده باشد، فرقی نمی‌کند که در یادگیری کوتاهی کرده باشد یا کوتاهی نکرده باشد، باید نماز طواف را به‌طور صحیح اعاده نماید و اعاده اعمال بعد از آن لازم نیست.

۷۷۱. به احتیاط واجب کسی که در تصحیح قرائت کوتاهی کرده و خیال می‌کند قرائتش صحیح است و با همین حال نماز طواف را به‌جا آورده، باید نماز را به‌طور صحیح اعاده کند و اعاده اعمال بعد از آن لازم نیست.

۷۷۲. کسی که باید نماز طواف را اعاده کند، در صورتی که چند نماز طواف بر عهده دارد، لازم است در زمان اعاده، ترتیب نمازها را رعایت کند؛ مثلاً ابتدا نماز طوافِ عمره، سپس نماز طوافِ حج، و در آخر نماز طوافِ نساء را با ترتیب مذکور به‌جا آورد.

۷۷۳. نماز خواندن، در زیرزمین، نیم‌طبقه یا طبقات بالا در صورتی که احراز نشود که پشت مقام است، صحیح نیست.



## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۴۵

۷۷۴. نیابت مجانی کسی که قرائتش صحیح نیست برای حج مستحبی، عمره مستحبی و طواف مستحبی صحیح است.

۷۷۵. نایب باید نماز را قبل از سعی منوب عنه به جا آورد اما اگر فراموش کرد و بعد از سعی منوب عنه، به جا آورد اشکالی ندارد.

۷۷۶. کسی که نماز طواف نساء را به جا نیاورده باشد، حرمت نساء بر او باقی است.

### سعی (چهارمین عمل واجب از اعمال عمره تمتع)

۷۷۷. در هر احرامی چه برای عمره باشد یا حج، واجب است یک مرتبه سعی بعد از نماز طواف آورده شود، که متشکل از هفت بار پیمودن فاصله بین دو کوه صفا و مروه است و به هر دفعه پیمودن این مسافت (شوط) می گویند.

۷۷۸. ترک سعی تا آخر وقت، از روی عمد و اختیار چه عالم به وجوب سعی باشد چه جاهل و یا شک در آن داشته باشد، موجب بطلان عمره تمتع می شود و آخر وقت به مقداری است که پس از به جا آوردن آن و تقصیر و احرام برای حج تمتع، مکلف بتواند در روز نهم ذی حجه خود را برای وقوف رکنی عرفات به عرفات برساند.

۷۷۹. اگر بعضی از اشواط یا قسمتی از شوط را از روی اختیار به جا نیاورد یا صحیح به جا نیاورد در حکم، همانند ترک تمامی اشواط سعی می باشد.

۷۸۰. در صورتی که مکلف عمره تمتع خود را به خاطر سعی باطل نماید، حج تمتع او تبدیل به افراد شده و باید پس از انجام اعمال حج افراد، عمره مفرده به جا آورد و در سال بعد حج خود را قضا کند.

۷۸۱. اگر کسی از روی غفلت و فراموشی تمام سعی یا بعضی از اشواط آن را

## ۱۴۶.....مناسک جامع حج

ترک کرده یا صحیح به جا نیاورد باید هرگاه متذکر شد، به وظیفه خود عمل نماید و در صورتی که پس از مراجعت ملتفت شد، در صورت عدم امکان انجام وظیفه توسط خود، باید فردی را نایب گرفته تا از طرف او سعی را به جا آورد.

۷۸۲. در صورتی که مقداری از سعی را فراموش کند، و به گمان اینکه اعمال عمره تمتع تمام شده و از احرام خارج شده، با زن آمیزش نماید، به احتیاط واجب باید یک گاو به عنوان کفاره ذبح نماید و اگر ناخن گرفته یک گاو نیز به عنوان کفاره ذبح نماید و در این حکم فرقی نمی کند که تقصیر را انجام داده باشد یا انجام نداده باشد و به احتیاط واجب، این حکم نسبت به سعی در حج و عمره مفرده نیز جاری است.

۷۸۳. به احتیاط واجب اگر به خاطر فراموشی یا ندانستن مسئله سعی را بر طواف مقدم دارد، باید آن را پس از طواف دومرتبه به جا آورد.

### زمان انجام سعی

۷۸۴. جایز است مکلف سعی را از طواف، بدون عذر، تا شب به تأخیر اندازد، اگرچه احتیاط مستحب ترک این تأخیر می باشد، اما تأخیر سعی از طواف تا روز بعد، جایز نیست، پس اگر طواف را در روز به جا آورد، سعی را می تواند تا شب به تأخیر بیندازد، اما اگر طواف را در شب به جا آورد، نمی تواند سعی را تا روز بعد به تأخیر اندازد.

۷۸۵. تأخیر انداختن سعی از طواف به روز بعد، بدون عذر جایز نیست؛ اما در صورت تأخیر، اعاده طواف و نماز طواف لازم نیست.

## امور معتبر در سعی

### اول: نیت

۷۸۶. باید همزمان با شروع سعی، با تعیین نوع سعی (مثلاً سعی عمره، سعی حج) قصد قربت نیز بنماید و بهتر است که آن را به زبان آورد.

### دوم: شروع سعی از صفا

۷۸۷. سعی باید از صفا آغاز گردد؛ و در این حکم فرقی بین جهل و علم، عمد و خطا نیست.

۷۸۸. اگر سعی را از مروه شروع و هفت دور را، در صفا به پایان رساند، سعی او باطل است و باید آن را از صفا شروع نموده و در مروه به پایان رساند و اگر تقصیر را انجام داده، کفایت نمی‌کند و دومرتبه باید تقصیر نماید.

۷۸۹. اگر سعی را به اشتباه از مروه شروع نماید و در بین سعی ملتفت گردد، اتمام آن سعی به مروه به این نحو که یک شوط اضافی به‌جا آورد، کفایت نمی‌کند و باید از اول سعی را، از صفا شروع نماید.

### سوم: ختم سعی به مروه

۷۹۰. سعی باید در انتها به مروه ختم شود.

### چهارم: هفت دور کامل

۷۹۱. باید مسافت بین صفا و مروه را هفت بار بدون نقیصه و زیاده بپیماید.

## ۱۴۸.....مناسک جامع حج

پس باید در دور اول، از صفا تا مروه برود و در دور دوم از مروه به صفا برگردد و همین‌طور ادامه می‌دهد تا دور هفتم به مروه ختم گردد.

۷۹۲. زیاد کردن در سعی اگر از روی علم و عمد باشد موجب بطلان سعی است اما اگر از روی فراموشی و غفلت باشد ضرری به سعی نمی‌زند.

۷۹۳. زیادی در سعی که ناشی از ندانستن مسئله باشد، در حکم زیادی از روی سهو و غفلت می‌باشد و سعی، صحیح است، بنابراین اگر مقداری از سعی را دوباره به گمان عدم صحّت به‌جا آورد، به سعی ضرری نمی‌زند. لذا اگر به خیال اینکه هروله واجب است، قسمتی که بدون هروله آورده، برگردد و آن را با هروله تکرار کند، ضرری به سعی نمی‌زند و همچنین اگر از روی غفلت قسمتی از دور را برگردد و دوباره به‌جا آورد، ضرری به سعی نمی‌زند.

۷۹۴. در صورتی که از روی فراموشی یک شوط به سعی اضافه نماید، احتیاط مستحب آن است که مقدار زیادی را به هفت دور برساند.

### **پنجم: انجام سعی در مسعی**

۷۹۵. باید سعی را در مسعی (محل مشخص شده برای سعی) به‌جا آورد؛ پس اگر در هنگام سعی، از مسعی خارج شود و مقداری از دور را در خارج مسعی به‌جا آورده و پس از طیّ مسافتی دومرتبه وارد مسعی شده و به مسیر خود ادامه دهد سعی او باطل است.

۷۹۶. در سعی لازم نیست در مسیر مستقیم حرکت نماید، پس می‌تواند مسیر خود را به طرف طرف‌های آب منحرف نموده و آب بنوشد یا در کنار مسیر

## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۴۹

استراحت کرده و از همانجا به سعی خود ادامه دهد و می‌تواند در سعی به سمت چپ و راست حرکت کند.

۷۹۷. سعی در طبقه زیرزمین اشکال دارد.

۷۹۸. سعی در طبقات فوقانی، مشروط به اینکه بالاتر از صفا و مروه نباشد اشکالی ندارد.

### نشم: استقبال به طرف صفا و مروه هنگام حرکت

۷۹۹. واجب است در وقت رفتن به مروه، رو به مروه، و هنگام برگشت به سوی صفا، رو به صفا داشته باشد؛ پس حرکت به عقب به شکلی که هنگام رفتن به صفا یا مروه، پشت او به سمت آنها باشد باعث بطلان سعی است.

۸۰۰. در هنگام حرکت به طرف مقصد لازم نیست صورت نیز به طرف مقصد باشد؛ بلکه می‌تواند سر را به راست و چپ حرکت داده حتی سر خود را به پشت، برگرداند.

### هفتم: مباح بودن لباس

۸۰۱. باید لباس، کفش و وسیله‌ای که برای حرکت کردن استفاده می‌کند، مباح بوده و غصبی نباشد و بنا بر احتیاط واجب چیز غصبی را نیز در هنگام سعی، با خود حمل نکند.

### هشتم: وقوع سعی پس از نماز طواف

۸۰۲. ترتیب بین سعی و نماز طواف باید رعایت شود؛ پس سعی را باید بعد از نماز طواف انجام داد. اگر به خاطر ضرورت، سعی را بر نماز طواف مقدم کند، سعی

۱۵۰.....مناسک جامع حج

او صحیح است؛ اما در صورتی که از روی سهو یا جهل به مسئله، سعی را بر نماز طواف مقدم دارد، به احتیاط واجب، باید پس از نماز طواف آن را اعاده کند.

### **نهم: انجام سعی با اختیار**

۸۰۳. انجام سعی باید با اختیار مکلف صورت گیرد، پس اگر اختیار او سلب گردد، آن مقدار که به صورت قهری حرکت کرده، باید اعاده گردد.

۸۰۴. در سعی بین صفا و مروه جایز است برای حرکت کردن، از وسیله نقلیه استفاده کرد لکن باید هدایت و حرکت وسیله را خود بر عهده گیرد.

۸۰۵. در صورتی که افراد بتوانند با رفع خستگی در بین راه - هرچند با مدت طولانی - سعی را به جا آورند گرفتن نایب صحیح نمی باشد. و همچنین استفاده از صندلی چرخ دار که به وسیله شخص دیگر حرکت داده می شود، در صورتی جایز است که نتوان به وسیله استراحت کردن، یا با کمک از دستان خود در حرکت دادن آن، سعی را به جا آورد.

### **احکام متفرقه در سعی**

۸۰۶. موالات در سعی (به آن شکلی که در طواف شرط است) معتبر نیست، ولی نباید به شکلی بین دورها و اجزای آنها فاصله افتد یا کاری مغایر با سعی انجام گیرد که از نظر متعارف مردم، اعراض از سعی و ترک آن شمرده شود. فقط از این حکم، یک مورد استثنای شده است و آن ترک از روی غفلت و سهو، در سه دور آخر سعی می باشد که هرگاه، با هر فاصله زمانی، التفات حاصل شد، باید به جا آورده شود و تکمیل آن کفایت می کند.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۵۱

۸۰۷. قطع سعی و شروع بدون فاصله سعی از اول، اشکالی ندارد و صحّت سعی جدید، بعید نیست.

۸۰۸. در هر جای سعی که متوجه شود، طواف را ناقص به جا آورده، باید سعی را رها کرده و به وظیفه خود در مورد طواف عمل نموده و پس از نماز طواف، از همانجا که سعی را قطع نموده، آن را ادامه داده و تکمیل نماید.

۸۰۹. اگر با یقین به اتمام سعی، تقصیر صورت گیرد ولی بعد یقین به ناقص بودن سعی پیدا شود باید سعی را تکمیل نماید و اگر به خاطر تنگی وقت نمی‌تواند، باید پس از مراجعت از منا مقدار کسری سعی را به جا آورد و احتیاطاً تقصیر را اعاده کند.

۸۱۰. اگر شک در عدد دورها، بعد از منصرف شدن از سعی باشد، به آن اعتنا نمی‌شود چه تقصیر انجام شده باشد چه انجام نشده باشد.

۸۱۱. اگر قبل از انصراف از سعی، شک به کمتر از هفت دور تعلق گیرد - مثل شک بین یک و سه، یا دو و چهار یا پنج و هفت یا چهار و شش و... - این شک مبطل سعی می‌باشد؛ اما اگر شک بین هفت و نه و زیادتر باشد، مبطل نیست.

۸۱۲. اگر بعد از فارغ شدن از تمام سعی یا هر دوری، در صحّت آوردن آن شک شود، نباید به شک اعتنا کرد و سعی صحیح است، همچنین اگر در صحّت جزء سابق یک دور شک شود، نباید به آن اعتنا کرد.

۸۱۳. اگر با حالت تردید در تعداد دورها به سعی خود ادامه دهد و در ادامه اطمینان به تعداد دورها پیدا کند، سعی او صحیح است.

۸۱۴. اگر بعد از تقصیر در عمره تمتّع و بعد از طواف نساء در حج، شک کند که سعی را به جا آورده است، به شک اعتنا نکند.

## ۱۵۲.....مناسک جامع حج

۸۱۵. در عمره چه تمتع باشد چه مفرده با انجام سعی، هیچ کدام از محرّمات احرام، حلال نمی شود؛ بلکه با تقصیر از احرام خارج می شود، بر خلاف حج که مسائل آن خواهد آمد.

۸۱۶. در سعی طهارت از حدث اکبر و اصغر و طهارت از نجاست شرط نیست.

۸۱۷. پوشاندن مواضع بدن زن، که در نماز لازم است، در سعی لازم نمی باشد، همین طور پوشاندن عورت در سعی معتبر نیست.

۸۱۸. دلیلی بر استحباب سعی وارد نشده است؛ پس سعی یک عمل مستقل استحبابی همانند طواف نیست.

۸۱۹. نشستن و خوابیدن در مسعی در هنگام سعی، به جهت رفع خستگی جایز است؛ اما باید پس از رفع خستگی، بدون فاصله، سعی را ادامه دهد.

### **تقصیر (پنجمین عمل واجب از اعمال عمره تمتع)**

۸۲۰. در عمره تمتع واجب است بعد از سعی کردن، تقصیر صورت گیرد یعنی مقداری از ناخن ها یا موی سر یا ریش و یا شارب (سیبل) را کوتاه کند. و کوتاه کردن مو از قسمت های دیگر بدن مثل عانه، زیر بغل و... کفایت نمی کند.

۸۲۱. تقصیر، یک عمل عبادی است که باید با قصد قربت به جا آورده شود و

تعیین تقصیر که برای عمره تمتع است یا حج تمتع یا عمره مفرده، لازم است.

۸۲۲. تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی کند بلکه حرام است و اگر تمامی سر

را بتراشد باید یک گوسفند به عنوان کفّاره بپردازد و بنابر احتیاط واجب حتی اگر

به خاطر فراموشی یا جهل، سر را بتراشد باید کفّاره بدهد. اما اگر قسمتی از سرش

را بتراشد، کفّاره لازم نیست اما کفایت از تقصیر نمی کند.



## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۵۳

۸۲۳. تراشیدن سر در عمره تمتع حتی بعد از تقصیر و خروج از احرام عمره، حرام است و بنا بر احتیاط واجب، باید کفاره را پردازد.

۸۲۴. تقصیر را می‌توان در هر جایی به‌جا آورد و لازم نیست به سرعت پس از سعی به‌جا آورده شود و تأخیر آن جایز است؛ اما باید آن را قبل از احرام حج تمتع انجام دهد.

۸۲۵. در عمره مفرده می‌توان تراشیدن سر را به‌عنوان تقصیر به‌جا آورد.

۸۲۶. با تقصیر در عمره تمتع از احرام خارج شده و زن و مرد بر یکدیگر حلال می‌شوند ولی در عمره مفرده حلال شدن زن و مرد بر یکدیگر متوقف بر آوردن طواف نساء و نماز آن بعد از تقصیر است.

۸۲۷. کندن مو، کفایت از تقصیر نمی‌کند و مکلف باید مو و ناخن را به هر وسیله‌ای که باشد کوتاه کند.

۸۲۸. اگر کسی در اثنای سعی، تقصیر نماید، باید پس از تکمیل سعی به احتیاط واجب تقصیر را اعاده کند.

۸۲۹. اگر از روی غفلت و فراموشی، تقصیر را ترک کند تا اینکه مُحرم به احرام حج شده و به عرفات برود عمره تمتع او صحیح است اما باید بنا بر احتیاط واجب، یک گوسفند کفاره بدهد و اگر از روی عمد، هرچند از روی جهل و شک به مسئله، تقصیر را ترک کند تا اینکه مُحرم به احرام حج گردد، در این صورت عمره تمتع او باطل می‌گردد و حج تمتع او تبدیل به حج افراد می‌شود و لازم است بعد از حج، عمره مفرده به‌جا آورد و بنا بر احتیاط واجب، حج را در سال بعد اعاده می‌کند.

۸۳۰. تقصیر توسط شخص دیگر، صحیح است اما اگر آن شخص مُحرم می‌باشد

۱۵۴.....مناسک جامع حج

نمی‌تواند مو را کوتاه کند و بنابر احتیاط واجب، کوتاه کردن موی به وسیله او کفایت نمی‌کند و باید مُحرم دومرتبه تقصیر نماید. اما کوتاه کردن ناخن مشکلی ندارد.

### احکام بین عمره تمتع و حج تمتع

۸۳۱. بعد از عمره تمتع و قبل از حج، به‌جا آوردن عمره مفرده جایز نیست، ولی به‌جا آوردن آن ضرری به عمره تمتع و حج وارد نمی‌کند.

۸۳۲. تراشیدن سر با تیغ، بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج تمتع حرام است و بنابر احتیاط واجب، کفّاره آن یک گوسفند می‌باشد و در این مسئله فرقی بین جاهل و فراموشکار نیست و در صورت تراشیدن سر ضرری به حج نمی‌رساند.

۸۳۳. کوتاه کردن سر با ماشین اصلاحی که از ته مو را می‌زند، بعد از عمره تمتع و قبل از حج اشکال ندارد.

۸۳۴. خارج شدن از مکه پس از انجام عمره تمتع، بنابر احتیاط واجب جایز نیست؛ بلی اگر ضرورت ایجاب کند که از مکه خارج شود، باید مُحرم به احرام حج شده، سپس از مکه خارج گردد ولی اگر خروج ضروری از مکه با احرام، مشقّت شدید داشته باشد، می‌تواند بدون مُحرم شدن به احرام حج، از مکه خارج گردد.

۸۳۵. خارج شدن از مکه تا محله‌هایی که توابع مکه محسوب می‌شوند، بعد از عمره تمتع، اشکال ندارد و این محله‌ها حکم خود مکه را دارند. در نتیجه رفتن به غارهای حرا و ثور و قسمت‌هایی از منا که متصل به مکه و نزدیک به آن می‌باشد جایز است.

۸۳۶. شخصی که پس از عمره تمتع، بدون مُحرم شدن به احرام حج، از مکه خارج شده است:

۱. اگر در همان ماهی که محرم به احرام عمره تمتع شده و اعمال عمره را انجام داده، به مکه برگردد، احرام لازم نیست.
  ۲. اگر سی روز فاصله شده باید مجدداً برای عمره تمتع مُحرم شود و عمره ابتدایی، مفرده می شود و واجب است برای آن طواف نساء و نماز آن را به جا آورد.
  ۳. اگر سی روز فاصله نشده است، اما ورود او به مکه در غیر ماهی است که مُحرم به احرام عمره تمتع شده است، بنا بر احتیاط واجب، برای عمره تمتع دوباره مُحرم می شود و محل احرام عمره تمتع وی میقات می باشد.
۸۳۷. کسی که بدون احرام، بعد از عمره تمتع، از مکه خارج شده است و وظیفه او برای ورود مجدد به مکه احرام عمره تمتع می باشد، اگر بدون احرام عمره وارد مکه شود، عمره قبلی او صحیح است و حج تمتع او نیز صحیح می باشد و فرقی بین عالم، جاهل و غافل نیست.
۸۳۸. رفت و آمد به مناطقی از مکه که خارج از حرم واقع شده، در صورتی که در همان ماهی که برای عمره تمتع مُحرم شده، اتفاق بیافتد، جایز است و اشکال ندارد. و در غیر این صورت به احتیاط واجب، باید برای داخل شدن به حرم، برای عمره تمتع به میقات رفته و مُحرم شود.
۸۳۹. خروج از مکه و حرم بعد از احرام و قبل از ادای اعمال عمره تمتع و اتمام آن جایز است، مشروط به اینکه بتواند خود را برای انجام اعمال و حج تمتع به مکه برساند.
۸۴۰. پس از تقصیر و خروج از احرام عمره تمتع، صید و کندن گیاه حرم به حرمت خود باقی است.

## حج تمتع از سیزده فعل واجب تشکیل شده است:

۱. احرام
۲. وقوف در عرفات
۳. وقوف در مشعرالحرام
۴. رمی جمره عقبه
۵. قربانی
۶. حلق (تراشیدن سر) یا تقصیر
۷. طواف حج (زیارت)
۸. نماز طواف
۹. سعی بین صفا و مروه
۱۰. طواف نساء
۱۱. نماز طواف نساء
۱۲. شب یازدهم و دوازدهم در منا ماندن
۱۳. رمی جمرات سه گانه در یازدهم و دوازدهم

## اولین فعل واجب در حج تمتع: احرام

۸۴۱. احرام اولین فعل واجب در حج تمتع می باشد و متشکل از پوشیدن دو جامه احرام برای مردها، نیت و تلبیه است و تمامی محرّماتی که با احرام عمره تمتع بر عهده مُحرم می آمدند با احرام حج تمتع نیز به عهده شخص می آیند.
۸۴۲. ابتدای زمان احرام حج تمتع، لحظه فارغ شدن شخص از مناسک عمره

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۵۷

تمتع می‌باشد و آخر وقت آن زمانی است که حاجی بتواند خود را قبل از غروب شرعی روز نهم ذی‌حجه به عرفات رسانده و در آنجا برای مدت کوتاهی که متعارف مردم به آن توقّف گویند، وقوف نماید.

۸۴۳. بنابر احتیاط واجب احرام حج تمتع باید از مکه قدیم باشد و افضل آن است که در مسجدالحرام صورت گیرد و بهتر از آن حجر اسماعیل علیه السلام یا مقام ابراهیم علیه السلام می‌باشد.

۸۴۴. مستحب است که احرام در روز ترویبه، روز هشتم ذی‌حجه، واقع شود و قبل از روز ترویبه نیز احرام بستن جایز است لکن احتیاط مستحب آن است که بیشتر از سه روز قبل از ترویبه احرام بسته نشود، چنان‌که احتیاط مستحب آن است که اگر مُحرم شد، پیش از روز ترویبه از مکه خارج نشود.

۸۴۵. اگر کسی از روی علم و عمد، در مکه مُحرم نشود و نتواند تا آخر وقت احرام، در مکه مُحرم گردد حج تمتع او باطل است و احرام او در خارج مکه کفایت نمی‌کند. و اگر بتواند به مکه برگردد و پس از احرام، خود را در آخر وقت احرام، به عرفات برساند، حج او صحیح است؛ اگرچه به‌خاطر ترک وقوف اختیاری معصیت نموده است.

۸۴۶. اگر به‌خاطر جهل به مسئله یا فراموشی، احرام را در مکه ترک نماید:

۱. اگر وقت باقی است و می‌تواند برگردد، باید در مکه مُحرم شود.
۲. اگر نمی‌تواند یا احتمال فوت وقت را می‌دهد، به احتیاط واجب، هر مقدار می‌تواند به طرف مکه رفته و در آنجا مُحرم شود.
۳. اگر از رفتن به طرف مکه نیز معذور می‌باشد، باید هر جا که متوجه شد، مُحرم گردد؛ و وقوف رکنی عرفات را درک کند.

۴. اگر بعد از انتهای وقت احرام، متوجه شد، باید برای اعمال بعدی، احرام حج را به جا آورد و برای احرام لازم نیست به مکه برگردد.
۵. اگر بعد از انجام اعمال حج متوجه شد، که احرام نبسته حج او صحیح می باشد.

### دومین فعل واجب در حج تمتع: وقوف در عرفات

۸۴۷. مراد از وقوف به عرفات، حضور مُحرم در صحرای عرفات می باشد و لازم نیست بر روی دو پا توقّف نماید، بلکه نشسته باشد یا ایستاده، سواره یا پیاده، در حال حرکت یا توقف، در هر حالتی که در آنجا حضور داشته باشد کافی است.
۸۴۸. وقوف در عرفات، عبادت است و شخص باید با نیت قربت الهی بدون ریا در عرفات حضور داشته باشد.
۸۴۹. اگر قبل از وقت، قصد وقوف نماید، سپس تمام وقت را بخوابد، اشکالی بر او نیست و وقوف او صحیح می باشد.
۸۵۰. صحرای عرفات دارای حدود معین است که توسط علامات و نوشته هایی مشخص شده است و رعایت این حدود لازم است.
۸۵۱. در زمان وقوف در عرفات، بالا رفتن از جبل الرحمه مکروه است، اگرچه جزء عرفات می باشد.

۸۵۲. وقوف در عرفات از جهت زمان بر سه قسم است:

۱. وقوف اختیاری از اذان روز نهم ذی حجه تا غروب شرعی.
۲. وقوف رکنی اختیاری که عبارت است از مقدار کمی توقف از اذان ظهر، تا غروب روز نهم، به مقداری که از نظر متعارف مردم به آن توقّف گویند.

۳. وقوف اضطراری که عبارت است از مقداری توقّف در شب روز دهم ذی حجه (شب عید قربان).

۸۵۳. پس از احرام حج، واجب است وقوف اختیاری را درک نماید و بنابر اظهار می‌تواند به مقدار ادای نماز ظهر و عصر با هم، از اول وقت، وقوف خود را به تأخیر بیندازد. و اگر از روی علم و عمد و اختیار (بدون عذر) وقوف اختیاری عرفات را درک نکند، اگرچه معصیت کرده است، اما در صورت توقّف اگرچه به مقدار کم و درک وقوف رکنی، حج او از این جهت صحیح است.

۸۵۴. واجب است، هنگام غروب شرعی در عرفات باشد و کوچ کردن از آنجا قبل از غروب جایز نیست. و کسی که از روی علم، عمد و اختیار، قبل از غروب کوچ کرده و از عرفات برود:

۱. اگر پس از توبه برگردد و غروب را در عرفات درک کند، چیزی بر عهده او نیست.
۲. اگر برنگردد، باید در صورت توانایی یک شتر به‌عنوان کفّاره بپردازد و اگر نمی‌تواند، هجده روز روزه پشت سر هم در مکه یا در هنگام پیمودن مسیر در محل زندگی و اقامت بگیرد.

۸۵۵. اگر از روی عذری همانند غفلت، فراموشی و جهل به حکم که ناشی از کوتاهی نباشد (قاصر) قبل از غروب کوچ کند، در صورتی که پس از برطرف شدن عذر، می‌تواند برای درک غروب شرعی به عرفات مراجعت کند، باید برگردد و در صورت عدم مراجعت، علاوه بر معصیت، کفّاره، به نحوی که بیان شد بر عهده او می‌آید.

۸۵۶. کسی که از وقوف اختیاری رکنی عرفه معذور بوده، باید وقوف اضطراری عرفات را درک کند و این در صورتی است که وقوف رکنی مشعر را قبل از طلوع

## ۱۶۰.....مناسک جامع حج

آفتابِ روز دهم درک نماید و اگر می‌ترسد آن را درک نکند باید به وقوف در مشعر اکتفا نموده و وقوف اضطراری در عرفات لازم نیست.

۸۵۷. اگر وقوف اضطراری عرفات، بدون عذر ترک شود، حج او باطل است و جهل به حکم اگر ناشی از کوتاهی نباشد (قاصر) از موارد عذر می‌باشد.

۸۵۸. هرگاه نزد قاضی عامه، اول ذی‌حجه ثابت شود، اما مخالف موازین شرعی مورد پذیرش فقه شیعه باشد، احتیاط واجب آن است که وقوف در عرفات و مشعر و بقیه اعمال که باید در وقت معین از ذی‌حجه واقع شود را بر طبق موازین شرعی به‌جا آورد مگر آنکه خوف فتنه باشد که در این صورت متابعت از قاضی اهل سنت مجزی است.

### سومین فعل واجب از حج تمتع: وقوف در مشعرالحرام

۸۵۹. مشعرالحرام که «مزدلفه» و «جمع» نیز نامیده می‌شود، بین منا و عرفات واقع شده است و با علامت‌هایی مشخص، حدود آن معین گردیده است.

۸۶۰. بنا بر احتیاط واجب لازم است مُحرم شب عید را با قصد قربت در مشعر بماند و در اصطلاح بیتوته نماید و ذکر خدا را با زبان بگوید هرچند به مقدار کم باشد و لازم نیست تمام شب را در آنجا بیتوته نماید و اگر مقدار کمی از شب، قبل از اذان صبح در آنجا باشد نیز، به واجب عمل کرده است.

۸۶۱. مراد از وقوف در مشعر، حضور مُحرم در آنجاست و لازم نیست بر روی دو پا در آنجا ایستاده باشد، بلکه نشسته بودن، راه رفتن، سواره بودن، از مکانی به مکان دیگر منتقل شدن - به شرط اینکه در مشعر باشد - اشکالی ندارد.

۸۶۲. وقوف در مشعر یک عمل عبادی است که باید به قصد قربت انجام پذیرد.



## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۶۱

۸۶۳. اگر در تمام وقت وقوف در مشعر بخوابد وقوف به مشعر او باطل است، مگر آنکه قبل از وقت با نیت وقوف بخوابد که در این صورت خوابیدن در تمام وقت اشکالی ندارد.

۸۶۴. وقوف در مشعر دارای سه وقت می‌باشد:

(۱) وقوف در شب عید قربان تا طلوع فجر (وقوف شبانه).

(۲) وقوف بین طلوع فجر (اذان صبح) و طلوع خورشید (وقوف اختیاری).

(۳) وقوف از طلوع خورشید تا زوال خورشید (وقوف روزانه).

اگر کسی - حتی در صورت عذر - هیچ‌کدام از این سه وقت را درک نکند حج او باطل است.

۸۶۵. وقوف شبانه، برای زنها، پیرمردها، و همچنین کسانی که کار ضروری دارند یا افراد بیماری که ازدحام جمعیت برای آنها مشقت ایجاد می‌کند کافی است و لازم نیست در تمامی مدت شب وقوف نمایند، بلکه مقدار کمی از آن کفایت می‌کند.

۸۶۶. وقوف شبانه، لازم نیست بعد از نصف شب محقق شود، بلکه اگر قبل از نصف شب نیز وقوف برای آنها حاصل شود، می‌توانند مشعر را ترک کنند.

۸۶۷. کسانی که وقوف شبانه را به‌جا آورده و به‌خاطر کار ضروری، مثل همراهی با زنها و پیرمردها و بیماران و یا هر کار ضروری دیگر مشعر را قبل از طلوع فجر ترک کرده‌اند، در صورتی که عذر آنها برطرف شد، باید به مشعر برگردند و وقوف اختیاری رکنی را درک کنند.

۸۶۸. وقوف بین طلوع فجر و خورشید (اختیاری) در تمامی وقت برای غیر از کسانی که وقوف شبانه برای آنها کافی است، واجب است. و اگر بدون عذر قسمتی

## ۱۶۲.....مناسک جامع حج

از آن را ترک کنند، گنهکار هستند، اگرچه وقوف رکنی به مقداری که از نظر عرف توقّف گفته شود (مسمی وقوف) کفایت می‌کند و حج صحیح است.

۸۶۹. بر کسانی که وقوف اختیاری لازم است، اگر قبل از طلوع خورشید از مشعر کوچک نموده و از وادی محسّر بگذرند، مرتکب گناه شده‌اند و بنابر احتیاط واجب، باید یک گوسفند کفّاره بدهند.

۸۷۰. کسی که نمی‌داند کوچ از مشعر قبل از طلوع خورشید جایز نیست و در جهل خود معذور است (قاصر) و همین‌طور شخص غافل، جزو افراد معذور می‌باشند و کفّاره‌ای بر عهده آنها نیست؛ اما در صورتی که بعد از التفات و وقت کافی، قبل از طلوع خورشید به مشعر برنگردند، به احتیاط واجب، کفّاره به عهده آنها می‌آید.

۸۷۱. کسی که به وظیفه خود چه وقوف شبانه مشعر، چه وقوف رکنی اختیاری، بدون عذر عمل نکند، حج او باطل است، و اگر معذور می‌باشد باید وقوف روزانه مشعر را که از طلوع خورشید تا اذان ظهر می‌باشد درک کند و در صورت تخلف حج او باطل است.

۸۷۲. وقوف روزانه در تمام وقت لازم نیست، بلکه اگر مدتی را در آنجا وقوف نماید کافی است.

۸۷۳. با توجه به دو نوع وقوف رکنی عرفات و وقوف اضطراری شبانه آن، و از طرف دیگر سه نوع وقوف مشعر، شبانه مشعر، رکنی اختیاری و روزانه مشعر، از جهت درک و عدم درک آن چندین صورت پیدا می‌شود که موارد مورد ابتلا و حکم آن از این قرار است:

## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۶۲

مواردی که حج صحیح می‌باشد:

۱. درک وقوف اختیاری رکنی عرفات و وقوف اختیاری رکنی مشعر.
۲. درک وقوف اختیاری رکنی عرفات و وقوف شبانه مشعر (برای کسانی که وقوف شبانه برای آنها کفایت می‌کند).
۳. درک وقوف اختیاری رکنی عرفات و وقوف روزانه مشعر (برای کسانی که در ترک وقوف شبانه و اختیاری رکنی مشعر معذور بودند).
۴. درک وقوف اضطراری عرفات و وقوف اختیاری رکنی مشعر (برای کسانی که در ترک وقوف اختیاری رکنی عرفات معذور بودند).
۵. درک وقوف اضطراری عرفات و وقوف شبانه مشعر (برای کسانی که در ترک وقوف رکنی عرفات معذور بودند و وقوف شبانه مشعر برای آنها کافی است).
۶. درک وقوف اضطراری عرفات و وقوف روزانه مشعر (برای کسانی که در ترک وقوف رکنی عرفات و وقوف رکنی مشعر معذور بودند).
۷. ترک وقوف اضطراری و رکنی عرفات و درک وقوف شبانه مشعر (برای کسانی که در ترک وقوف عرفات معذور بودند و درک شبانه مشعر برای آنها کفایت می‌کند).
۸. ترک وقوف اضطراری و رکنی عرفات و درک وقوف اختیاری رکنی مشعر (برای کسانی که در ترک وقوف عرفات معذور بودند).

مواردی که حج باطل می‌شود:

۱. ترک تمام اقسام وقوف مشعر و درک وقوف اضطراری عرفات (در این صورت حتی اگر در ترک مشعر معذور باشد حج او باطل است).
۲. درک وقوف روزانه مشعر فقط و ترک وقوف رکنی اختیاری و اضطراری

#### ۱۶۴.....مناسک جامع حج

عرفات (در این صورت حتی اگر در ترک عرفات و اختیاری رکنی مشعر معذور باشد حج او باطل است).

۳. ترک وقوف عرفات و مشعر در تمامی انواع آنها (در این صورت حج باطل است حتی اگر معذور باشد).

۸۷۴. منظور از عذری که در ترک وقوف عرفات و مشعر و در صورت‌های اختیاری و اضطراری آن به کار رفته است شامل عذر ناشی از ندانستن مسئله (قاصر) و غافل می‌شود.

۸۷۵. در صورت‌هایی که حج باطل می‌گردد، لازم است با احرام حج، عمره مفرده را به‌جا آورده و اگر با عذر باطل شده است، در صورت استقرار حج یا بقای شرایط استطاعت، در سال بعد حج را به‌جا آورد اما اگر بدون عذر باطل شده است، حج بر او مستقر شده و به هر حالتی باید حج را در سال بعد به‌جا آورد چه استطاعت داشته باشد یا نداشته باشد.

۸۷۶. در صورتی که به‌خاطر عذر، تمامی اقسام وقوف مشعر را ترک کرده اما وقوف رکنی اختیاری عرفات را درک نموده است به احتیاط واجب بقیه اعمال را به قصد آنچه در ذمه اوست (عمره مفرده یا حج) به‌جا می‌آورد و در سال بعد در صورتی که حج بر او مستقر شده یا استطاعتش باقی است حج را به‌جا می‌آورد.

#### **چهارمین فعل واجب از حج تمتع: رمی جمره عقبه**

۸۷۷. از طرف مشعرالحرام، در آخر سرزمین منا، سه موضع به نام جمره اولی، جمره وسطی و جمره عقبه می‌باشد؛ که حاجی باید در روز دهم ذی‌حجه - عید قربان - تعداد هفت سنگریزه به جمره عقبه بزند که به این عمل رمی می‌گویند.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۶۵

۸۷۸. در رمی هفت امر معتبر است:

۱. نیت، که باید این عمل از اول تا آخر آن، با قصد خالص برای خداوند به جا آورده شود.
۲. باید هفت سنگریزه به جمره زده شود و مقدار کمتر کفایت نمی‌کند، همچنان که تعداد بیشتر در صورتی که قصد کند جزو واجب باشد، موجب بطلان عمل است.
۳. هر کدام از این سنگریزه‌ها باید با رمی و پرتاب کردن به جمره برخورد کند پس قرار دادن سنگ بر جمره، کفایت نمی‌کند.
۴. باید برخورد سنگریزه، ناشی از عمل حاجی باشد، پس اگر سنگریزه در مسیر با چیزی برخورد کند و این برخورد باعث شود سنگریزه به جمره برسد، کافی نمی‌باشد، اما اگر برخورد با چیز دیگر تأثیری نداشته باشد، اشکالی ندارد.
۵. باید سنگریزه‌ها را جداگانه به سوی جمره پرتاب کند، پس پرتاب کردن همه آنها، یا تعدادی از آنها با یکدیگر کفایت نمی‌کند و فقط یک سنگریزه حساب می‌شود.
۶. باید سنگریزه‌ها با جمره برخورد کنند، پس افتادن آنها در حوضچه‌های کنار جمره، کفایت نمی‌کند.
۷. بنا بر احتیاط واجب رمی هفت سنگریزه باید بدون فاصله زیاد بین هر پرتاب کردن انجام شود و باید موالات عرفی بین آنها مراعات شود، ولی قطع رمی و شروع از اول آن اشکالی ندارد.

۸۷۹. در سنگریزه نیز چند امر معتبر است:

۱. سنگریزه باید به اندازه‌ای باشد که به آن ریگ گفته شود، پس اگر آن قدر ریز یا درشت باشد که به آن سنگریزه گفته نشود، کفایت نمی‌کند.

۱۶۶.....مناسک جامع حج

۲. جنس سنگریزه باید از سنگ باشد، پس کلوخ، سیمان و... کفایت نمی‌کند. اما هر نوع سنگی باشد مانند سنگ مرمر کفایت می‌کند.
۳. سنگ‌ها باید از حرم باشد و سنگ خارج حرم کفایت نمی‌کند و همچنین سنگ‌های مسجدالحرام و مسجد خیف کفایت نمی‌کند. و بنابر احتیاط واجب، از سنگریزه‌های سایر مساجد که در حرم می‌باشد نیز استفاده نشود.
۴. سنگ‌ها باید بکر باشند یعنی نباید از آنها برای رمی به شکل صحیح استفاده شده باشد.
۵. سنگ‌ها باید مباح باشد و استفاده از سنگی که آن را حیازت کرده‌اند یا به شکلی تملک نموده‌اند، بدون رضایت مالک آن برای رمی کفایت نمی‌کند.
۸۸۰. رمی باید با دست انجام شود و رمی با دهان یا پا کافی نیست و بنابر احتیاط واجب با کمان و فلاخن نیز صحیح نمی‌باشد و مستحب است با دست راست انجام شود.
۸۸۱. رمی در هر حالتی جایز است، و فرقی ندارد شخص نشسته، خوابیده یا ایستاده باشد، سواره یا پیاده باشد، در حال حرکت یا سکون باشد.
۸۸۲. در هنگام رمی، طهارت از حدث اصغر و اکبر و همین‌طور طهارت از خبث شرط نیست و در مورد سنگ‌ها نیز طهارت شرط نمی‌باشد.
۸۸۳. اگر از ابتدا قصد رمی هفت سنگریزه را داشته باشد ولی در هنگام رمی سنگریزه‌های بیشتری بزند، حتی اگر برای احتیاط نباشد اشکالی ندارد.
۸۸۴. در صورت عدم امکان رمی جمره قدیم، به‌خاطر احاطه دیوار بر آن - همان‌طور که در زمان حاضر این‌طور است - باید به آن قسمت از دیوار که محاذی

## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۶۷

جمره قدیم می‌باشد، سنگ زده شود و همچنین رمی به مقداری از دیوار که بلندتر از جمره قدیم است، صحیح نمی‌باشد.

۸۸۵. اگر در وقت رمی گمان کرد که عمل را به‌طور صحیح به‌جا آورده است ولی بعداً متوجه اشتباه خود شد، باید به‌طور صحیح آن را اعاده کند، اگرچه سال بعد به وسیله نایب باشد.

۸۸۶. اگر چند سنگریزه به سوی جمره پرتاب کند، تنها یک سنگریزه برای او حساب می‌شود، حتی اگر چند سنگریزه به جمره اصابت کند.

۸۸۷. مستحب است سنگریزه‌ها از مشعرالحرام و پس از آن از منا جمع‌آوری شود.

### زمان رمی جمره عقبه

۸۸۸. زمان رمی از طلوع خورشید تا غروب خورشید روز دهم ذی‌حجه - عید قربان - می‌باشد ولی بر زن‌ها جایز است شب عید رمی را به‌جا آورند، چه معذور از رمی در روز باشند یا نباشند.

۸۸۹. به غیر از زن‌ها بقیه افرادی که جایز است در شب از مشعر به منا کوچ کنند، در صورتی که در روز دهم، معذور از رمی باشند، می‌توانند در شب رمی را به‌جا آورند.

۸۹۰. کسی که زمان رمی جمره عقبه را نمی‌داند یا فراموش کرده و غفلت نموده است، هرگاه متذکر شد تا روز سیزدهم ذی‌حجه باید رمی را به‌جا آورد و اگر تا سیزدهم ملتفت نشد، باید در سال بعد خودش یا نایبش رمی را به‌جا آورد.

۸۹۱. کسی که از رمی در روز، معذور است مثل اینکه نسبت به جان و مال خود ترس داشته باشد یا بیمار باشد و یا اینکه رمی برای او در روز مشقت شدید

۱۶۸.....مناسک جامع حج

داشته باشد، می‌تواند رمی را در شب انجام دهد و فرقی بین شب قبل از عید قربان و بعد از آن وجود ندارد.

۸۹۲. کسی که از رمی در شب نیز معذور است و امیدی به برطرف شدن عذر خود ندارد باید نایب بگیرد تا رمی را در روز انجام دهد.

### نیابت در رمی

۸۹۳. در صورتی که عذر انجام رمی بعد از عمل نایب برطرف شود و وقت برای رمی باقی باشد، اگر در صورت یأس و ناامیدی از برطرف شدن عذر، نایب گرفته است، عمل نایب کفایت می‌کند و اعاده رمی لازم نیست، اما اگر از برطرف شدن عذر ناامید نبوده و با این حال به نایب اذن داده، باید در وقت باقی مانده، رمی را اعاده کند و در صورت عصیان، در روزهای بعد قضا نماید.

۸۹۴. زن‌ها در صورتی می‌توانند رمی را به نایب واگذار کنند که از انجام رمی در روز نیز ناامید شده باشند و در هر حالت باید نایب رمی را در روز انجام دهد.

۸۹۵. فاصله زیاد و دور بودن محل رمی جمرات، مجوز نایب گرفتن نمی‌باشد، پس باید بدون مشقت شدید با هر وسیله نقلیه‌ای که می‌تواند به محل رمی جمرات رفته و رمی را به‌جا آورد.

۸۹۶. در صورت امکان باید فرد بیمار را به محل رمی جمرات برده و او سنگ را به دست گرفته و دیگری با گرفتن دست او، رمی را انجام دهد و در صورت عدم امکان باید نایب بگیرد.

۸۹۷. اگر معذور توانایی ندارد نایب بگیرد و به او اذن دهد - مثل آدم بیهوش



## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۶۹

- باید فردی از مؤمنین رمی را از طرف او به‌جا آورده و رمی، از گردن معذور، ساقط است.

### مسائل متفرقه رمی جمره عقبه

۸۹۸. در روز عید، ترتیب بین رمی جمره عقبه، حلق یا تقصیر و قربانی لازم است و به احتیاط واجب اگر شخص عالم، با اختیار و عدم عذر این ترتیب را رعایت نکرد، باید اعمال را به شکلی که ترتیب حاصل شود اعاده نماید اما به‌خاطر غفلت و جهل به مسئله یا اضطرار و عسر و حرج، ترتیب لازم نیست.

۸۹۹. اگر احتمال دهد سنگی که در حرم است را از خارج حرم آورده‌اند، به احتمال خود اعتنا نکند.

۹۰۰. اگر بعد از قربانی یا حلق و تقصیر و یا پس از غروب آفتاب شک کند که اصل رمی جمره را به‌جا آورده یا نه، و یا اینکه در تعداد سنگ‌های رمی شده، شک نماید، نباید به شک خود اعتنا کند.

۹۰۱. ظن و گمان در تعداد سنگ‌های زده‌شده یا در صحت رمی هنگام عمل اعتبار ندارد بلکه باید یقین حاصل شود.

۹۰۲. اگر شک کند به سنگی که می‌خواهد استفاده کند، ریگ می‌گویند یا نه، نمی‌تواند به آن اکتفا کند.

۹۰۳. اگر در تعداد سنگی که پرتاب نموده، شک کند، اگر در زمان پرتاب کردن شک نموده، باید یقین به هفت عدد پیدا کند، و همچنین اگر شک دارد که سنگ به جمره برخورد نموده، باید یقین به برخورد با آن حاصل شود.

۹۰۴. اگر بعد از پرتاب سنگ‌ها و انصراف از محل، در تعداد سنگ‌ها شک

## ۱۷۰.....مناسک جامع حج

نماید، اگر شک در نقیصه است - یعنی احتمال می‌دهد کمتر از هفت سنگ انداخته - باید برگردد و تعداد احتمالی ناقص را به‌جا آورد؛ اما اگر احتمال می‌دهد بیشتر زده است، این احتمال مضرّ به صحّت عمل نیست.

۹۰۵. اگر بعد از پرتاب سنگ‌ها و فراغ از آن در انجام صحیح رمی شک نماید، به شک خود اعتنا نکند و بنا را بر صحّت بگذارد.

۹۰۶. اگر در وقت رمی گمان کرد که عمل را به‌طور صحیح به‌جا آورده ولی بعداً متوجه اشتباه خود شد، باید آن را به‌طور صحیح اعاده کند، اگرچه سال بعد باشد.

۹۰۷. استفاده از سنگ‌هایی که از شخص دیگر گرفته و معلوم نیست که از حرم باشد، جایز نیست.

۹۰۸. استفاده از سنگ‌هایی که معلوم نیست قبلاً برای رمی استفاده شده است، جایز است.

۹۰۹. اگر در هنگام رمی، شک کند که سنگ به قسمتی از دیوار که جمره قدیم را پوشانده برخورد کرده است، باید تا حصول اطمینان، رمی را تکرار کند.

## پنجمین فعل واجب از حج تمتّع: ذبح قربانی

۹۱۰. بر کسانی که حج تمتّع به‌جا می‌آورند، قربانی واجب است، اگرچه حج تمتّع آنها استحبابی باشد و بنا بر احتیاط واجب اگر اهل مکه، حج تمتّع به‌جا می‌آورند، بر آنها نیز، قربانی کردن لازم است.

۹۱۱. بر کسی که حج قران به‌جا می‌آورد، ذبح قربانی که همراه او می‌باشد واجب است ولی کسی که حج افراد به‌جا می‌آورد، قربانی واجب نیست.

۹۱۲. بر هر حاجی یک قربانی واجب است و اشتراک چند نفر در یک قربانی

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۷۱

جایز نیست، مگر در صورت ضرورت مثل اینکه به خاطر گرانی بیش از حد قربانی، هر فرد به تنهایی توانایی خرید آن را نداشته باشد که در این صورت به احتیاط واجب چند حاجی با شراکت یکدیگر یک قربانی خریداری نموده و ذبح می‌نمایند و همچنین روزه بدل از قربانی را نیز به‌جا می‌آورند.

۹۱۳. اگر پس از خرید قربانی، قربانی گم شود واجب است قربانی دیگری بخرد و اگر قبل از ذبح آن، قربانی اول پیدا شود، در ذبح هر کدام مخیر است و اگر بعد از ذبح قربانی دوم، قربانی اول پیدا شد، ذبح آن واجب نیست و متعلق به خود خریدار است.

۹۱۴. ذبح قربانی از عبادات است و باید با قصد قربت و به‌خاطر خداوند متعال به‌جا آورده شود.

۹۱۵. قربانی باید شتر، گاو و یا گوسفند باشد و ذبح حیوانات دیگر کفایت نمی‌کند.

۹۱۶. فرقی بین حیوان نر و ماده وجود ندارد و هریک از آنها کفایت می‌کند؛ اگرچه

شتر و گاو ماده بهتر از نر می‌باشد ولی نسبت به گوسفند، نر آن بهتر از ماده می‌باشد.

### سن قربانی

۹۱۷. حیوانی که برای قربانی تعیین می‌شود از نظر سن بین شتر، گاو و گوسفند

فرق می‌کند:

۱. شتر از جهت سن قربانی باید پنج‌سالگی را کامل و داخل شش سال شده باشد.

۲. گاو و بز باید بنابر احتیاط دو سال را کامل و داخل در سه‌سالگی شده باشد.

۳. گوسفند بنابر احتیاط باید یک‌سالگی را کامل و داخل در دوسالگی شده باشد.

## ۱۷۲.....مناسک جامع حج

۹۱۸. اگر بعد از ذبح، معلوم شود که حیوان ذبح شده به سن معتبر نرسیده بوده است، این قربانی کفایت نمی کند و باید آن را اعاده کند.

۹۱۹. در مورد سن حیوان، یقین به رسیدن تا سن معتبر، لازم است، و می توان به قول ذی الید - در صورتی که احتمال صدق آن داده شود - کفایت کرد.

### **سالم بودن و بیمار نبودن قربانی**

۹۲۰. حیوان باید مبتلا به مرضی که گوشت را فاسد می کند نباشد، اما ابتلا به امراض دیگر همانند کچلی، مانعی ندارد.

۹۲۱. اگر حیوانی را به گمان آنکه صحیح و سالم است ذبح کرد بعد معلوم شد که بیمار بوده کافی نیست و باید دوباره ذبح کند.

۹۲۲. در صورتی که شک دارد حیوان سالم است، بنا را بر سلامت بگذارد و به شک خود اعتنا نکند و اگر بعد از قربانی معلوم شود سالم نبوده، باید ذبح قربانی را اعاده کند.

### **صحیح و کامل بودن حیوان**

۹۲۳. قربانی باید صحیح و کامل باشد، پس حیوان کور، لنگ، حیوانی که شاخ داخلی اش شکسته شده یا گوش و عضو دیگر آن قطع شده باشد یا آخته شده و یا لاغر باشد برای قربانی کفایت نمی کند.

۹۲۴. بنابر احتیاط واجب باید از حیوانی که در اصل خلقت بدون گوش و دم است برای قربانی اجتناب کرد و احتیاط مستحب این است که از حیوانی که در اصل خلقت بدون شاخ است یا گوش کوچک دارد اجتناب شود.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۷۳

۹۲۵. حیوانی که خیلی پیر یا لاغر است برای قربانی کفایت نمی‌کند.
۹۲۶. اگر حیوانی را با این تصور که لاغر است، به خاطر جهل به مسئله، با قصد قربت ذبح کند، اما بعد از ذبح برای او آشکار شود که چاق بوده است، کفایت از قربانی می‌کند و صحیح است.
۹۲۷. اگر حیوانی را به گمان آن‌که صحیح است، ذبح نمود و بعد معلوم شد ناقص بوده، کفایت نمی‌کند و باید دوباره ذبح کند.
۹۲۸. حیوانی که بیضه‌ها و یا رگ‌های بیضه‌هایش را کوبیده باشند، برای قربانی کفایت می‌کند ولی اگر بیضه‌های او را درآورده باشند کفایت نمی‌کند.
۹۲۹. قربانی کردن حیوانی که شاخ بیرونی‌اش شکسته شده یا گوش او را سوراخ کرده‌اند و یا چاک داده‌اند جایز است.
۹۳۰. در مواردی که نقص بر حیوان کامل عارض می‌گردد - مثل خصی بودن، یا بریدن اعضای بدن - در صورت شک، فحص و تحقیق لازم نیست و بدون تحقیق ذبح جایز است، اما در عیوبی که مادرزادی می‌باشد باید تحقیق و بررسی کند، اگرچه می‌توان به قول ذی‌الید - در صورتی که احتمال صدق بدهد - نیز اکتفا کرد.
۹۳۱. اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کرد بعد معلوم شد لاغر بوده کافی است.
۹۳۲. اگر به خاطر جهل به مسئله گمان شود که حیوان ناقص برای قربانی کفایت می‌کند، و حیوانی را که خیال می‌کرد ناقص است با قصد قربت ذبح نمود و بعد از ذبح آشکار شد که حیوان صحیح و کامل است این کفایت از قربانی می‌کند.
۹۳۳. اگر بعد از ذبح شک کند حیوان قربانی شده، شرایط معتبر را داشته، به شک خود اعتنا نکند؛ اما اگر شک کند آیا ذبح قربانی را انجام داده است یا خیر،

## ۱۷۴.....مناسک جامع حج

اگر بعد از حلق یا تقصیر و اعمال بعد از آن باشد، به شک خود اعتنا نکند ولی قبل از آن باید قربانی را ذبح کند تا یقین پیدا کند.

۹۳۴. اگر قربانی‌ای که تمام شروط سابق را داشته باشد پیدا نشد، اگر خودش نمی‌تواند باید پول آن را پیش امین بگذارد که تا آخر ذی‌حجه آن را خریده و ذبح نماید و اگر پیدا نشد، بنابر احتیاط واجب قربانی ناقص را ذبح نموده و در سال بعد نیز، قربانی با تمام شرایط معتبر را ذبح کند و فرقی بین حیوان خصی و غیر خصی نیست.

### زمان قربانی

۹۳۵. بنابر احتیاط واجب زمان ذبح روز عید است و تأخیر آن از روز عید بدون عذر جایز نیست؛ و در صورت ترک آن در روز عید باید در ایام تشریق به‌جا آورده شود و تأخیر آن از ایام تشریق بدون عذر جایز نیست. و در صورت وجود عذر - همانند جهل به مسئله، نسیان، نیافتن قربانی با شرایط معتبر، عدم امکان ذبح در منا و امکان آن در منا بعد از ایام تشریق - جایز است ذبح را تا آخر ذی‌حجه به مقداری که بتواند پس از آن طواف و سعی را در ذی‌حجه به‌جا آورد، به تأخیر اندازد.

۹۳۶. قربانی باید در روز ذبح گردد، و بنابر احتیاط، ذبح آن در شب کفایت نمی‌کند ولی اگر از روی فراموشی و ندانستن مسئله در شب انجام داد کفایت می‌کند.

### مکان قربانی

۹۳۷. ذبح قربانی باید در منا صورت گیرد و واجب است در صورت عدم امکان آن، در روز عید، تا آخر ذی‌حجه صبر نموده و ذبح را در منا انجام دهد و در

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۷۵

صورت عدم تمکّن ذبح در منا تا آخر ذی حجه، ذبح در کشتارگاه‌های خارج منا جایز است.

۹۳۸. انجام قربانی در خارج از حرم کفایت نمی‌کند، در نتیجه قربانی در وطن، با تصوّر اینکه مصرف بهتری برای آن وجود دارد، صحیح نیست.

۹۳۹. ذبح قربانی به احتیاط واجب، باید بعد از رمی جمره عقبه و قبل از تقصیر یا حلق صورت گیرد و اگر به خاطر عذر مثل جهل، نسیان، ترتیب مراعات نگردد، اشکالی ندارد و اگر از روی علم و اختیار ترتیب را رعایت نکند بنابر احتیاط هر کدام را که مقدّم داشته، اعاده نماید.

### مصرف گوشت قربانی

۹۴۰. به احتیاط واجب بر حاجی در صورت امکان لازم است مقداری از قربانی را بخورد و همچنین لازم است یک سوم از آن را به مؤمن حتی اگر غنی باشد هدیه داده و یک سوم دیگر به فقیر مؤمن یا وکیل او صدقه دهد و به فقیری که حج گزار است نیز می‌توان یک سوم را صدقه داد.

۹۴۱. جایز نیست هیچ جزئی از گوشت قربانی از منا خارج شود مگر اینکه موردی برای مصرف کردن آن نباشد یا اینکه سهم مسکین را که مالک شده از او خریداری نماید.

۹۴۲. اگر دو ثلث قربانی را به غیر مؤمن واگذار کند، در صورتی که از روی اختیار یا تفریط صورت گرفته باشد، بنابر احتیاط، ضامن دو ثلث می‌باشد لکن ضامن قیمت گوشت قربانی است نه ضامن پولی که برای خرید پرداخت کرده است.

## نیابت در ذبح قربانی

۹۴۳. در ذبح لازم نیست شخص حاجی به طور مستقیم ذبح را انجام دهد، بلکه می تواند شخصی را به عنوان نایب اختیار کند، حتی اگر خود، توانایی ذبح کردن را داشته باشد.

۹۴۴. بر نایب قربانی لازم است ذبح را با قصد قربت به جا آورد و منوب عنه را نیز معین کند و احتیاط واجب این است که منوب عنه، اگر در وقت ذبح حاضر است، قصد قربت نموده و اگر حاضر نیست، از زمانی که نایب را برای ذبح می فرستد نیت نموده و تا وقت ذبح این نیت را به طور مستمر ادامه دهد.

۹۴۵. در تعیین منوب عنه لازم نیست اسم او آورده شود بلکه تعیین اجمالی کفایت می کند.

۹۴۶. نایب که عمل ذبح را انجام می دهد، باید مسلمان باشد و شیعه بودن او لازم نیست.

۹۴۷. ذبح کردن از طرف شخصی دیگر بدون اذن و وکالت او صحیح نیست و علم به رضایت کافی نیست.

۹۴۸. گفته نایب قربانی مبنی بر اینکه ذبح را انجام داده است، در صورتی که متهم به کذب نباشد، معتبر است.

۹۴۹. اگر بعد از خرید قربانی و ذبح توسط نایب، احتمال داده شود که نایب به شرایط قربانی عمل نکرده است، به این احتمال اعتنا نشود.

۹۵۰. بر منوب عنه لازم است که برای انجام اعمال مترتب بر ذبح، اطمینان داشته باشد که نایب، ذبح را به جا آورده است و نمی تواند قبل از انجام ذبح مبادرت به اعمال بعدی نماید.



## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۷۷

۹۵۱. اگر نایب بر خلاف دستور شرع، درباره خرید و ذبح قربانی عمل نماید، ضامن است و اعاده ذبح بر منوب‌عنه لازم است و در این جهت فرقی نمی‌کند که از روی علم و عمد صورت گرفته یا جهل و اشتباه.
۹۵۲. اگر نایب در قربانی شک کند که ذبح را برای منوب‌عنه انجام داده یا نه، باید دوباره ذبح را به نیت منوب‌عنه به جا آورد.
۹۵۳. نایب می‌تواند قبل از اینکه حلق یا تقصیر کند، یا قبل از اینکه قربانی خود را ذبح کند، برای دیگری عمل ذبح را انجام دهد.
۹۵۴. اگر حاجی برای رمی جمره عقبه، نایب گرفته و به تصور اینکه از طرف او رمی صورت گرفته، ذبح را انجام دهد و بعد معلوم شود که نایب، رمی را انجام نداده است، ذبح او صحیح است.

### احکام متفرقه قربانی

۹۵۵. قربانی برای حج طفل، به عهده ولیّ او می‌باشد.
۹۵۶. اگر حاجی قبل از ذبح قربانی فوت کند، بر ورثه او واجب است از باقی مانده اموال او قربانی را تهیه و ذبح نمایند.
۹۵۷. ذبح باید با حدید باشد و تشخیص آن با عرف است و اگر کسی یقین کند که استیل حدید است برای او اشکال ندارد.
۹۵۸. در هنگام قطع اوداج اربعه (چهار رگی که در دو طرف گردن حیوان است)، حیوان باید رو به قبله باشد و پس از آن لازم نیست.
۹۵۹. اگر گردن قربانی یا نخاع حیوان در حالی که زنده است قطع شود، فعل حرام صورت گرفته لکن گوشت او حلال و کفایت از قربانی می‌کند.

۹۶۰. اگر کسی می‌تواند برای خرید قربانی، بدون زحمت قرض نماید و قدرت بر ادای قرض داشته باشد، باید قرض کند و یا اگر می‌تواند باید چیزی را که زاید بر مخارج سفر می‌باشد برای تهیه قربانی بفروشد فرق نمی‌کند لباس باشد یا غیر آن.

### روزه به جای قربانی

۹۶۱. کسی که پول قربانی را دارد اما قربانی‌ای برای خریداری پیدا نمی‌کند، باید پول را نزد شخص مطمئن گذاشته تا قربانی را در ماه ذی‌حجه خریده و در منا ذبح کند و در صورت پیدا نشدن در سال بعد با خریدن قربانی آن را در ماه ذی‌حجه ذبح نماید.

۹۶۲. کسی که توانایی ذبح قربانی به‌خاطر نداشتن قربانی یا پول آن، ندارد باید ده روز، روزه بگیرد به شکلی که سه روز آن از هفت روز دیگر جدا و منفصل باشد.

۹۶۳. این سه روز، روزه باید پشت سر هم در ماه ذی‌حجه به‌جا آورده شود.

۹۶۴. روزه گرفتن در ایام تشریق در منا بر مُحرم و غیر مُحرم، حرام است.

۹۶۵. این سه روز روزه را نمی‌تواند قبل از شروع انجام عمره تمتع به‌جا آورد، و از طرف دیگر احرام حج تمتع، شرط صحّت آن نیست، در نتیجه می‌تواند پس از شروع عمره تمتع آن را به‌جا آورد.

۹۶۶. لازم نیست این سه روز روزه در دهه اول ذی‌حجه واقع شود بلکه در تمام ایام ماه جایز است آن را به‌جا آورد به‌جز روز عید قربان و ایام تشریق، حتی اگر بعضی از ایام تشریق را در مکه باشد.

۹۶۷. برای انجام این سه روز روزه، قصد اقامت ده روز لازم نیست، همچنان‌که لازم نیست در مکه به‌جا آورده شود.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۷۹

۹۶۸. بنا بر احتیاط مستحب باید این سه روز روزه، در هفتم و هشتم و نهم ذی حجه به جا آورده شود.

۹۶۹. اگر در روز هفتم به خاطر عذری روزه نگرفت (مثل عدم توجه به اینکه روز سوم مصادف با عید است یا عدم اطلاع از لزوم سه روز روزه گرفتن)، می تواند در مکه بعد از ایام تشریق یک روز دیگر را روزه بگیرد. و اگر بدون عذر روزه نگرفت باید سه روز روزه را پشت سرهم، بعد ایام تشریق در ماه ذی حجه، به جا آورد.

۹۷۰. احتیاط مستحب بر کسی که روز هفتم را روزه نگرفته و روز هشتم و نهم را روزه گرفته، آن است که بعد از مراجعت از منا، سه روز پشت سر هم روزه بگیرد (و روز سیزدهم را روزه نگیرد) و قصدش این گونه باشد که سه روز از پنج روز، برای ادای روزه واجب باشد.

۹۷۱. اگر پس از گرفتن سه روز روزه توانایی ذبح قربانی را پیدا کرد، بنا بر احتیاط واجب باید آن را به جا آورد.

۹۷۲. اگر سه روز روزه در ماه ذی حجه گرفته نشود، باید بعد از ماه به احتیاط واجب سه روز روزه گرفته شده و یک قربانی نیز در سال آینده در منا به نیت آنچه بر عهده می باشد اعم از کفاره یا قربانی، ذبح کند.

۹۷۳. هفت روز روزه بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج، روزه بگیرد و به احتیاط مستحب هفت روز را پشت سر هم به جا آورد.

۹۷۴. هفت روز روزه را باید پس از مراجعت به محل اقامت به جا آورد، و لازم نیست که این هفت روز را پشت سر هم به جا آورد هر چند مطابق احتیاط مستحبی است که پشت سر هم آورده شود.

## ۱۸۰.....مناسک جامع حج

۹۷۵. بنابر اقوی باید بین سه روز روزه و هفت روز فاصله قرار داده شده و پشت سر هم گرفته نشود، اما اگر سه روز روزه را در محل اقامت به جا آورد، بنابر احتیاط واجب فاصله رعایت گردد.

۹۷۶. اگر شخصی بخواهد در مکه بماند، باید بین سه روز و هفت روز به مقداری که به حسب متعارف برای پیمودن مسیر تا رسیدن به محل اقامت زمان لازم است، فاصله رعایت شود، و رعایت این فاصله اگر بیش از یک ماه باشد، لازم نیست. پس می‌تواند در این صورت، پس از یک ماه در مکه، هفت روز روزه را به جا بیاورد.

۹۷۷. ملاک محاسبه مبدأ ماه، بنابر احتیاط واجب پس از ایام تشریق و به جا آوردن سه روز روزه و قصد اقامت در مکه می‌باشد به شکلی که هر کدام دیرتر محقق شد، ملاک محاسبه یک ماه آن امر می‌باشد.

۹۷۸. گرفتن این هفت روز روزه در غیر محل اقامت، منحصر به شهر مکه می‌باشد، پس اگر در مکانی دیگر غیر از مکه قصد ده روز نماید یا به مقداری کوتاه اقامت کند، جایز نیست هفت روز را روزه بگیرد.

۹۷۹. کسی که وظیفه او نسبت به قربانی، تبدیل به گرفتن روزه شده است، رعایت ترتیب لازم نیست و باید پس از رمی جمره عقبه در روز عید، حلق یا تقصیر را به جا آورد و همچنین می‌تواند طواف و سعی را نیز به جا آورد.

۹۸۰. اگر در بین روزهایی که باید پی‌درپی روزه بگیرد عذری مثل حیض، نفاس یا بیماری پیش آید، بعد از برطرف شدن عذر، لازم نیست روزه‌ها را از سر بگیرد، بلکه باید بقیه را بعد از عذر بگیرد ولی اگر بدون عذر توالی را به هم زده است، باید از سر بگیرد.

### ششمین فعل واجب از حج تمتع: تقصیر یا حلق

۹۸۱. تقصیر یا حلق باید برای خداوند متعال به قصد قربت بدون ریا به جا آورده شود.

۹۸۲. زن‌ها باید تقصیر کنند یعنی مقداری از مو یا ناخن خود را بگیرند و جایز نیست که سر خود را بتراشند و در صورت تراشیدن، کفایت از تقصیر نمی‌کند.

۹۸۳. مردها مخیر هستند که حلق کنند - یعنی سر خود را بتراشند - و یا تقصیر نمایند ولی سه گروه از مردها به احتیاط واجب باید حلق کنند:

۱. مردهایی که برای اولین بار حج را به جا می‌آورند.

۲. مردهایی که موی سر خود را با غسل یا صمغ و غیر آن - برای رفع شپش، قمل و همانند آن - چسبانیده باشند.

۳. مردهایی که موی سر خود را جمع کرده و گره زده و بافته باشند.

۹۸۴. خنثای مشکلی که حج اول خود را به جا می‌آورد، و یا موی خود را چسبانیده و یا بافته، به احتیاط واجب باید ابتدا تقصیر و سپس تمام موی سر خود را حلق کند و در غیر سه صورت مذکور، باید تقصیر نموده و تراشیدن سر علاوه بر اینکه کافی نیست، جایز هم نمی‌باشد.

۹۸۵. تقصیر گرفتن مقداری از موی سر یا ریش یا شارب و یا ناخن است و بهتر این است که مقداری از مو و ناخن با هم گرفته شود.

۹۸۶. کسی که سر را می‌تراشد، باید تمامی آن را بتراشد.

۹۸۷. مردهایی که سر آنها مو نداشته باشد، اگر اولین بار است که حج را به جا می‌آورند باید تقصیر نموده و به احتیاط واجب تیغ را نیز بر سر بکشند و اگر سال اول آنها نمی‌باشد تقصیر بر آنها متعین است و کشیدن تیغ بر سر احتیاط مستحبی می‌باشد.

۹۸۸. تراشیدن ریش از تقصیر کفایت نمی‌کند.

۹۸۹. موی زیر بغل یا عانه و بقیه بدن غیر از سر، ریش و شارب برای تقصیر کفایت نمی‌کند.

۹۹۰. کسانی که وظیفه آنها تراشیدن سر می‌باشد، بنابر احتیاط جایز نیست اول موی سر را با ماشین کوتاه و بعد از آن بتراشند و در صورت علم و عمد کفاره بر آنها لازم است.

۹۹۱. کسی که وظیفه او تراشیدن سر است و به خاطر جراحت توانایی تراشیدن تمام سر را ندارد اگر تا آخر ایام تشریق امید به خوب شدن دارد، باید تراشیدن را به تأخیر اندازد و اگر امیدی به خوب شدن ندارد یا پس از صبر جراحت برطرف نشد هر مقدار از سر را که می‌تواند بتراشد و تقصیر نیز بنماید.

۹۹۲. کسی که می‌داند با تراشیدن، سرش خونی می‌شود در صورتی که پس از فحص، حلق ماهری پیدا نکرد که سر او را خونی نکند بر او لازم است تقصیر نماید و بعد در ماه ذی‌حجه هر وقت متمکن شد، حلق نموده هر چند به مکه آمده باشد و مو را به منا بفرستد.

۹۹۳. زدن موی سر با ماشین اصلاحی که از ته مو را کوتاه می‌کند صحیح نیست.

۹۹۴. کسی که وظیفه او تراشیدن سر است و لکن از آن معذور است، تقصیر کفایت می‌کند.

## زمان حلق یا تقصیر

۹۹۵. زمان حلق یا تقصیر، روز دهم ذی‌حجه - عید قربان - می‌باشد.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۸۳

۹۹۶. بنا بر احتیاط، تأخیر عمدی حلق یا تقصیر از روز عید، جایز نیست؛ مگر کسی که معذور از انجام آن، در روز عید باشد.

۹۹۷. حلق یا تقصیر در شب، احتیاطاً جایز نیست و در غروب عرفی که هنوز مغرب نشده، اشکال ندارد.

۹۹۸. کسی که معذور است و نمی‌تواند در روز حلق یا تقصیر کند، می‌تواند در شب انجام دهد پس زنی که در شب دهم ذی‌حجه، رمی جمره عقبه نموده است، اگر به‌خاطر ترس از حیض بخواهد همان شب اعمال مکه را انجام دهد می‌تواند در شب تقصیر کرده و به مکه رفته اعمال مکه را به‌جا آورده و در روز عید، قربانی را خود یا نایبش ذبح کند.

۹۹۹. ترتیب بین رمی جمره عقبه، قربانی، حلق یا تقصیر برای شخصی که عذری ندارد، واجب است؛ پس اگر مکلف به‌خاطر عذری توانایی رمی جمره عقبه در روز عید یا قربانی را در روز عید یا در منا نداشته باشد، باید حلق یا تقصیر را در منا در روز عید به‌جا آورد و مراعات ترتیب لازم نیست.

### مکان حلق یا تقصیر

۱۰۰۰. محل تراشیدن سر یا تقصیر، منا می‌باشد و اگر کسی در منا وظیفه خود را انجام نداد، باید به منا مراجعت کرده و در آنجا وظیفه خود را به‌جا آورد و فرقی بین عامد یا فراموش‌کار، غافل و جاهل به مسئله نمی‌باشد.

۱۰۰۱. اگر مراجعت به منا برای حلق یا تقصیر ممکن نباشد، مکلف باید هر جا که هست، سر خود را تراشیده یا تقصیر کند و مو یا ناخن‌های خود را به منا بفرستد که در آنجا دفن یا انداخته شود.

۱۸۴.....مناسک جامع حج

۱۰۰۲. کسی که به خاطر ندانستن مسئله یا غفلت، در خارج از منا حلق یا تقصیر نموده و سپس اعمال مکه، طواف، سعی، طواف نساء، را به جا آورده، اعمالی را که به جا آورده کفایت می‌کند، هر چند احتیاط مستحب آن است که در صورت تمکن به منا برگردد و با تکرار حلق یا تقصیر، اعمال مکه را اعاده نماید.

### احکام متفرقه حلق یا تقصیر

۱۰۰۳. کسی که حلق یا تقصیر را از روی جهل یا غفلت ترک نموده، و اعمال مکه را به جا آورده است باید حلق یا تقصیر کرده و اعمال مکه را دومرتبه به جا آورد و اگر نمی‌تواند به مکه و منا برود در محل خودش حلق یا تقصیر نموده و موی خود را بنا بر احتیاط، به منا بفرستد و برای اعمال مکه نایب بگیرد.

۱۰۰۴. اگر از روی علم و عمد، طواف بر حلق یا تقصیر مقدم گردد، علاوه بر اعاده آن، یک گوسفند به عنوان کفاره بر عهده می‌آید، ولی اگر فقط سعی مقدم گردد کفاره‌ای ندارد اما پس از حلق یا تقصیر باید طواف، نماز و سعی، اعاده گردد. ۱۰۰۵. در صورتی که حلق یا تقصیر بر قربانی مقدم شود، مُحرم از احرام خارج می‌شود ولی باید اعمال مکه پس از انجام قربانی صورت گیرد.

۱۰۰۶. اگر کسی که از احرام خارج نشده است، سر مُحرمی را بتراشد یا تقصیر موی او را انجام دهد، با توجه به حرمت ازاله مو بر مُحرم، خروج آن مُحرم که سرش تراشیده شده است، از احرام مشکل است.

۱۰۰۷. اگر حاجی بعد از حلق یا تقصیر شک در صحت آن نماید، عمل او

صحیح است.



## فصل اول / واجبات و محرمات حج ..... ۱۸۵

۱۰۰۸. در مواردی که حلق به صورت صحیح واقع نشده است برای اعاده آن تیغ بر روی سر کشیده می‌شود.

۱۰۰۹. اگر حاجی بعد از غروب آفتاب عید قربان، یا هنگام انجام اعمال بعد از حلق یا تقصیر (مثل طواف و سعی) در انجام دادن آنها شک نماید، نباید به شک خود اعتنا کند.

۱۰۱۰. با حلق یا تقصیر تمامی افعالی که با احرام، حرام شده بود، حلال می‌گردد مگر استعمال بوی خوش و زن و شکار کردن.

۱۰۱۱. کسی که طواف و سعی را بر وقوف به عرفات و مشعر مقدم داشته، بعد از حلق و تقصیر بوی خوش نیز بر او حلال می‌گردد.

### هفتم، هشتم و نهمین، افعال واجب حج: طواف، نماز طواف، سعی

۱۰۱۲. پس از رمی جمره عقبه، قربانی و حلق یا تقصیر، بر حاجی واجب است که در مکه طواف حج (زیارت)، نماز طواف و سعی را به‌جا آورد.

۱۰۱۳. واجب نیست که پس از اعمال منا در روز عید قربان، فوری به مکه آمده و طواف و سعی را به‌جا آورد، اگرچه مستحب است در روز عید به‌جا آورده شود و احتیاط مستحب آن است که از روز یازدهم به تأخیر نیندازد، اما جواز تأخیر انجام آنها تا آخر ذی‌حجه، بعید نیست.

۱۰۱۴. اگر طواف حج یا سعی و یا بعضی از دورهای آنها را از روی عمد و اختیار ترک کند یا صحیح به‌جا نیاورد چه عالم به مسئله باشد یا جاهل و شاک، اگر نتواند آنها را تا آخر ذی‌حجه، به‌طور صحیح به‌جا آورد، حج او باطل است و باید حج خود را در سال بعد قضا نماید و واجب است برای خروج از احرام، آنها

## ۱۸۶.....مناسک جامع حج

را به صورت صحیح حتی در خارج وقت اعاده نماید و اگر نمی‌تواند، باید برای انجام وظیفه، نایب بگیرد؛ و بنا بر احتیاط، از آمیزش و استمتاع از زن، قبل از انجام اعمال توسط خود یا نایب اجتناب نماید.

۱۰۱۵. اگر طواف حج یا سعی و یا بعضی از دورهای آنها را از روی غفلت ترک کند یا صحیح به‌جا نیاورد، باید تا آخر ماه ذی‌حجه، آنها را به صورت صحیح به‌جا آورد و در صورتی که این امر مربوط به طواف باشد، بنا بر احتیاط واجب پس از طواف، سعی را نیز اعاده کند و اگر پس از مراجعت، نمی‌تواند یا انجام آنها مشقت زیاد دارد، باید نایب گرفته تا برای او - حتی بعد از ماه ذی‌حجه - به‌جا آورد.

۱۰۱۶. اگر کسی طواف عمره یا حج را از روی جهل به مسئله به‌جا نیاورد و به محل خود برگردد، باید یک شتر قربانی نماید.

۱۰۱۷. (طواف، نماز آن، سعی، طواف نساء و نماز آن) باید بعد از اعمال منا به‌جا آورده شود و اگر از روی علم و اختیار، طواف را بر حلق یا تقصیر مقدم گردد، علاوه بر اعاده آن، باید یک گوسفند قربانی کند، ولی اگر فقط سعی مقدم گردد، اعاده آن کافی است و کفاره‌ای به عهده نمی‌آید.

۱۰۱۸. بعد از طواف حج (زیارت) و نماز آن و سعی بین صفا و مروه، در صورتی که بعد از اعمال منا به‌جا آورده شوند، استعمال طیب و استفاده از بوی خوش حلال می‌شود.

۱۰۱۹. کیفیت طواف حج و نماز و سعی بین صفا و مروه و احکام و شرایط آن همانند طواف، نماز و سعی عمره تمتع می‌باشد.

## دهم و یازدهمین افعال واجب حج: طواف نساء و نماز آن

۱۰۲۰. طواف نساء و نماز آن بر همه کسانی که حج یا عمره مفرده به جا می‌آورند، واجب است و فرقی بین زن، مرد، خنثی و بین کسی که قدرت و تمایل جنسی دارد و کسی که چنین نیست، نمی‌کند و حتی بر خصی لازم است؛ همچنین بر ولی طفل لازم است او را طواف دهد و گرنه بعد از بلوغ، ازدواج بر او حرام خواهد بود.

۱۰۲۱. کیفیت طواف نساء و نماز آن همانند طواف عمره تمتع و نماز آن می‌باشد، فقط باید نیت طواف نساء نماید و پس از سعی به جا آورده شود.

۱۰۲۲. طواف نساء و نماز آن، اگرچه واجب است، لکن ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌شود و کسی که آن را ترک نموده، واجب است آن را به جا آورد و هر آنچه در مورد جنس مخالف، چه استمتاعات چه عقد و چه تحمّل و ادای شهادت بر عقد با احرام، حرام گردیده بود، با طواف نساء و نماز آن حلال می‌گردد.

۱۰۲۳. طواف نساء و نماز آن باید بعد از سعی آورده شود و اگر از روی سهو یا به خاطر ندانستن مسئله، طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد، طواف و سعیش صحیح است و مستحب است احتیاطاً طواف نساء و نمازش را پس از سعی اعاده کند و اگر نمی‌تواند نایب بگیرد.

۱۰۲۴. در صورتی که زن از ابتلا به حیض، خوف دارد و نمی‌تواند تا پاک شدن در مکه بماند، جایز است طواف نساء را قبل از سعی به جا آورد و در صورت کشف خلاف، باید طواف نساء و نماز آن را پس از سعی اعاده نماید.

۱۰۲۵. اگر طواف نساء را از روی عمد یا از روی سهو ترک نمود، پس از

## ۱۸۸.....مناسک جامع حج

مراجعت اگر می‌تواند باید برگردد و آن را به‌جا آورد و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد باید نایب بگیرد و پس از به‌جا آوردن آن، هر آنچه در مورد جنس مخالف بر او حرام شده بود، حلال می‌گردد.

۱۰۲۶. تأخیر طواف نساء از ماه ذی‌حجه جایز است و لازم نیست در ماه ذی‌حجه به‌جا آورده شود.

۱۰۲۷. تأخیر طواف نساء از سعی اشکال ندارد و لازم نیست بدون فاصله به‌جا آورده شود ولی نماز طواف نساء باید بعد از طواف، بدون فوت موالات به‌جا آورده شود.

۱۰۲۸. جایز است بدون انجام طواف نساء در حج یا عمره مفرده، برای عمره یا حج دیگر مُحرَم شد.

۱۰۲۹. کسی که چندین عمره مفرده یا حج به‌جا آورده است و طواف نساء آنها را ترک کرده باشد، باید برای هر احرام، طواف نساء مستقل به‌جا آورد و انجام یک طواف به نیت همه، صحیح نیست.

۱۰۳۰. در عمره مفرده باید طواف نساء پس از تقصیر به‌جا آورده شود و در صورت تقدیم آن بر تقصیر، باید پس از آن اعاده شود و فرقی بین جاهل و غافل نیست.

۱۰۳۱. کسی که پس از مراجعت از مکه شک کند طواف نساء را به‌جا آورده است یا خیر، اگر التفات و توجه به وجوب آن داشته است، انجام آن واجب نمی‌باشد، اگرچه احتیاط نیکوست.

۱۰۳۲. اگر کسی از روی جهل، قبل از انجام طواف نساء ازدواج کند، حتی اگر آمیزش صورت گرفته باشد، موجب حرمت ابدی نمی‌شود و فقط عقد او باطل است و می‌تواند عقد را تجدید نماید.

۱۰۳۳. در صورت ترک طواف نساء و نمازش و عدم جبران تا زمان مرگ، بر ولی لازم است آن را قضا نماید.

۱۰۳۴. کسی که حج یا عمره مفرده را به صورت نیابت به جا می آورد، باید طواف نساء را به نیت منوب عنه به جا آورد، و اگر آن را از طرف خود به جا آورد، طواف او صحیح نیست و از احرام خارج نشده است و ذمه او نیز نسبت به منوب عنه فارغ نشده است.

### تقدیم اعمال مکه (طواف، سعی، طواف نساء) بر وقوف به عرفات

۱۰۳۵. بر کسی که حج تمتع به جا می آورد جایز نیست قبل از وقوف به عرفات، در حالت اختیار طواف و سعی خود را مقدم دارد.

۱۰۳۶. کسی که حج افراد و قران به جا می آورد، می تواند در حالت اختیار، طواف و سعی را بر وقوف به عرفات مقدم کند.

۱۰۳۷. بر سه گروه از کسانی که حج تمتع به جا می آورند واجب است پس از احرام، طواف و سعی و طواف نساء را بر وقوف عرفات مقدم دارند:

۱. زنی که ترس از این دارد که مبتلا به حیض و نفاس گردد و نتواند تا زمان طهارت در مکه بماند.

۲. پیرمردها و پیرزنها و اشخاص بیمار که در هنگام مراجعت از منا، به خاطر زیادی جمعیت، عاجز از طواف باشند.

۳. کسانی که اطمینان دارند بعد از برگشتن از منا به خاطر مراجعت کاروان و عدم فرصت کافی، توانایی انجام اعمال مکه را ندارند.

## ۱۹۰.....مناسک جامع حج

۱۰۳۸. در صورتی که پس از اعمال منا، سه گروه مذکور، متوجه شدند که توانایی انجام اعمال مکه را دارند، بنابر احتیاط واجب باید تمامی اعمال را اعاده کنند.
۱۰۳۹. در مواردی که لازم است اعمال مکه قبل از وقوف به عرفات به جا آورده شود، باید انجام آنها پس از مُحرم شدن به احرام حج تمتّع صورت گیرد.
۱۰۴۰. کسانی که بر آنها واجب است طواف را بر وقوف عرفات مقدم دارند، بنابر احتیاط واجب، باید سعی را نیز بعد از طواف و نماز آن به جا بیاورند. حتی اگر بدانند، در انجام سعی پس از مراجعت از منا با خطری مواجه نمی‌شوند؛ اگرچه مستحب است احتیاطاً پس از مراجعت، آن را اعاده کنند.
۱۰۴۱. اگر کسی تنها ترس داشته باشد که به خاطر ازدحام، نتواند بعد از اعمال منا طواف کند یا به مشقّت افتد، نمی‌تواند اعمال مکه را مقدم کند.
۱۰۴۲. کسانی که می‌توانند اعمال حج را بر وقوف به عرفات مقدم کنند، لازم نیست نزدیک‌ترین زمان ممکن به وقوف عرفات را، برای احرام حج انتخاب نموده و اعمال مکه را مقدم کنند.
۱۰۴۳. کسانی که اعمال مکه را بر وقوف به عرفات مقدم داشته‌اند، بوی خوش و همسر بر آنها حلال نمی‌شود بلکه بعد از انجام اعمال منا (رمی، ذبح، حلق یا تقصیر) از احرام خارج می‌گردند.

### **دوازدهمین فعل واجب از اعمال حج تمتّع: بیتوته در منا**

۱۰۴۴. بر حاجی لازم است که شب یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه در منا با قصد قربت بماند که به آن بیتوته می‌گویند و در برخی موارد شب سیزدهم نیز واجب می‌باشد.

## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۹۱

۱۰۴۵. ترک بیتوته در منا اگرچه معصیت می‌باشد و کفاره دارد، لکن ضرری به حج نمی‌رساند.
۱۰۴۶. مقدار واجب از بیتوته، از غروب تا نیمه شب می‌باشد و خروج از منا، پس از نیمه شب، جایز است. اگرچه بهتر آن است که تمام شب را، تا طلوع فجر در منا بماند و احتیاط مستحب آن است که قبل از طلوع فجر داخل مکه نشود.
۱۰۴۷. نیمه شب، از غروب آفتاب تا طلوع فجر محاسبه می‌شود.
۱۰۴۸. اگر بیتوته نموده و لکن قصد قربت ننماید و شب را در منا بماند، اگرچه معصیت کرده است ولی کفاره‌ای به او تعلق نمی‌گیرد.
۱۰۴۹. اگر کسی بیتوته را در جایی که تصور می‌کرد جزء منا است، به‌جا آورد و برای او معلوم شد که اشتباه کرده است، باید کفاره ترک بیتوته را بپردازد.
۱۰۵۰. بیتوته در مکانی که جزء منا بودن آن مشکوک است، کافی نیست و باید به شکلی جزء منا بودن آن احراز گردد، و اکتفا به گفته کسانی که خبره می‌باشند نیز جایز است.
۱۰۵۱. کسی که بدون عذر در نیمه اول شب یا قسمتی از آن، در منا نبوده است، واجب است به منا برگردد و قبل از نیمه شب تا طلوع فجر در آنجا بماند و بنابر احتیاط واجب باید کفاره نیز پرداخت کند ولی در صورتی که در ترک آن معذور بوده است، اگر نیمه دوم شب را درک کند، کفایت می‌کند و پرداخت کفاره لازم نیست.
۱۰۵۲. کسی که از روی علم و عمد، بیتوته در منا را که بر او واجب بوده است، ترک کند، باید برای هر شب یک گوسفند قربانی کند و اگر از روی غفلت و فراموشی و یا ندانستن مسئله بیتوته را ترک کرد، به احتیاط واجب قربانی کردن یک گوسفند لازم است.

۱۹۲.....مناسک جامع حج

۱۰۵۳. بر چند گروه واجب است علاوه بر شب‌های یازدهم و دوازدهم، شب سیزدهم را نیز در منا بیتوته کنند و روز سیزدهم، رمی جمرات را انجام دهند:
۱. کسی که در حال احرام شکار کرده باشد و فرقی بین عالم و غافل نیست.
  ۲. کسی که در حال احرام از آمیزش با زن پرهیز نکرده باشد و فرقی بین عالم، جاهل و غافل نیست.
  ۳. کسی که در روز دوازدهم از منا کوچ نکند و غروب شب سیزدهم در منا باشد.
۱۰۵۴. استمتاع غیر از آمیزش از جنس مخالف مثل بوسیدن، لمس کردن و... سبب وجوب بیتوته در شب سیزدهم نمی‌شود.
۱۰۵۵. شکار کردن و آمیزش با زن، چه در احرام عمره تمتع و چه احرام حج واقع شود، سبب وجوب بیتوته در شب سیزدهم می‌باشد.
۱۰۵۶. اگر قبل از غروب آفتاب روز دوازدهم، از منا خارج گردد و بعد از مغرب به منا برگردد، بیتوته شب سیزدهم بر او واجب نمی‌باشد، ولی اگر قبل از غروب خارج شود و دومرتبه قبل از غروب به منا برگردد و هنگام غروب در منا باشد، باید شب سیزدهم را در منا بماند.
۱۰۵۷. بهتر، بلکه مطابق احتیاط مستحبی است، کسی که برای اولین بار حج را به جا می‌آورد (صرورة) و همچنین کسی که بعضی از محرّمات احرام را مرتکب گردیده یا گناه کبیره‌ای در مدّتی که در احرام بوده انجام داده است، بلکه بر هر حاجی، شب سیزدهم را در منا بیتوته نماید.
۱۰۵۸. بر چند گروه واجب نیست در شب‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم در منا بمانند:
۱. بیماران و پرستاران آنها و کسی که ماندن در منا برای او مشقّت شدید داشته باشد.



## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۱۹۲

۲. افرادی که ترس از این دارند که ماندن در منا موجب از بین رفتن مال مورد توجه، از آنها شود.

۳. شبانهایی که لازم است در شب حیوانات آنها به چرا روند.

۴. کسانی که مسئولیت آب دادن به حجاج در مکه را دارند.

۵. کسانی که در مکه شب را تا طلوع فجر مشغول به عبادت باشند و به غیر از عبادت مشغول کار دیگر نباشند.

۱۰۵۹. بر چهار گروه اول که جایز است که تمام شب را در منا نباشند، به احتیاط واجب باید برای هر شب، یک گوسفند قربانی کنند.

۱۰۶۰. بر گروه پنجم که در تمامی شب در مکه مشغول عبادت بودند، کفّاره واجب نیست.

۱۰۶۱. بر کسانی که تمام شب در مکه مشغول عبادت می‌باشند، لازم نیست در مسجدالحرام باشند بلکه در هر جای از شهر مکه - مناطق جدید و قدیم آن باشند - کافی است.

۱۰۶۲. کسی که برای انجام اعمال مکه (طواف، سعی، طواف نساء) به مکه رفته و نتوانسته خود را همزمان با غروب آفتاب به منا برساند - حتی اگر بعد از نیمه شب به منا رسیده باشد - کفّاره بر عهده او نمی‌آید.

### سیزدهمین فعل واجب در حج تمتع: رمی جمرات سه گانه

۱۰۶۳. در روز یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه بر همه حجاج لازم است، جمرات اولی، وسطی و عقبه را با قصد قربت رمی نمایند.

۱۰۶۴. بر گروهی که واجب است شب سیزدهم را در منا بیتوته کنند، در صورتی که بیتوته آنها محقق شود، واجب است در روز سیزدهم نیز، سه جمره را رمی کنند و اگر به هر جهتی بیتوته را ترک کنند، رمی روز سیزدهم بر آنها واجب نیست.
۱۰۶۵. احکام رمی و چگونگی آن و خصوصیات سنگ، همانند رمی در بحث جمره عقبه و در روز دهم ذی حجه می باشد.
۱۰۶۶. ترک رمی جمرات - حتی اگر از روی علم و اختیار باشد - ضرری به حج نمی رساند اگرچه تارک آن، مرتکب معصیت شده است.
۱۰۶۷. بر کسی که رمی را به جا نیاورده و یا به طور صحیح به جا نیاورده واجب است، تا آخر ایام تشریق آن را قضا کند. حتی اگر به مکه یا خارج آن رفته است، باید به منا برگردد و آن را به جا آورد و اگر نمی تواند، نایب بگیرد و در صورت به جا نیاوردن، در سال بعد خود یا نایبش در ایام تشریق قضا کند.
۱۰۶۸. رعایت ترتیب در رمی سه جمره لازم است به این شکل که اول جمره اولی که نزدیک ترین جمره به منا است، سپس جمره وسطی که بعد از آن می باشد و در آخر جمره عقبه است.
۱۰۶۹. اگر به هر جهتی ترتیب در رمی جمرات رعایت نگردد، باید رمی به صورتی اعاده شود که ترتیب حاصل گردد، مثلاً اگر اول جمره وسطی، رمی شود و سپس جمره اولی رمی گردد، در حالی که ترتیب با اعاده رمی جمره وسطی حاصل می گردد و با رمی جمره عقبه عمل تکمیل می گردد.
۱۰۷۰. اگر به هر یک از جمرات، یا بعضی از آنها چهار سنگ یا بیشتر زده شود، اگر به جهت فراموشی و جهل به مسئله این عمل صورت گرفته باشد، فقط

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۹۵

مقدار ناقص هر جمره تا هفت سنگ به ترتیب، تکمیل می‌گردد و اعاده جمره بعدی که کامل زده شده است، لازم نیست. مثلاً اگر جمره اولی و وسطی چهار سنگ زده شوند ولی جمره عقبه کامل رمی شده باشد، به ترتیب جمره اولی و وسطی تکمیل می‌شوند و رمی جمره عقبه اعاده نمی‌شود و صحیح است. این حکم مخصوص صورت فراموشی است ولی اگر عامدانه، رمی را ناقص انجام داده باشد یا از روی جهل به مسئله مرتکب نقصان شده باشد، باید رمی جمرات تا حصول ترتیب، با زدن هفت سنگ به‌طور کامل، اعاده گردد.

۱۰۷۱. اگر سه سنگ یا کمتر به جمره زده شده باشد، حکم صورتی را دارد که هیچ سنگی به جمره زده نشده است و باید هفت سنگ به جمره با رعایت ترتیب، زده شود.

۱۰۷۲. در مواردی که نقصان رمی جمره باید تکمیل گردد، اگر در روز بعد متوجه نقصان شد، به احتیاط واجب ابتدا رمی روز قبل با تکمیل، تصحیح می‌گردد و سپس رمی روز بعد به‌جا آورده می‌شود.

۱۰۷۳. اگر رمی روزی که ترک شده از روی عمد باشد یا غفلت و نسیان، باید روز بعد قضا شود و اگر دو روز ترک شود، در روز بعد هر دو روز قضا گردد.

۱۰۷۴. واجب است آنچه قضا شده است، مقدم بر ادا انجام شود. پس اگر رمی جمره عقبه در روز عید ترک شده است، در روز یازدهم در ابتدا رمی جمره عقبه به‌عنوان قضا به‌جا آورده می‌شود، سپس جمرات سه‌گانه به ترتیب رمی می‌گردند و اگر روز یازدهم نیز ترک شده باشد، اول رمی جمره عقبه به‌عنوان روز عید، سپس رمی جمره اولی و وسطی و عقبه برای روز یازدهم و سپس برای روز دوازدهم سه جمره به ترتیب رمی می‌شوند.

## ۱۹۶.....مناسک جامع حج

۱۰۷۵. اگر رمی یکی از جمرات ترک شود، باید روز بعد ابتدا آن جمره‌ای که ترک شده است رمی گردد و در صورت حصول ترتیب نسبت به رمی جمرات سه‌گانه در روز قبل، رمی روز بعد را انجام دهد، مثلاً اگر جمره عقبه روز یازدهم ترک شده باشد، روز بعد، در ابتدا به‌عنوان قضا رمی جمره عقبه صورت می‌گیرد، سپس رمی روز دوازدهم صورت می‌پذیرد ولی اگر رمی جمره اولی از روز یازدهم ترک شده باشد، علاوه بر قضای آن، باید برای حصول ترتیب، جمره وسطی و عقبه را نیز برای روز یازدهم قضا نماید.

۱۰۷۶. در صورتی که رمی روزهای قبل را قضا می‌کند، باید بین آنها و رمی همان روز، به مقدار یک ساعت فاصله قرار داده شود.

۱۰۷۷. مستحب است قضای رمی جمره روز قبل را پس از طلوع آفتاب انجام داده و رمی جمره همان روز را به هنگام وقت نماز ظهر به‌جا آورد.

## زمان رمی

۱۰۷۸. زمان رمی جمرات، از طلوع خورشید تا غروب می‌باشد ولی کسی که معذور است می‌تواند شب رمی نماید، مانند بیمار، چوپان، کسی که بر نفس خود خائف است و مانند اینها.

۱۰۷۹. بر کسانی که جایز است شب رمی نمایند، فرقی بین شب قبل یا شب بعد نمی‌باشد.

۱۰۸۰. معذور می‌تواند در یک شب رمی تمامی روزها را - با رعایت ترتیب - به‌جا آورد، مشروط به اینکه یقین به بقای عذر در روزهای بعد داشته باشد.

۱۰۸۱. معذوری که توانایی رمی در شب را دارد، نمی‌تواند نایب بگیرد ولی

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۱۹۷

اگر از رمی در شب نیز معذور شود، باید نایب بگیرد و بر نایب لازم است رمی را در روز انجام دهد.

۱۰۸۲. نایب برای رمی باید از منوب‌عنه اذن بگیرد، و بدون اذن نیابت محقق نمی‌شود مگر اینکه بیهوش باشد، که رمی از طرف او بدون اذن نیز صحیح است.  
۱۰۸۳. معذور در صورتی می‌تواند نایب بگیرد که از برطرف شدن عذرش ناامید باشد و اگر مأیوس نباشد و کسی به‌عنوان نیابت از طرف وی رمی را به‌جا آورد، در صورت رفع عذر از منوب‌عنه به احتیاط واجب باید خودش رمی را به‌جا آورد.

۱۰۸۴. خارج کردن سنگریزه‌ها از حرم جایز نیست.

۱۰۸۵. خانم‌ها در حالت اختیار می‌توانند فقط رمی جمره عقبه از اعمال عید قربان را، شب عید انجام دهند ولی نسبت به رمی روز یازدهم، دوازدهم و سیزدهم همانند بقیه حج‌گزاران می‌باشند و اگر در روز معذور باشند، حکم بقیه معذورین را دارند.

۱۰۸۶. اگر بیمار، نسبت به اینکه در وقت رمی، بتواند سنگ بزند، ناامید است، در صورتی که می‌تواند باید با کمک دیگری رمی را انجام دهد، به این صورت که سنگ را در دست بگیرد و دیگری در پرتاب سنگ کمکش کند و گرنه باید برای رمی نایب بگیرد.

### احکام متفرقه رمی

۱۰۸۷. اگر حاجی یکی از جمرات را رمی نکرده و نمی‌داند کدام جمره می‌باشد، باید هر سه جمره را با رعایت ترتیب رمی کند.

## ۱۹۸.....مناسک جامع حج

۱۰۸۸. اگر حاجی می‌داند چهار سنگ یا بیشتر، به یک جمره، زده است ولی نمی‌داند کدام جمره می‌باشد، باید به هر سه جمره به ترتیب، هفت سنگریزه بزند.
۱۰۸۹. اگر حاجی می‌داند سه سنگ یا کمتر، به یک جمره زده است، ولی نمی‌داند کدام جمره است هر سه جمره را بدون لزوم ترتیب، به مقدار ناقص رمی می‌نماید.
۱۰۹۰. اگر می‌داند که سه سنگ زده و چهار سنگ باقی مانده است، ولی نمی‌داند که نسبت به یکی از جمرات بوده و یا بیشتر، باید دوباره هر سه جمره را به ترتیب رمی کند.
۱۰۹۱. اگر بعد از گذشتن روزهای یازدهم و دوازدهم، یقین کند که یک روز را رمی نکرده و نداند کدام روز است، باید در روز سیزدهم، هر سه جمره را به ترتیب به قصد ما فی الذمه قضا کند و اگر پس از ایام تشریق باشد، باید سال بعد خود و یا نایبش یک روز را با رعایت ترتیب به قصد ما فی الذمه قضا کند.
۱۰۹۲. اگر وقتی که مشغول رمی جمره عقبه است شک کند که اولی یا دومی را یا هر دو را رمی کرده یا شک کند رمی را صحیح انجام داده یا نه نباید به شک اعتنا کند.
۱۰۹۳. اگر قبل از اینکه مشغول رمی جمره بعدی شود، شک کند که جمره قبلی را هفت سنگ زده یا کمتر، باید تعداد احتمالی ناقص را بزند تا یقین به زدن هفت سنگ پیدا کند.
۱۰۹۴. کسی که در عید قربان، قربانی یا حلق و تقصیر را انجام نداده است می‌تواند در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات را به‌جا آورد.
۱۰۹۵. کسی که اعمال روز دهم (ذبح، حلق یا تقصیر) را انجام نداده است، می‌تواند رمی روز یازدهم را به‌جا آورد.

## کوچ از منا

۱۰۹۶. گروهی که می‌توانند روز دوازدهم از منا کوچ کنند، باید بعد از ظهر شرعی کوچ کنند و قبل از آن جایز نیست؛ ولی کسانی که روز سیزدهم کوچ می‌کنند بعد از طلوع خورشید و رمی جمرات، می‌توانند کوچ نمایند و لازم نیست تا وقت اذان ظهر در منا بمانند.

۱۰۹۷. زنها در زمان کوچ از منا، همانند مردها می‌باشند.

۱۰۹۸. اگر حاجی صبح دوازدهم به خارج منا رفته باشد، باید قبل از ظهر به منا برگردد تا کوچ (نَفَر) بعد از ظهر محقق گردد.

۱۰۹۹. کسی که کوچ بعد از ظهر روز دوازدهم را ترک کرده و قبل از ظهر، منا را ترک کرده باشد، معصیت مرتکب شده است که در صورت جهل و نسیان گناهی بر او نیست.

## احکام مصدود و محصور

### مصدود

۱۱۰۰. به شخصی که پس از احرام حج یا عمره، به‌خاطر جلوگیری و ممانعت کارگزار، دولت، دشمن، طلبکار و امثال اینها نتواند اعمال خود را به‌جا آورد، مصدود گویند.

۱۱۰۱. اگر ممانعت از انجام اعمال عمره یا حج بعد از احرام، در هر جا صورت گیرد، در خارج از مکه باشد، یا داخل مکه، احکام مصدود جاری می‌شود.

۱۱۰۲. اگر مکلف پس از احرام، از راه مشخصی برای ورود به مکه منع شود،

## ۲۰۰.....مناسک جامع حج

ولی راهی دیگری برای ورود به مکه بر او باز باشد، باید آن راه را انتخاب کند و اگر با انتخاب آن راه نتواند اعمال عمره را به جا آورد، باید حج افراد و پس از آن عمره مفرده به جا آورد و اگر نتواند حج را نیز به جا آورد، باید با عمره مفرده از احرام خارج گردد و احکام مصادود بر او بار نمی‌شود.

۱۱۰۳. اگر پس از احرام، برای ورود به مکه، پولی از او مطالبه شود، اگر مشقت شدیدی ندارد، باید آن را بپردازد و در غیر این صورت، حکم مصادود بر او بار می‌شود.  
۱۱۰۴. اگر کسی به خاطر بدهکاری، زندانی شود، اگر قادر به پرداخت آن می‌باشد، باید بدهی خود را بپردازد و احکام مصادود بر او بار نمی‌شود و در صورت عدم توانایی پرداخت بدهی، مصادود می‌باشد.

مصادود چند صورت دارد:

۱. گاهی فقط از انجام طواف یا سعی در عمره تمتع تا آخر وقت منع می‌شود.
۲. گاهی فقط از وقوف به عرفات و مشعر منع می‌گردد.
۳. گاهی از اعمال مکه در حج (طواف، سعی یا طواف نساء) تا آخر ذی‌حجه منع می‌گردد.

مصادود در این سه مورد می‌تواند یا با ذبح قربانی و به احتیاط واجب همراه با حلق کردن، از احرام خارج گردد و یا اینکه به احرام باقی مانده و با انجام اعمال عمره مفرده، از احرام خارج گردد.

۴. گاهی فقط از اعمال منا در روز عید منع می‌شود که در این صورت باید شخصی را برای انجام رمی جمره عقبه و ذبح، نایب گرفته و در آخر، خودش حلق یا تقصیر را به جا آورده و بقیه اعمال بعد از آن را انجام دهد. ولی اگر نتواند نایب



## فصل اول / واجبات و محرمات حج.....۲۰۱

بگیرد، بنا بر احتیاط واجب یک قربانی ذبح نموده و بر احرام خود باقی می ماند تا اینکه با اعمال عمره مفرده از احرام خارج گردد.

۵. اگر از اعمال منا در روز عید و اعمال مکه (طواف، سعی، طواف نساء) فارغ شود ولی از بیتوته در منا و رمی جمرات روز یازدهم و دوازدهم منع گردد، برای رمی نایب می گیرد و برای ترک بیتوته در منا، در صورت عدم اشتغال به عبادت، بنا بر احتیاط واجب، کفاره ترک بیتوته بر عهده او می آید و حج او صحیح می باشد. ۱۱۰۵. اگر مصدود مُحرم به احرام عمره مفرده شده است، می تواند در هر زمانی برای خروج از احرام، قربانی را ذبح و حلق یا تقصیر را نیز به احتیاط واجب ضمیمه نماید. و لازم نیست تا زمان مشخصی برای احتمال برطرف شدن مانع، صبر نماید؛ پس می تواند در انجام وظیفه مصدود تعجیل نماید.

۱۱۰۶. در صورتی که مصدود، برای خروج از احرام، ذبح و حلق را انتخاب کرده است، ترتیبی بین این دو شرط نیست و می تواند حلق را بر ذبح مقدم کند. ۱۱۰۷. قربانی باید با قصد قربت صورت پذیرد و بنا بر احتیاط واجب، باید نیت کند که با ذبح قربانی، از احرام خارج می شود.

۱۱۰۸. در صورتی که مصدود توانایی ذبح قربانی را نداشته باشد، باید به جای قربانی، ده روز روزه بگیرد و احتیاط مستحب این است که با انجام اعمال عمره مفرده از احرام خارج گردد.

۱۱۰۹. اگر شخصی از سعی به تنهایی منع شود و یا از طواف نساء منع گردد، حکم مصدود بر او بار می شود.

۱۱۱۰. مصدود نمی تواند برای تکمیل اعمال خود برای طواف و سعی،

## ۲۰۲.....مناسک جامع حج

نایب بگیرد، پس عمل نایب کفایت نمی کند و باید به احکام مخصوص مصدود عمل نماید.

۱۱۱۱. مصدود اگر برای حجی که بر عهده اش مستقر شده است مُحرم شده است و یا اینکه نیت حجة الاسلام کرده و تا سال بعد استطاعت او باقی است، باید در هر دو صورت، در سال آینده حج را به جا آورد.

۱۱۱۲. لازم نیست ذبح قربانی در همان مکانی که منع صورت گرفته، واقع شود، بلکه جایز است در مکانی دیگر ذبح را انجام داده و از احرام خارج گردد.

### محصور

۱۱۱۳. به شخصی که بعد از احرام، به جهت بیماری، جراحت شدید و امثال اینها نتواند برای انجام اعمال به مکه یا عرفات و مشعر برود، محصور گویند.

۱۱۱۴. محصور اگر در هنگام احرام، چه عمره باشد یا حج، شرط تحلل کرده باشد، (یعنی از خداوند متعال خواسته اگر برای او بیماری ای پیش آمد، همانجا از احرام خارج گردد) بدون فرستادن قربانی به محل ذبح، از احرام خارج می شود و تمامی محرّمات احرام، حتی زن، بر او حلال می شود.

۱۱۱۵. محصور اگر در هنگام احرام شرط تحلل نکرده باشد، در صورتی که برای حج افراد و تمتع یا عمره مُحرم شده است، باید یک قربانی برای ذبح، در زمان مشخص بفرستد و پس از گذشت زمان مقرر، با تقصیر، تمامی محرّمات به جزء زن، بر او حلال می شود.

۱۱۱۶. محصور اگر برای حج قران، مُحرم شده است، با فرستادن قربانی و

## فصل اول / واجبات و محرمات حج..... ۲۰۳

تقصیر از احرام خارج می‌شود و لازم نیست قربانی به منا یا مکه رسیده و ذبح گردد، بلکه مجرد ارسال و فرستادن آن کافی است.

۱۱۱۷. بنا بر احتیاط واجب، باید کسی که ذبح قربانی را بر عهده گرفته، در زمان ذبح، نیت خارج شدن مُحرم از احرام را بنماید.

۱۱۱۸. محصور همان‌طوری که می‌تواند حیوانی را برای قربانی تهیه کند، می‌تواند پول را نزد شخص امینی سپرده تا در زمان مقرر و مکان مشخص، با خرید قربانی، ذبح صورت گیرد.

۱۱۱۹. زمان ذبح قربانی برای خروج محصور از احرام، در عمره تمتع و حج روز دهم ذی‌حجه می‌باشد؛ اما برای عمره مفرده، زمان مشخصی معتبر نیست و محصور می‌تواند با وکیل خود هر زمانی را که صلاح می‌دانند معین سازند.

۱۱۲۰. مکان ذبح قربانی، اگر محصور، مُحرم به احرام عمره شده باشد، مکه می‌باشد و اگر مُحرم به احرام حج شده باشد، منا می‌باشد.

۱۱۲۱. محصور برای حلال شدن زن، باید عمره مفرده را در طول سال یا حج را در سال بعد به‌جا آورد.

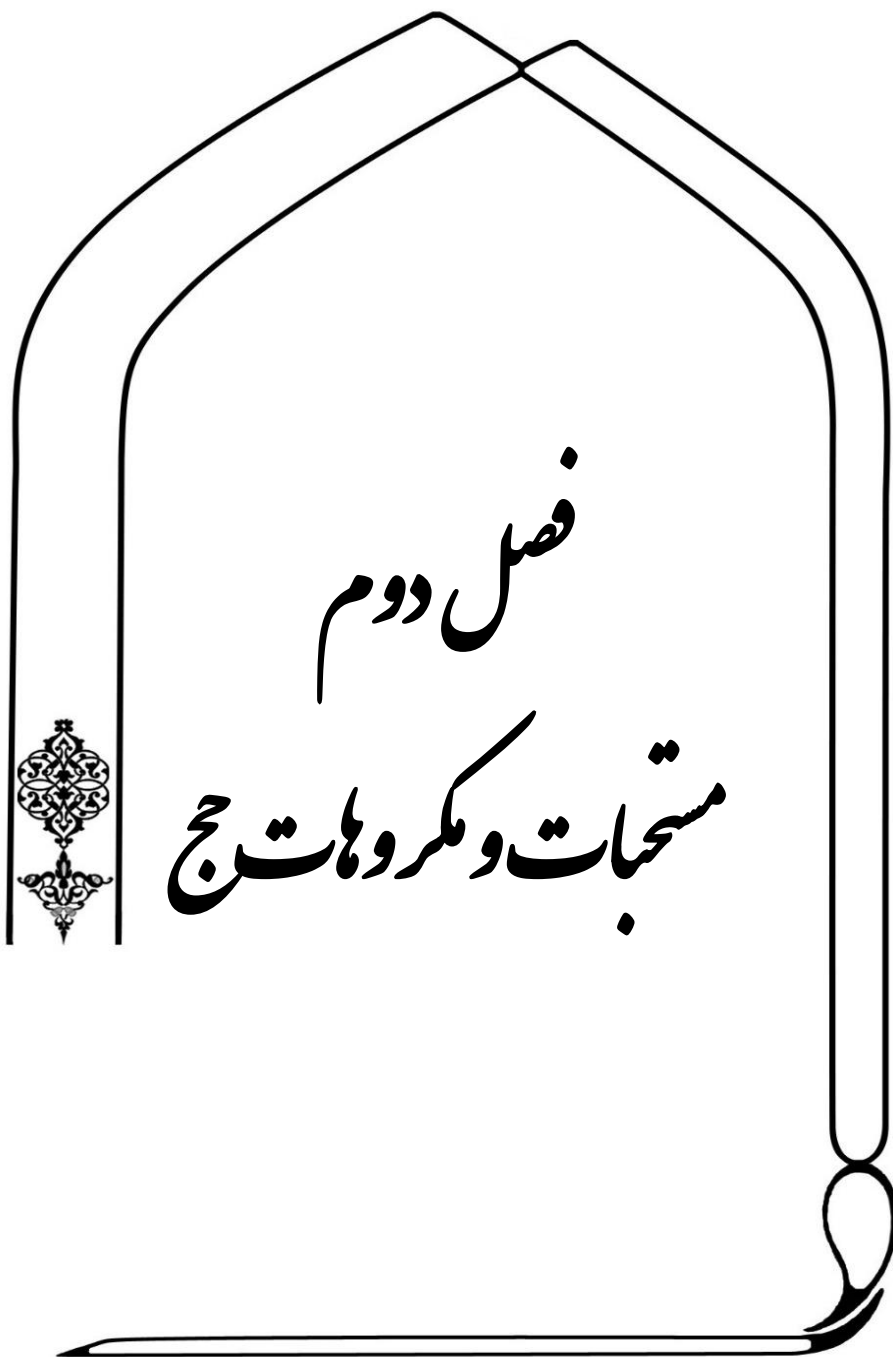
۱۱۲۲. محصور که مُحرم به احرام عمره مفرده شده است، و با عمل به وظیفه محصور از احرام خارج شده است، باید پس از زوال عذر، عمره خود را قضا نماید و لازم نیست برای به‌جا آوردن آن یک ماه از احرام قبلی او گذشته باشد.

۱۱۲۳. اگر حَجی که محصور برای آن مُحرم شده است، حج واجب باشد که بر عهده او مستقر شده است، یا اگر حجة الاسلام است و استطاعت او تا سال بعد باقی بماند، باید سال بعد حج را به‌جا آورد.

۲۰۴.....مناسک جامع حج

۱۱۲۴. اگر محصور برای حجِ قران مُحرم شده است، واجب است در موارد لزوم اعاده، حجِ قران را در سال بعد به جا آورد و حج تمتع یا افراد، کفایت نمی کند.

۱۱۲۵. اگر بعد از فرستادن قربانی، قبل از اینکه قربانی ذبح شده و محصور از احرام خارج گردد، بیماری و عذر محصور برطرف شد، اگر برای عمره تمتع مُحرم شده است، در صورتی که وقت باقی است، اعمال آن را به جا می آورد و در غیر این صورت احرام او تبدیل به حج افراد می شود و پس از انجام آن، عمره مفرده به جا می آورد و اگر عمره مفرده می باشد، وظیفه او اتمام عمره مفرده می باشد.



فصل دوم

مستحبات و مکروهات حج





## مستحبات سفر

سفر آداب و مستحبات فراوانی دارد که به مهمترین آنها - که تناسب بیشتری با حج دارد - اشاره می‌کنیم:

۱. تزکیه نفس، و نیت را برای خداوند متعال خالص کردن، و پرهیز از هر چیزی که او را از خداوند غافل کرده، و به خود متوجه می‌سازد.

۲. پاک کردن مال از حرام، و پرداخت حق‌الله و حق‌الناس از اموال خود، زیرا که در روایت آمده است: کسی که با مال حرام به حج برود هنگامی که لبیک می‌گوید در جواب او گفته می‌شود «لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدِيكَ» «اجابت تو اجابت نیست، و عملت مرضی خاطر ما نمی‌باشد» و همچنین نسبت به حقوق غیر مالی مردم، از آنان حلالیت بطلبد.

۳. نوشتن وصیت‌نامه، زیرا حضرت صادق علیه السلام فرموده است: «مَنْ رَكَبَ رَاحِلَتَهُ فَلْيُوصِ»؛ هر کس عازم سفر می‌شود باید وصیت کند، برای آنکه چه بسا اجل او فرا رسد و راه بازگشت برای او نباشد.

۴. خواندن دو رکعت نماز و قرائت این دعا:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ الْإِيمَانِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَاحْفَظْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اجْمَعْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَلَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ هَذَا

التَّوَجُّهَ طَلْبًا لِمَرْضَاتِكَ وَتَقَرُّبًا إِلَيْكَ، فَبَلِّغْنِي مَا أُوْمَلُّهُ وَأَرْجُوهُ فِيكَ وَفِي أَوْلِيَائِكَ يَا  
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

«خداوندا! امروز خود و خانواده‌ام و مال و فرزندانم و هرکه را به طریقی از من است، حاضر و غایبشان را به تو می‌سپارم، خدایا ایمان ما را حفظ کن و از ما محافظت فرما. خدایا ما را در رحمتت قرار ده، و فضلت را از ما مگیر، ما تنها به جانب تو راغبیم. خدایا از رنج سفر، و اندوه بازگشت، و مواجه‌شدن با بدی هنگام بازگشت نسبت به خانواده و مال، در دنیا و آخرت به تو پناه می‌بریم. خدایا! به تو رو می‌کنم و در این رو نمودن، خواستار خشنودی و تقرّب به سوی توام، پس مرا به آنچه از تو و اولیایت آرزو می‌کنم، و امید دارم برسان، ای مهربان‌ترین مهربانان».

و نیز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَعَلَيْكَ خَلَفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا خَوَّلْتَنِي قَدْ وَثَقْتُ بِكَ  
فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا مَنْ لَا يُحْيِي مَنْ أَرَادَهُ وَلَا يُصَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
وَاحْفَظْنِي فِيمَا غَبْتُ عَنْهُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

«خداوندا! رویم را متوجه تو کردم و خانواده و مالم و آنچه که به من عطا فرمودی را در حفظ تو قرار دادم. من به تو اطمینان کردم، پس مرا ناامید مکن، ای خدایی که ناامید نمی‌کند کسی که او را اراده کرده است، و ضایع نمی‌کند هرکه را او به یاد داشته باشد، خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا در آنچه از آن غایبم (خانواده، فرزندان، مال) محافظت فرما، و مرا به خویشتن وامگذار، ای مهربان‌ترین مهربانان».



## فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۰۹

۵. صدقه بدهد، و مقداری از تربت امام حسین علیه السلام را همراه خود ببرد که بهترین حرز برای او خواهد بود، ان شاء الله.

### مستحبات احرام

مستحبات احرام ده چیز است:

۱. کوتاه نکردن موی سر قبل از احرام از اول ماه ذی قعدة، و این استحباب با حلول ماه ذی حجه تاکید می گردد.
۲. تمیز کردن بدن، کوتاه کردن ناخن‌ها، گرفتن شارب (سبیل)، ازاله موهای زیر بغل و عانه قبل از احرام، اگرچه این کارها را به تازگی انجام داده باشد.
۳. غسل کردن هنگامی که می خواهد محرم شود، اگرچه حائض و نفساء باشد، و کسی که به خاطر عذر تمکن از غسل ندارد رجاء بدل از غسل تیمم نماید، و با خوف نبودن آب در میقات می توان قبل از میقات غسل کرد، و در این صورت اگر در میقات آب بود غسل را اعاده کند، همچنین برای کسی که بعد از غسل و قبل از احرام از او حدث اصغر سر زند، و یا از پوشاک و خوراکی که استفاده از آن برای محرم جایز نیست استفاده کند، مستحب است که غسل را اعاده نماید، و می تواند در ابتدای روز برای شبی که در پیش است و همچنین در ابتدای شب برای روزی که در پیش است برای احرام غسل کند.

۴. هنگام غسل احرام، ادعیه‌ای که از معصومین علیهم السلام رسیده است را بخواند. پس می گوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَأَمْنًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَشَفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْني وَطَهِّرْ لِي قَلْبِي وَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَأَجِرْ عَلَي لِسَانِي مَحَبَّتِكَ

وَمِدْحَتِكَ وَالشَّانَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قِوَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ  
وَالِاتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَآلِهِ».

«به نام خدا و به یاری خدا، خداوندا! آن را برایم نور و پاکیزگی و مصونیت و امنیت از هر ترسی و شفای هر درد و بیماری قرار ده، خداوندا! پاکیزه‌ام ساز و قلبم را پاک کن و سینه‌ام را گشاده فرما و بر زبانم محبت خویش و مدح و ثنایت را جاری کن زیرا که نیرویی جز به کمک تو ندارم و به تحقیق دانستم که استواری دینم تنها در تسلیم بودن در برابر فرمان تو و پیروی از سنت پیامبرت ﷺ است».

۵. پارچه احرام از پنبه باشد، و بهتر آن است که در پارچه‌ای سفید مانند حوله‌های حمام محرم شود.

۶. احرام بعد از نماز ظهر منعقد گردد، و اگر نماز ظهر بر عهده او نیست، بعد از نماز واجب دیگری محرم شود، اگرچه نماز قضا باشد، و اگر نماز قضا نیز ندارد بعد از شش رکعت نماز مستحبی محرم شود، و کمترین حد استحباب آن است که دو رکعت نماز مستحبی به‌جا آورد، که در رکعت اول پس از حمد سوره توحید و در رکعت دوم پس از حمد سوره کافرون را قرائت نماید، و سپس محرم شود.

۷. پس از نماز مذکور و بعد از حمد و ثنای خداوند متعال، قبل از احرام این

دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنِ اسْتَجَابَ لَكَ وَأَمَّنَ بِوَعْدِكَ وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ  
وَفِي قَبْضَتِكَ لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ  
تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ ﷺ وَتُقَوِّبَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ، وَتُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي  
فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِينَ رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ».

اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجِّي وَعُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يُحْبِسُنِي فَحُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حِجَّةَ فَعُمْرَةٌ أَحْرَمٌ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَ لَحْمِي وَدَمِي وَعَظْمِي وَخُحِّي وَعَصَبِي مِنَ النَّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيِّبِ، أُبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ».

«خداوندا از تو می‌خواهم مرا از کسانی که طلب اجابت از تو نموده و به وعده تو ایمان آورده و دستور تو را پیروی کرده‌اند، قرار دهی، زیرا که من بنده تو هستم و در دست قدرت توام، جز آنچه را که تو نگهداری، حفظ و نگاه داشته نمی‌شود، و جز آنچه تو عطا فرمایی نمی‌ستانم، آری، حج را ذکر کرده‌ای، پس از تو می‌خواهم که مرا بر انجام آن بر اساس کتاب و سنت پیامبرت ﷺ استوار داری، و مرا در هر جایی که در اجرای فرمانت ناتوانم، یاری دهی. و مناسک حج را در کمال آسانی و عافیت به سلامت از من بستانی، و مرا از گروه خودت، همانانی که از ایشان راضی شدی و خشنود گشتی، آنان که نامشان را برده و ثبت کرده‌ای قرار دهی، پروردگارا، من از فاصله و راه بسیار دور به سوی تو آمده و مال را برای رضای تو انفاق و خرج کرده‌ام، پس بار الها حج و عمره مرا به پایان برسان، خدایا من اکنون اراده نموده‌ام که بر اساس کتاب و سنت پیامبرت ﷺ عمره تمتع برای حج را انجام دهم پس اگر حادثه‌ای به علت تقدیری که بر من مقدر ساخته‌ای برایم رخ داد که مرا از انجام آن باز داشت و مانع من شد، در همان جا که مرا بازداشته‌ای از احرام خارج نما، پروردگارا اگر حجی دست ندهد پس عمره‌ای را نصیبم فرمای، اکنون مویم و پوستم و گوشتم و خونم و استخوان‌هایم و مغز سرم و عصبم را برای تو

و بر خود از زنان و لباس و عطر حرام می‌سازم در حالی که از این کار وجه و رضای تو و سرای آخرت را می‌طلبم».

و پس از این دعا پارچه‌های احرام را بپوشد.

۸. به هنگام پوشیدن پارچه‌های احرام این دعا را بخواند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوْدِي بِهِ فَرْضِي وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهِي فِيهِ إِلَيَّ مَا أَمَرَنِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبْلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي».

«ستایش خداوندی را سزا است که به من جامه‌ای روزی ساخت که به وسیله آن شرمگاهم را بپوشانم و واجبم را ادا کنم پروردگارم را نیایش نمایم و به آنچه مأمورم ساخته است عمل نمایم، ستایش خدایی را سزا است که آهنگ او نمودم و او مرا به مقصد رساند، و قصد او را کردم و او کمک نمود و پذیرایم گردید و مرا نومید نساخت، و خالصانه قصد وجه او را کردم و او مرا به سلامت داشت، پس او پناهگاهم و پشت و پشتوانه‌ام و امید و پناهم و یار و یاورم در سختی و آسانی است».

۹. در نیت احرام با خداوند متعال شرط کند که اگر از اتمام مناسک حج محصور شد (به این معنا که اگر مانعی مثل مرض او را از اتمام حج و عمره منع نماید) خداوند او را از احرام به مجرد به وجود آن مانع، محلّ (از احرام خارج) نماید، به این صورت که بگوید:

«اللَّهُمَّ وَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يُحْبِسُنِي فَحُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي»؛

«خداوندا! اگر مانعی بر من عارض شد که موجب جلوگیری من از انجام اعمال حج شود، مرا در همان موقع که مانع عارض شده است محلّ نما».

## فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۱۲

البته اگر دعایی را که در شماره هفتم گذشت با همین قصد بخواند کفایت می‌کند.

و اگر این شرط را با خداوند نداشته باشد و محصور شود، وقتی محل می‌گردد که قربانی او به محل ذبح برسد.

۱۰. نیت احرام و نیت پوشیدن جامه احرام، بلکه نیت کندن و درآوردن لباس دوخته‌شده را نیز به زبان آورد.

### مکروهات احرام

مکروهات احرام یازده چیز است:

۱. سیاه و رنگین بودن پارچه احرام، لکن در بعضی از روایات معتبره رنگ سبز از حکم کراهت استثنا شده است.
۲. محرم شدن در لباس کثیف، و همچنین شستن لباس احرام کثیف بعد از احرام تا زمان محلّ شدن، مگر آنکه نجس شده باشد.
۳. احرام در پارچه رنگارنگ برای مردان.
۴. خوابیدن بر رختخواب و بالش و پارچه سیاه و زرد.
۵. رفتن به حمام در حال احرام.
۶. ساییدن بدن و صورت با دست، یا کیسه، و زیاد مسواک زدن.
۷. لبیک گفتن در پاسخ کسی که او را صدا می‌زند.
۸. نشستن در حالی که زانوهایش را با دست‌ها به بغل بگیرد، بنابر مشهور.
۹. شعر خواندن، اگرچه شعر به حقّ باشد. بنابر مشهور.

۱۰. کشتی گرفتن و هر کاری که در آن بیم مجروح شدن یا ریختن مو از بدن باشد، بنا بر مشهور.
۱۱. شستن بدن با آب سرد.

### لَبَّيْكَ هَايَ مُسْتَحَب

مستحب است پس از گفتن:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ» بگوید: «لَبَّيْكَ».

و بهتر آن است که پس از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِيءُ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَغْنِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

«دعوت را اجابت کردم ای خداوند بلندمرتبه! اجابت کردم. اجابت کردم، در حالی که مرا به خانه امن و سلامت فراخوانده‌ای، اجابت کردم. اجابت کردم، بخشنده گناهان، اجابت کردم. اجابت کردم، شایسته اجابت، اجابت کردم. اجابت کردم، صاحب جلال و اکرام، اجابت کردم. اجابت کردم ای آغازگر هستی که بازگشت به سوی توست، اجابت کردم. اجابت کردم ای کسی که بی‌نیازی و همه به تو نیازمند، اجابت کردم. اجابت کردم در حالی که هراسان و مشتاق توام اجابت کردم. اجابت کردم، ای معبود به حق، اجابت کردم. اجابت کردم ای صاحب نعمت‌ها و دارنده بخشش نیکو و زیبا، اجابت کردم. اجابت کردم ای برطرف‌کننده

## فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۱۵

غم‌های بزرگ، اجابت کردم. اجابت کردم بنده تو و پسر دو بنده‌ات، اجابت کردم. اجابت کردم ای کریم، اجابت کردم».

و مستحب است که این جملات را نیز بیفزاید:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحُجَّةٍ وَعُمْرَةٍ مَعَا لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَهَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَمَّعَةٌ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَةً تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ».

«اجابت نمودم و به وسیله محمد و آل محمد علیهم‌السلام به تو تقرب می‌جویم، اجابت کردم، اجابت کردم، به وسیله حج و عمره با هم اجابت کردم، اجابت کردم و این عمره تمتع است، اجابت کردم. اجابت کردم ای شایسته اجابت، اجابت کردم. اجابت کردم، اجابتی که به اتمام رساندن و کمالش به دست توست».

سزاوار است که حاجی به هنگام گفتن لبیک با حضور قلب، کاملاً متوجه به خداوند متعال بوده و متوجه باشد که دعوت حق را پاسخ می‌گوید.

تکرار لبیک‌ها به هنگام بیدار شدن، سوار شدن، و ملاقات با سواره و وقت بالا رفتن از هر بلندی، و پایین آمدن از آن، و پس از هر نماز فریضه، و زیاد گفتن آن در سحرگاهان حتی برای جنب و حائض مستحب است، و مستحب است که در عمره تمتع، گفتن لبیک‌ها را تا مشاهده خانه‌های مکه قطع ننماید، و در حج تمتع تا ظهر روز عرفه گفتن لبیک‌ها را قطع نکند.

### مستحبات ورود به حرم

۱. غسل کردن قبل از ورود به حرم، و نیت آن این است:

«غسل می‌کنم برای ورود به حرم قربه الی الله».

۲. پیاده و پای برهنه در حالی که نعلین خود را به دست گرفته است و در حال

تواضع و خشوع کامل نسبت به ذات اقدس حق وارد حرم شود، و در صورت امکان به این حالت ادامه داده تا وارد به مکه و مسجدالحرام شود، و در روایت است که اگر چنین کند خداوند عالم - جلّ ذکره - صدهزار گناه او را ببخشد، و برای او صدهزار حسنه بنویسد، و صدهزار حاجت او را برآورد.

۳. این دعای مأثور را به هنگام ورود به حرم بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلِكَ الْحَقِّ: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّلُ أَجَابَ رَجَالاً وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِنْ أَجَابِ دَعْوَتِكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعاً لِنِدَائِكَ، وَمُسْتَجِيباً لَكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَالْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَسْتَغِي بِذَلِكَ الرَّؤْفَةَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي، وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمِ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَأَمْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

«خدایا تو در کتاب نازل شده‌ات گفته‌ای، و سخن تو حق است، که «و در میان مردم برای حج اعلام کن تا گروهی پیاده و گروهی بر فراز جهاز اشتران لاغری که از هر درّه عمیقی - از نقاط دور دست جهان - می‌آیند، به سوی تو رهسپار شوند»، خدایا، و من امید همی دارم که از گروهی باشم که دعوت تو را اجابت کرده‌اند، و من از ناحیه‌ای دور، و از درّه‌ای عمیق آمده‌ام، در حالی که ندای تو را شنونده، و دعوت تو را اجابت‌کننده، و فرمان تو را اطاعت‌کننده‌ام، و این همه از برکت تفضل تو بر من، و احسانت به سوی من است، پس سپاس تو را، در برابر آنچه مرا به آن



## فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۱۷

موفق داشته‌ای، و من به وسیله این کار تقرّب نزد تو، و نزدیک شدن به ساحت تو و منزلت در نزد تو، و آمرزش گناهانم، و قبول توبه‌ام را به لطف تو همی طلبیم. خدایا بر محمد و آل محمد رحمت فرست، و بدن مرا بر آتش حرام کن، و مرا از عذاب و عقابت ایمن ساز. به رحمت خودت ای ارحم الراحمین».

۴. جویدن «اذخر» که گیاه معروف مکه است.

### مستحبات ورود به مکه معظمه

مکه معظمه مرکز طلوع انوار وجود محمدی، و مشرق آفتاب هدایت اسلامی، و مهبط ملائکه مقربین، و محل بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین اجتماع مؤمنین و موحدین، و مکان نزول باران رحمت و مغفرت و آیات بینات الهی، و مقام ابراهیم خلیل است، و از جهت وجود بیت الله الحرام در آن، شرافت و حرمت بسیار دارد، و کسی که وارد آن شهر مقدس می‌شود باید فضائل آن مشاهد بزرگ و شعائر اسلام را که خداوند متعال مقرر داشته متوجه باشد تا برای ادارک برکات و فضائل آن اماکن مقدسه آماده شود و نور حقیقت بر حال او ظاهر شده و گناهانش آمرزیده شده و عیوبش برطرف گردد. ان شاء الله.

از این رو برای ورود به این شهر آدابی است که مراعات آنها مستحب است:

۱. غسل، و نیت آن این است که: «برای ورود به مکه معظمه غسل می‌کنم قربۀاً  
إلی الله».

۲. با آرامش و وقار و در حالت خضوع و خشوع برای خداوند متعال وارد مکه شود.

۳. از راه‌های بالای مکه و در صورت ممکن از عقبه «مدینین» که در شمال مکه است

وارد مکه شود، و بعضی این حکم را مختص به کسانی می‌دانند که از مدینه به مکه می‌آیند، و در موقع خروج از عقبه «ذی طوی» که در جنوب مکه است خارج شود.

### مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام

۱. غسل کردن از منزل، و یا از بئر میمون در محله ابطح، و نیت آن چنین است: «برای ورود به مسجدالحرام غسل می‌کنم قربة إلى الله».
۲. وارد شدن به مسجد از باب بنی شیبه که اکنون داخل مسجدالحرام است، و ظاهراً مقابل باب السلام واقع شده است.
۳. خواند دعاهای ماثور.

به هنگام ایستادن در مقابل درب مسجدالحرام دعایی را که معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است را بخواند، پس بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

«سلام بر تو ای پیامبر و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد، به نام خدا و به یاری خدا و از خدا و آنچه خواست خداست. سلام بر پیامبران خدا و فرستادگانش. سلام بر رسول خدا، سلام بر ابراهیم خلیل الله، و ستایش مخصوص پروردگار عالمیان است».

و در روایت ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام است: هنگامی که مقابل درب مسجد قرار گرفتی، بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَالِىَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ

لله، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ، واحفظني بحفظ الإيمان أبداً ما أبقيتني جل ثناء وجهك، الحمد لله الذي جعلني من وفده وزواره وجعلني ممن يعمر مساجده وجعلني ممن ينجيه، اللهم إني عبدك وزائرُك في بيتك، وعلى كل ما أتى حق لمن أتاه وزاره وأنت خير ما أتى وأكرم مزور، فأسألك يا الله يا رحمن بأنك أنت الله لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك، بأنك واحدٌ أحدٌ صمدٌ لم تلد ولم تولد ولم يكن له كفواً أحدٌ وأنَّ مُحَمَّدًا عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ مُحْفَتَكَ إِتْيَايَ بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوْلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ».

«به نام خدا و به کمک از خدا و به سوی خدا و خواست، خواست خداست، و

بر شریعت رسول خدا ﷺ می باشم و بهترین نامها برای خداست، سپاس، ویژه خداوند است و سلام بر رسول خدا، سلام بر محمد بن عبدالله، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پیامبر، سلام بر انبیای خدا و پیامبرانش، سلام بر خلیل خدای رحمان، سلام بر پیامبران خدا و فرستادگان و سپاس مخصوص خدا؛ پروردگار جهانیان است، سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند، خداوند! درود فرست بر

محمد و آل محمد و برکت بخش بر محمد و آل محمد و ترحم کن بر محمد و خاندانش، چنانچه درود و برکت و ترحم ورزیدی بر ابراهیم و دودمان ابراهیم که تو ستوده و بزرگی، خداوندا! درود فرست بر محمد و آل محمد، در حالی که بنده و رسول تو است. درود فرست بر ابراهیم خلیل و بر انبیا و پیامبران و سلام فرست بر رسولان و سپاس مخصوص خداوند؛ پروردگار جهانیان است. خداوندا! درهای رحمت را برایم بگشا و مرا در فرمانبرداری و جلب خشنودیت به کار گیر و در پناه ایمان برای همیشه تا آنگاه که باقی‌ام داشته‌ای محفوظم دار، ستایش شایسته خدای بزرگ است، حمد مخصوص خدایی است که مرا از واردین و زائرینش قرار داد و مرا از کسانی قرار داد که مساجدش را آباد می‌نمایند و با او مناجات می‌کنند. خداوندا من بنده و زائر خانه‌ات می‌باشم و بر هر وارد و زائری حقی بر صاحب‌خانه می‌باشد و تو بهترین و گرامی‌ترین کسی هستی که بر او وارد می‌شوند، پس از تو می‌خواهم ای خدای رحمان که معبودی جز تو نیست تنها و بی‌همتایی، یکتا، یگانه، بی‌نیاز نه زاده‌ای و نه زاده شده‌ای، و برای تو همتایی نمی‌باشد و اینکه محمد بنده و فرستاده توست که صلوات خدا بر او و خاندانش باد. ای بخشنده، ای کریم، ای بزرگ، ای خطاپوش، ای کریم از تو می‌خواهم به‌خاطر زیارتم از تو، نخستین تحفه‌ات را آزادی‌ام از آتش جهنم قرار دهی».

و سپس سه بار بگوید: «اللَّهُمَّ فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»؛ «خدایا! مرا از آتش رهایی بخش».

و پس از آن بگوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالَ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

## فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۲۱

«و از روزی حلال و پاکیزه بر من وسعت بخش و شر شیطان‌های جن و انس، و شر فاسقان از عرب و عجم را از من دفع کن».

و بعد به مسجدالحرام وارد شود و بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ».

«به نام خدا و به کمک خدا و بر شریعت محمد که درود خدا بر او و خاندانش

باد می‌باشم».

و سپس دست‌هایش را به آسمان بلند کرده، و رو به کعبه نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَالْبَلْدُ بَلْدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْفُ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ مِنْ عُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

«خداوندا! در این جایگاهم در اول مناسکم از تو می‌خواهم که توبه‌ام را پذیرا

و از خطایم درگذری و وزر و وبالم را از من برداری ستایش مخصوص خدایی

است که مرا به بیت الله الحرام خویش رساند، خداوندا! من گواهی دهم که این

بیت الله الحرامی است که تو محل آمد و شد مردم و محل امن و مبارک و هدایت

جهانیان قرار دادی، خداوندا! منم بنده تو (بنده بنده توست) و این شهر شهر توست

و خانه خانه تو می‌باشد. آمده‌ام تا رحمت تو را بطلبم و آهنگ اطاعت تو کردم،

فرمانبردار امر تو می‌باشم، و راضی به تقدیر تو هستم، از تو می‌خواهم همانند

نیازمندی که از عذاب تو ترسان است. خداوندا! درهای رحمت را به رویم بگشا و به طاعت و جلب رضایت وادارم ساز).

و پس از آن کعبه را مخاطب قرار داده بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمَّنَّا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ».

«خدایی را سپاس که تو را عظمت و شرف و کرامت بخشید، و محل اجتماعی برای مردم و سرزمین امن و مبارک و سبب هدایت برای جهانیان ساخت».

و چون نظرش به حجرالأسود افتاد رو به آن کرده و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَى وَأَخْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَسَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

«ستایش مخصوص خدایی است که ما را برای این هدایت کرد و اگر هدایت خدا نبود به اینجا راه نمی یافتیم، منزله است خدا و سپاس ویژه اوست و معبودی نیست جز خدا و خداوند بزرگ است، خداوند بزرگتر از آفریده هایش می باشد، خداوند بزرگتر است از آنچه از آن بیمناک هستیم، معبودی جز خدای یکتای بی همتا نیست، شریکی ندارد، ملک هستی و حمد برای اوست، زنده می کند و

## فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۲۳

می میراند و می میراند و دوباره زنده می کند، خیر و خوبی به دست اوست، و او بر هر چیز تواناست. خداوندا! سلام و درود فرست بر محمد و آل محمد، و بر آنان برکت بخش، همان طور که بهترین درود و برکت و رحمت را بر ابراهیم و آل ابراهیم فرستاده‌ای که تو ستوده و باشکوه هستی و سلام بر تمام پیامبران و فرستادگان، و سپاس مخصوص خداوند؛ پروردگار جهانیان است، خداوندا! به وعده تو ایمان دارم و پیامبرانت را تصدیق می کنم و از کتابت پیروی می نمایم».

و سپس با طمأنینه حرکت کرده، و قدم‌ها را از خوف خداوند کوتاه بردارد، و چون به حجرالأسود نزدیک شد، دست‌ها را بلند کند، و حمد و ثنای حق را به جا آورد، و بر حضرت محمد و خاندان او ﷺ درود بفرستد، و طبق روایت معاویه بن عمّار از حضرت صادق علیه السلام بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

«خداوندا از من قبول کن».

و در صورت امکان با دست‌ها و بدن حجرالأسود را مسح نموده و ببوسد، و اگر بوسیدن حجرالأسود ممکن نبود بر مسح حجرالأسود اکتفا نماید، و اگر این مقدار نیز به جهت ازدحام جمعیت ممکن نباشد به حجرالأسود اشاره نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةِ الْأَوْثَانِ وَعِبَادَةِ كُلِّ نَدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

«خدایا این امانت من است که آن را ادا کردم، و پیمان من است که آن را تجدید

نمودم تا شهادت به وفای عهد من دهی. خدایا کتاب تو و سنت رسالت را تصدیق می‌کنم. من به خدا ایمان آوردم، شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و شریکی ندارد و محمد عبد و رسول اوست، و به جبت و طاغوت و لات و عزری و عبادت شیطان و عبادت بت‌ها و عبادت هر معبود باطلی که در مقابل خدا ساخته شده و آن را به جای خدای عزوجل خوانده‌اند کافر گشتم».

و اگر خواندن تمام دعا ممکن نباشد هر مقدار که ممکن است بخواند و

سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي، وَفِيهَا عِنْدَكَ عَظُمْتُ رَغْبَتِي، فَأَقْبَلْ سُبْحَتِي وَاغْفِرْ لِي  
وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْحِزْبِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

«بار خدایا! من دست خود را به سوی تو دراز کرده‌ام و به آنچه در نزد توست رغبت زیاد شده است. خدایا! تسبیح مرا بپذیر و گناه مرا ببوشان و مرا مورد رحمت و عنایت قرار بده. بار خدایا! از شرّ کفر و فقر، و خاری و رسوایی دنیا و آخرت به تو پناه می‌برم».

### مستحبات طواف

۱. پیاده طواف کند.
۲. با پای برهنه طواف کند.
۳. قدم‌ها را کوتاه بردارد، و با آرامش و وقار - نه تند و کند - راه برود.
۴. در حال طواف مشغول به ذکر و دعا و خواندن قرآن باشد.
۵. از آنچه در نماز مکروه است در طواف نیز بپرهیزد، بلکه از هر عمل لغو و بیهوده بپرهیزد.



۶. حجرالأسود را در صورت امکان در هر شوط استلام کرده و ببوسد، مشروط بر اینکه کسی را هل ندهد، و اذیت نکند، و عقب نیندازد، و گرنه، به حجرالأسود با دست اشاره کرده و تکبیر بگوید.

۷. از دیدن مناظری که از توجه او می‌کاهد چشم بپوشد.

۸. نزدیک به بیت‌الله طواف کند.

۹. هنگام زوال طواف نماید.

۱۰. دعا‌های مأثوره از اهل‌بیت علیهم‌السلام را بخواند، از جمله دعایی را که معاویه بن

عمّار از حضرت امام صادق علیه‌السلام نقل کرده، و آن دعا این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلْلِ السَّمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَفْدَامُ مَلَائِكَتِكَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ حَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، وَاتَّمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

«خدایا تو را می‌خوانم بدان نامت که با آن بر روی آب راه روند همان‌طور که

بر روی زمین سخت حرکت کنند و تو را می‌خوانم به آن نامت که عرشت با آن

به لرزه می‌افتد. و آن اسمی که قدم‌های ملائکه با شنیدن آن به لرزه می‌افتد و آن

اسمی که موسی علیه‌السلام در کوه طور تو را خواند و تو او را اجابت نمودی و از محبت

خود بر او افکندی و تو را می‌خوانم به آن اسمی که گناهان گذشته و آینده محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

را با آن بخشیدی و نعمت خود را بر او تمام کردی، درباره من این‌گونه کنی که...»

و حاجات خود را از خداوند بخواهد.

و نیز مستحب است که در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُبَدِّلْ اسْمِي وَلَا تُعَيِّرْ جِسْمِي».

«خدایا من به درگاه تو فقیرم، و به راستی که از جلال و جبروت ترسان و به

تو پناهنده‌ام، پس نام مرا متغیر مگردان، و جسم مرا دگرگون مفرما».

و در هر شوط هنگامی که به در خانه کعبه می‌رسد مستحب است بر پیامبر اکرم

و خاندانش ﷺ درود بفرستد، و این دعا را بخواند:

«سَأَلْتُكَ فَقِيرًا مِسْكِينًا بِبَابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتَقْنِي وَوَالِدَيَّ وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمًا».

«سائل تو، فقیر تو، مسکین تو بر در خانه تو است، پس بهشت را به او تصدق

کن. خدایا این خانه، خانه تو، و این حرم، حرم تو، و این بنده، بنده تو است، و

این، مقام پناهنده به تو از آتش دوزخ است، پس مرا و پدر و مادرم را و خانواده

و فرزندان و برادران مؤمنم را از آتش دوزخ آزاد ساز، ای صاحب جود، ای

صاحب کرم».

و در روایت است که وقتی حضرت سجاد ﷺ به حجر اسماعیل می‌رسید سر به

آسمان بلند می‌کرد، می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

«خداوندا! مرا به سبب رحمتت به بهشت وارد ساز و به رحمتت از آتش پناهم

ده، و از بیماری عافیتم بخش، و از روزی حلال وسعتم ده، و دور کن از من شر تبهکاران از جن و انس را، و شر فاسقان عرب و عجم را».

و طبق روایتی که از حضرت صادق علیه السلام نقل شده، مستحب است وقتی که از حجر اسماعیل گذشت، و به پشت خانه رسید بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

«ای صاحب منت و قدرت، ای صاحب جود و مکرمت، طاعت من ناچیز است، طاعت مرا در پرونده اعمالم مضاعف کن و از من بپذیر. خدایا! تو دعای مرا می شنوی و به حال من دانایی».

و چون به رکن یمانی رسید، دست هایش را به آسمان برداشته، و این دعا را که از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام وارد شده است بخواند:

«يَا اللَّهُ يَا وَليَّ الْعَافِيَةِ، وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَىٰ جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

«ای خدا! ای صاحب عافیت و خالق عافیت و رازق عافیت و بخشنده عافیت و دهنده نعمت و عافیت بر من و همه آفریده هایت، ای رحمان دنیا و رحیم در دنیا و آخرت، درود فرست بر محمد و خاندانش، و عافیت بتمامه و شکر عافیت را در دنیا و آخرت روزی گردان، ای مهربان ترین مهربانان».

و سپس به سوی کعبه سر بلند کند، و همان گونه که در روایت دیگر آمده است بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

«حمد خدایی را که تو (کعبه) را شرف و عظمت بخشید، و حمد خدایی را سزااست که محمد ﷺ را به نبوت برانگیخت و علی ﷺ را امام قرار داد، خداوندا! نیکان خلقت را به زیارت کعبه رهنمون باش، و تبهکاران را از آن دور گردان».

و طبق روایت عبدالله بن سنان از حضرت صادق ﷺ در بین رکن یمانی و حجرالأسود بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

«پروردگارا در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا فرما و ما را از آتش جهنم مصون دار».

و در شوط هفتم چون به مستجار<sup>۱</sup> رسید، روبروی کعبه ایستاده و دست‌هایش را بر دیوار بیت کشیده، و سپس به صورت و بدنش بکشد، و گناهانش را یاد کرده، و به جرم خود اقرار نماید، و توبه کند، و از خداوند متعال طلب مغفرت نماید، و این دعا را که از حضرت صادق ﷺ مأثور است بخواند:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَأَغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَّ عَلَى خَلْقِكَ، ثُمَّ تَسْتَحِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».<sup>۲</sup>

«خداوندا! خانه، خانه تو است، و بنده، بنده تو است و این جایگاه پناهنده به تو از آتش است، خداوندا! از سوی تو رحمت و گشایش و عافیت است. خداوندا!

۱. مستجار قسمتی از پشت کعبه - مقابل درب کعبه - و نزدیک به رکن یمانی است.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۴۶.

عملم ضعیف است، آن را مضاعف ساز، و آنچه را بر تو آشکار و بر خلقت پنهان است بر من ببخش؛ سپس از آتش به خدا پناه می‌بری».

و نیز این دعا را که از حضرت سجّاد علیه السلام نقل شده، بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدِي أَفْوَاجاً مِنْ ذُنُوبٍ وَأَفْوَاجاً مِنْ خَطَايَا وَعِنْدَكَ أَفْوَاجٌ مِنْ رَحْمَةٍ وَأَفْوَاجٌ مِنْ مَغْفِرَةٍ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِابْتِغَاظِ خَلْقِهِ إِلَيْهِ إِذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُعْتُونَ، اسْتَجِبْ لِي»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! مرا انبوهی از گناهان و لغزش‌ها است و تو را انبوهی از رحمت و مغفرت، ای آن‌که مستجاب کرد دعای مغبوض‌ترین آفریده‌اش (شیطان) را، آنگاه که گفت: مرا تا روز رستاخیز مهلت ده، دعایم را مستجاب گردان».

و سپس حاجات خود را بخواهد، و بسیار دعا کند، و به گناهان خود اعتراف نماید، و چون به حجرالأسود برسد طبق روایت معاویه بن عمّار از حضرت صادق علیه السلام، بگوید:

«اللَّهُمَّ فَتَنِّي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا أَتَيْتَنِي»<sup>۲</sup>.

«خدایا مرا بدان‌چه روزی‌ام کرده‌ای قانع ساز و بدان‌چه عطا کرده‌ای برکت و افزونی ده».

## مکروهات طواف

۱. تکلم به غیر از ذکر خدا و دعا و قرآن کریم.
۲. خندیدن و با حالت تبختر راه رفتن، شکستن انگشتان و به صدا در آوردن آنها، و خمیازه کشیدن، و انجام هر کار که در نماز کراهت دارد.

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۹۶.  
۲. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۴.

۲۳۰.....مناسک جامع حج

۳. خوردن و آشامیدن.

۴. در حال احساس بول و غائط و باد معده طواف کردن.

۵. گذاشتن کلاه بلند (بُرطله) بر سر، که در قدیم از لباس‌های یهود محسوب می‌شده است.

### مستحبات نماز طواف

۱. خواندن سوره توحید ﴿قل هو الله أحد﴾ پس از حمد در رکعت اول و قرائت سوره جحد ﴿قل یا ایها الکافرون﴾ بعد از حمد در رکعت دوم.
۲. حمد و ثنای خداوند متعال، و فرستادن درود بر پیامبر اکرم و خاندانش علیهم‌السلام بعد از نماز.

۳. تقاضای استجابت دعا از خداوند متعال و گفتن:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا، حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى،  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! طوافم را از من بپذیر و این را آخرین دیدار و زیارتم قرار مده، حمد و سپاس خدای را با همه انواع ستایش‌هایش بر تمام نعمت‌هایش، تا زمانی که موجب حبّ و رضای او باشد، خداوندا! درود فرست بر محمد و خاندانش، و از من قبول کن، دلم را پاک و عملم را پاکیزه ساز.»

و طبق روایت دیگر بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَوَاعِيِّي إِيَّاكَ وَطَوَاعِيِّي رَسُولِكَ ﷺ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى

۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۳۴.

حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! مرا به واسطه اطاعتم از تو و پیامبرت ﷺ مورد رحمت قرار ده، و مرا از تجاوز به مرزهای اطاعت خود بازدار، و از کسانی قرارم ده که تو و پیامبرت و فرشتگان و بندگان شایستهات را دوست می‌دارد».

و سپس به سجده رفته و مانند حضرت صادق علیه السلام بگوید:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، فَاعْفُرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ عَيْرُكَ [إِلَّا أَنْتَ] فَاعْفُرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ عَيْرُكَ»<sup>۲</sup>.

«از سر بندگی و بردگی چهره‌ام سجده می‌کند، معبودی به حق جز تو نیست تو نخستین موجود و پیش از هر چیز و آخرین موجود پس از هر چیزی می‌باشی، و من در برابر تو هستم، در دست قدرت تو هستم (افسار من به دست توست)، پس بیماری مرا که گناهان بزرگ مرا جز تو کسی نمی‌آمرزد، مرا بیماری که به گناهم علیه خودم اقرار دارم و گناه بزرگ را جز تو از من دور نمی‌کند».

## مستحبات سعی

۱. طهارت از حدث اکبر و حدث اصغر، بلی شخص حائض می‌تواند سعی نماید، اگرچه مستحب است در صورت امکان صبر کند تا بتواند سعی را با طهارت به‌جا آورد، و گرنه در همان حال حیض باید سعی کند.

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۴۳۹.

۲. ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲۳۲..... مناسک جامع حج

۲. انجام سعی پس از نماز طواف، ولی اگر خسته است می‌تواند قدری استراحت کند.

۳. استلام و بوسیدن حجرالأسود در صورت امکان به هنگام رفتن به طرف صفا و در صورت عدم امکان با دست به حجر اشاره کند.

۴. در صورت امکان به چاه زمزم رفته و آب آن را بنوشد و بر سر و پشت خود بریزد، و طبق روایت معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السلام در حالی که رو به کعبه است بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! آن را وسیله آموختن دانشی سودمند، و روزی فراخ، و شفای درد و بیماری قرار ده».

۵. پس از نوشیدن آب زمزم به هنگام رفتن به صفا نیز استلام حجر نماید.

۶. از مسجدالحرام به طرف صفا از دری که مقابل حجرالأسود است خارج شود، و آن دری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن خارج می‌شدند.

۷. با آرامش و وقار به طرف صفا برود.

۸. طوری بالای صفا برود که در صورت امکان بتواند بیت‌الله را ببیند، زیرا دیدن خانه کعبه نیز مستحب است.

۹. پس از بالا رفتن از کوه صفا رو به رکن حجرالأسود نماید.

۱۰. خداوند متعال را حمد و ثنا کند، و نعمت‌ها و عذاب الهی را به یاد آورد و

---

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۳۴.



فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۳۳

احسان خداوند را در حق خود، متذکر شود، و هفت بار بگوید: «الله اکبر» و هفت

بار بگوید: «الحمد لله» و هفت بار بگوید: «لا إله إلا الله» و سپس سه بار بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و پس از آن بر پیامبر و خاندانش درود فرستاده، و سه بار بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ».

«خدا بزرگ است بر آنچه که ما را با آن هدایت کرد، ستایش مخصوص او است

بر آنچه که ما را به آن آزمود، ستایش ویژه خداوند زنده قائم به ذات است و

ستایش او را که زنده جاوید است».

و بعد سه بار بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

«گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست، و گواهی می‌دهم که حضرت

محمد بنده و فرستاده اوست جز او را عبادت نمی‌کنیم، در حالی که دین خود را

برای او خالص کرده‌ایم گرچه مشرکان ناخوش دارند».

و نیز سه بار بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

«خداوندا! من از تو بخشش گناه، عافیت در دنیا و آخرت می‌طلبم».

و بعد سه بار بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

«خداوندا! در دنیا نیکی و در آخرت نیکی به ما عطا فرما و از عذاب آتش نگاهمان دار».

و بعد صد مرتبه بگوید: «الله اکبر» و صد مرتبه بگوید: «لا إله إلا الله» و صد مرتبه بگوید: «الحمد لله» و صد مرتبه بگوید: «سبحان الله» و بعد بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحُدُّهُ وَحَدُّهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ، وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».<sup>۱</sup>

«نیست معبودی جز خدای یکتای یکتا، ملک هستی برای اوست، و تنها ستایش برای او است. خداوندا! مرگ، و پس از مرگ را بر من مبارک گردان، خداوندا به تو پناه می‌برم از تاریکی و وحشت قبر، خداوندا! مرا در سایه عرش در روزی که سایه‌ای جز سایه رحمت تو نمی‌باشد جایم ده».

۱۱. مستحب است هنگامی که بر کوه صفا توقف می‌کند، مکرراً خود و خانواده

خود و دینش را به خداوند متعال بسپارد و بگوید:

«أَسْتَوِدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَأَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».<sup>۲</sup>

«به خدای رحمان و رحیم که امانتی نزد او تباه نگردد، دینم و جانم و خانواده‌ام را می‌سپارم، خداوندا! مرا بر طبق کتاب و سنت پیامبرت به کار گیر، و مرا بر دین او بمیران و از فتنه پناهم ده».

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۶۳۸.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۶۳۸.

و بعد سه مرتبه بگوید: «الله اکبر» و دعای سابق را دوباره بخواند و باز بگوید: «الله اکبر» و در حد امکان دعا را تکرار نماید.

۱۲. رو به کعبه کرده و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْبَبْتَهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ؛ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ. اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ؛ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي، وَإِنْ تُعَذِّبَنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِّي عَذَابِي، وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ، ارْحَمْنِي؛ اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ؛ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبَنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي، أَصَبَحْتُ أَتَقِي عَدْلَكَ، وَلَا أَخَافُ جُورَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ، ارْحَمْنِي».

«خداوندا! هر گناهی را که تاکنون کرده‌ام بیامرز، پس اگر گناه را از سر گرفتم تو هم آمرزش را برایم از سر گیر که تو بخشنده و مهربانی، خداوندا! با من چنان رفتار کن که شایسته توست که اگر آن‌گونه که شایسته توست با من رفتار کنی به من رحم می‌کنی و اگر عذابم کنی تو بی‌نیاز از عذاب کردن من هستی و من نیازمند رحمتت پس ای کسی که من محتاج به رحمتش هستم رحم کن. خدایا! با من چنان رفتار مکن که در خور آن می‌باشم اگر با من بدان‌گونه که سزاوار آنم رفتار کنی در این صورت مرا عذاب خواهی کرد بی‌آنکه به من ستمی رو اداری. صبح کردم و از عدل تو بیمناکم و از ستمت در امان، ای عادل‌ی که ستم روا نمی‌داری به من رحم فرما».

و سپس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَحِبُّ سَأْلَهُ وَلَا يَنْفِدُ نَائِلَهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَجْرُنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ»<sup>۱</sup>.

۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۳۶.

«ای آن که گدا را نومید نمی کند و عطایش را پایانی نیست، بر محمد و آل محمد درود فرست، و به رحمتت مرا از آتش نجات ده».

۱۳. بر کوه صفا زمان زیادی توقف کند، که در روایت است موجب زیادی ثروت می شود.

۱۴. چون مقداری از کوه صفا پایین آمد بایستد، و توجه به کعبه کرده، و بگوید:  
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَضَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! من به تو پناه می برم از عذاب و فتنه قبر و تنهایی و ترس و تاریکی و تنگی و سختی آن، خداوندا! مرا در زیر سایه عرش قرار ده روزی که سایه ای جز سایه لطف تو نیست».

۱۵. پس از آنکه مقداری دیگر پایین آمد، کتف خود را برهنه کرده، بگوید:  
 «يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ ارْزُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

«ای پروردگار عفو و بخشش، ای آن که دستور بخشش دادی، ای آن که سزاوارترین فرد به عفو و بخششی، ای کسی که به خاطر عفو و گذشت پاداش می دهی، ببخش، ببخش، ببخش. ای بخشنده، ای کریم، ای نزدیک (به ما) ای دور، لطف و نعمت از دست رفته را به من بازگردان، و در جهت اطاعت و خوشنودیت به کارم گیر».

۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۳۶.

۱۶. پیاده سعی کند.

۱۷. با آرامش و وقار سعی نماید.

۱۸. در مقداری از سعی که نشانه‌های بزرگ (لامپ‌های بزرگ سبزرنگ که در سقف مشخص شده است) قرار گرفته هروله کند (یعنی مقداری تندتر حرکت کند، که نه دویدن باشد و نه راه رفتن معمولی)، و به هنگام بازگشت از مروه نیز هروله را تکرار کند، و برای زنان هروله مستحب نیست.

۱۹. وقتی به اولین نشانه سبز رسید بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي وَبِكَ حَوْلِي وَفُوتِي، تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي، يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

«به نام خدا و با استعانت از او، خداوند بزرگ است، خداوندا بر محمد و خاندان او درود فرست، خداوندا! بیامرزش و رحم فرما و از آنچه می‌دانی درگذر که تو عزیزتر و کریم‌تر از دیگرانی، و مرا به راهی که درست‌تر است هدایت کن. خداوندا! عملم ضعیف است تو مضاعفش گردان و از من بپذیر، خداوندا! سعی من برای تو است و توان و نیرویم از تو می‌باشد، عملم را قبول فرما. ای آن‌که عمل پرهیزکاران را می‌پذیری».

۲۰. چون از علامت سبز دوم گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

«ای صاحب نعمت و قدرت و فضل و کرم و جود، بر محمد و آل محمد درود فرست و بیمارز گناهانم را که کسی جز تو گناهان را نمی‌آمرزد».

۲۱. چون به مروه رسید از کوه بالا رود، و آنچه از ادعیه در کوه صفا گفتیم بر کوه مروه به ترتیب بخواند، و سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ».

«ای آن‌که به بخشش دستور داده‌ای، ای آن‌که بخشش را دوست داری، ای آن‌که بر بخشش پاداش می‌دهی، ای آن‌که هر کس را که عفو کند، تو او (گناهکار) را می‌بخشی، ای خدای بخشش، العفو، العفو، العفو».

۲۲. در گریه از خوف خداوند، کوشش کند، و خود را به گریه وا دارد، و فراوان دعا کند، و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! از تو می‌خواهم که در هر حال به من نسبت به خودت حسن ظن عنایت کنی، و نیت صادقانه در توکل بر تو را خواستارم».

سعی کننده می‌تواند در اثنای سعی بنشیند و یا بر کوه صفا و مروه استراحت کند اگرچه سزاوار است جز برای رفع خستگی چنین نکند.

## مستحبات احرام حج

۱. غسل در منزل یا جای دیگری در مکه.

۲. خواندن دعاهایی که برای غسل احرام عمره تمتع گفته شد.

---

۱. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۶۴۳.

## فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۳۹

۳. با خشوع و خضوع به طرف مسجدالحرام رفتن، و با پای برهنه و با آرامش و وقار به مسجدالحرام وارد شدن.

۴. محرم شدن پس از نماز به نحوی که در احرام عمره تمتع ذکر شد.

۵. در مسجدالحرام محرم شود، و بهتر آن است که در حجر اسماعیل و یا مقام ابراهیم علیه السلام محرم گردد، و مستحباتی را که در احرام عمره تمتع گذشت مراعات نماید.

۶. نیت احرام را بر زبان آورد، مثلاً بگوید: «محرم می شوم برای حج تمتع در حجة الاسلام به جهت آنکه بر من واجب شده است اداء قربهٔ اِلی الله»، و اگر حج استحبابی و یا قضا و نیابتی است آن را در لفظ بیاورد، و نام منوب عنه را نیز ذکر کند، و سپس لَبَّیکها را همان گونه که در احرام عمره گذشت بگوید.

۷. رفتن به منا پس از احرام و نماز واجب.

۸. تکرار لَبَّیکها در مسیر راه، و چون مشرف بر محلّه ابطح شد لَبَّیکها را بلندتر بگوید.

۹. به هنگام رفتن به منا طبق روایت معاویه بن عمّار از حضرت صادق علیه السلام بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو، وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي».

«خداوندا! تنها به تو امیدوارم و فقط تو را می خوانم پس مرا به آرزویم برسان

و عملم را اصلاح فرما».

۱۰. و چون به منا رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحًا فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ».<sup>۱</sup>

۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۳۹.

۲۴۰..... مناسک جامع حج

«حمد مخصوص خدایی است که مرا در حال صلاح و در عافیت و تندرستی به منا وارد ساخت و به این مکان وارد رساند».

و چون داخل منا شد بگوید:

«اللَّهُمَّ وَهَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَائِكَ مِنَ الْمَنَاسِكِ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ فِيهَا بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! اینجا منا است که از جمله مکان‌هایی است که به واسطه آن بر اولیای خود منت انجام مناسک نهادی، پس از تو می‌خواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و آنچه به اولیا و اهل طاعتت منت نهادی و عطا کردی به من هم عطا کنی، که من بنده تو و در اختیار تو می‌باشم».

۱۱. در شب عرفه در منا در حال عبادت و دعا و تضرع و به پیشگاه خداوند متعال بیتوته نماید، و بهتر آن است که بیتوته او در مسجد خیف انجام شود.
۱۲. در مسجد خیف تا صبح به نماز مشغول باشد، و مکروه است که قبل از طلوع فجر از مسجد خارج شود، بلکه بهتر آن است که تا طلوع آفتاب در مسجد در حال عبادت بماند، و پس از طلوع آفتاب به عرفات برود.
۱۳. به هنگام خروج از منا به طرف عرفات، بگوید.

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِّنْ تِبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي»<sup>۲</sup>.

۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۳۹.

۲. کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۲۶۲۵.



## فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۴۱

«خداوندا! آهنگ تو را کرده‌ام و به تو اعتماد نموده‌ام، و تقرب به تو را خواسته‌ام، و از تو می‌خواهم که سفرم را مبارک گردانی و حاجتم را برآورده سازی و مرا قرار دهی از جمله بهترین کسانی که به وجودشان در برابر کسی که از من بهتر است، مباحات می‌کنی».

### مکروهات احرام حج

آنچه که در مکروهات احرام عمره گذشت، در احرام حج نیز جاری است.

### مستحبات عرفات

مستحبات در موقف عرفات فراوان است، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. نیت وقوف در عرفات را به زبان بگویند، به این گونه که: «از هنگام زوال (ظهر شرعی) روز نهم ذی‌حجه تا غروب آفتاب برای انجام حج تمتع از حجة الاسلام به جهت آنکه واجب است در عرفات می‌مانم قربة إلى الله»، و اگر حج استحبابی و یا قضا و یا نیابتی است آنرا نیز ذکر کند، و در حج نیابتی اسم منوب عنه را نیز به زبان آورد.

۲. در زمین همواری که طرف چپ «جبل الرحمه» است وقوف نماید، به طوری که اگر شخصی از مکه بیاید و مقابل کوه بایستد قسمتی که وقوف می‌نماید طرف چپ او قرار گیرد. و بالا رفتن از کوه کراهت دارد.

۳. غسل، و بهتر آن است که مقارن زوال انجام گیرد.

۴. نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه بخواند، و در این جهت تفاوتی بین امام و مأموم و جماعت و فرادا و قصر و یا تمام نیست.

۲۴۲.....مناسک جامع حج

۵. اثاث خود را جمع‌تر چیده، و با دوستانش در کنه هم وقوف نمایند.
۶. و بهتر آن است که در صورت امکان در «وادی نمره» که نزدیک به عرفات است خیمه بزند، ولی در آنجا وقوف نکند، زیرا وقوف در وادی نمره به لحاظ آنکه در سرزمین عرفات نیست کفایت نمی‌کند.
۷. طهارت از حدث.
۸. کاملاً متوجه به ذات اقدس حق بوده، و از هر چیزی که ذهن او را مشوش می‌کند خود را فارغ نماید.
۹. در تمام وقت وقوف روی پا بایستد، و اگر نمی‌تواند، بعضی از وقت را روی پا بایستد، و بقیه را بنشیند، مگر آنکه ایستادن او را از حال توجه و دعا باز دارد، که در این صورت بهتر آن است که بنشیند.
۱۰. رو به قبله بودن.
۱۱. خداوند را حمد و ثنا گفته، و تمجید نماید، و به ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «اللَّهُ أَكْبَرُ» متذکر باشد.
۱۲. تا می‌تواند دعا کند، و از خوف خداوند بگرید، زیرا دعا بهترین اعمال این روز است، هیچ چیز برای شیطان محبوب‌تر از این نیست که بنده‌ای را از حال دعا در این روز غافل گرداند.
۱۳. مبادرت نسبت به دعا برای خود و پدر و مادر و برادران مؤمن که اقل آن دعا برای چهل مؤمن است، و در روایت است که خداوند فرشته‌ای را موکل بر او قرار می‌دهد تا برای او از خداوند متعال صد هزار برابر آنچه را برای برادر مؤمن خود می‌خواهد، طلب نماید.

فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۴۳

۱۴. یکایک گناهان را به یاد آورده، و یا مجموع آنها را در نظر گرفته، و توبه نماید، و از خداوند طلب مغفرت نماید.

۱۵. پناه بردن به خداوند متعال از شرّ شیطان.

۱۶. درود فرستادن بر پیامبر اکرم و خاندانش ﷺ

۱۷. صد بار بگوید: «الله اکبر» و صد بار «لا إله إلا الله» و صد بار «الحمد لله»

و صد بار «سبحان الله» و صد مرتبه «ما شاء الله و لا قوة إلا بالله» و صد بار «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد».

۱۸. بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

«شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا که شریکی برای او نیست وجود ندارد. ستایش و ملک برای خداست. همه خیرات در دست اوست و او بر هر چیز تواناست».

۱۹. خواندن ده آیه از اول سوره بقره.

۲۰. خواندن صدبار سوره توحید «قل هو الله أحد».

۲۱. خواندن صدبار آیه الکرسی.

۲۲. خواندن صدبار سوره قدر «إنا أنزلناه في ليلة القدر».

۲۳. خواندن آیه شریفه:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ

يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ  
وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ<sup>۱</sup>.

۲۴. خواندن سوره فلَق.

۲۵. خواندن سوره ناس.

۲۶. تکرار درود و صلوات فراوان بر پیامبر ﷺ و خاندانش.

۲۷. خداوند را بر همه نعمت‌هایی که به او عنایت کرده، از گوش و چشم و خانواده و فرزند و مال ستایش کرده، و در حد امکان یکایک آنها را در مقام شکرگزاری نام ببرد.

۲۸. با آیات قرآنی که در آن حمد الهی آمده است خداوند را حمد کند، و با هر آیه‌ای که خداوند خود را در آن تسبیح کرده است خداوند را تسبیح کند، و با هر آیه‌ای که تکبیر خداوند آمده است تکبیر بگوید و با هر آیه‌ای که در آن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» آمده است تهلیل گوید، و هر چه می‌تواند بر پیامبر و خاندانش ﷺ درود بفرستد، و خداوند را با اسم‌هایی که در قرآن برای او آمده است، و اختصاص به او دارد بخواند، بالخصوص خداوند را با اسمائی که در آخر سوره حشر آمده است بخواند:  
«أَسْأَلُ اللَّهَ بِأَنَّهُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ  
الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ، سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ، هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ  
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ».

«از خداوند مسئلت می‌نمایم که او خدایی است که جز او معبودی نمی‌باشد، او فرمانروا و قدوس و سلام و مؤمن و مهیمن و عزیز و جبار و متکبر است، منزه

است خداوند از آنچه به او شرک می‌ورزند او خدایی است آفریننده و پدیدآورنده و صورت‌بخش، برای او نام‌های نیکوست، آنچه در آسمان‌ها و زمین است او را تسبیح می‌گویند و او عزیز و حکیم است».

سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَتِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَى بِعَمَلٍ».

«خداوندا، تو را ستایش بر نعمت‌هایت که قابل شمارش نیست و با هیچ عملی نمی‌توان از عهده شکر آنها بیرون شد».

۲۹. و نیز بگوید:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمْعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا، وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تُجِيبَهُ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرَدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ»<sup>۱</sup>.

«از تو می‌خواهم ای خدا، ای رحمان، به حق هر اسمی که تو را است و از تو می‌خواهم به نیرو و قدرت و عزت و به همه آنچه که علم تو به آن احاطه دارد و به ارکان و به حق پیامبرت که درود تو بر او و بر خاندانش باد و به حق اسم بزرگ بزرگ بزرگت و به حق نام عظیم تو که هرکس تو را به آن خواند بر توست که او را جواب دهی و به نام بزرگ بزرگ بزرگت که هر کس تو را به آن خواند بر تو

۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۴۲.

۲۴۶..... مناسک جامع حج

است که او را نومید باز نگردانی و آنچه از تو درخواست نمود به او عطا فرمایی، همه گناهانم را که از آن آگاهی داری، بیامری».

۳۰. تمام حاجات دنیوی و اخروی خود را از خداوند بخواهد، و از او بخواهد که هر سال او را به مهمانی خانه‌اش بپذیرد.

۳۱. هفتاد بار از خداوند متعال بهشت را طلب کند.

۳۲. آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ فُكِّنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! مرا از آتش آزاد کن و از روزی حلال و پاکیزه‌ات بر من وسعت بخش و شر فاسقان جن و انس و شر فاسقان عرب و عجم را از من دور دار». و این دعا را تا غروب نشده تکرار نماید.

۳۳. و طبق روایت معاویه بن عمّار از حضرت صادق علیه السلام این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ فَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَخِيْبٍ وَفِدِكَ وَارْحَمْ مَسِيرِي إِلَيْكَ مِنَ الْفَجِّ الْعَمِيقِ»<sup>۲</sup>.

«خداوندا! من بنده توام پس مرا از نومیدترین واردشدگان بر خویش قرار مده و به آمدنم از راه دور به سویت ترحم بخش».

۳۴. این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي، وَلَا تَخُدِّعْنِي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، يَا

۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۴۲.

۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۸۲.

أَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! ای پروردگار تمام مشاعر حج، مرا از آتش رهایی بخش و از روزی حالات بر من وسعت ده و شر فاسقان جن و انس را از من دور دار! خداوندا! مرا اغفال نکن و فریب مده و با دادن نعمت‌های پیاپی مغرورم مساز، خداوندا! از تو می‌خواهم به قوت و جود و کرم و فضل و منتت ای شنواترین شنوایان و ای بیناترین بینایان، و ای سریع‌ترین محاسبه‌کنندگان و ای مهربان‌ترین مهربانان که بر محمد و خاندانش درود فرستی و خیر دنیا و آخرت را به من روزی فرمایی»، و حاجات خود را طلب کند.

۳۵. دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده، و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ، إِنْ أَعْطَيْتَهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَفِئَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوقِنِّي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرْتِيهَا إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَكَ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا حَبِيبَكَ مُحَمَّدًا ﷺ»<sup>۲</sup>.

«خدایا حاجتم به سوی توست، اگر آن را عطا کنی دیگر هرچه را از من دریغ کنی زیانم نزند و اگر آن را از من دریغ داری هرچه به من عطا کنی دیگر سودم ندهد، از تو می‌خواهم که از آتش دوزخ رهایی سازی، خداوندا! منم بنده تو و سرنوشتم به دست توست به مدت عمرم تو آگاهی، از تو می‌خواهم که مرا به

۱. کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۳۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۳۳.

اسباب خشنودی‌ات توفیق دهی و مناسک حج را که به خلیلت ابراهیم علیه السلام ارائه فرمودی و به پیامبرت حضرت محمد صلی الله علیه و آله راهنمایی کردی حفظ و سالم داری».

۳۶. این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَأَطَلَتْ عُمُرُهُ وَأَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيِّبَةً».  
«خداوندا! مرا از کسانی قرار ده که از عملشان خشنودی عمرشان را طولانی و زندگی پس از مرگشان را پاکیزه ساختی».

۳۷. دعایی را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آموخت بخواند.

۳۸. خواندن دعای حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه.

۳۹. خواندن دعای حضرت امام سجاد علیه السلام در روز عرفه.

۴۰. خواندن زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در روز عرفه.

۴۱. نزدیک غروب آفتاب این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنْ تَشْتَتِ الْأُمُورِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْدُثُ لِي بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَصْبَحَ ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ وَأَصْبَحَ وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، وَأَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَالْبَسْنِي عَافِيَتَكَ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! به تو پناه می‌برم از ناداری و از آشفتگی کارها و از شر حوادث شب و روز که بر من رخ می‌دهد، از ظلم خویش به عفو و از ترس خود به امنیت و امان تو و از گناهانم به عزت تو و از فنای خویش به ذات باقی تو پناه می‌برم، ای بهترین کسی که از او درخواست کنند و ای بخشنده‌ترین بخشندگان و ای

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۱.



مهربان‌ترین مهربانان به رحمت بزرگم بدار و جامه عافیت بر من بیوشان و شرّ همه آفریده‌هایت را از من بازگردان و خیر دنیا و آخرت را روزیم دورگردان». پس حاجات خود را طلب کند.

۴۲. و پس از غروب آفتاب این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحِجَاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالْعَافِيَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِي»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! وقوفم در این جایگاه را، آخرین وقوف قرار مده، و تا زنده هستم، بازگشت به اینجا را روزی‌ام گردان و با رستگاری و دعای مستجاب بازم گردان در حالی که مشمول مغفرت و رحمت قرار گرفته باشم به بهترین صورتی که امروز فردی از واردشدگان به درگاه خویش و حجاج بیت الله الحرامات را باز می‌گردانی، و مرا از گرامی‌ترین واردشدگان بر خویش قرار ده و به من بهترین خیر و برکت و رحمت و خشنودی و آمرزش را که به یکی از آنان عطا می‌فرمایی عطا کن و به خانواده و دارایی کم یا بسیارم برکت بخش».

و چون خورشید غروب کرد، و حُمره مشرقیه گذشت، با آرامش و وقار در حال اشتغال به دعا و استغفار به طرف مشعر حرکت کند، و در رفتن میانه‌رو باشد، و از مزاحمت دیگران بپرهیزد، و چون به «تلّ رمل قرمز» که در طرف راست جاده است رسید، بگوید:

۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۴۳.

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَوْفِقِي وَبَارِكْ فِي عَمَلِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي»<sup>۱</sup>.

«بار الها بر جایگاه توقف من رحم کن و عملم را مبارک گردان و دینم را سالم دار و مناسکم را قبول کن».

### مستحبات وقوف در مشعر الحرام

۱. چون به وادی مشعر رسید، در طرف راست سرزمین مشعر پیاده شود، و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَقْبِلَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ»<sup>۲</sup>.

«خداوندا! همه خوبی‌ها را برایم در اینجا، جمع و فراهم ساز، خداوندا! مرا از برآورده شدن خواسته‌های قلبی‌ام نومید مساز، و از تو می‌خواهم که از آن شناختی که به اولیایت در اینجا عطا کرده‌ای به من نیز عنایت کن، و از مجموعه بدی‌ها محفوظم دار».

۲. با طهارت باشد، و به هنگام صبح غسل کند، و با آن نماز صبح را بخواند.

۳. پایین کوه رو به قبله کند.

۴. شهادتین را بگوید، و بر پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام یک‌ایک درود بفرستد، و

برای آنان و تعجیل در فرج حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه‌السلام دعا کند، و از دشمنانشان تبری جوید، بلکه احتیاط آن است که در مشعر ذکر صلوات بر پیامبر اکرم و اهل بیت گرامی‌اش را ترک نکند.

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۴۴.

۲. کلین، الکافی، ج ۹، ص ۴۴.

۵. این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ،  
وَأَذْرُأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ؛ اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ، وَخَيْرُ  
مَسْئُولٍ، وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَتَقْبَلَ  
مَعْدِرَتِي، وَأَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا رَادِي»<sup>۱</sup>.

«ای خدا، ای پروردگار مشعرالحرام! آزادم کن از آتش دوزخ، از روزی حلال  
بر من توسعه بخش، شر فاسقان از جن و انس را از من دفع کن، تو بهترین  
طلب شده و بهترین کسی هستی که او را خوانند و از او خواهند، هر که به درگاہت  
آید او را جایزه ای است، جایزه مرا در اینجا چنین قرار ده که از لغزشم درگذری،  
پوزشم را بپذیری، از خطایم درگذری و ره توشه ام را از دنیا تقوا قرار دهی، ای  
مهربان ترین مهربانان».

۶. برای خود و والدین و فرزندان و خانواده و مؤمنین و مؤمنات به خداوند  
متعال التماس نماید، و دعا کند.

۷. صد بار بگوید: «الله اکبر».

۸. صد بار بگوید: «الحمد لله».

۹. صد بار بگوید: «سبحان الله».

۱۰. صد بار بگوید: «لا إله إلا الله».

۱۱. این دعای شریف را بخواند:

«اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنَ الضَّلَالَةِ، وَأَنْقِذْنِي مِنَ الْجَهَالَةِ، وَاجْعَلْ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَخُذْ

۱. کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۴۶.

بِنَاصِيَّتِي إِلَى هُدَاكَ، وَأَنْقُلْنِي إِلَى رِضَاكَ، فَقَدْ تَرَى مَقَامِي بِهَذَا الْمَشْعَرِ، الَّذِي أَنْخَفَضَ لَكَ فَرَفَعْتَهُ، وَذَلَّ لَكَ فَأَكْرَمْتَهُ، وَجَعَلْتَهُ عَلَمًا لِلنَّاسِ، فَبَلِّغْنِي فِيهِ مُنَايَ وَنَيْلَ رَجَائِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، أَنْ تُحَرِّمَ شَعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ، وَأَنْ تَرْزُقَنِي حَيَاةً فِي طَاعَتِكَ، وَبَصِيرَةً فِي دِينِكَ، وَعَمَلًا بِفَرَائِضِكَ، وَاتِّبَاعًا لِأَمْرِكَ، وَخَيْرَ الدَّارَيْنِ، وَأَنْ تُحْفِظَنِي فِي نَفْسِي، وَوَالِدِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَإِخْوَانِي وَجِيرَانِي، بِرَحْمَتِكَ».

«خداوندا مرا از گمراهی هدایت کن و از نادانی نجات ده و به من خیر دنیا و آخرت را عنایت فرما و مرا به هدایتت رهنمون ساز و به مقام رضای خود حرکت ده، به تحقیق جایگاهم را در این مشعر می بینی، همان کسی که برای تو خوار گردیده و تو او را بالا بردی و برای تو ذلیل شده و تو او را اکرام کردی، و او را هدایتی برای مردم قرار دادی، پس مرا به مقاصد و آرزوهایم برسان. خداوندا به حق مشعرالحرام از تو می خواهم که مو و پوستم را بر آتش حرام نمایی و زندگی در اطاعت خودت را روزیم نمایی، و بصیرت در دین و عمل به واجبات و تبعیت از دستورات و خیر دو دنیا را نصیب کنی و مرا، پدرم و فرزندانم و خانواده ام، برادرانم و نزدیکانم را حفظ نمایی، ای مهربان ترین مهربانان».

۱۲. در دعا و تضرع به پیشگاه خداوند سبحان سعی فراوان کند تا آنکه خورشید طلوع نماید، و سزاوار است آن شب را احیا بدارد، زیرا که درهای رحمت الهی به سوی بندگان در آن شب باز است، و خداوند عزوجل می فرماید: «من پروردگار شمایم و شما بندگان من هستید، شما حق مرا ادا کردید، و سزاوار است که من دعای شما را اجابت نمایم».

۱۳. نماز مغرب و عشا را در مشعر بخواند، اگرچه تا قبل از نیمه شب به تأخیر

## فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۵۳

افتد، و اگر بیشتر به تأخیر می‌افتد قبل از مشعر نماز بخواند، و جمع کند بین نماز مغرب و عشاء، و بدون فاصله بین آنها، با یک اذان و اقامه برای نماز مغرب، و یک اقامه برای نماز عشاء، و از این رو نافله مغرب را پس از نماز عشا بخواند.

۱۴. از کوه «قَرَح» بالا رود، و خداوند متعال را یاد کند، و با پای برهنه بر آن راه برود، بالخصوص اگر ضروره است (بنابر احتیاط).

۱۵. مستحب است که کمی قبل از طلوع خوشید به سوی منا حرکت را آغاز کرده، ولی از وادی محسّر عبور نکنند، بلکه بنابر احتیاط قبل از طلوع فجر وارد وادی محسّر نیز نشود، اگرچه اقوی آن است که می‌تواند داخل وادی محسّر شود، ولی اگر با فاصله زیادی قبل از طلوع آفتاب حرکت کند، و از مشعر خارج شود، بنابر احتیاط یک گوسفند بدهد، اگرچه اقوی عدم وجوب کفّاره است.

۱۶. قبل از رسیدن به کوه «تیبیر» هفت بار اعتراف به گناهان و لغزش خود کرده، و نسبت به انجام آنها استغفار نماید.

۱۷. به هنگام کوچ از مشعر به سوی منا خداوند را یاد کرده، و استغفار نماید.

۱۸. در وادی محسّر به مقدار صد ذراع و یا صد قدم با آرامش و وقار حرکت

کند، و در آن هنگام بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَأَخْلِفْنِي فِيْمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

«خدایا! پیمانم را سالم، توبه‌ام را پذیرا و دعایم را مستجاب فرما و در آنچه پس

خویش نهادم، جانشین باش».

و بگوید:

«رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ».

«خدایا بخشش و رحم نما و از آنچه میدانی در گذر که تو عزیز و کریم هستی».

و اگر حرکت به نحو مذکور را ترک کرد، مستحب است برای جبران به مشعر بازگردد.

۱۹. بهتر آن است که حدود هفتاد سنگریزه و یا بیشتر که برای رمی جمرات در منا لازم دارد از مشعر بردارد، و اگر نشد بهتر است از منا سنگریزه‌ها را جمع کند، و در غیر این صورت جایز است از غیر مشعر و منا هر جایی که داخل حرم محسوب می‌شود سنگریزه‌ها را جمع نماید.

### مستحبات در جمع آوری سنگریزه‌ها

۱. سنگریزه‌ها را شبانه از مشعر برداشته، و گرنه از منا بردارد.
۲. سنگریزه‌ها به رنگ سرمه‌ای باشد.
۳. سنگریزه‌ها نقطه‌دار باشد.
۴. سنگریزه‌ها شکسته‌شده نباشد.
۵. سنگریزه‌ها سخت نبوده و تا حدودی سست باشد.
۶. سنگریزه‌ها از قبل جدا شده باشد، و کراهت دارد که سنگ بزرگ‌تری را بشکنند و به صورت سنگریزه درآورد.
۷. سنگریزه‌ها به اندازه بند انگشتان باشد.
۸. در صورتی که سنگریزه‌ها آلوده است، آنها را با آب شستشو دهد.

### مستحبات رمی جمرات

۱. پیاده رمی کند.
۲. با وضو رمی کند، بلکه وضو داشتن احوط است.

۳. با آرامش و وقار به رمی جمرات برود.

۴. جمره عقبه را پشت به قبله رمی کند، به خلاف دو جمره دیگر، که مستحب

است رو به قبله آنها را رمی نماید.

۵. حدود ده ذراع و بهتر این است که پانزده ذراع از جمره فاصله بگیرد.

۶. سنگریزه‌ها را در دست چپ گرفته، و یکی یکی با دست راست رمی نماید.

۷. طبق روایت معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السلام در هنگام رمی بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصَبَاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي»<sup>۱</sup>

«خداوندا! این است سنگریزه‌هایم، آنها را برایم شمارش کن، و در نامه عملم

ثبت فرما».

۸. در صورت ممکن، سنگریزه‌ها را بر انگشت ابهام گذارده، با ناخن انگشت

سیابه (شهادت) آن را پرتاب کند.

۹. به هنگام انداختن هر سنگریزه بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ، وَعَلَى سُنَّةِ

نَبِيِّكَ صلی الله علیه و آله، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا»<sup>۲</sup>

«خدا بزرگ است، خداوندا! شیطان را از من دور ساز، خداوندا! (این عمل را

انجام دادم) در حالی که به کتاب تو و سنت پیامبر تو معترفم. خداوندا! این (حج)

را برای من حجی خالص و مقبول و تلاشی با پاداش مضاعف و گناهی آمرزیده

قرار ده».

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۷۵.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۷۵.

و جایز است به گفتن «الله اکبر» اکتفا نماید.

۱۰. و چون رمی به پایان رسید و به خانه بازگشت بگوید:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الرَّبُّ أَنْتَ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! به تو اعتماد و بر تو توکل کردم، پس چه نیکو پروردگار و خوب

مولا و نیکو یاور هستی».

### مستحبات قربانی

۱. قربانی بسیار فریه باشد.

۲. اگر قربانی شتر یا گاو است ماده باشد، و اگر گوسفند است نر باشد، و اگر

قوچ است سیاه رنگ و دارای شاخ‌های بزرگ باشد.

۳. شتر را در حال ایستاده و در حالی که از سر دست‌ها تا زانوی آن بسته باشد

نحر نماید، و کسی که قربانی می‌کند در طرف راست شتر بایستد، و کارد یا نیزه یا

خنجر را به گودی گردنش فرو برد.

۴. خود حاجی قربانی را ذبح یا نحر کند، و اگر نمی‌تواند دست خود را روی

دست ذابح و یا نحر کنند بگذارد.

۵. در نحر شتر و ذبح گاو یا گوسفند، طبق روایت معاویه بن عمار از حضرت

صادق علیه السلام بگوید:

«وَجَهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ،  
إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۲۷۵.



الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي»<sup>۱</sup>.

«به کسی روی آوردم که پدیدآورنده آسمان و زمین است، در حالی که خداپرست و مسلمانم و از مشرکان نمی‌باشم، نماز، عبادت، زیستن و مردنم برای پروردگار جهانیان است، او را همتایی نیست، به این کار امر شده‌ام و من از جمله مسلمانانم، خداوندا! همه چیز از توست و برای تو است، به نام خدا! و خداوند بزرگ است، خداوندا! از من بپذیر».

۶. و بهتر است که پس از آن نیز بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَمُوسَى كَلِيمِكَ وَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ».

«خداوندا از من قبول نما، همان‌طور که از ابراهیم خلیل خود و موسی کلیم خود و محمد ﷺ حبیب خود قبول نمودی».

### مستحبات حلق و تقصیر

۱. نیت حلق و تقصیر را به زبان آورد، و بگوید: «حلق می‌کنم در حج تمتع واجب قربۀاً إلى الله» و اگر تقصیر می‌کند، بگوید: «تقصیر می‌کنم...».
۲. رو به قبله حلق و تقصیر کند و در آن هنگام «بسم الله» بگوید.
۳. حلق را از طرف راست جلو سر شروع کند.
۴. طبق روایت معاویه بن عمّار از حضرت صادق ﷺ بگوید:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۲</sup>.

۱. کلین، الکافی، ج ۹، ص ۱۲۲.

۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۴۴.

«خداوندا! به شمار هر مو، نوری در قیامت به من عطا فرما».

و بهتر آن است که به آن بیفزاید:

«وَحَسَنَاتٍ مُّضَاعَفَاتٍ، وَكَفَّرَ عَنِّي السَّيِّئَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

«و نیکی های مضاعف عنایت کن و گناهانم را بپوشان که تو بر هر چیز توانایی».

۵. و بهتر آن است که این دعا را که گذشت با صلوات بر پیامبر ﷺ و خاندانش

ختم نماید.

۶. موهای خود را در منا و یا در خیمه اش دفن نماید.

### مستحبات اعمال مکه مکرمه

۱. غسل کردن قبل از ورود به مسجدالحرام، و بهتر آن است که در منا برای

ورود به مکه نیز غسل نماید.

۲. گرفتن ناخن ها و شارب (سبیل).

۳. ذکر خداوند را به جا آورده، و بر پیامبر اکرم و خاندانش ﷺ درود بفرستد.

۴. در مقابل درب مسجدالحرام ایستاده، طبق روایت معاویه بن عمّار از حضرت

صادق ﷺ بگوید:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ، وَسَلِّمْنِي لَهُ، وَسَلِّمَهُ لِي، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ،  
الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ  
بِلَدِّكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْفُ طَاعَتَكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ،  
أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ  
لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ»<sup>۱</sup>.

۱. کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۱۵۷.

«خداوندا! مرا بر عبادتت یاری کن، و مرا بر عبادت خود سلامت دار و آن را برای من سالم دار، از تو درخواست می‌کنم همان‌گونه که بنده ناتوان، خوار، معترف به گناه از تو درخواست می‌نماید، که گناهانم را ببخشایی و با حاجت برآورده شده بازم گردانی، خداوندا! من بنده تو و این شهر شهر تو، و خانه خانه توست، برای طلب رحمت و به قصد عبادت تو آمده‌ام در حالی که پیرو دستورات توام و به تقدیرت راضی‌ام. همچون بیچاره‌ای مطیع فرمانت، بیمناک از عذابت و ترسان از کيفرت از تو می‌خواهم که مرا مشمول عفو قرار دهی و به‌خاطر رحمتت از آتش پناهم دهی.»

۵. رفتن به طرف حجرالأسود، و در صورت ممکن حجر را استلام کرده و بیوسد، و اگر بوسیدن ممکن نبود با دست آن را لمس کرده، و دست خود را بیوسد، و اگر این نیز میسر نشد رو به حجر ایستاده، و با دست به آن اشاره کرده، و دستش را بیوسد، و تکبیر بگویند، و همان دعا که در طواف عمره ذکر شد، بخواند.

۶. از آب زمزم بنوشد.

۷. از باب صفا برای سعی به کوه صفا برود.

۸. استحباب تمام آنچه که در طواف، و نماز طواف و سعی در عمره تمتع گذشت، در طواف، نماز طواف و سعی در حج نیز جاری است.

### مستحبات منا

۱. به هنگام بازگشت از مکه به منا بگویند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ

النَّصِيرُ»<sup>۱</sup>

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۶۱.

## ۲۶۰..... مناسک جامع حج

«خداوندا! به تو تکیه نمودم و به تو ایمان آورده و بر تو توکل نمودم، ای بهترین پروردگار، بهترین سرپرست و بهترین یاور».

۲. روزها را در منا بماند، و ماندن در منا از بازگشت به مکه برای انجام طواف مستحب افضل است.

۳. پس از پانزده نماز - از نماز ظهر روز عید قربان تا نماز صبح روز سیزدهم - تکبیر بگویند، و اگر روز سیزدهم از منا کوچ نکرد، گفتن تکبیر پس از نمازهای مستحب نیز استحباب دارد.

۴. طبق روایت معاویه بن عمّار از حضرت صادق علیه السلام بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا، وَاللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».<sup>۱</sup>

«خدا بزرگ است، معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ است، خدا بزرگ است و ستایش مخصوص خداست، خدا بزرگ است برای آنکه ما را هدایت کرد و ستایش مخصوص خداست برای آنکه ما را آزمود، خدا بزرگ است برای آنکه از گوشت چهارپایان روزی ما کرد».

## مستحبات و اعمال مسجد خیف

۱. برای کسی که در منا می ماند، مستحب است تمام نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بخواند، و بهتر آن است که نمازها را در محل نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله بخواند، و در حدیث آمده است: «خواندن صد رکعت نماز در مسجد خیف، قبل از کوچ از منا معادل هفتاد سال عبادت است».

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۵۴.

## فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۶۱

۲. صد بار بگویند: «سبحان الله» که طبق روایت، معادل آزاد کردن یک بنده در راه خداست.
۳. صد بار بگویند: «لا إله إلا الله» که طبق روایت، معادل ثواب احیای نفس است.
۴. صد بار بگویند: «الحمد لله» که طبق روایت برابر با انفاق خراج عراقین (دو شهر بصره و کوفه) در راه خدا است.
۵. خواندن شش رکعت نماز، و بهتر آن است که این نمازها را قبل از حرکت از منا بخواند.

### مستحبات بازگشت به مکه

۱. غسل برای ورود به مکه و ورود به مسجدالحرام.
۲. وارد شدن به مسجد از باب بنی شیبه (بنا به گفته مرحوم شهید<sup>(ع)</sup>).
۳. داخل شدن به خانه خدا (کعبه)، زیرا همان گونه که در روایت آمده است، دخول در کعبه به منزله دخول در رحمت الهی، و خروج از آن به منزله خروج از گناهان است، و برای کسانی که سال اول آنها است اگر مرد هستند این استحباب تأکید شده است، ولی برای زنان این استحباب تأکید نشده است.

### مستحبات ورود به کعبه شریفه

۱. قبل از ورود به کعبه غسل کند.
۲. با پای برهنه وارد کعبه شود.
۳. هنگام ورود بگوید:  
«اللَّهُمَّ أَنْتَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

۲۶۲.....مناسک جامع حج

«خدوندا! تو در کتابت گفتی که هر کس وارد مکه شود در امنیت است، پس مرا از عذاب آتش جهنم امان ده».

و برای کسی که سال اول اوست سزاوار است که در چهار گوشه کعبه آن دعا را تکرار کند.

۴. اگر کسی تقاضای فرزند از خداوند متعال دارد، طبق روایت معاویه بن عمّار از حضرت صادق علیه السلام ظرفی از آب زمزم بر خود بریزد، و سپس داخل بیت الله شود، و چون مقابل درب خانه ایستاد حلقه درب را بگیرد، و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ الْبَيْتَ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدَ عَبْدُكَ، وَقَدْ قُلْتُ: (وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا)¹ فَاْمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ، وَأَجْرِنِي مِنْ سَخَطِكَ»².

«خداوندا! خانه خانه توست و بنده بنده توست و فرمودی: «هر که واردش گردد (مکه) در امان است، پس مرا از عذاب و خشم خود در امان دار».

۵. سپس وارد بیت شود، و بر سنگ قرمزی که در آنجاست دو رکعت نماز بخواند، و سپس به طرف پایه‌ای که در مقابل حَجَر است بایستد، و سینه خود را بچسباند و بگوید:

«يَا وَاحِدُ، يَا أَحَدُ، يَا مَا جُدُّ، يَا قَرِيبُ، يَا بَعِيدُ، يَا عَزِيزُ، يَا حَكِيمُ، لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ»³.

«ای یکتا، ای بی همتا، ای بلندمرتبه، ای نزدیک، ای دور، ای عزیز، ای دانا، مرا

۱. آل عمران، ۹۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۱۹۹.

۳. کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۲۰۰.

تنها رها مکن در حالی که تو بهترین وارثین هستی، مرا فرزندان نیکو عطا فرما که تو شنونده دعا هستی».

۶. و سپس نزدیک به پایه شده، و پشت و شکم را به آن بچسباند، و دعا را تکرار کند.

۷. خواندن دو رکعت نماز در هر زاویه از بیت.

۸. این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِيَوْمِ فَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءٍ رَفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَتَعَبَّيْتُ وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءٍ رَفْدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ؛ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَلَكِنِّي آتَيْتُكَ مُقَرَّراً بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ، فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي، وَتُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَتَقْلِبَنِي بَرَعَتِي، وَلَا تُرَدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تُغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! هر کسی خود را برای میهمان شدن بر مخلوقی به امید هدیه و جایزه او آماده و خسته و مهیا کرده، پس من خودم را به امید هدیه و جایزه تو آماده و مهیا و خسته کرده‌ام. پس امیدم را امروز ناامید نساز، ای کسی که هیچ سائلی را ناامید نمی‌سازی، و اکرام و عطای او باعث کمبود او نمی‌شود. امروز من عمل صالحی برای تقدیم به تو ندارم و یا به شفاعتی از مخلوقی امید ندارم و در حالی

۱. کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۱۹۵.

که به ظلم و بدی به خودم معترفم نزد تو آمدم. پس به درستی که هیچ عذر و بهانه‌ای ندارم. پس ای خدایی که این چنین هستی، از تو می‌خواهم که حاجتم را برآورده سازی و گناهم را ببخشی و مرا با میل و رغبت خود به سوی خانه‌ام بازگردانی و مرا ناامید و محروم بازنگردانی. ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ از تو خواهش می‌کنم برای کار بزرگی که از تو می‌خواهم ای بزرگ، که گناه بزرگ مرا ببخشی، خدایی جز تو نیست.

۹. اگر به جهت ازدحام نتواند به هر زاویه برود، رو به آن بایستد.

۱۰. در محل نمازش به خداوند متعال التماس کرده و دعا نماید، و

تکبیر بگوید.

۱۱. در وسط کعبه به سجده افتاده، و طبق روایت از حضرت صادق علیه السلام بگوید:

«لَا يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يُجِيرُ مِنْ عَذَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ وَلَا نَجَاءَ مِنْكَ إِلَّا بِالْتَضَرُّعِ إِلَيْكَ فَهَبْ لِي يَا إِلَهِي فَرَجًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا تُحْيِي أَمْوَاتَ الْعِبَادِ وَبِهَا تُنْشُرُ مَيِّتَ الْبِلَادِ وَلَا تُهْلِكُنِي يَا إِلَهِي عَمَّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي دُعَائِي وَتُعَرِّفَنِي الْإِجَابَةَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَافِيَةَ إِلَى مُتَهَيِّ أَجَلِي وَلَا تُشِمِّتْ بِي عَدُوِّي وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ عُنُقِي، مَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي إِنْ وَضَعْتَنِي، وَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي إِنْ رَفَعْتَنِي وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي، فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْزِضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِكَ فَقَدْ عَلِمْتُ يَا إِلَهِي أَنَّهُ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي نَقْمَتِكَ عَجَلَةٌ وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْفُوتَ وَيَخْتِاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ، إِلَهِي فَلَا تُجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا وَلَا لِنَقْمَتِكَ نَصَبًا وَمَهْلِنِي وَنَفْسِنِي وَأَقْلِبْنِي عَثْرَتِي وَلَا تَرُدَّ يَدَيَّ فِي نَحْرِي وَلَا تُتْبِعْنِي بِبَلَاءٍ عَلَى آثَرِ بَلَاءٍ فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَأَنْسِي بِكَ، أَعُوذُ بِكَ الْيَوْمَ فَأَعِذْنِي وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي وَأَسْتَعِينُ



بِكَ عَلَى الضَّرَّاءِ فَأَعْيِي وَأَسْتَنْصِرُكَ فَأَنْصُرِنِي وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَأَكْفِنِي وَأُؤْمِنُ بِكَ فَأَمِنِّي  
وَأَسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي وَأَسْتَرْجِمُكَ فَارْحَمْنِي وَأَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا تَعَلَّمْتُ فَأَغْفِرْ لِي وَأَسْتَرْزُقُكَ مِنْ  
فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَارْزُقْنِي وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»<sup>۱</sup>

«خشم تو را چیزی دور نمی‌سازد مگر حلم تو و به جز رحمت تو چیزی از عذاب تو امان نمی‌دهد و راه نجاتی جز با تضرع به سوی تو نیست، پس با قدرتی که اموات از بندگانت و مردگان سرزمین‌ها را زنده می‌کنی فرجی به من عطا نما. مرا مغموم از دنیا مبر تا آنکه دعایم را مستجاب نموده و اجابت آن را نشان دهی. خدایا تا پایان عمرم عافیت را روزی‌ام گردان و دشمن شادم نفرما، و او را بر من مسلط نکن. خدایا! اگر تو مرا در دید مردم پایین آوردی چه کسی توان بالا بردن من را دارد؟ و اگر مرا در نزد مردم بالا بردی چه کسی می‌تواند مرا پایین آورد؟ اگر قصد هلاک مرا کنی چه کسی درباره بندهات متعرض تو می‌شود یا از تو بازخواست می‌نماید؟ خدای من به تحقیق دانستم که در حکم تو ظلم و در عذاب تو عجله‌ای نیست، زیرا کسی عجله می‌کند که ترس از فوت و گذشتن وقت داشته باشد و به ظلم کردن به ضعیف نیاز داشته باشد. خدای من تو بلندمرتبه‌تر از این کار هستی. خدایا مرا هدف بلا و عذابت قرار مده، مرا مهلت ده و گناهم را ببخش و دستم را به سوی گلویم برنگردان و مرا با بلا در پس بلا گرفتار مساز. تو ضعف و تضرع و زاری مرا به سوی خود و وحشتم از مردم و انس خودم به تو را می‌بینی. پس امروز به تو پناه می‌برم، پس مرا پناه ده و امان از تو می‌خواهم پس امانم ده، و در سختی‌ها از تو کمک

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۷۶-۲۷۷.

می خواهم پس کمکم نما، و از تو یاری می طلبم پس یاری ام نما و بر تو توکل می کنم پس مرا کفایت بنما، و به تو ایمان می آورم پس مرا امان ده، از تو طلب هدایت می کنم پس هدایتم نما، و به خاطر آنچه از من می دانی می کنم از تو طلب رحمت و مغفرت می کنم، پس مرا ببخش و از فضل بی کران تو طلب رزق و روزی می نمایم، پس مرا روزی ده و هیچ نیرو و قوتی نیست مگر با استعانت خدای بزرگ».

۱۲. هنگام خروج از کعبه، سه بار تکبیر بگویند.

۱۳. طبق روایت از حضرت صادق علیه السلام این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ لَا تُجْهِدْ بِلَائِي وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ»<sup>۱</sup>.

«خدایا گرفتاریم را سخت و مشکل مکن و ما را دشمن شاد مفرما، پس به تحقیق

تو زیان بخش و سودرسان هستی».

۱۴. به هنگام خروج، از سمت چپ خارج شود، و دو رکعت نماز بگزارد.

### استحباب نوشیدن آب زمزم

نوشیدن آب زمزم و سیراب کردن خود از آن مستحب است، زیرا خداوند شفا را در آن قرار داده، و امراض را به وسیله آن از انسان دور می گرداند، و موجب برآورده شدن حاجات، و رسیدن به آرزوهاست.

و بهترین خواسته برای بنده مؤمن طلب مغفرت از خداوند متعال، و تفاضای رسیدن به رحمت الهی، و نجات از عذاب برزخ و قیامت است. و نیز مستحب

---

۱. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۷۷.

## فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۶۷

است که از آب زمزم برداشته، و به دوستان خود هدیه نماید، و خواستن آب زمزم از حجاج استحباب دارد، و در روایت است که رسول خدا ﷺ زمانی که در مدینه بودند، از کسانی که از مکه می آمدند می خواستند که از آب زمزم به آن حضرت هدیه دهند.

و چه بسیار از علما که از آب زمزم برای توفیق در تحصیل علم، و رفع امراض و برآورده شدن حوائج نوشیده، و به آرزوی خود رسیده اند.

### مستحبات مکه مکرمه

۱. پس از فارق شدن از طواف حج، برای هر یک از والدین و همسر و فرزندان و نزدیکان و همشهریان خود یک طواف همراه نمازش به جا آورد، و می تواند از طرف همه یک طواف به جا آورد.

۲. در مدتی که حاجی در مکه هست سیصد و شصت و چهار طواف به جا آورد، و اگر امکان ندارد سیصد و شصت و چهار شوط طواف کند، که برابر با پنجاه و دو طواف می شود، و اگر نمی تواند هر اندازه که امکان دارد طواف کند.

۳. زیارت و خواندن نماز و دعا در محل ولادت حضرت رسول ﷺ. این محل در گذشته در یکی از کوچه های سوق اللیل قرار گرفته بود، و در وضع فعلی در مقابل میدان روبروی صفا و مروه قرار دارد، که به صورت کتابخانه ای تحت اشراف وزارت حج و اوقاف درآمده است.

۴. ختم قرآن در مکه معظمه.

۵. تصمیم بر، آمدن مجدد به حج، که این تصمیم موجب طول عمر است، همان گونه که تصمیم بر نیامدن موجب کوتاهی عمر می شود.
۶. آمدن به حطیم که بین درب کعبه و حجرالأسود است، و مکان توبه حضرت آدم علیه السلام می باشد، و در روایت است که این مکان از شریف ترین بقاع ارض است، پس در این مکان نماز بگزارد، و دعا کند، و به پرده کعبه دست آویزد، و در مستجار که در مقابل حطیم کنار رکن یمانی قرار دارد، نیز همین اعمال را انجام دهد.
۷. زیارت خانه حضرت خدیجه علیها السلام، که پس از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن خانه زندگی می کرد، و در ضمن زادگاه حضرت فاطمه علیها السلام می باشد، و نیز محل وفات حضرت خدیجه علیها السلام است، که فعلاً به صورت مسجد در آمده است.
۸. رفتن به مسجد ارقم (راقم) و نماز خواندن و دعا کردن در آن مسجد.
۹. رفتن به غار حراء که در جبل النور است و آن غاری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از نبوت، در آن مکان خدا را عبادت می کرده، و محل نزول وحی بر آن حضرت است.
۱۰. رفتن به غار ثور که در جبل الثور است، و آن کوهی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان هجرت به مدینه، از شر کفار در آن محل مخفی شدند.
۱۱. زیارت قبر حضرت خدیجه علیها السلام در قبرستان حجون؛  
و آن زیارت چنین است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ الْمُؤْمِنَاتِ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْفَقَتْ مَالَهَا فِي نُصْرَةِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَنَصَرْتَهُ مَا اسْتَطَاعَتْ وَدَافَعَتْ عَنْهُ  
الْأَعْدَاءَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهَا جَبْرَائِيلُ، وَبَلَّغَهَا، السَّلَامَ مِنَ اللَّهِ الْجَلِيلِ،  
فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا أَوْلَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

«سلام بر تو ای مادر مؤمنان، سلام بر تو ای همسر سرور فرستادگان، سلام بر  
تو ای مادر فاطمه زهرا سرور بانوان دو جهان، سلام بر تو ای نخست بانوی مؤمن،  
سلام بر تو ای آن که دارایی اش را در راه پیروزی اسلام و یاری سرور انبیا هزینه  
کرد و دشمنان را از او دور ساخت، سلام بر تو ای آن که بر او جبرئیل درود فرستاد،  
و سلام خدای بزرگ را به او ابلاغ کرد، این فضل الهی گوارایت باد و سلام و  
رحمت و برکاتش بر تو باد».

۱۲. زیارت قبر حضرت ابوطالب علیه السلام که آن زیارت چنین است:

«السلام عليك يا سيد البطحاء وابن رئيسها، السلام عليك يا وارث الكعبة بعد  
تأسيسها، السلام عليك يا كافل الرسول وناصره، السلام عليك يا عمّ المصطفى وأبا  
المرتضى، السلام عليك يا بيضة البلد، السلام عليك أيها الذاب عن الدين، والباذل نفسه  
في نصرة سيّد المرسلين، السلام عليك وعلى ولدك أمير المؤمنين ورحمة الله وبركاته».

«سلام بر تو ای بزرگ سرزمین بطحا و فرزند رئیس آن، سلام بر تو ای وارث  
سرپرستی کعبه پس از تجدید بنا، سلام بر تو ای سرپرست و یاور پیامبر، سلام بر  
تو ای عموم حضرت مصطفی و پدر علی مرتضی، سلام بر تو ای بزرگ شهر،  
سلام بر تو ای مدافع دین و یار جانثار سرور پیامبران، سلام و رحمت و برکات  
الهی بر تو و بر فرزندان امیرمؤمنان باد».

۱۳. زیارت قبر حضرت عبدمناف جدّ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که آن زیارت چنین است:

«السلام عليك أيها السيد النبيل، السلام عليك أيها الغصن المثمر من شجرة إبراهيم الخليل، السلام عليك يا جد خير الوري، السلام عليك يا ابن الأنبياء الأصفياء، السلام عليك يا ابن الأوصياء الأولياء، السلام عليك يا سيد الحرم، السلام عليك يا وارث مقام إبراهيم، السلام عليك يا صاحب بيت الله العظيم، السلام عليك وعلى آباءك الطاهرين ورحمة الله وبركاته».

«سلام بر تو ای سید بزرگوار، سلام بر تو ای شاخه پر بار شجره (طیبه) ابراهیم خلیل عليه السلام، سلام بر تو ای جد بهترین آفریده‌ها، سلام بر تو ای پسر پیامبران برگزیده، سلام بر تو ای پسر اوصیای اولیا، سلام بر تو ای بزرگ حرم، سلام بر تو ای وارث مقام ابراهیم، سلام بر تو ای سرپرست بیت عظیم خدا، سلام بر تو و پدران و فرزندان پاکت و رحمت خدا و برکاتش بر همه شما باد».

١٤. زیارت قبر حضرت عبدالمطلب، جد پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله و آن زیارت چنین است:

«السلام عليك يا سيّد البطحاء، السلام عليك يا من ناداه هاتف الغيب بأكرم نداء، السلام عليك يا ابن إبراهيم الخليل، السلام عليك يا وارث الذبيح إسماعيل، السلام عليك يا من أهلك الله بدعائه أصحاب الفيل، وجعل كيدهم في تضليل، وأرسل عليهم طيراً أبابيل، ترميهم بحجارة من سجيل، فجعلهم كعصف مأكول، السلام عليك يا من تضرّع في حاجاته إلى الله، وتوسّل في دعائه بنور رسول الله صلى الله عليه وآله، السلام عليك يا من استجاب الله دعائه، ونودي في الكعبة، وبشر بالإجابة في دعائه، وأسجد الله الفيل إكراماً وإعظاماً له، السلام عليك يا من أنبع الله له الماء حتى شرب وارتوى في الأرض القفراء، السلام عليك يا ابن الذبيح وأبا الذبيح، السلام عليك يا ساقى الحجيج وحافر زمزم، السلام عليك يا من جعل الله من نسله سيّد المرسلين وخير أهل السماوات

فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۷۱

والأرضين، السلام عليك يا من طاف حول الكعبة وجعله سبعة اشواط، السلام عليك يا من رأى في المنام سلسلة النور وعلم أنه من أهل الجنة، السلام عليك يا شيبه الحمد، السلام عليك وعلى آباءك وأجدادك وأبناءك جميعا ورحمة الله وبركاته».

«سلام بر تو ای سید سرزمین بطحاء، سلام بر تو ای خواننده شده از سوی هاتف غیبی به بهترین صورت، سلام بر تو ای پسر ابراهیم خلیل، سلام بر تو ای وارث اسماعیل ذبیح، سلام بر تو ای آن که خدا اصحاب فیل را به دعای تو نابود کرد و توطئه شان را خنثی نمود، و بر سر آنان پرنده ابابیل فرستاد، و آنان را با سنگ های کوچکی هدف قرار داد و همه را چون کاه خورده شده قرارشان داد، سلام بر تو ای آن که متضرعانه عرض حاجت به درگاه الهی نمود، و در دعایش به نور رسول خدا ﷺ توسل جست، سلام بر تو ای آن که خداوند دعایش اجابت نمود، و در کعبه مورد ندای غیبی قرار گرفت، و مژده اجابت دعا به او داده شد، و خداوند فیل را به احترام او به زانو درآورد، سلام بر تو ای آن که به امر خداوند برایش آب از زمین جوشید تا او در سرزمین بی آب و علف سیراب گردید، سلام بر تو ای پسر و پدر ذبیح، سلام بر تو ای ساقی حجاج و حفرکننده چاه زمزم، سلام بر تو ای آن که خداوند در نسل او سرور پیامبران و بهترین آفریده های آسمان و زمین را قرار داد، سلام بر تو ای آن که بر گرد کعبه طواف کردی و طواف را هفت دور قرار دادی، سلام بر تو ای کسی که در خواب رشته نوری مشاهده و فهمید که او اهل بهشت می باشد، سلام بر تو ای شیبه الحمد، سلام بر تو و بر تمام پدران و اجداد و فرزندان، و رحمت و برکات الهی بر همه شما باد».

۱۵. زیارت قبر حضرت آمنه بنت وهب، مادر پیامبر اکرم ﷺ و آن زیارت چنین است:

«السلام عليك أيتها الطاهرة المطهرة، السلام عليك يا من خصّها الله بأعلى الشرف، السلام عليك يا من سطع من جبينها نور سيّد الأنبياء، فأضاءت به الأرض والسماء، السلام عليك يا من نزلت لأجلها الملائكة، وضربت لها حجب الجنة، السلام عليك يا من نزلت لخدمتها الحور العين، وسقيتها من شراب الجنة، وبشرتها بولادة خير الأنبياء، السلام عليك يا أمّ رسول الله، السلام عليك يا أمّ حبيب الله، فهنيئاً لك بما آتاك الله من فضل، والسلام عليك وعلى رسول الله صلى الله عليه وآله، ورحمة الله وبركاته».

«سلام بر تو ای بانوی پاک‌کننده و پاک‌شده. سلام بر تو ای بانویی که خدای متعال او را به بالاترین شرف مختص گردانید. سلام بر تو ای بانویی که نور سرور پیامبران از پیشانی تو درخشید و زمین و آسمان از آن نور پر شد. سلام بر تو ای بانویی که به خاطر او ملائک آسمان نازل شدند و حجاب‌های بهشت را برای تو نصب کردند. سلام بر بانویی که برای خدمت کردنش حورالعین از بهشت نازل شد و او را از شراب بهشت نوشاندند و مزده ولادت بهترین انبیا را به او دادند. سلام بر تو ای مادر رسول خدا، سلام بر تو ای مادر دوست خدا، گوارای تو باد آنچه از فضل خدا شامل تو شد. و سلام و رحمت خدا بر تو و بر رسول خدا ﷺ».

۱۶. زیارت قبر حضرت قاسم، فرزند پیامبر اکرم ﷺ و زائر چنین بگوید:

«السلام عليك يا سيّدنا يا قاسم بن رسول الله، السلام عليك يا ابن نبيّ الله، السلام عليك يا ابن حبيب الله، السلام عليك يا ابن المصطفى، السلام عليك وعلى من حولك



من المؤمنین والمؤمنات، رضي الله تعالى عنكم وأرضاكم أحسن الرضا، وجعل الجنة منزلکم ومسکنکم ومأواکم، السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته».

«سلام بر تو ای سرور ما؛ ای قاسم پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر پیامبر خدا، سلام بر تو ای پسر حبیب خدا، سلام بر تو ای پسر حضرت مصطفی، سلام بر مردان و زنان باایمان مدفون در اطرافت. خداوند از شما خشنود و شما را از خود به بهترین صورت خشنود گرداند، و بهشت را منزل و مأویتان قرار دهد، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد».

۱۷. زیارت و نماز خواندن و دعا کردن فراوان در مسجد غدیر خم، که بین راه

مدینه و مکه است، و در این محل بر پیامبر ﷺ آیه شریفه:

﴿بِأَيِّهَا الرَّسُولُ بَلَغَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ﴾<sup>۱</sup>

نازل گردید و آن حضرت مأمور به نصب حضرت امیرالمؤمنین علی ﷺ بر امامت

پس از خود، و اخذ بیعت از مردم برای آن حضرت گردید.

و پس از بیعت این آیه شریفه بر آن حضرت نازل گردید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾<sup>۲</sup>

و رسول خدا ﷺ پس از نزول این آیه فرمود:

«خدا بزرگ است، و ستایش بر اوست، که دین خود را کامل کرد، و نعمت

خود را تمام، و از آن راضی گشت، و ولایت را اختصاص به حضرت علی بن

ابی طالب ﷺ داد».

۱. مائده، ۶۷.

۲. مائده، ۳.

## مستحبات وداع و خداحافظی با کعبه

برای وداع کعبه مستحبات فراوانی است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. مقداری خرما خریده، و مشت مشت به فقرا صدقه دهد، تا کفاره احتمالی بعضی از تروک احرام که از روی غفلت انجام داده است، قرار گیرد.
۲. طواف وداع، که در آن رکن حجر و رکن یمانی را در صورت امکان در هر شوط استلام نماید، و الا فقط در ابتدا و اختتام طواف استلام کند.
۳. به مستجار بیاید، و دعای روز ورود به مکه را که اختصاص به این مکان داشت بخواند، و بسیار دعا کند.
۴. استلام حجر کرده، و شکم خود را به بیت بچسباند.
۵. حمد و ثنای حق را به جا آورده، و بر پیامبر اکرم و خاندانش صلوات الله علیهم أجمعین درود بفرستد، و بگوید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ. اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِيكَ وَفِي جَنبِكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينَ. اللَّهُمَّ اقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ مِمَّا يَسْعُنِي أَنْ أُطَلَّبَ أَنْ يُعْطِيَنِي مِثْلَ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ أَوْ فَضْلٍ مِنْ عِنْدِكَ يَزِيدُنِي عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنْ أَمَّنِّي فَاعْفِرْ لِي وَإِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ حَمَلْتَنِي عَلَى دَابَّتِكَ وَسَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَدْخَلْتَنِي حَرَمَكَ وَأَمَّنَكَ وَقَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ كُنْتَ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَارزُدْ عَنِّي رِضاً وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى، فَلَا تَبَاعِدْنِي وَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنَ الْآنَ فَاعْفِرْ لِي قَبْلَ

أَنْ تَنَّى عَنْ بَيْتِكَ دَارِي فَهَذَا أَوْ أَنْ أَنْصِرَافِي إِنْ كُنْتَ أَذْنْتَ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا عَنْ بَيْتِكَ وَلَا مُسْتَبَدِلٍ بِكَ وَلَا بِهِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي حَتَّى تُبَلِّغَنِي أَهْلِي وَآكْفِنِي مَثُونَةَ عِبَادِكَ وَعِيَالِي فَإِنَّكَ وَبِي ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَمِنِّي»<sup>۱</sup>.

«خداوندا! درود فرست بر محمد، بنده، و فرستاده، و امین، رازدار و برگزیده از میان آفریده‌هایت، خداوندا! همان‌طور که او پیامت را ابلاغ، و در راهت جهاد و دینت را آشکار و در راه تو برای دین تو تا لحظه مرگ رنج کشید، خداوندا! مرا با حاجات برآورده، با رستگاری و دعای مستجاب بازگردان، همان‌طور که به بهترین فردی که از واردان بر خویش را با مغفرت و خشنودی و عافیت باز می‌گردانی، خدایا آنچه را از تو می‌توانم بخواهم این است که به بهترین صورتی که به بهترین بندهات می‌بخشی و افزون از آن به من عطا کن. خداوندا! هرگاه که مُردم پس مرا بیمارز و اگر زنده‌ام داشتی، پیشاپیش روزی‌ام ده. خداوندا! این زیارت را برایم آخرین زیارت خانهات قرار مده. خداوندا! من بنده و فرزند بنده و فرزند کنیز تو هستم، مرا بر مرکب سوار و از مسیر شهرهایت به حرم امانت رساندی، و گمان نیکنم به تو این است که گناهانم را بیمارزی، و چنانچه آمرزیده‌ای، خشنودی‌ات را از من افزون ساز، و به مقام قربت نائل ساز و دورم نساز و اگر نیامرزیده‌ای اکنون مرا بیمارز پیش از آنکه خانه تو را به سوی خانه‌ام ترک کنم، اینک آغاز بازگشتم می‌باشد، اگر اجازه‌ام دهی، بی‌آنکه به تو و خانهات بی‌رغبت شده و جایگزینی برای تو و خانهات گرفته باشم، خداوندا مرا از پیش

۱. طوسی، مصباح‌المتجهج، ج ۲، ص ۷۰۷-۷۰۸.

رو و از پشت سر، از راست و چپ محافظت فرما، تا مرا به خانواده‌ام برسانی و چون رسیدم، هزینه زندگی‌شان را کفایت کن، که تو کفایت‌کننده من و دیگر آفریده‌هایت می‌باشی».

۶. به چاه زمزم برود، و از آن بنوشد، ولی به سر نریزد، و سپس بگوید:

«أَيُّونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ، لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ، إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ إِنْ شَاءَ

اللَّهُ»<sup>۱</sup>.

«ما از مشتاقان و تائبان و عابدان، حمدکنندگان پروردگاران هستیم که به سوی پروردگاران مشتاقانه بازگشته و رجعت می‌کنیم».

۷. به مقام حضرت ابراهیم علیه السلام رفته، و پشت مقام دو رکعت نماز بخواند.

۸. به ملتزم رفته، شکم را برهنه کند، و به اندازه مدت هفت و یا هشت شوط در آنجا بماند.

۹. به طرف حجرالأسود آید و آن را ببوسد، و مسح کرده و به صورت بکشد.

۱۰. به درب خانه کعبه آمده، و دستش را روی آن قرار دهد، و بگوید:

«الْمَسْكِينُ عَلَى بَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ».

«مسکین بر در خانه‌ات آمده پس بهشت را به او عطا نما».

۱۱. در مقابل درب مسجد، سجده طولانی به جا آورد، و سپس بر قدم‌ها بایستد

و رو به کعبه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْقَلَبُ عَلَى لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

---

۱. کلینی، الکافی، ج ۹، ص ۲۰۲.

فصل دوم / مستحبات و مکروهات حج ..... ۲۷۷

«خداوندا! من برمی‌گردم در حالی که بر این عقیده‌ام که معبودی جز

تو نیست».

۱۲. از باب حنّاطین خارج شود.



## كتاب نامه

١. قرآن كريم.
٢. اقبال الاعمال، ابن طاووس، سيدعلى بن موسى، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٤٠٩ق.
٣. بحار الانوار، مجلسي، محمدباقر، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.
٤. تهذيب الاحكام، طوسي، محمد بن حسن، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٤٠٧ق.
٥. مستدرک الوسائل، محدث نوري، ميرزا حسين، بيروت، مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، ١٤٠٨ق.
٦. مصباح المتهجد، طوسي، محمد بن حسن، بيروت، مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ق.
٧. من لا يحضره الفقيه، صدوق، محمد بن علي، قم، نشر اسلامي، ١٤٠٤ق.
٨. وسائل الشيعة، حر عاملي، محمد بن حسن، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث، ١٤١٤ق.

